



**آموزش کاربردی جهت ایجاد نهضت های تاسیس کلیسا  
در مناطق (حصادهای) نادیده گرفته شده**

R. Bruce Carlton

## فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان	شماره بخشها
۴	قدردانی و تشکر	
۵	پیشگفتار	
۶	مقدمه	
۸	مقدمه ای بر آموزش	۱
۱۱	هدف ایجاد نهضت های تاسیس کلیساهای جدید است	۲
۱۷	کلیسای خانگی آزاد	۳
۲۰	منظور از هماهنگ کننده خط مشی چیست؟	۴
۲۵	هدف یا رویای نهایی	۵
۳۰	حصاد و کارگران حصاد / برنامه ریزی و پژوهش	۶
۳۳	بینش مردم و تحقیق پیرامون حصاد	۷
۴۶	نحمیا	۸
۴۷	مقدمه طرح جامع و طرح پژوهشی	۹
۵۲	راهنمای دعای پیاده	۱۰
۵۹	تجربه دعای پیاده	۱۱
۶۰	جنگ روحانی	۱۲
۶۶	صندوق عهد نمونه ای از یک ایماندار	۱۳
۷۲	دعا بعنوان یک خط مشی یا فن جنگی	۱۴
۷۶	طرح کلی دعا	۱۵
۷۹	یوشع	۱۶

شماره بخشها	عنوان	شماره صفحه
۱۷	نظر کتابمقدس دربارهٔ مشارکت	۸۱
۱۸	آنها را بیاموزید که اطاعت کنند	۸۴
۱۹	دنیای مسیحیان بشارتی	۸۸
۲۰	شراکت	۹۳
۲۱	طرح جامع برای شراکتها	۹۵
۲۲	مقدمه ای بر جایگاهها	۹۸
۲۳	بسط موضوع جایگاه	۱۰۲
۲۴	طرح جامع جایگاهها	۱۰۶
۲۵	اناجیل	۱۱۰
۲۶	برداشت صحیح	۱۱۱
۲۷	شاگردسازی از طریق تعریف داستان	۱۲۰
۲۸	یکصد گزینهٔ خدمتی	۱۳۵
۲۹	طرح جامع برای بشارت و شاگردسازی	۱۳۹
۳۰	اعمال رسولان	۱۴۳
۳۱	طرح توسعه تاسیس کلیسا	۱۵۰
۳۲	ویژگیهای نهضت تاسیس کلیسا	۱۷۰
۳۳	موانع در نهضت های تاسیس کلیساهای جدید	۱۸۷
۳۴	طرح جامع برای تاسیس کلیسا	۱۹۴
۳۵	تصمیمی که به نهضت های تاسیس کلیساهای جدید منتج خواهد شد	۱۹۸

## قدردانی و تشکر

صمیمانه ترین تشکرات قلبی ام را به همسرم گلوریا که ظرف ۲۵ سال گذشته همیشه مرا تشویق و همراهی نموده، تقدیم میکنم. همچنین از حمایت‌های او که در سه سال اخیر باعث تدوین این کتاب آموزشی شده بسیار سپارگزارم.

از "کریس" که صبورانه مرا در تهیه و ارائه این کتاب یاری نمود تشکر میکنم و در نهایت از اشخاصی چون آلبرت، پراشانت، هارسون، یشوانت، دینش، پرابک، سام، دانیال، فرجی، هاریش، موهان، بابو، شالم، ماهش و افراد بشمار دیگری که وقت خود را صرف آموزش و اجرای این موارد در زندگی و خدمتشان نمودند عمیقاً "قدردانی میکنم.

در نتیجه این دوره ها کلیساهای خانگی بیشماری اکنون در مکانهایی تاسیس شده اند که هرگز کلیسایی وجود نداشته و بسیاری از آنها در حال توسعه و تاسیس کلیساهای دیگر در جنوب آسیا میباشند.

## پیشگفتار

عناوین برخی از کتابها، مبهم و حتی در بعضی مواقع بی معنی میباشند. اما بر روی عنوان این کتاب آموزشی میتوان به اندازه چند جلد کتاب صحبت کرد. بروس کارلتون سعی دارد تا کلیسای جهانی را بیدار کند و با کنار زدن تاریخ به مسئولیتی که برگردنش است بپردازد. ماموریت بزرگ بشارت، آخرین دستور مسیح بود که اکنون اولین الویت کلیسایش میباشد. کتاب فوق خواننده را در این راستا ترغیب و مساعده مینماید.

اعمال ۲۹ اشاره به این حقیقت دارد که کلیسا، هم قادر است و هم باید در بشارت پیام انجیل به اقصای جهان تا بازگشت عیسی مسیح کوشا باشد. زمانیکه مسیح بازگشت نماید کلیسایش را مشغول چه کاری خواهد یافت؟ بعضی کلیساها مشغول خدمت به همان اعضای قدیمی با همان روشهای یکنواخت گذشته خواهند بود. اما برخی دیگر پا فراتر از جایگاههای آرام و یکنواخت خود نهاده، به تبشیر پیام انجیل خواهند پرداخت. تجربه و تعلیم بروس نشان میدهد که آرزوی قلبی او شتابانیدن ملکوت خدا در هر کلیسا میباشد. او با مهارت کامل تمایل رفتن به مکانهای نادیده گرفته شده دنیا را، در قلب مردم ایجاد میکند.

این اثر باید بطور کامل مطالعه و بررسی شود و مطالب الهامی را در جهت نیل به انجام دعوت الهی گردآوری نماید.

با آرزوی اینکه هر خواننده با هدف انجام کامل آن مشغول به خواندن این کتاب شود! حال پیش بسوی هدف!

دکتر کیت ای. ایتل استاد دانشگاه کریستین میشن (ساوتن باپتیست)

واقع در ویک فورست، کارولینای شمالی

## مقدمه

هدف Rapid Advance در آسیای جنوبی هدایت کلیسا در ایجاد نهضت های تاسیس کلیساهای جدید بین گروههای مردمی مختلف در شهرهای گوناگون ظرف ده سال میباشد.

در رابطه با گسترش پیام انجیل، آسیای جنوبی کمترین توجه و رسیدگی را در سطح جهانی دارا بوده. Rapid Advance از ژانویه سال ۲۰۰۰ در تجهیز خادمین و تسهیل روند ایجاد نهضت های تاسیس کلیساهای جدید با مسیحیان سراسر آن مناطق مشارکت و همکاری داشته است.

نتیجه این آموزش بسیار پر ثمر بوده بطوریکه هزاران ایماندار جدید در گروههای خانگی جمع شده، مرتب در حال توسعه و تکثیر به گروههای خانگی جدیدتر میباشند.

اتمام این دوره و اعمال تمام راهبردهای آن، تضمینی برای ایجاد نهضت های تاسیس کلیسا نمیباشد. اکثر مطالب این کتاب از کلام خدا و تحقیقات بر نهضت های تاسیس کلیساها که در کشورهای مختلف در گذشته انجام شده، میباشد. گروههای مردم شبیه به هم نیستند و نتایج نهضت های تاسیس کلیساها در سراسر جهان با هم متفاوت بوده است. هر تجربه با تجربه دیگر تفاوت دارد. روشها و اصولی که در اینجا آموزش داده شده در بسیاری از گروههای مردمی موفق بوده است. اعتقاد من بر این است که استفاده از این آموزه ها در خدمات شما برای تاسیس کلیساهای جدید نیز تأثیر بسزائی خواهند داشت.

کلیه آموزه های این کتاب بر اساس دوم تیموتاوس ۲:۲ میباشد که در آن پولس رسول به تیموتاوس چنین مینویسد "آنچه را که در حضور گواهان بسیار از من شنیدی، به مردمان امینی بسپار که از عهده آموزش دیگران نیز برآیند."

در این کتاب آموزشی، ضمائری که مذکر هستند فقط بمنظور راحتی کار بکار گرفته شده اند و به این مفهوم نمیباشد که نهضت تاسیس کلیسا فقط توسط مردان انجام میشود. خادمین زن هم میتوانند در این خدمت سهیم باشند.

همچنین واژه "گروه مردمی" که در سراسر این کتاب بکار گرفته شده برای تسهیل کار است. بنابراین یک "گروه مردمی" میتواند بخشی از جمعیت یک کشور که به زبان و لهجه خاصی صحبت میکنند، یا هم فرهنگ میباشند و یا به یک منطقه جغرافیایی مثل شهر، روستا یا شهرک تعلق دارند اتلاق شود.

کتاب آموزشی فوق همراه با کتاب راهنمای تعلیمی آن، نتیجه بیش از سه سال آموزش فشرده به حدود ۱۰۰۰ خادم مسیحی که از روستاها و شهرهای آسیای جنوبی گرد آمدند میباشد. با تشکیل این جلسات تعلیمی، من، هم به ویرایش کتاب و همچنین اصلاح نحوه ارائه مطالب پرداختم. صحفاتی که پیش روی شماست حاصل تعلیماتیست که به این مردان و زنان داده شده است.

دعای من این است که این کتاب آموزشی و راهنمای تعلیمی آن، ابزار مهم و موثری برای بسیاری از "قهرمانان ایمان" که خدا از طریق این دوره ها به من بخشیده باشند.

## بخش ۱

### مقدمه ای بر آموزش

پس از این وقایع، عیسی بار دیگر خود را در کنار دریاچهٔ تیبریّه بر شاگردان نمایان ساخت. او اینچنین نمایان گشت: روزی شمعون پطرس، تومای معروف به دوقلو، نتائیل از مردمان قانای جلیل، پسران زبدي و دو شاگرد دیگر با هم بودند. شمعون پطرس به آنها گفت: «من به صید ماهی می‌روم.» آنها گفتند: «ما نیز با تو می‌آییم.» پس بیرون رفته، سوار قایق شدند. اما در آن شب چیزی صید نکردند. سحرگاهان، عیسی در کنار ساحل ایستاد؛ اما شاگردان دریافتند که عیسی است. او به آنها گفت: «ای فرزندان، چیزی برای خوردن ندارید؟» پاسخ دادند: «نه!» گفت: «تور را به جانب راست قایق بیندازید که خواهید یافت.» ایشان چنین کردند و از فراوانی ماهی قادر نبودند تور را به درون قایق بکشند. شاگردی که عیسی دوستش می‌داشت، به پطرس گفت: «خداوند است!» شمعون پطرس چون شنید او خداوند است، دردم جامهٔ خود را گرد خویش پیچید - زیرا آن را از تن به در آورده بود - و خود را به دریا افکند. اما دیگر شاگردان با قایق آمدند، در حالی که تور پر از ماهی را با خود می‌کشیدند، زیرا فاصلهٔ آنها با ساحل فقط دویست ذراع بود. چون به ساحل رسیدند، دیدند آتشی با زغال افروخته است و ماهی بر آن نهاده شده، و نان نیز هست. عیسی به ایشان گفت: «از آن ماهیها که هم‌اکنون گرفتید، بیاورید.» شمعون پطرس به درون قایق رفت و تور را به ساحل کشید. تور پر از ماهیهای بزرگ بود، به تعداد صد و پنجاه و سه ماهی. و با اینکه شمار ماهیها بدین حد زیاد بود، تور پاره نشد. (یوحنا ۲۱:۱-۱۱)

آیات مذکور به زمانی اشاره میکند که عیسی برای دومین بار خود را به شاگردان خویش در هنگامی که در حال ماهیگیری بودند ظاهر ساخت. این مطلب که برای اولین بار در انجیل لوقا باب ۵ ثبت شده، به زمانی اشاره میکند که عیسی از این مردان دعوت نمود تا او را متابعت نمایند.

واقعه فوق در انجیل یوحنا باب ۲۱ حاکی از پیام خاصی است. این افراد عیسی را بیش از سه سال پیروی نمودند. آنها با او قدم زدند، با او زندگی کردند، از او تعلیم گرفتند و قدرت او را مشاهده نمودند. آن اشخاص دیدند که عیسی مریضان را شفا داد، دیوها را اخراج نمود و بسیاری را از لحاظ روحانی احیا نموده به ملکوت خدا هدایت کرد. تصور کنید که در این چند سال آنان چیزهای بسیاری را از عیسی آموخته بودند. با این وجود، پس از موت عیسی به کار و کسب اولیه خود "ماهیگیری" بازگشتند! مثل این است که بخود گفته باشند: "سالهای اخیر چقدر عالی بود. حقیقتاً" که با مردی خداگونه و شگفت‌انگیز همراه بودیم، اما اکنون همه چیز تمام شده است. بگذارید تا به شغل ماهیگیری خود باز گردیم.

این درست مثل اولین باری بود که عیسی با آنان در حین ماهیگیری روبرو شد که پس از ساعتها تلاش هیچ صید نکرده بودند. این بار، عیسی به آنان میگوید که برای گرفتن ماهی دام خود را به آنطرف قایق بیندازند. شاگردان تور خود را، همانطور که عیسی فرمان داده بود بطرف راست قایق انداختند و درست مثل بار اول ماهی بسیاری صید کردند.

دروس نهضت‌های تاسیس کلیساهای جدید به گونه ای طراحی شده است تا بیاموزیم که چگونه با نتایج عالی به صیادی جانها پردازیم. بسیاری از ما خادمین در خدمات کلیسایی خود الگوهای خاصی را ایجاد میکنیم. البته بعضی از سبکهای خدمتی با واکنشهای خوبی روبرو میشوند. اما برخی دیگر خیر. غالباً فقط بدلیل اینکه با این روشها خوب آشنایی



داریم و با آنها رشد کرده ایم آنها را بکار میبندیم. گاهی لازم است که شخصی آمده و بما بیاموزد که چگونه بتوانیم بطرز موثرتری صید جانها نمائیم.

ما اکثراً "دوست داریم که شاهد ایمان آوردن مردم باشیم. علاقمندیم که تاسیس کلیساهای جدید را نظاره کنیم. و جدا" مشتاق توسعه ملکوت خدا در گروه های مردمی مورد نظرمان هستیم. مشکل اینست که روشهای کنونی ما در انجام خدمات کلیسایی جوابگوی انتظارات ما نیستند. اما هنوز هم در این رابطه کاری نمیکنیم و نمیخواهیم روشهای گوناگون را بکار بندیم. شاید به این دلیل است که بجز روشهای خدمتی کنونی با روش دیگری برای خدمت کردن آشنا نیستیم. شاید هم تابحال کسی بما نشان نداده است که حاصل صید جانها برای ما تا چه حد عظیم میتواند باشد.

میخواهیم سوار بر قایق شده و چند روزی را در یک آموزش فشرده بسر ببریم. این دوره مانند انداختن تور به آن طرف قایق میباشد. هدف این است که با کمک این دروس بتوانیم راههای موثر دیگری برای شاگردسازی و بنای کلیسای جدید بیاموزیم. اصول کتابمقدسی این دوره بما بجهت تسهیل در رشد سریع و افزایش شاگردان و کلیساهای مدد خواهد نمود. با سخنکوشی چیزهای بسیاری خواهیم آموخت. موفقیت آمیز بودن این دوره بستگی به تصمیم شما دارد که آیا بعنوان یک شرکت کننده حاضرید با ایمان روشهایی را در صید کردن جانها بیاموزید که در نتیجه آن تورهائتان از پری بمرز از هم گسستگی برسد!

درخاتمه این دوره هر یک از ما، درست مثل شاگردان مسیح، باید تصمیمی جدی بگیریم. شاگردان از زمانی که با مسیح بودند چیزهای بسیاری آموختند. اما پس از مرگش زمانیکه دیگر در میان آنان نبود، شاگردان به زندگی قبلی خود بازگشتند. ما هم به همانصورت با یک تصمیمگیری مواجه خواهیم شد. زمانیکه آموزش پایان میپذیرد و هر کدام از ما به خدمات کلیسایی خود بازمیگردیم آیا به روشهای خدمتی قدیمی خود بازمیگردیم یا اینکه آنچه را که در اینجا فرا میگیریم در خدمات کلیسایی خود اعمال مینمائیم؟

فراموش کردن مطالب این دوره بسیار ساده است. خیلی ساده خواهد بود که پس از بازگشت به خانه هایمان بگوئیم: "دوره آموزشی خوبی بود. از مطالبی که شنیدیم بسیار هیجان زده شدیم. مشارکت خوبی با سایر ایمانداران داشتیم. اما اکنون همه چیز تمام شده. وقت آنست که سر کارم برگردیم." بازگشت به روشهای قدیمی بسیار وسوسه انگیز است چون با آنها خوب آشنا هستیم.

چالش ما در این است که از وسوسه بگریزیم. اصول کتابمقدسی و ابزارهای مختلفی که در این دوره آموزشی ارائه میگردند ما را در رشد سریع کلیسا در جامعه مورد نظرمان یاری خواهد نمود. اما در حین فراگیری روشهای "صید هنگفت جانها" لازم است در نظر داشته باشیم که آنها را در خدمات کلیسایی خود اعمال نمائیم.

هدف و خلاصه مطلب این دوره این است که بیاموزیم چگونه میتوانیم صید جانهای بیشتری داشته باشیم. بطور فشرده کلام خدا را بررسی خواهیم کرد و اصول بسیاری از آن خواهیم آموخت. برای شاگردسازی و تاسیس کلیساهای جدید ابزار کاربردی خواهیم یافت. فنون جامعی برای خدمات کلیسایی خود تهیه خواهید کرد که آنها را مثل نقشه راه بکار خواهید گرفت. کلیه این فعالیتها ما را در افزایش و رشد سریع شاگردان و کلیساهای در جوامع مورد نظرمان یاری خواهند کرد.

من شما را به چالش دعوت میکنم که با افکاری باز درجهت آموختن صید عظیمتر جانها به این دوره نزدیک شوید. من همچنین از شما میخواهم تا آنچه را که میآموزید در خدمات کلیسایی خود اعمال کنید. فکر میکنم که از نتایج آن در کلیسای خود تعجب خواهید کرد. ایمان دارم که شاهد رشد شاگردان، هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفی خواهید بود. باور من اینست که شما شاهد آغاز جنبشی خواهید بود که باعث تاسیس کلیساهای جدید خواهد شد.

اکنون بیائید نگاهی به بخش دیگری از کلام خدا بیاندازیم. جامعه ۹:۱ میگوید "آنچه بوده است همان است که خواهد بود، و آنچه شده است همان است که خواهد شد و زیر آفتاب هیچ چیز تازه ای نیست." در واقع آنچه که ما در این دوره از نهضت های تاسیس کلیساهای جدید خواهیم آموخت هیچ چیز تازه ای نیست. اصولی که میآموزیم ریشه محکمی در کلام خدا دارند. در این دوره آموزشی ما به مطالعه چهار کتاب از کتابمقدس بنامهای یوشع، نحما، یکی از اناجیل و اعمال رسولان خواهیم پرداخت. خواهیم دید که اصول جنبشهای تاسیس کلیساهای جدید از کلام خدا گرفته شده اند. در خواهیم یافت که شاگردسازی از همان ابتدا طرح عیسی مسیح بود. خواهیم دید که اصول رشد و افزایش سریع کلیسا از کتاب اعمال رسولان پایه گذاری شده است. حقیقتاً که زیر آفتاب هیچ چیز تازه ای نیست.

شاید بعضی از این اصول کتابمقدسی بنظر شما جدید بیایند. اما بخاطر بسپارید که مبانی نهضت های تاسیس کلیسای جدید حاصل اندیشه بکر یک شخص خاص نبوده است. در ماموریتها و فعالیتهای روحانی مُد و جنبشهای زودگذر وجود ندارد. این اصول و مفاهیم کلام خدا هستند که از هزاران سال پیش وجود داشته اند.

هیچ چیزی تازه زیر آفتاب، فراگیری روشهای صید پر بارتر جانها، پذیرفتن اعمال آنچه میآموزیم بجای بازگشت به روشهای قدیمی – اینها مطالبیست که لازم است در حین سوار شدن به قایق این دوره آموزشی بخاطر بسپاریم. از خداوند بخواهیم که حکمت لازم را جهت درک این اصول و مفاهیم بما ببخشد.

## **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

در ذیل دو یا سه نکته عمده و قابل توجه که از این درس فرا گرفته اید و بنظر شما برای خدمت کلیسایی خود مفید خواهند بود را مرقوم فرمائید.

## بخش ۲

### هدف ایجاد نهضت های تاسیس کلیساهای جدید است

من مقام یا مسئولیتی در قبال نهضت های تاسیس کلیساهای جدید ندارم. فکر نمیکنم که چنین شخصی را هم بتوان با این عنوان یافت. من خود را نیز یک کارشناس الهیاتی در رابطه با نهضت های تاسیس کلیسای خانگی نمیبینم. اما این فرصت را داشته ام که در آغاز یک نهضت شگفت انگیز تاسیس کلیسای در کمبوجیه واقع در جنوب شرقی آفریقا شرکت داشته باشم. من حتی کار و تعلیم با افراد فعال در جنبشهای تاسیس کلیسای را در آسیای جنوبی تجربه نمودم. من شخصا" کار خدا را توسط افرادی که در اطاعات از او مبنی به امر شاگردسازی با جدیت مشغول بوده اند مشاهده کرده ام.

دیده ام که چطور خدا از افراد بسیار ساده برای ایجاد نهضت تاسیس کلیسای جدید استفاده کرده است. از افراد فعالی که در تدارک یک نهضت تاسیس کلیسای خانگی در یک جامعه فعال بوده اند سرگذشتها شنیده ام. دوره های مربوط به تاسیس کلیسای خانگی در سراسر دنیا را گذرانده ام. همچنین بر نمونه های کلیساهایی که سالها از تاسیس آنان گذشته بود اما در بشارت به مردم اطراف خود ناموفق بوده اند مطالعات تحقیقاتی انجام داده ام.

در نتیجه از این تجربیات و مطالعات فشرده هدف از خدمت هماهنگ کننده خط مشی آماده سازی نهضت تاسیس کلیسای خانگی بومی بین گروهی از مردم میباشد. براستی متقاعد شده ام که کلیه فعالیتهای خدمتی و تبلیغی مسیحی باید در جهت آماده سازی نهضت تاسیس کلیسای خانگی در بین گروههای مردمی باشند.

هدف کلی اینست که شاهد جلال یافتن خدا در زندگی افرادی باشیم که خود آنها را آفریده است. میلیونها انسانیکه مخلوق را بعوض خالق میپرستند جلال را از خدا ربوده اند. بله هدف ما اینست که شاهد جلال یافتن خدا در میان همه باشیم و بعقیده من این هدف توسط یاری نمودن به نهضت تاسیس کلیسای خانگی قابل دستریست. بنابراین قصد ما مشاهده یک نهضت تاسیس کلیسای است که در آن مردم با زندگی خود خدا را احترام نموده و جلال میدهند. چنین نهضت تاسیس کلیسای باید قادر به تکمیل کار بشارت به گروه خاصی باشد. علاوه بر این، فعالیت کلیساها در این نهضت باید ورای آن گروه مردمی گسترش یافته و بشارت را به مردم دیگر نیز برساند.

برخی با نهضت تاسیس کلیسا بعنوان یک هدف مخالفند. هنوز کسانی هستند که معتقدند ماموریت کلیسا بسادگی بشارت و شاگردسازیت و نه تاسیس کلیساها. هر چند من معتقدم که نقشه خدا از شاگردسازی ایمانداران تشکیل یک جامعه از مردان و زنان خداست که آنها کلیسای مسیح مینامیم. بعقیده من بهترین روش برای بشارت دادن بطور کامل به گروهی از مردم اینست که اینکار توسط کلیساهای بومی صورت پذیرد که قادر باشند خود را تکثیردهند.

قائل شدن یک تعریف برای نهضت تاسیس کلیسا که رضایت همه گروه ها را جلب نماید کار بسیار دشوار است. این نهضت شامل اجزای بسیار است که نمیتوان همه آن ویژگیها را در یک تعریف ساده گنجاند. با این حال یک تعریف کاری مورد نیاز است. تعریف من بدین شرح است.

نهضت تاسیس کلیسای خانگی روندیست تحت کنترل روح القدس در تکثیر سریع و چندگانه کلیساهای محلی بین گروه های خاص مردم بگونه ای که هر شخص بطور انفرادی فرصت خواهد یافت تا خبر خوش عیسی مسیح را بشنود و به آن پاسخ دهد.

نقش هماهنگ کننده خط مشی ایجاد سهولت برای افزایش سریع کلیساها در یک گروه از مردم است. این دوره تعلیمی شخص را با تعالیم اساسی و مهارتهای عملی تجهیز نموده تا به هدف فوق نائل گردد. هماهنگ کننده خط مشی توسعه و فعالیت خود را با بهره گیری از یک طرح اصلی جامع که او را با اشتیاق تام متمرکز نظارت بر رساندن بشارت کامل انجیل عیسی مسیح به کل گروه مردم میکند انجام میدهد. میخوایم تاکید کنم که یک جنبش تاسیس کلیسایی بدلیل وجود این طرح جامع نیست که موفق میشود. بدون شک بی نظیر بودن یک جنبش تاسیس کلیسایی حقیقی، قطعاً بدلیل تحت کنترل روح القدس قرار داشتن بوده است، و این از هر روشی والاتر است که من یا هر کس دیگری بتواند ارائه نماید.

من کاملاً نیاز به یک طرح جامع را تأیید میکنم. خدمات ما باید بر اساس اصول محکم کتابمقدس استوار باشند. باید با جد و جهد این اصول را در زمینه خود اعمال نمائیم. همچنین نیاز داریم که از کارشناسان روش شناسی بیاموزیم چون آنها موفقیت خود را در سراسر جهان اثبات کرده اند. شاید هم آنها را بجهت همکاری بکار بگیریم، اما خدا انتظار دارد که ما حکیم و وفادار بر کلیه منابع مان اعم از زمان و استعدادهایمان باشیم.

اعتقاد من بر این است که سرآغاز بسیاری از نهضت های تاسیس کلیسایی مدیون طرح راهبردی - الهامی روح القدس است که انجیل عیسی مسیح را به گروههای مردم میرساند. اگرچه احتمال دارد که جرقة یک نهضت تاسیس کلیسایی توسط یک طرح جامع آغاز شده باشد اما طولی نخواهد کشید که بقایش را بطور مستقل ادامه دهد. خوشحالم از اینکه می توانم در قسمتی از یک رویداد الهی که تحت نفوذ و کنترل روح القدس است سهیم باشم. در انجیل مرقس ۲۶:۴-۲۹، عیسی مثل شگفت انگیزی را بصورت زیر بیان میکند.

«پادشاهی خدا مردی را ماند که بر زمین بذر می افشاند. ۲۷ شب و روز، چه او در خواب باشد و چه بیدار، دانه سبز می شود و نمو می کند. چگونه؟ نمی داند. ۲۸ زیرا زمین به خودی خود بار می دهد: نخست ساقه، سپس خوشه سبز و آنگاه خوشه پر از دانه. ۲۹ چون دانه برسد، برزگر بیدرنگ داس را به کار می گیرد، زیرا فصل درو فرارسیده است.» (مرقس ۲۶:۴-۲۹)

این شرح زیبایی از چگونگی جنبش تاسیس کلیساست. در این مثل برزگر بسادگی بیرون رفته بذرهاش را بر زمین می افشاند. او صبح برمیخیزد و بذرش را میپاشد. تمام روز مشغول کاشتن دانه هایش است. او همین کار را روزها با این ایمان تکرار میکند که بالاخره روزی تلاشش ثمر خواهد آورد. اگر او باور نمیداشت که تلاشش ثمر خواهد آورد، هرگز بذر نمی کاشت.

اکثر کسانی که بین افراد مترود یا شرایط سخت خدمت میکنند شناختی در مورد کاشتن بذر دارند. خیلی از ما بیشتر وقتمان را صرف بذرپاشی میکنیم. هر روز پس از دیگری به کاشتن بذرها در بین گروه مردمی که خدا از ما دعوت بخدمت نموده مشغول میشویم.

در این مَثَل مسیح بما وعده داده است که زمانی برای درواختصاص خواهد یافت. کلیه بذرهایی که توسط برنامه های رادیویی، توزیع کلام خدا، نمایش فیلمهای عیسی و گفتگوهای انفرادی، در نتیجه به یک حصاد تبدیل خواهند شد. این ایمان ماست اگرچه آنرا نمیبینیم. ما ایمان داریم در غیر اینصورت بذری نمیکاشتیم. حقیقتاً "کلام خدا میگوید" به یاد داشته باشید که هر که اندک بکارد، اندک هم خواهد دروید، و هر که فراوان بکارد، فراوان هم برخواهد داشت." (دوم قرنتیان ۹:۶).

از این گذشته خیلی از ما معتقدیم که این وعده توسط اشعیای نبی بما بخشیده شده است:

"وچنانکه باران و برف از آسمان میبارد و به آنجا بر نمی گردد بلکه زمین را سیراب کرده، آن را بارور و برومند میسازد و برزگر را تخم خورنده را نان میبخشد، همچنان کلام من که از دهانم صادر گردد خواهد بود. نزد من بی ثمر نخواهد برگشت بلکه آنچه را که خواستم بجا خواهد آورد و برای آنچه آن را فرستادم کامران خواهد گردید." (اشعیا ۵۵:۱۰-۱۱)

خاک زمین حصاد را تولید میکند. ابتدا با یک جوانه آغاز میگردد. این مسئله در رابطه با اعتماد نوایمانان به خداوند بعنوان حصاد تلقی میگردد. نوایمانان مشکل زیادی با مسئله خدمت دارند، درست مثل مشکلی که جوانه محصول اولیه دارد. بدون رسیدگی مناسب، این نوایمانان به مذهب گذشته خود بازمیگردند. این چیز است که در سراسر دنیا اتفاق می افتد. در جاهایی که حصاد فراوان نیست و ایمانداران جدید بخاطر ایمانشان در جفا بسر میبرند این مسئله یک مشکل عمده بحساب می آید.

جوانه نام یک مرحله بحرانی است که در آن بذر کاشته شده رشد کرده شروع به ثمر آوردن میکند. اینجاست که دوره شاگردسازی باید بطور فشرده تعلیم داده شود و الگوسازی گردد. ما دروس شاگردسازی را سطحی آموزش نمیدهیم بلکه آنها را همراه با نمونه ارائه میدهیم. ما باید خود را مرشد این نوایمانان بدانیم. کار مربیان مسئولیتی است که نوایمانان را تا رسیدن به بلوغ ایمانشان مساعدت مینمایند.

در این مرحله ما باید حقیقت موجود در "اصل ۲۲۲" را در زندگی خود و نوایمانان جا بیاندازیم. شخصیت و رفتارهای گروه جدید ایمانداران را بایستی مثل یک قالب ریخته شده شکل دهیم تا اینکه مسئولیت جنبش شاگردسازی و تاسیس کلیسا را کاملاً درک نمایند. این اصل باروری و تکثیر، در راه اندازی یک جنبش تاسیس کلیسای بسیار حیاتیست. مشخصه اصلی نهضت تاسیس کلیسا، باروری و تکثیر است. اگر این بخشی از DNA نوایمانان نباشد، آنگاه در آینده با رشد و افزایش کلیساها مشکل خواهیم داشت. پولس رسول به تیموتائوس گفت: "آنچه را که در حضور گواهان بسیار از من شنیدی، به مردمان امینی بسپار که از عهده آموزش دیگران نیز برآیند." (۲ تیموتائوس ۲:۲)

سپس جوانه سر از خاک بیرون می آورد. این مانند اولین گروه های خانگی است که متولد میگردند. منظور تنها وجود چند ایماندار نیست، بلکه تجمع ایماندارانیست که بطور مرتب عبادت میکنند، کتابمقدس را مطالعه مینمایند، به دعا و نیایش میپردازند و در مشارکت و تشویق به یکدیگر کمک میکنند. با این وجود، آموزش و پرورش باید انجام شود. اهمیت تفسیرهای کاربردی همرنگی و هماهنگی با محیط فرهنگی انجیل همانگونه که در روشهای شاگردی منعکس شده، روشهای پرستش، روشهای بشارت و غیره بسیار حیاتی است. بدون تفسیرهای کاربردی همرنگی و هماهنگی با محیط

فرهنگی، این گروه ها در جامعه و فرهنگ خود سریعاً به عناصر حاشیه ای تبدیل شده و تأثیر روحانی خود را در بین مردمشان از دست میدهند. این واقعه اغلب اتفاق می افتد. خصوصاً "زمانیکه این گروه های اولیه شکل و شمایل کاملاً" غربی بخود میگیرند. کلیساهای تاسیس شده باید تا حد امکان بومی بودن خود را حفظ کنند در غیر اینصورت مانع تکثیر کلیساها خواهند شد.

در اولین سال تلاشهای انجام شده جهت تاسیس کلیسا در کمبوجیه، حدود شش کلیسای خانگی کلیدی دایر شد. من در تاسیس اولین کلیسا کمک کردم و ایمانداران کمبوجیه پنج کلیسای دیگر را بنا نمودند. این گروه ها مانند جوانه بودند. قبل از اینکه آن کلیساهای خانگی کوچک آنقدر بالغ شوند که قادر به تکثیر خود گردند، تعلیم و آموزش زیادی در طی سالهای اولیه صرف آنها شد. بهر حال، توسط آموزش این گروه ها، کلیساهای بسیار دیگری در شمال غربی کشور در طی چند سال، حدود ۲۰ کلیسای جدید تاسیس نمودند. این کلیساها در اکثر نقاط سبک پرستشی بومی خود را داشتند. همچنین فعالیتهای بشارتی و شاگردسازی را مطابق با فرهنگ خود تدوین کردند. برای مثال، آنها گفتن قصه های کتابمقدس را بعنوان یک روش اصلی در آموزش کلام خدا بکار بردند.

اگر ما ایمانداران اولیه را بیروانیم و کمک کنیم تا بالغ گردند، و اگر کلیساهای تازه تاسیس را چنان بیروانیم که بر تعلیم بنیادی و محکم پایه گذاری شوند، آنوقت کلیسا شروع به تکثیر شدن میکند و در بین مردم گسترش می یابد.

در نهایت، خاک زمین با جوانه کامل شده محصولی پرثمر میدهد. به عقیده من این مقدمه ای بر نهضت تاسیس کلیسات، یعنی بذر برای سال آینده. کلیساهای جدید چگونه به مرحله نهضت تاسیس کلیسا میرسند؟ آنها از آن کلیساهای بومی اولیه که تاسیس شده اند بوجود خواهند آمد. به نظر من زمانی نهضت تاسیس کلیسا آغاز میگردد که یک کلیسای محلی قابلیت رشد و توسعه خود را در میان گروه مردمش پیدا میکند.

پس از اینکه حصاد رشد کرده کامل میگردد، کشتکار داس خود را برداشته خرمن خود را درو میکند. این زمانست که نهضت تاسیس کلیسایی از کنترل ما خارج میشود. زمانیکه ما مشغول تغذیه و پروراندن نوایمانان و کلیساهای تازه تاسیس هستیم، باید خودمان را آماده فصل درو نمائیم. آن وقت خواهد رسید و ما نیز باید قبلاً "خودمان را آماده کرده باشیم. درست زمانیکه کلیساهای محلی شروع به افزایش میکنند آنوقت نهضت تاسیس کلیساها قریب الوقوع میباشد. نیاز شدیدی به درو کردن حصاد خواهد بود به این مفهوم که ایمانداران جدید شاگردسازی شده اند، رهبران جدید کاملاً" مجهز و آزموده شده اند و کلیساهای جدید کاملاً" پرورش یافته به حدی که بتوانند تکثیر گردند.

بسیار مهم است که "خارجیان" بر کلیساهای تازه تاسیس اعمال نفوذ قدرت نمایند. خارجیان فقط نقش پرورش دهنده را دارند. آنها باید مشوق ایمانداران محلی و کلیساهایی که خود را تکثیر میکنند باشند. بسیار کم هستند نهضت های تاسیس کلیسای جدید محلی که از حاصل یک کلیسای خارجی باشند و با تکیه بر خارجیان که مایل به کنترل آنان هستند، قادر به ادامه بقا هم باشند.

مثل دانه خردل، مثلی است درست بعد از مثل برزگر در انجیل مرقس باب چهارم آمده:

عیسی دیگر بار گفت: «پادشاهی خدا را به چه چیز مانند کنیم، یا با چه مثلی آن را شرح دهیم؟ همچون دانه خردل است. خردل، کوچکترین دانه‌ای است که در زمین می‌کارند، ولی چون کاشته شد، می‌روید و از همه گیاهان باغ بزرگتر شده، شاخه‌های بزرگ می‌آورد، چندان که پرندگان آسمان می‌آیند و در سایه آن آشیانه می‌سازند.» (مرقس ۴: ۳۰-۳۲)

یک جنبش تاسیس کلیسای حقیقت موجود در این مثل را ثابت میکند. ابتدا با فروتنی آغاز میگردد. در واقع باید با ایماندار شدن یک شخص شروع شود. بدون آن ایماندار اول، جنبش تاسیس کلیسا هیچگاه بوقوع نخواهد پیوست. از آن شروع فروتنانه چیزی بسیار عظیم و شگفت‌انگیز رشد خواهد کرد. نهضت تاسیس کلیسا، ممکن است از گروهی کوچک در داکا (Dhaka)، کولومبو، کاتماندو (Kathmandu) یا جایی دیگر آغاز گردد. این ایمانداران برای عبادت، مطالعه کتابمقدس و مشارکت جمع میشوند. قلبشان نیز برای رساندن پیام مصالحه خدا به ملتشان میتپد. ممکن است که با گروهی از ایمانداران مجهز و تعلیم و تربیت یافته محلی جهت تاسیس کلیسا در بین اجتماعشان شروع شود. یا اینکه ممکن است توسط یک شخص تبعیدی خارجی که چند نوایمان را شاگردسازی میکند و به آنها انگیزه بشارت به جامعه خود میدهد، آغاز گردد. مهم نیست که چگونه آغاز میشود، هر طور که باشد شروعش با یک حرکت فروتنانه است.

اعتقاد من بر این است که اگر ما در کاشتن بذر بسیار وفادار باشیم، خدا هم وفاداری ما را احترام خواهد نمود. بذر شروع به ثمر آوردن خواهد کرد. ابتدا جوانه میزند، سپس سر از خاک بیرون آورده و بعد کامل خواهد شد. مثل یک دانه خردل خواهد روئید، از ذره ای کوچک و شروعی فروتنانه به چیزی ویرای انتظار ما.

به نظر من هر یک از ما باید نسبت به فرمان عیسی مسیح در رابطه با ثمر آوردن و شاگردسازی کردن مطیع باشیم. این امریست که باید جدا" اطاعت شود. باید هر طوری که میتوانیم دانه را بکاریم. توجه کنید که مسیح در هیچکدام از مثلهایی که در مورد کاشتن بذر سخن گفته اشاره ای به روش کار نکرده است. به نظر شما چرا؟ بعقیده من علتش این است که اهمیت خود کار خیلی بیشتر از روش کار میباشد. باید کلیه روشهای ممکن را بکار گرفت تا انجیل عیسی مسیح به گوش جامعه مورد نظرمان برسد. باید در کاشتن بذر وفادار بود. خداوند هم وفادار خواهد بود و یک روز بذر رشد کرده ثمر خواهد داد و نهضت تاسیس کلیسا به یک واقعیت تبدیل خواهد شد.

در بخش های آینده ما نگاه نزدیکتری به ویژگیهای موانع نهضت های تاسیس کلیسا خواهیم انداخت. از موفقیتها و چالشهای دیگران بسیار درسها میتوان آموخت. فعلا" به این بسنده میکنیم که هدف از خدمت یک همهانگ کننده خط مشی کمک به نهضت تاسیس کلیسای محلی برای رساندن خبر خوش انجیل عیسی مسیح به تک تک خانه ها، افراد یک جامعه مشخص و ادامه آن است.

## **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

در ذیل دو یا سه نکته عمده و قابل توجه ای که از این درس فرا گرفته اید و بنظر شما برای خدمت کلیسایی خود مفید خواهند بود را مرقوم فرمائید.



## بخش ۳

### کلیسای خانگی آزاد

پس چه گوییم، ای برادران؟ هنگامی که گردهم می‌آیید، هرکس سرودی، تعلیمی، مکاشفه‌ای، زبانی و یا ترجمه‌ای دارد. اینها همه باید برای بنای کلیسا به کار رود. (اول قرن ۱۴:۲۶)

با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است با یکدیگر گفتگو کنید و از صمیم دل برای خداوند بسرایید و ترنم نمایید. همواره خدای پدر را به نام خداوند ما عیسی مسیح برای همه چیز شکر گوید. به حرمت مسیح، تسلیم یکدیگر باشید. (افسس ۵:۱۹-۲۱)

در این درس خواهید دید که اعضای کلیسای خانگی در هنگام جمع شدن به چه روشهای مختلفی عمل خواهند کرد. با روش استنتاجی مطالعه کتابمقدس که همه اعضای کلیسای خانگی در آن سهیم هستند، آشنا خواهید شد. خواهید آموخت که چگونه با استفاده از داستان، تعالیم الهیاتی را آموزش دهید، روش موثری که مشارکت همگان را میطلبد. اما ابتدا از چگونگی یک جلسه خانگی آغاز میکنیم.

یک جلسه کلیسای خانگی آزاد، جلسه ایست که بر این اساس تشکیل میگردد.

وقتی بدن مسیح (ایمانداران) گرد هم می‌آیند، هرکس باید فرصت استفاده از عطایایشان جهت تقدیس آن را داشته باشد. کلیه ایمانداران باید بتوانند که در پرستش شرکت کنند. ممکن است که در هفته های گذشته برای شخصی از کلام خدا مطلبی آشکار شده باشد. شاید هم شخص دیگری از خداوند مکاشفه ای دریافت نموده باشد. یا اینکه یک نفر دیگر بخواهد شهادتی در مورد کاری که خداوند در زندگی اش، پس از آخرین جلسه خانگی، برایش انجام داده در جمع بازگو نماید. شاید دیگران بخواهند بسادگی با صدای بلند خدا را حمد و پرستش کنند. بعضی دیگر هم ممکن است احتیاجات خاص خود را برای دعا به جمع مطرح نمایند.

بعضی ها این روش عبادتی را پرستش بدون رهبر مینامند. هیچ چیز دور از حقیقت نخواهد بود. عبادیست است که همه را تشویق به شرکت کردن مینماید اما فاقد رهبر نیست. روح القدس رهبر آن جلسه عبادتی میباشد. چه رهبری بهتر از او؟ چه معلمی بهتر از او؟

اما آن مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من می‌فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هرآنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد. (آیات یوحنا ۱۴:۲۶)

اما چون روح راستی آید، شما را به تمامی حقیقت راهبری خواهد کرد؛ زیرا او از جانب خود سخن نخواهد گفت، بلکه آنچه را می‌شنود بیان خواهد کرد و از آنچه در پیش است با شما سخن خواهد گفت. (یوحنا ۱۶:۱۳)

تجربه ما در اکثر عبادتهای کلیسایی مثل لحظه زدن یک گل پنالتی در بازی فوتبال است. دروازه بان مثل رهبر پرستشی است، کسی که روند اجرای برنامه را هدایت میکند. شخصی که توپ را شوت میکند مثل کشیش کلیساست که

چشمان همه به او دوخته شده است. همه انتظار یک گل حسابی را دارند. بازیکنان دیگر مثل گروه کُر هستند و باقی جماعت شرکت کننده هم مانند تماشاچیان میباشند. همه دوست دارند که در بازی شرکت کنند، اما تنها کاری که از دستشان برمیآید اینست که دروازه بان (رهبر پرستشی)، بازیکنی که توپ را شوت میکند (کشیش کلیسا)، و سایر بازیکنان (گروه کر) را تشویق کنند. کلیسا فرصت شرکت کردن ایمانداران در تمام مراحل عبادتی را از آنها ربوده. عبادت فرصتی شده است برای نمایش استعدادها و توانایی های کشیش و رهبر پرستشی. گویی که فقط ایندو هستند که از خدا کلامی دریافت میکنند. بنابراین، مثل اینکه وظیفه آنان انتقال آن کلام به گروهی تماشاچی ایماندار غیرفعال است.

یکی از اهداف جلسات کلیسای خانگی "آزاد" اینست که به ایمانداران امکان بخشد تا حق خود را برآستی بازگیرند یعنی مسئولیت بخشی فعال در پرستش خداوندمان عیسی مسیح. جلسات کلیسای خانگی آزاد بگونه ای طراحی شده که به روح القدس اجازه دهد تا آنچه را که خود میخواهد به آن گروه بیاموزد به آنها تعلیم دهد.

بخاطر داشته باشید که این فقط یکی از روشهای عبادتی است که میتواند در جلسات خانگی انجام شود. برای هر چیز زمانی است و هر مطلبی را زیر آسمان وقتی است. وقتی برای تعلیم. وقتی برای وعظ. وقتی برای پرستش آزاد. این تنها روش برای اداره یک جلسه خانگی نیست، اما راهیست که میتوان از طریق آن تک تک افراد را با آزادی کامل در عبادت شرکت داد.

چهار جلسه آموزشی در پیش داریم و شما بخشی از یک جلسه خانگی خواهید بود. در حین عبادت، از شما انتظار میرود که در آن مشارکت فعال داشته باشید. قبل از آنکه مسئولیت گروه کلیسای خانگی بشما سپرده شود این روش مشارکتی بطور عملی نمایش داده خواهد شد.

## **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

در ذیل مشاهدات خود را در رابطه با الگوی نمایشی کلیسای خانگی مرقوم فرمائید.

از شرکت شما در هر کدام از جلسات کلیسای خانگی، یک یا دو نکته عمده و قابل توجه را که تجربه نمودید  
ذیلاً "مرقوم بفرمائید.

**روز اول:**

**روز دوم:**

**روز سوم:**

## بخش ۴

### منظور از هماهنگ کننده خط مشی چیست؟

نقش هماهنگ کننده خط مشی، پیشرفتی اخیر در حوزه خدمات ترویجی و تبلیغی است. بسیاری از مردم بمحض شنیدن واژه "هماهنگ کننده خط مشی" بوضوح مفهوم آن را درک نمیکنند. بعضی فکر میکنند که این یک سمت است. بهر حال هماهنگ کننده خط مشی، اشاره به یک نقش در بین خدمات ترویجی و تبلیغی دارد. هدف آن انجام ماموریت بزرگیست که عیسی مسیح به شاگردانش سپرد. نقش آن افزایش سریع کلیساها در اجتماع است.

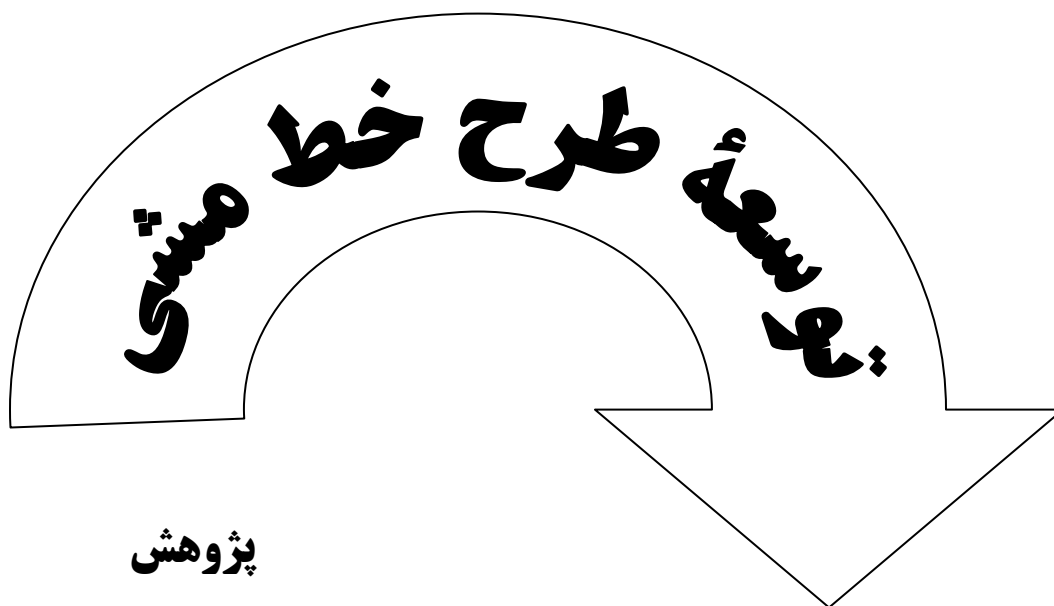
جالب است بدانید که هماهنگ کننده خط مشی دارای یک کانون توجه است. این کانون میتواند بخشی از یک جامعه، یک شهر، استان، ناحیه یا بخش دیگر جغرافیایی باشد. بسته به ترکیب آن گروه مردم، هماهنگ کننده خط مشی خود را وقف توسعه و اجرای یک خطی مشی جامع مینماید که هدف نهایی آن تکثیر و ایجاد نهضت تاسیس کلیسای محلی میباشد.

هماهنگ کننده خط مشی شخصی با دو مسئولیت همزمان است. مسئولیت او در رابطه با **حصاد** (مردمی که نیاز به خدمت دارند) و **کارگران حصاد** (خادمینی مسیحی که از طریق ماموریت بزرگ دعوت شده اند تا در این حصاد کار کنند). هماهنگ کننده خط مشی باید بداند که چطور با گروه ها و خادمین مختلف مسیحی کار کند. او نمیتواند بسادگی خدمت خود را توسعه دهد. همچنین نباید فراموش نماید که هدف و کانون فعالیتش رساندن پیام انجیل به مردم است. محور فعالیتها خدمت شخص خاص، کلیسا و یا سازمانی نیست. بنابراین، هماهنگ کننده خط مشی جهت برقراری حاکمیت خدا بر حصاد مورد نظر، با فرقه های مسیحی، سازمانها و خادمین همکاری مینماید.

هماهنگ کننده خط مشی خود را وفادارانه در پیگیری یک نهضت تاسیس کلیسای محلی وقف گروه مردم متمرکز شده مینماید و تا روزیکه کار بشارت به مردم تکمیل شود و آنها قابلیت پیروی از مسیح بدون نیاز به تلاش افراد خارجی را داشته باشند به فعالیتهای خود ادامه میدهد. به همین دلیل است که هماهنگ کننده خط مشی خود را وقف امداد به نهضت تاسیس کلیسای محلی مینماید، که امکان دستیابی به تک تک افراد یک گروه مردم و نیز فراتر از آن را به او میدهد.

با توجه به اینکه افرادی که در حصاد هستند وارد حاکمیت خدا شده اند، در نتیجه میتوان آنها را بخشی از کارگران حصاد یا خادمینی بحساب آورد که خداوند قصد دارد بکار گیرد تا خرمن بیشتری برایش درو نمایند. کارگران حصاد وارد حصاد شده تا محصولی را درو کنند که عیسی مسیح وعده داده است. روند کار بشکل چرخشی است.

نمودار زیر روند چرخشی کار را همراه با حوزههای مسئولیتی که هماهنگ کننده خط مشی در رابطه با حصاد و کارگران حصاد دارد، نمایش میدهد.

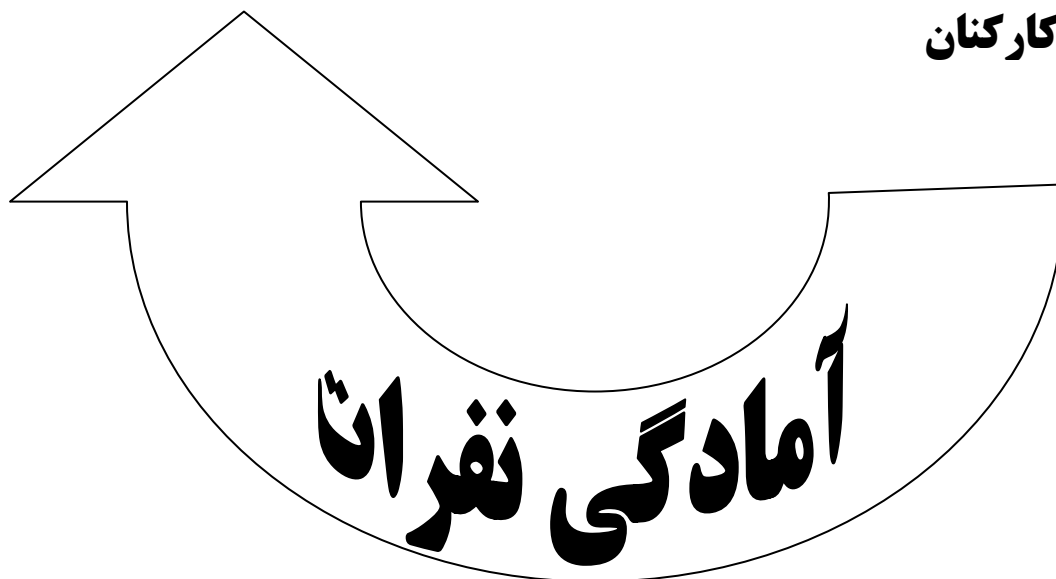


پژوهش  
جایگاهها  
بشارت و شاگردسازی  
تاسیس کلیسا

## کاگران حصاد

## حصاد

تجهيزات دعا  
ثبت نام و تجهيز نفرات  
شراکت  
تجهيز کارکنان



در رابطه با حصاد، هماهنگ کننده خط مشی مشغول به تحقیق، خط مشی، بشارت، شاگردسازی و تاسیس کلیسا میباشد.

**تحقیق** - شامل شناسایی محل استقرار روستاها یا اجتماعات، گروههای مردم و اعتقادات قوی مذهبیان است. این مرحله نیز شامل درک بینش آن مردم خاص میباشد تا بتوان بشارت را با روش صحیحتر و موثرتر به آنها رساند. هماهنگ کننده خط مشی از بررسیهای جامع انجام شده بر "حصاد" (گروه مردم) و "کارگران حصاد" (خادمین) استفاده خوبی در این تحقیقات خواهد نمود.

**پایگاه** - این شامل تاسیس پروژه های توسعه محلی که متمرکز بر نیازهای مردمیست و کمک میکند تا روابطی که باعث بشارت رساندن شود ایجاد گردد. بعنوان مثال مرکز آموزش خیاطی برای بانوان، سواد آموزی، آموزش بهداشت عمومی میباشد. پایگاه همچنین نیاز دیگری را در سراسر دنیا برطرف مینماید - حمایتهای مالی کشیشان یا خادمینی که کلیسا تاسیس میکنند. کمک به راه اندازی کار و کسبههای کوچک یا پایگاه های دیگری که نه تنها ایجاد درآمد برای موسسین کلیسا مینماید بلکه با مردم مورد نظر رابطه مستقیم ایجاد میکند.

**بشارت و شاگردسازی** - هماهنگ کننده خط مشی تلاش میکند تا خدمات بشارتی پیشتازی مانند نمایش فیلم عیسی، گروه های بشارتی کوچک، قصه گوین کتابمقدس، پخش و تکثیر نوار، بشارت فردی، برنامه های رادیویی و نمایش در بین گروه مردم مورد نظر بنا نماید. یکی از بخشهای فعالیت او نیز شاگردسازی کساناست که از طریق همین فعالیتها ایمان می آورند. آنچه باید در نظر داشت اینست که بشارت آنقدر وسیع باشد که همه فرصت شنیدن پیام انجیل را پیدا کنند. دومین هدف اینست که نه تنها نو ایمانان شاگردسازی شوند بلکه خود قادر به شاگردسازی نیز باشند.

**تاسیس کلیسا** - هدف ایجاد یک جنبش تاسیس کلیسای محلیست برای همین منظور هم هماهنگ کننده خط مشی باید فعالیتش را متمرکز تعلیم و تربیت رهبران و تاسیس کلیساها نماید. البته هدف این است که هر کلیسا بتواند خود را تکثیر نماید. به این مفهوم که کلیساها خود کلیسا تاسیس کنند. کلیه فعالیتهای یک هماهنگ کننده خط مشی در نهایت به تاسیس کلیساهای جدید منتهی میشود. جنبش تاسیس کلیسا حرکتیست که رساندن پیام انجیل را به تک تک افراد یک جامعه تضمین میکند.

هماهنگ کننده خط مشی در رابطه با کارگران حصاد یا خادمین حصاد مسئول تشکیل گروه های دعا، نام نویسی افراد، مشارکت و تجهیز نفرات میباشد.

**گروه های دعا** - هدف هماهنگ کننده خط مشی ایجاد و مواظبت از یک شبکه دعای شفاعتی است تا برای گروه های خاص مردم دعا کنند. خیلی شفاعت کنندگان هستند که برای سرزمین و مردم دعا میکنند تا قلعه های دشمن فرو ریخته و مردم از اسارت های شیطان آزاد شوند. علاوه بر این، تیمهای دعای پیاده میبایست در جنگ روحانی برای زندگی مردم در دعا باشند. این یک مسئله حیاتی در استراتژی کلی برای بشارت دادن به گروه مردمیست.

**نام نویسی افراد** - برای تجهیز مسیحیان جهت دعا و خدمت بین مردم، هماهنگ کننده خط مشی باید خادمین را در رابطه با نیاز و شرایط مردم آموزش دهد. این کار را میتوان با خبرنامه های دعا، برشورها و یا شخصا" در جلسات انفرادی، ارگانی یا کلیسایی انجام داد. خدا به کلیسا عطایای مختلفی بخشیده و لازم است که همه این عطایا جهت خدمت موثر و مفید در بین مردم مجهز گردند.

**مشارکت** - هماهنگ کننده خط مشی باید کلیساها، افراد، و سازمانهای تبلیغی و ترویجی را برای پذیرش مردم هدایت نماید. اینکار باعث میگردد تا منابع کلیسا اعم از توان و زمان، سرمایه اش را بطور متمرکز صرف نموده و در نتیجه کلیساهای محلی تاسیس گردند. هدف این است که مشارکتی با نمایندگیهای بزرگ، کلیساها و سازمانها بوجود آوریم.

**تجهیز نفرات** - هماهنگ کننده خط مشی نه تنها مسئول جمع آوری، ثبت نام و بکارگیری افراد، اعم از کوتاه مدت و هم دراز مدت میباشد، بلکه باید مطمئن شود که افراد بکار گرفته شده بطور مناسب و موثر تعلیم و تربیت یابند.

هماهنگ کننده خط مشی جهت تعدیل کلیه فعالیتهای مذکور که برای انجام یک بشارت موثر به گروه مورد نظر مردم لازم است، اقدام به ایجاد یک طرح جامع استراتژیکی میکند که آنرا "طرح جامع" مینامیم. هدف کلی این طرح اصلی کمک به نهضت تاسیس کلیسای محلی در جامعه میباشد. طرح اصلی مثل نقشه مسیر است. هماهنگ کننده خط مشی همکارانش را هدایت میکند تا خدمات مورد نیاز به گروه مردم مورد نظر بطور دقیق ارائه گردند.

علاوه بر طرح جامع، هماهنگ کننده خط مشی باید شخصا" تمهیدات کار را ببیند. او باید سعی کند تا با زبان و فرهنگ مردم آشنا شود. این مطلب برای درک و ایجاد ارتباط با مردم مورد نظر ضروریست. برای اینکه کلیسا بتواند در بین مردم بطور موثر تکثیر گردد باید از لحاظ فرهنگی و بومی خود را با آنان تطبیق دهد. با فراگیری زبان و فرهنگ آن منطقه، هماهنگ کننده خط مشی آمادگی بیشتری خواهد داشت تا کسانی را که بین مردم مشغول تاسیس کلیساهای سازگار با فرهنگشان هستند، مساعدت نماید.

جنبه دیگر آماده سازی، رشد روحانی شخص در شناخت مبانی مسیونها و جنگ روحانی میباشد. با تاسیس کلیسای خدا در بین مردمی که هرگز بشارت نشنیده اند، دشمن نیز به مبارزه برمیخیزد. هماهنگ کننده خط مشی باید در مسیح رشد کرده خود را آماده رویارویی با نبردی که در پیش رو است، نماید.

بطور خلاصه، فعالیتهای هماهنگ کننده خط مشی بشرح زیر میباشد

- گروه یا جماعتی از مردم در یک محدوده مشخص را هدف قرار میدهد
- با تحقیق، ایجاد پایگاهها، بشارت و شاگردسازی، تاسیس کلیسا، ایجاد گروه های دعا، نام نویسی افراد، مشارکت و تجهیز نفرات هم حصاد و هم کارگران حصاد را خدمت مینماید
- همکاری با نمایندگان بزرگ مسیحی
- مسئولیت تهیه و اعمال یک طرح جامع جهت کمک به نهضت تاسیس کلیسای محلی

## آنچه را که آموختید ثبت کنید

به نظر شما نقش هماهنگ کننده خط مشی چیست؟ لطفاً توضیح دهید.

هدف کلی یک طرح اصلی چیست؟



## بخش ۵

### هدف یا رویای نهایی

پس از آن نظر کردم و اینک جماعتی عظیم از هر ملت و طایفه و قوم و زبان پیش روی خود دیدم که هیچ کس آنان را نمی‌توانست شماره کند و همه پیش تخت و در پیشگاه بره ایستاده بودند. همگان ردای سفید بر تن داشتند و شاخه نخل به‌دست. (مکاشفه ۹:۷)

چگونه شروع کنیم؟ جواب به این سوال، چالش‌یست که در خدمات کلیسایی اغلب مردم با آن درگیرند. خیلی‌ها که هم اکنون در خدمت خداوند هستند مقصد خاصی را برای خدمتشان تعیین نکرده‌اند. آنها هیچ هدف واقعی برای خدمتشان ندارند. بسیاری از اوقات خدمتشان را بدون آمادگی و برنامه ریزی قبلی آغاز میکنند. نمیدانند که به کجا میروند و در نتیجه هم نمیدانند که چطور شروع کنند و بعضی هم شروع چندان خوبی ندارند. اینگونه افراد فاقد بصیرت و رویای واقعی برای خدمتشان هستند و اصلاً "نمیدانند که چطور میتوان بشارت را به تمام افراد یک گروه از مردم رساند. یکنفر قبلاً" به من گفته بود که اگر هم ندانیم که کجا میرویم، هر راهی ما را به مقصد می‌رساند. شخص دیگری هم میگفت که اگر ندانیم که به کجا میرویم هیچ وقت به آنجا نخواهیم رسید.

در مکاشفه ۹:۷ شهادت یوحنا رسول را میخوانیم. خداوند یوحنا را به آسمان برد، به او رویای زمان آخر را بخشید و به او گفت که همه چیزهایی را که مشاهده میکند بنویسد. رویایی که خداوند به یوحنا بخشید مثل این بود که شخصی شاهد تحقق کلام خدا باشد. یوحنا مردم را از هر امت، قبیله و قوم و زبان در پیش تخت خدا دید که تخت نشین را پرستش میکنند! سخنان یوحنا نشان میدهند که خدا از عاقبت کار باخبر است. تمامی آنچه که از ابتدای پیدایش تا کنون اتفاق افتاده ما را بسمت لحظه ای سوق میدهد که گروهی عظیم بر تخت گرد آمده خدا را برای همیشه عبادت کنند.

با متمرکز شدن بر گروه مردم مان، اکنون وقت آن رسیده که بتوانیم زمانی را که همه امتهای فرصت شنیدن خبر خوش انجیل عیسی مسیح را پیدا میکنند در اذهان خود تصور کنیم. خدا نمیخواهد که مردم هلاک گردند. بنابراین ما باید خدمات خود را با این تقاضا از خداوند شروع کنیم که خداوند چشمه ای از آن "آنتها" را بمن نشان بده. میخواهم تصویری از پایان کار داشته باشم. بدون این تصویر و بدون دانستن اینکه کجا میرویم هرگز به مقصد نخواهیم رسید.

مثل صبح است که از خانه بیرون می‌آئیم. اگر نیازمان نان باشد به نانوائی میرویم. دانستن اینکه میخواهیم به نانوائی برویم کافی نیست بلکه باید بدانیم که آدرس نانوائی کجاست و چگونه میتوان به آنجا رفت. اگر هم ندانیم بی هدف سرگردان خواهیم شد. اگر آدرس نانوائی را نداشته باشیم به نقشه، شخصی که بما آدرس محل را بگوید و کسی که مسیر را بما نشان دهد نیاز خواهیم داشت.

دوباره تاکید میکنم که خدا نمیخواهد مردم هلاک شوند. بنابراین باید خدماتمان را نسبت به افرادی که میخواهیم خدمتشان کنیم طبق خواست خدا قرار دهیم. باید تصویری از آخر کار داشته باشیم. سپس همه فعالیت‌های ما طوری طراحی خواهد شد که ما را به آن "هدف یا رویای نهایی" برساند. به یوحنا رویایی داده شد و آنرا نوشت. ما هم باید همان کار را

بکنیم. باید از روح القدس بخواهیم که بما تصویری از آخر امر بدهد. از خدا بپرسیم که چگونه خواهد بود اگر همه کسانی که در گروه اجتماعی ما هستند انجیل عیسی مسیح را بپذیرند؟ سپس آنرا بنویسیم.

ابتدا باید گروهی را منظور نظرمان است مشخص کنیم. این گروهیست که میخواهیم انجیل عیسی مسیح را به آنان برسانیم. گروه مورد نظرمان ممکن است نژادی خاص باشد، یا اینکه به زبان مشخصی صحبت کنند و یا اینکه جامعه ای باشد که در یک مکان جغرافیایی مشخص زندگی میکنند. گروه مورد نظر ممکن است افراد یک محله خاص باشد. اگر چنین است شما باید تمام طایفه ها، گروه های مردمی، زبان و لهجه هایی که در آن محله بخصوص ساکنند را شناسایی کنید.

*لطفاً در زیر نام گروه مورد نظرتان را بنویسید و بطور خلاصه ویژگیهای آنرا (مثلاً) از لحاظ، نژاد، قبیله، زبان، محل جغرافیایی و غیره) شرح دهید.*

پس از اینکه گروه مورد نظرتان را مشخص کردید اکنون نیاز دارید که دو عامل توصیفی و کلیدی را تعیین کنید. این عوامل بشما کمک خواهند نمود تا رویاهای نهایی خود را گسترش داده، فهرست عملیاتی که برای دستیابی به آنها میخواهید انجام دهید را بنویسید.

ابتدا باید بدانید که برای رساندن پیام انجیل به آن گروه مورد نظر چند کلیسا باید تاسیس شود. فکر نکنید که خودتان شخصاً مجبورید آنها را تاسیس کنید. فقط تعداد کلیسای تازه تاسیس مورد نیازتان را برای انجام کار تخمین بزنید.

امروز در کمبوجیه بیش از ۲۵۰ کلیسای باپتیست (Baptist) وجود دارد. من شخصاً در تاسیس اولین کلیسا کمک کردم. در یک ایالت در هندوستان، گروهی از مردم دریافتند که به یک میلیون کلیسای خانگی نیاز دارند. مشکل آنها این نبود که چه تعدادی را میتوانند خودشان تاسیس کنند بلکه آنها نیاز به کلیساهای جدید را تخمین زدند حالا چه اینکه خود یا دیگری آن را تاسیس نماید.

برای تخمین کلیساهای مورد نیاز شما باید از تعداد روستاها و مناطق مسکونی که گروه مورد نظرتان زندگی میکنند مطلع باشید. شاید اکنون تعداد دقیق آنها را ندانید اما باید محاسباتتان درست باشد. الان با استفاده از اطلاعات کنونی که در دست دارید رقمی را در نظر بگیرید این عدد بعداً با توجه به آشنایی شما از شرایط تغییر خواهد کرد.

اگر متمرکز به یک نقطه جغرافیایی هستید، نکته دیگری که باید در نظر بگیرید تعداد گروه های مختلف مردم در هر روستا است. اگر در هر روستا گروه متعدد مردم ساکن هستند، پس برای رساندن پیام انجیل به همه آنها استفاده از یک گروه خانگی کفایت نمیکند.

گروه مردمی که در نظر دارید پیام انجیل را به آنان برسانید در چند روستا یا شهرک زندگی میکنند؟ لطفاً نام آن روستا یا شهرکها را در زیر بنویسید.

برای رساندن پیام انجیل به مردم، به چند کلیسا نیاز دارید.

در رابطه با رویای نهایی، دومین چیزی که باید به آن پردازیم چگونگی مشخصات این کلیساهاست.

آیا بر بام همه آنها صلیب و ناقوس نصب شده است؟ آیا همه دارای شبانان تمام وقت هستند؟ آیا از گروه های کوچک تشکیل شده اند؟ ایمانداران این کلیساها کجا جمع میشوند؟ چه کسانی آنها را رهبری میکنند؟ رهبران چگونه تعلیم میگیرند؟ اکنون زمان پاسخ به این سوالات است. این بما کمک خواهد کرد که بدانیم چگونه خدمات کلیسای خود را آغاز کنیم. نمیتوان پاسخ به این سوالات را به بعد واگذار کرد چون مقصد یا هدف نهایی، چگونگی شروع کار را تعیین میکند.

بخاطر داشته باشید که مرکز توجه این آموزشها موضوع جنبشهای تاسیس کلیساهای جدید میباشد. تفکر ما باید در حول و حوش رشد سریع و تکثیر کلیساها باشد. بنابراین مشخصات کلیساهای تاسیس شده برای ما بینهایت حائز اهمیت است. هدف ما تاسیس کلیسائییست که خود قابلیت تکثیر شدن را داشته باشند. باید بدانیم که به چند کلیسای تازه تاسیس نیاز داریم و از همین ابتدا مشخصات و ویژگی آنها را باید دریابیم.

لطفاً نظر خود را در رابطه با ویژگی این کلیساها بنویسید. به نظر شما باید دارای چه مشخصاتی باشند؟

جلساتشان را کجا برگزار میکنند؟

نحوه برگزاری جلسات عبادیشان چگونه است؟

هر چند وقت یکبار جمع میشوند؟

چه کسانی رهبری چنین کلیساهایی را بعهدہ خواهند گرفت؟ صلاحیت این رهبران چگونه باید باشد؟ این رهبران چگونه تعلیم خواهند گرفت؟

رابطه کلیساها با همدیگر چگونه خواهد بود؟

حال پس از پاسخ به سوالات فوق زمان آن رسیده که هدف نهایی یا رویای نهایی خود را مطابق با اطلاعات موجود در این جوابها بنویسید.

ذیلاً نمونه ای از یک اظهاریه هدف یا رویای نهایی جهت رساندن پیام انجیل به مردم "جنوب"، برای مطالعه بیشتر شما نوشته شده است.

جهت انجام یک جنبش تاسیس کلیسایی برای ۱۵ میلیون نفر در جنوب (۱/۵ کرور هندی) نیاز به تاسیس یک کلیسا قابل تکثیر در هر روستا میباشد.

این کلیساها بسته به نیازشان، معمولاً "چند بار در یک هفته، در خانه های ایمانداران جمع میشوند. این گردهمائیها با مطالعه کتابمقدس (شاگردسازی)، آموزش رهبران، پرستش، مشارکت، گرفتن تعمید و شام خداوند، شهادت دادن، تشویق و تقویت افراد، و تاسیس کلیسا همراه خواهد بود. شاگردسازی در بین گروه های محلی و با روشهای آشنای بومی انجام خواهد شد. این روشها شامل داستان سرائی و مطالعه در گروه های کوچک همراه با نقد و بررسی متقابل است. پرستش بصورت بومی با استفاده از ساز و سبک محلی، مثل قصه گویی با خواندن سرودها انجام خواهد شد.

این کلیساها دارای رهبران متعدد هستند. رهبران حقوق بگیر نیستند و از همان گروه محلی انتخاب میشوند. رهبران بر اساس شخصیت روحانی خود - با استفاده از اول تیموتاوس و تیتوس بعنوان راهنما - بجای مدارک تحصیلی اخذ شده شان انتخاب میگردند. آموزشهای شاگردسازی و خادمسازی در حین خدمت در گروه های خانگی به آنان داده خواهد شد.

این کلیساها برای ساختمان کلیسایشان یا حمایت از کشیشان، نیاز به پول ندارند. بنابراین میتوانند منابع مالی خود را جهت بشارت و تاسیس کلیساها هزینه کنند.

این کلیساهای خانگی بهم وابسته هستند و هر چند وقت یکبار جهت انجام عبادت و مشارکت گرد میآیند. به این کلیساها گفته خواهد شد که همدیگر را حمایت کرده و در صورت لزوم سازمانهای بزرگتر تشکیل دهند.

در ابتدا قصد داریم که ۱۰۰ کلیسای خانگی در نقاط استراتژیکی که مردم جنوب زندگی میکنند تاسیس کنیم. این صد کلیسا تا نسل سوم و حتی پس از آن تکثیر خواهند یافت. این روند آنقدر ادامه می یابد تا هر کلیسا ۱۵۰ کلیسای دیگر تولید کند و یا اینکه هر کلیسا ۱۰۰۰ نفر عضو را پوشش دهد.

## **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

ذیلاً "هدف نهایی یا رویای نهایی خود را بر اساس جوابهایی که به سوالات فوق دادید بنویسید.

## بخش ۶

### حصاد و کارگران حصاد

#### طرح ریزی و پژوهش

تحقیق در رابطه با حصاد و کارگران حصاد در این خدمت یک امر اساسی میباشد. ما باید با محل زندگی اشخاصی که خدمتشان میکنیم و قصد داریم کلام خدا را به آنها برسانم آشنایی داشته باشیم. همچنین باید بدانیم که آنها مورد نیازشان را از کجا تامین میکنند.

در بخش رویای نهایی از شما خواسته شد که تعداد روستاها و شهرکهای مردمی که خدمتشان میکنید را بنویسید. از اکثر افراد در ابتدا خواسته خواهد شد که این اطلاعات را کسب کنند چون معمولاً اهمیت گردآوری این اطلاعات را در ابتدای کار در نظر نمیگیرند. بهر حال لازم است که از همان ابتدای کار تعداد روستاها و شهرکها را تا آنجاییکه امکان دارد دقیقاً محاسبه نمائید. بخاطر داشته باشید که خدا نمیخواهد که کسی هلاک شود، برای همین هم لازم است که بدانید افراد کجا زندگی میکنند، تا بتوانید این فرصت را به تک تک آنها بدهید تا کلام خدا را بشنوند و نسبت به آن جوابگو باشند.

اولین ابزاری که باید تهیه کرد یک یا چند نقشه میباشد. اگر خدمتتان متمرکز بر یک ناحیه است پس نقشه آن ناحیه را تهیه کنید. اگر یک شهر منظور نظرتان است پس نقشه آن شهر را تهیه کنید. اگر هم هدفتان خدمت به گروهی از مردم که در مناطق مختلف زندگی میکنند میباشد، پس باید نقشه آن مناطقی را که آن گروه در آنجا زندگی میکنند را فراهم کنید.

از نقشه ها باید چند نسخه تهیه شود چون سه مورد هست که باید بر روی این نقشه ها با ترسیم مشخص شوند. البته میتوان هر سه مورد را روی یک نقشه با رنگهای مختلف مشخص نمود، یا اینکه برای مشخص کردن هر مورد یک نقشه جداگانه را در نظر گرفت. نقشه یا نقشه ها منابع بسیار مهمی در طول خدمتتان میباشد.

اول اینکه نقشه منطقه یا روستایی که مردم مورد نظرتان در آن زندگی میکنند را بکشید. این عمل اطمینان مبخشد که بدانیم کلیساها در همه جاهاى مورد نظر تاسیس شده اند. بدون داشتن این اطلاعات، ممکن است بعضی از روستاها یا گروه های مردم از نظر پنهان شوند. فراموش نکنید که خدا به هلاک شدن هیچ کس راضی نیست.

نقشه بعدی برای تعیین کلیساها و سازمانهای کلیسایی است که در منطقه مورد نظر موجود هستند مربوط میشود. این مراکز میتوانند منابع بالقوه ای برای خدمت بشارت و تاسیس کلیساهای جدید باشند. بعلاوه داشتن این اطلاعات بما کمک میکند تا محل تاسیس کلیساهای جدید را بتوانیم پیدا کنیم و نیاز خدمتی را در جاهای خالی تشخیص بدهیم.

و در نهایت نقشه ایست که پایگاههای دیگر را برایمان مشخص میسازد. منظور از این پایگاه ها محله هایی از قبیل معابد، مسجدها، زیارتگاه ها، مشروب فروشی ها، مراکز فساد و غیره میباشد. این پایگاه ها مردم را در تاریکی اسیر میکنند. با آغاز عملیات تاسیس کلیسا بین مردم، کارگران حصاد باید این مراکز را در دعا بسته و مردم را از اسارتشان به این

پایگاه ها، آزاد سازند. با داشتن این آدرسها ایمانداران میتوانند در این محله ها قدم زنان برای مردم آن مناطق دعا کنند و در جنگ روحانی نیازهای آنان را بحضور خداوند بیاورند. علاوه بر این، با پیشرفت کار تاسیس کلیساها و نفوذ در این مناطق، پایگاه های مذکور رفته رفته فرو ریخته و مردم در این محله ها متبدل میگردند. نقشه پایگاه های روحانی مشخص کننده میزان تحول مردم در خدمات شماسست. در رابطه با دعای پیاده و جنگ روحانی در بخشهای آتی مطالعه بیشتری خواهیم داشت.

بطور خلاصه، نقشه های مورد نیاز شما بشرح زیر میباشند:

- نقشه شهر یا روستای مورد نظر
- محل استقرار کلیسا و سازمانهای مسیحی موجود در منطقه
- نقشه پایگاه ها

این سه مورد بشما تصویری خواهند داد و یاری تان خواهند نمود تا بتوانید در هر جایی که مردم زندگی میکنند کلیسا تاسیس نمائید.

همچنان نیاز دارید تا اطلاعات بیشتری را در مورد حصاد و کارگران حصاد جمع آوری کنید. دربخش بعدی، نیاز به تحقیقات در پیرامون حصاد را بیشترمورد بررسی قرار خواهیم داد. اطلاعات اضافی که باید تهیه شود شامل موارد زیر است.

- تعداد کل ایمانداران
- تعداد کل ایمانداران تعمید یافته
- تعداد کل شبانان و رهبران کلیسا
- تعداد کل مراکز عبادت مسیحی
- تعداد کل مدارس مسیحی
- تعداد کل بیمارستانها و درمانگاه های مسیحی
- آیا کلام خدا به زبانها یا لهجه های محلی آنان یافت میشود؟
- آیا کلام خدا بصورت صوتی یا کتبی و یا هر دو شکل موجود است؟
- چه ادبیات مسیحی دیگری موجود است؟
- آیا منابع صوتی تصویری مسیحی در دسترس هستند؟
- آیا فیلم عیسی به زبان محلی آنجا موجود است؟
- نام دیگر سازمانهایی که مشغول همان مردم هستند چیست؟ خدمت هر سازمان به چه صورت است و هر کدام چند خادم دارند؟
- تاریخ مسیحیت در آن گروه به چه صورت بوده است؟

چند اطلاعات اضافی دیگر که بنظرتان مفید می آید را لطفاً در زیر بنویسید.

یکی از اولین کارهایی که باید انجام دهید تعیین مسیحیان است که در بین گروه مردم مورد نظرتان خدمت میکنند. مسیحیان بشارتی، کلیساها، سازمانها یا ایماندارانی هستند که معتقدند کلیسا باید فرمان بزرگ بشارت و شاگردسازی مسیح را به انجام برساند. تهیه لیستی از این سازمانها، کلیساها و یا ایمانداران در واقع شروع تحقیق شما پیرامون منابع کارگران حصاد میباشد. بخاطر داشته باشید که با گردآوری این سیاهه هم اکنون چه منابعی آماده همکاری با شما در تحقق رویای نهایی میباشد.

ذیلاً نام کلیساها، سازمانها و ایماندارانیکه در گروه مردم مورد نظر شما خدمت میکنند را بنویسید.

## **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

دو یا چند نکته مهمی که از این بخش آموختید و بنظرتان به خدمت روحانی شما کمک خواهند کرد را بنویسید.



## بخش ۷

### بینش مردم و تحقیق پیرامون حصاد

اقدام اولیه دیگری که لازم است انجام گیرد، میزان درک مردمیست که میخواهیم کلام خدا را به آنها بشارت دهیم. این کار اکثراً در عملیات پژوهش پیرامون حصاد انجام میشود. اطلاعات جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی، عوامل اصلی در عملیات پژوهشی حصاد میباشند.

اینگونه اطلاعات گروهی از مردم، ابزار مفیدی هستند که نهضت تاسیس کلیسای جدید را تهییج و ترغیب مینماید. مسائل جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی در بشارت و امور روحانی تبلیغی- ترویجی تأثیرگذارند. چنانچه بخواهیم خدمت‌مان را در بین مردم گسترش دهیم، باید از ویژگی و مشخصات آنان مطلع باشیم. اطلاعات فوق‌بما کمک میکنند تا بفهمیم چگونه پیام انجیل را با شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی شان مطابقت نموده و به آنها برسانیم و در نتیجه کلیساهای محلی جدیدی که قابلیت بشارت دادن دارند را تاسیس کنیم.

یک بخش لاینفک برای گردآوری اطلاعات از مردم، جهانبینی آنان میباشد. برای گردآوری اطلاعات پیرامون حصاد لازم است که عمیقتر از اطلاعات آماری کنکاش نمائیم. اگر تصمیم داریم که انجیل را به مردم بطور موثرتر بشارت دهیم باید در درک جهانبینی آنان بیشتر کوشش کنیم.

جهانبینی عاملی است که فرهنگ مردم در آن شکل میگیرد. فرهنگ، تأثیر برجسته‌ای بر رفتار انسان دارد. فرهنگ بصورت ژنتیکی انتقال نمی‌یابد بلکه پس از تولد در اثر آموختن و از معاشرت با سایر مردم اجتماع تحصیل میشود. این روند را اصطلاحاً "فرهنگ آموزشی میگویند. آموزش از زندگی با مردم همان فرهنگ توسط تحصیلات، تقلید، مشاهده و جذب ناخودآگاه بدست میآید. هر عضوی از جامعه از مرحله "فرهنگ آموزشی" عبور میکند. این اندوخته‌ها و رفتارهای مربوط به آن قابل تغییرند.

درک جهانبینی (بینش اجتماعی) مردم مورد نظرمان نه تنها ما را در رساندن بشارت انجیل به آنها کمک میکند بلکه ما را نیز در تاسیس کلیسای محلی یاری میبخشد. بخاطر داشته باشید که هدف اصلی تسریع در تکثیر تاسیس کلیساهای محلی در اجتماع مورد نظر بمنظور رساندن بشارت ملکوت خدا به تک‌تک آنهاست. چنانچه هماهنگ کننده خط مشی و موسس کلیسا موفق به درک جهانبینی افراد مورد نظری که قصد بشارت مسیح را دارند نگردند، بشارت مسیح به نظر آنان کاملاً بیگانه خواهد رسید.

انتقادی که توسط دوستانمان از ادیان دیگر به کار مراکز روحانی ترویجی- تبلیغی شده، این است که بشارت انجیل مسیح در قالب فرهنگ غربی به آنها ارائه میگردد. در نتیجه بسیاری از غیر مسیحیان تصور میکنند که مسیحی شدن یعنی غربی شدن. با تلفیق پیام انجیل بشکل فرهنگ غرب، کار خدا صدمه زیادی خورده است. ما باید بینش و فرهنگ جامعه مورد نظرمان را بیاموزیم. تفاوت فاحشی بین بینش طایفه‌ای، هندوهای خلقی، هندوهای سنتی، مسلمانان عامی،

مسلمانان سنتی، بودیستها، جاینزم ها، سیکها و غیره وجود دارد. اطلاعات عمومی و فرهنگی گروه های جامعه کمک زیادی به مطابقت فرهنگی ارائه انجیل نموده و در نتیجه باعث تاسیس کلیساهای محلی بشارتی میشود.

در سال ۱۹۹۹ میلادی من مدیریت گروهی را در جنوب آسیا به عهده داشتم که جهت جمع آوری اطلاعات فرهنگی، از مردم مصاحبه بعمل می آوردند. این گروه بخصوص، شامل بخشی بود که به مذهب هندو رو آورده بودند، در حینیکه برخی دیگر در مذهب سنتی خود جان گرایی باقی ماندند. (animism) (اعتقاد به اینکه روح اساس زندگی است، ارواح مجرد وجود دارند و نیز معتقد بعالم روح و تجسم ارواح مردگان دارند). آن گروهی که به مذهب هندو گرویده بودند، به گروه خاصی از هندوئیزم تعلق داشتند که که فاقد بت بودند. آنها عبادتگاه های خود را خانه خدا میدانستند. یک خدا را بنام "ویشنو" عبادت میکردند و دارای کتابی بنام "بگاودگیتا (Bhagavad-Gita) میباشند. عبادت آنان با خواندن سرود و نمایش و قرائت داستانهای کتاب آسمانیشان همراه بود.

من همراه دو مبشر هندی به یکی از این مناطقی که این گروه مردم در آنجا زندگی میکردند سفر کردم. یکی از همراهان من که پسر جوانی بود ایمانداري از همین گروه مردمی که از آنها اطلاعات فرهنگی را جمع آوری میکردیم بود. هر سه نفرمان به چند روستا و شهرک سر زدیم. در یک عصر گرم، پس از چند ساعت سوار بر پشت یک ماشین باری و یک اتوبوس کوچک، وارد روستایی شدیم که مردم آنجا همه هندو بودند. در همان ابتدای ورودمان به روستا از چند عبادتگاه عبور کردیم. دیوار و سقف آنها از کاه و نی ساخته شده بود و کف آن خاکی بود. طبعی که بتوسط آن مردم را برای جمع شدن در خانه خدا بصدا در می آوردند در قسمت ورودی آنجا قرار داشت. از بت خبری نبود. آنجا فقط طبل و منبر کوچکی بود که در هنگام تجمع مردم، بر آن کتاب آسمانی شان قرار میگرفت.

یکدفعه متوجه ساختمانی شدم که حدود ۲۰ متری خانه خدای هندوها بود. از آنجائیکه در باز بود تصمیم گرفتیم که نگاهی به داخل بیندازیم. جالب این بود که در آنجا نیمکتهای چوبی بصورت ردیفی چیده شده بودند و در جلوی آنها یک منبر چوبی بسیار زیبا یی قرار داشت. در سمت راست آن یک ارگ قرار گرفته بود و سمت چپ آن قفسه ای بود که در آن چند سرودنامه و کتابمقدس دیده میشد. از بودن در یک کلیسای روستایی زیاد تعجب نکردم. آنچه برایم جالب بود این بود که مردم آنجا قبل از اینکه مسیحی شوند در عبادتگاهشان بر زمین مینشستند و بدون ساز یا با ساز سنتی خود سرود میخواندند. اکنون به آنانیکه مسیحی شده بوند گفته شده بود که باید بر روی نیمکتهای بنشینند و سرودها را همراه با نواختن ارگ بسرایند.

پس از بازدید از محل کلیسا متوجه تفاوتهایی شدم و بعد من و همراهانم خواستار ملاقات با کشیش یا مبلغ مذهبی آنجا شدیم. پس از پرس و جو از اهالی آنجا، ما را به منزل فردی بردند. در آنجا با یک خادم مسیحی و خانواده اش آشنا شدیم.

آن خادم مسیحی از یکی از قبایل همسایه بود که به آنجا اعزام شده بود. از او سوال کردیم که برای عبادت در چه روزهایی جمع میشود. او پاسخ داد که البته روزهای یکشنبه، اما هر وقت که بتوانیم برای پرستش جمع میشویم. از او سوال شد که آیا هنگام جمع شدن با مشکلی مواجه شده اند. جواب مثبت بود. جواب دادند که عده ای پس از تشکیل جلسه

سنگ بر روی بام فلزی آنجا پرتاب میکنند. گاهی آنقدر صدای این سنگها شدت می یابد که باعث مزاحمت شدید در اجرای جلسات میگردد و پرستش ما را مختل میسازد.

پس از بازگشت به محل سکونتیمان، در مورد آنچه در روستا دیده بودیم با هم گفتگو کردیم. چرا آن خادم جوان ساختمان کلیسایش را آنطور ساخته بود؟ یکی از همراهان من گفت که "جای تعجب نیست که چرا ایمانداران آنجا با آزار و اذیت مردم روبرو شده بودند." بدیهی بود که خادم آنجا هیچ احترام و توجهی به فرهنگ آن روستا نشان نداده بود. او بینش آنان را درک نکرده بود. آیا واقعا "لازم بود که مسیحیان آنجا برای عبادت کردن روی نیمکت بنشینند؟ تفاوت سبک عبادتگاه محلی آنان که از کاه و نی ساخته شده بود با کلیسای چوبی / فلزی، به مردم آن روستا حامل چه پیامی بود؟ آیا لزومی داشت که عبادت مسیحی به جای اینکه با ساز محلی نواخته شود با آرگ سرائیده شود؟ گفتگوی ما تا چند روز بعد از ملاقاتهایی که از روستا داشتیم ادامه داشت.

باید شناخت کافی از بینش افرادی که میخواهیم به آنان پیام انجیل را برسانیم داشته باشیم. این مسئله باعث خواهد شد که کلیساهایی تاسیس کنیم که با آداب و فرهنگ آنان سازگاری داشته باشد. ماموریت ما رساندن پیام انجیل به آنان است نه تحمیل فرهنگی جدید. متأسفانه این مشکلیست که صدها سال گریبانگیر فعالیتهای امور روحانی تبلیغی و ترویجی بوده است. معمولاً "مبشرین نسبت به فرهنگ جدیدی که وارد آن میشدند بی توجهی نشان میدادند. حتی در اکثر مواقع، از آنجائیکه مردم آنجا بی ایمان بودند، فرهنگ جدید را به باد انتقاد میگرفتند و آن را شیطانی میدانستند. بنابراین، بسیاری از مبشرین مسیحی بجای اینکه پیام آوران انجیل خوانده شوند، بعنوان متجاوزین فرهنگی شناخته شدند. در حین تهیه اطلاعات گروه مردم مورد نظرمان باید توجه داشته باشیم که نکاتی را جستجو کنیم که میتوانند کمک خوبی در تاسیس کلیساهای محلی سازگار با فرهنگ و آداب مردم آنجا باشد. باید در پی بنای پلهای ارتباطی باشیم که ما را در انتقال پیام انجیل مدد میکنند.

در مثال فوق، آیا به نظر شما بهتر نمی بود اگر خادم آن روستا ایمانداران را برای پرستش مسیح روی زمین مینشاند و عبادت را با تعریف داستانهای انجیل، خواندن سرود همراه با یک ساز محلی و اجرای نمایش برگزار میکرد؟ بله. در اینصورت کلیسا با فرهنگ آنجا سازگارتر میبود. آیا از دیدن اینکه هندوهای آن روستا کلیسا را یک چیز بیگانه میدانستند و پرستش در آنجا را نوعی تهاجم فرهنگی قلمداد نمودند تعجب کردید؟ خیر.

در ادامه این درس خواهیم آموخت که چرا باید با بینش مردمی را که میخواهیم بشارت بدهیم آشنا باشیم و چگونه میتوانیم از این اطلاعات بهره بگیریم. سوال و جوابهایی که باید از مردم دریافت کنیم را بررسی خواهیم کرد.

گردآوری اطلاعات فرهنگی مردم، ما را مدد خواهد نمود که برایشان هوشیارانه تر دعا کنیم، پیام انجیل را بطرز موثرتر با آنان در میان بگذاریم و کلیساهای محلی بشارتی که در بین مردم گسترش میابند را بنا کنیم.

گردآوری اطلاعات فرهنگی مردم هرگز خاتمه نمی یابد؛ هر تجربه ای که با مردم کسب میکنیم شناخت ما را نسبت به آنان بیشتر میکند. سولات زیر ما را در شروع گردآوری اطلاعات فرهنگی مردم یاری خواهند نمود.

## هفت عامل موثر در بینش افراد

**اعتقادات مذهبی**، بازتابی از ایده و احساسات در مورد زندگی و شناخت خدا است.

سوال اصلی که باید پرسیده شود: *نظر اساسی آنان در مورد زندگی و خدا چیست؟*

**مراحل شناخت**: روشی است که توسط آن مردم یک جامعه اطلاعات دریافتی خود را پردازش میکنند.

سوال اصلی که باید پرسیده شود: *اطلاعات را چگونه پردازش میکنند؟*

**انواع زبان و لهجه ها**، روشهاییست که از آن طریق مردم با هم ارتباط برقرار کرده، افکار خود را با هم در میان میگذارند.

سوال اصلی که باید پرسیده شود: *نظرات خود را چگونه بیان میکنند؟*

**الگوهای رفتاری** مشخصه رسم و رسوم، عادات، حرکات و سبک زندگی افراد میباشد.

سوال اصلی که باید پرسیده شود: *مردم این جامعه در واقع چه فعالیتهایی دارند؟*

**ساختار اجتماعی** شامل روابط خانوادگی، فامیلی، اجتماعی، و نیز رابطه بین مردم و مسئولین از جوامع مختلف میباشد.

سوال اصلی که باید پرسیده شود: *چطور و با چه کسانی معاشرت میکنند؟*

**تأثیر رسانه های گروهی** نشان میدهد که اطلاعات در جامعه به چه صورت توزیع میگردد و از تکنولوژی چطور استفاده میشود؟

سوال اصلی که باید پرسیده شود: *چگونه اطلاعات دریافت میکنند؟*

**منابع انگیزشی** باعث تعیین ارزشهاست مثلاً "کدام شر و کدام خیر است یا کدام درست و کدام نادرست است.

سوال اصلی که باید پرسیده شود: *مردم جامعه چگونه تصمیم میگیرند که چه چیز درست است؟*

## اعتقادات مذهبی

نظر اساسی آنان در مورد زندگی و خدا چیست؟

اعتقادات مذهبی عدسی دوربینی را میماند که افراد هر فرهنگی از درون آن، حقیقت را درک و تفسیر مینمایند. در بسیاری از جوامع، اصولاً اعتقادات مذهبی است که بینش افراد را مشخص میکند. از آنجائیکه فرضیاتی که اساس بینش افراد را شکل میدهند از طریق سیستمها و ساختارهای مذهبی نسل به نسل بما رسیده است کلاً مورد توجه قرار گرفته اند. هر چه شخص بیشتر بینش خود را میپذیرد کمتر احساس میکند که آنها داراست. مهمترین بخشهایی که در اعتقادات مذهبی افراد باید بدانیم، نظرشان در مورد خدا، انسان، گناه، نجات، زندگی پس از مرگ، خلقت، آنچه مورد پرستش قرار میگیرد، مراسم و مکانهای مقدس، مناسک، رهبران و مسئولین روحانی، کتب مقدسه و عکس العملشان در مقابل با ادیان دیگر میباشد.

سوالاتی که در رابطه با اعتقادات مذهبی مردم باید به آنها جواب داده شود شامل موارد زیرند.

- مذهب حاکم گروه مورد نظر چیست؟
- نظرشان در مورد خدا و وضعیت او چیست؟
- صفات خدا را از دیدگاه مذهبیانش چگونه میبینند؟
- اعتقادشان در مورد آفرینش، انسان، زندگی، منشا حیات، بیماری، مرگ، زندگی پس از مرگ و ابدیت چیست؟
- در مورد نیکویی و شر چه اعتقادی دارند؟ دیدگاهشان در مورد اشتباه، گناه، تقصیر، و نجات یا رستگاری چیست؟
- قدرت و اقتدار مذهبی شان از کجا سرچشمه میگیرد. منشا آن اقتدار چیست؟
- رهبران مذهبی آنان چه کسانی هستند؟ چطور انتخاب میشوند؟ بر چه اساس، شرایط و مقرراتی انتخاب میگردند؟ رهبران مذهبی چگونه تصدیق و تصویب میشوند؟
- کتب مذهبی آنان چیست؟
- رویدادها و مراسم مذهبی آنان چیست؟
- آیا آنان به معجزه و جادو معتقدند؟ آیا خرافاتی هستند؟
- آیا برای مهار کردن شریر از طلسم استفاده میکنند؟ آیا مراسم جادوگری انجام میدهند؟
- رابطه بین دنیای مرئی و جهان نادیده چیست؟ در این مذهب نقش روح ها و گذشتگان چیست؟ آیا دنیای مردگان با زندگان رابطه ای دارد؟

▪ برخورد افراد با آن مذهب چیست؟ آیا حق انتخاب به افراد داده میشود؟

▪ مذاهب دیگر از نظر آن مذهب چگونه میباشند؟

▪ عکس العمل مردم در مورد کسانی که بر ضد یا طرفدارشان هستند چیست؟ عکس العمل مذهبیون با مرتدان چطور است؟

▪ رابطه مذهب با خانواده چیست؟

▪ رفتار آن مذهب با زنان چه در چارچوب مذهبی چه اجتماعی چگونه است؟

چنانچه نکاتی هستند که فکر میکنید بهتر است در اینجا گنجانده شوند لطفا آنها را ذیلاً مرقوم فرمائید.

## مراحل شناخت :

اطلاعات را چگونه پردازش میکنند؟

مراحل شناخت از سه جز تشکیل شده اند که شامل بخش ادراکی، احساسی و ارتباطی میباشد. بخش ادراکی میپرسد که آیا این اطلاعات منطقیست؟ قسمت احساسی از خود سوال میکند که احساس من در رابطه با این اطلاعات چیست؟ و در مرحله ارتباطی این سوال پیش میآید که چه کسی منشا این اطلاعات میباشد؟ همه فرهنگها این سه بخش را دارا هستند، اما ممکن است ترتیب آنها در فرهنگهای مختلف متفاوت باشد. برخی فرهنگها اطلاعات را ابتدا از بخش ادراکی، سپس رابطه ای و در آخر احساسی عبور میدهند. در فرهنگی دیگر اطلاعات نخست از قسمت رابطه ای، بعد احساسی و در نهایت ادراکی مورد پردازش قرار میگیرد. در صورتیکه فرهنگهایی هستند که ابتدا اطلاعات را از قسمت رابطه ای، بعد ادراکی و سرانجام احساسی میگذرانند.

ما باید بدانیم که مردمی که با آنها در ارتباط هستیم، داده هایشان را چگونه مورد پردازش قرار میدهند. در آنصورت اطلاعاتمان را در آن حوزه ای که برایشان اهمیت بیشتری دارد ارائه خواهیم داد. چهار اصل روحانی (یک جزوه بشارتی است که بزبانهای مختلف از جمله فارسی ترجمه شده) ممکن است جهانی باشد اما اگر جامعه ای منطق غربی را نپذیرد عرضه آن بیمفهوم خواهد بود.

در رابطه با مردمیکه در این مراحل شناخت قرار دارند باید به سوالات زیر پاسخ داده شود.

• وقتی اطلاعات تازه ای عرضه میشود، مردم چگونه درستی و مفید بودن یا کذب و مضر بودن آن را تشخیص میدهند؟

• آیا تاکید اصلی بر منطقی بودن محض (حالت ادراکی) است؟

• آیا حقیقت بر اساس رابطه با شخص اطلاع رسان سنجیده میشود (نوع رابطه ای)؟

• آیا تصمیم گیری در رابطه با حقانیت یک موضوع بر اساس احساسیست که نسبت به آن دارند انجام میشود؟ (روند احساسی)؟

افرادیکه شما با آنان روبرو هستید، درستی یا کذب اطلاعات دریافتی خود را چگونه ارزیابی میکنند؟ لطفاً توضیح دهید.

## انواع زبان و لهجه ها

نظرات خود را چگونه بیان میکنند؟

مطالعه انواع زبانها و لهجه ها چیزی فراتر از فهمیدن و صحبت کردن به آن زبان میباشد. در واقع درک چگونگی استفاده یک زبان برای انتقال حقایق و خو گرفتن افراد آن جامعه است.

زبان اساس ارتباطات است. همه مردم استحقاق شنیدن پیام انجیل را بزبان و لهجه خود (اعمال ۱:۲-۱۲) دارند. تا کسی پیام انجیل را بزبان و لهجه خود نشنود آنرا نمیفهمد.

مکالمه و گفتگویی که بزبان مادری خود شخص انجام نشود از تأثیر و اعتبار آن میکاهد. انجیلی که بزبان "عامی" ارائه میشود بیشتر قابل درک خواهد بود چون زبانیست که بطور عامیانه مورد استفاده قرار میگیرد. نتیجه اینکه مسیحیان بومی بعضی از نقاط جهان بسیار ضعیف و نابالغ هستند، چون پیامی را که مبشرین قصد داشتند منتقل کنند را هیچگاه درک نکردند.

در رابطه با مردمیکه زبان و لهجه خاصی دارند باید به سوالات زیر پاسخ داد.

- زبان اصلی مردم آنجا چیست؟ در منزل به چه زبانی صحبت میکنند؟
- آیا کتابمقدس به زبان آنان یافت میشود؟
- آیا کلام خدا بصورت صوتی از جمله فیلم عیسی، برنامه های رادیویی و یا نوارکاست یافت میشود؟
- درصد مردان و زنان باسواد آنجا بصورت جداگانه به چه میزان میباشد؟
- آیا واژه های خاص روحانی بزبان آنان وجود دارد؟ مثلاً "آنها برای کلمه "خدا" چه میگویند و مردم از این کلمه چه میفهمند؟
- آیا مردم بزبان عامیانه صحبت میکنند؟ اگر جواب مثبت میباشد، نام آن گویش یا زبان چیست؟ آیا انجیل به این زبان ترجمه شده و قابل دسترس است؟

در رابطه با زبان محلی مردم، آیا مسئله ای هست که بخواهیم نسبت به آن جوابگو باشیم؟ لطفاً آنها را در زیر شرح دهید.

## الگوهای رفتاری

مجموعه فعالیتهای مردم این جامعه چیست؟

• به فعالیتهایی که مردم به آن مشغولند نظری افکنده سعی کنید دلیل کارهای آنها را درک نمائید. الگوهای رفتاری بیش از کتابها میتوانند به ما اطلاعاتی در مورد ارزشهای مردم بدهند. کتابها در مورد اهمیت تفکر مردم صحبت میکنند در صورتیکه ما از رفتارهای جامعه میتوانیم پی به اهمیت اصول اعتقادی آنان ببریم. در رابطه با الگوهای رفتاری، بخشهای مختلفی باید مورد بررسی قرار گیرند. این قسمتها شامل انواع هنر، مراسم تولد، جشنها، پوشاک، مراسم تدفین، انرژی، اعیاد، غذا، مسائل بهداشتی، سیستم حقوقی، مراسم ازدواج، بلوغ، تفریحات و پناهگاه ها میباشند.

بعضی از سوالاتی که باید در رابطه با الگوهای رفتاری به آنان پاسخ داده شود بقرار زیرند.

- مردم یا افراد خانواده هنگام تولد نوزاد چه کارهایی انجام میدهند؟
- آیا مراسم بخصوصی برای بچه هایی که به سن بلوغ میرسند برگزار میشود؟
- برای ازدواج چه مراسمی برگزار میگردد؟
- مراسم مرگ و تدفین افراد چگونه برگزار میگردد؟ این مراسم در رابطه با اعتقاد آنها در رابطه با زندگی پس از مرگ چه میگوید؟
- مراسم مذهبی عمده ای که صورت میگیرد را شرح دهید. هدف از انجام این مراسم چیست؟
- جشنهای مذهبی آنان کدامند؟ هدف از برگزاری این جشنها چیست؟
- آیا چیزهای بخصوصی مثل خوردن گوشت خوک هست که برای آنان حرام باشد؟ علت آن چیست؟
- نحوه پرستش آنان را شرح دهید.
- نحوه لباس پوشیدن مردم به چه صورت است؟
- از خوردن چه غذاهایی پرهیز میکنند و بیشتر از کدام خوراکیها تغذیه میکنند؟
- هنگامیکه شخصی در محل یا خانواده مریض میشود مردم برای او چه میکنند؟
- این چه انعکاسی در رابطه با جهانبینی آنها دارد؟
- مردم در چه نوع منزلی سکونت دارند؟



• تفریحات مردان و جوانان چیست؟

• آیا مردم دارای موسیقی محلی خاصی هستند؟ سازهای محلی آنان چیست؟

• آیا مردم آنجا دارای هنر خاصی هستند؟

چنانچه الگوهای رفتاری خاص دیگری بنظرتان می آید که لازم است به آن توجه کرد لطفاً توضیح دهید.

## ساختار اجتماعی

با چه کسانی و چگونه معاشرت دارند؟

نگاه جامعه به افراد چیست و روابط مردم باهم چه تأثیری بر ارتباطات دارد. مردم از این تأثیرات بی خبرند چون خود در آنها متولد شده اند. برای مثال، در خیلی از فرهنگهای آمریکایی، مردم هنگام ملاقات با هم دست میدهند. هندوها کف دستانشان را بهم چسبانده جلوی صورتشان قرار میدهند و بهم میگویند "ناماسته". در ژاپن مردم قبل از اینکه با هم صحبت کنند کارت ویزیت به هم رد و بدل میکنند تا اینکه بدانند با چه نامهایی همدیگر را خطاب کنند.

ساختار اجتماعی از روابط در جوامع یک نمونه سازمانی ارائه میدهد. آرایه وسیع روابط انسانی میتواند گیج کننده باشد. بنابراین، جوامع طبقات وسیعی را دایر کرده تا مردم آن جامعه بتوانند نحوه ارتباط با همدیگر را بطور صحیح بیاموزند. در نتیجه دیگر نیازی نیست که مردم در ملاقات با هر شخص بیگانه تلاش وافر کنند. هر شخص جای خود را در جامعه دارد و اعضای آن دارای یک طرح فکری میباشند که به آنان می آموزد چگونه گروه های مردم در آن جامعه قرار میگیرند.

برای هر ساختار اجتماعی جدیدی که بخواهیم وارد کنیم، باید یک سرپرست یا شخص صالح داشته باشیم. سرپرست، شخصی منتخب از توده مردم است و با اعتباری که از مردم یافته بعنوان نماینده آن جامعه خود را معرفی میکند. در بعضی جوامع ممکن است این شخص کدخدای ده یا یکی از مشایخ خوشنام آنجا باشد.

برخی از سوالاتی که در رابطه با ساختار جامعه باید به آنها پاسخ داد شامل موارد زیر میباشند.

• آیا مردم به تعدد زوجین یا به تک همسری معتقدند؟ با چه کسی حق ازدواج کنند؟ با چه کسانی نمیتوانند ازدواج

کنند؟

• آیا خانواده بصورت پدر سالاریست یا بصورت مادر سالاری اداره میشود؟ سران خانواده را توضیح دهید؟

- حد و حدود اختیارات خانواده را توضیح دهید. اتخاذ تصمیم با کیست و چگونه صورت میگیرد؟
- روابط بین اعضای خانواده چطور است؟
- الگوی خانوادگی و فامیلی یک خانواده بزرگ را مشخص کنید؟
- برای کسب اجازه چه مقررات و توقعاتی وجود دارد؟
- شکایات و اختلافات خانوادگی چگونه حل و فصل میگردند؟
- خانواده ها در این جامعه چگونه در حال تغییرند؟
- جامعه چگونه مرتب میگردد؟
- روابط خانواده ها باهم چگونه است؟
- جایگاه اجتماعی اشخاص چگونه مشخص میشود؟ آیا طبقات اجتماعی بصورت سیستم کاست (Caste) است که اشاره به طبقات مختلف مردم در هند دارد یا اینکه شکل دیگری از ساختار اجتماعی را داراست؟
- اعضای یک جامعه چطور با مردم جوامع دیگر ارتباط برقرار میکنند؟
- رهبران چگونه انتخاب میشوند؟ اختیارات این رهبران در جامعه به چه شکلی است؟
- ارزشهای اساسی آن جامعه که باعث همبستگی میشوند کدامند؟
- آیا جوامع دیگری هستند که افراد این جامعه با آنها دچار اشکال شده باشند؟ اگر جواب مثبت است آنها را نام برده درخصوص مشکل مورد نظر، علت آن را توضیح دهید.

چنانچه موارد خاصی مربوط با ساختار اجتماعی که بنظر شما لازم به توضیح هست آنها را ذیلاً شرح دهید.

## تأثیر رسانه ها

مردم چگونه اطلاعات را دریافت میکنند؟

رسانه ها با ویژگی خاصی بر پیام ارسالی خود تأثیر گذارند. یک رسانه میتواند پیام مورد نظرش را تحریف نماید. برای مثال حرکت تصاویر بر صفحه نمایش در پخش فیلم عیسی برای یک گروه قبیله ای که با فیلم آشنایی ندارند ممکن است یک مسئله جادویی تلقی شود.

علاوه بر اینها، در نظر داشته باشید که پیام انجیل باید از طریق روشهای قابلیت تولید مجدد منتقل شود. اگر پیام انجیل توسط روشهایی که برای مردم بومی قابل تجدید نیست انجام گردد ممکن است این تصور ایجاد شود که پیام انجیل را فقط میسیونرها یا موسسین کلیساهای جدید میتوانند اعلام کنند.

سوالات زیر در رابطه با تأثیر رسانه بر مردم میباشد که لازم است به آنها پاسخ داده شود.

- چه رسانه هایی در خانه موجود است؟ چه رسانه هایی در اجتماع وجود دارند؟
- مردم بیشتر به کدام رسانه جهت کسب اطلاعات رجوع میکنند؟
- آیا مردم آن منطقه باسوادند؟
- خواندن و نوشتن مردم به چه زبانی میباشد؟
- آیا مردم آنجا به داستانسرایی علاقمندند؟
- میانگین سطح تحصیلات مردان و زنان آن جامعه چیست؟
- چه درصدی از خانه ها رادیو دارند؟ آیا رادیوها موج کوتاه هستند یا از نوع دیگر میباشند؟ مردم به چه فواصل زمانی رادیو گوش میدهند؟
- چه درصدی از خانه ها دارای تلویزیون هستند؟
- چند درصد از خانه ها دارای دستگاه ویدئویی هستند؟
- چند درصد از خانه ها دارای دستگاه ضبط صوت هستند؟
- چند درصد از مردم به کامپیوتر دسترسی دارند؟

آیا مسائل بخصوص دیگری در رابطه با تأثیر رسانه ها هستند که مایل به شرح آنها هستید.

چنانچه مایلید که در رابطه با تأثیر رسانه ها به موارد دیگری اشاره کنید لطفاً آنها را در زیر مرقوم نمایید؟

## منابع انگیزشی

مردم این جامعه چگونه تشخیص می‌دهند که چه چیز درست است؟

روند تصمیم‌گیری در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. برخی فرهنگ‌ها معتقدند که هر تصمیمی بهتر از تصمیم نگرفتن است. برخی دیگر می‌گویند، عدم تصمیم‌گیری بهتر از تصمیم گرفتن است.

سوالاتی که در رابطه با منابع انگیزشی باید به آنها پاسخ گفت بشرح زیرند:

• چه کسی در خانواده تصمیم می‌گیرد؟ چه کسی در جامعه قدرت تصمیم‌گیری دارد؟

• امور مالی خانواده بدست کیست؟

• آیا شما به اعضای خانواده تان اجازه می‌دهید که دین خود را تغییر بدهند؟ آیا افراد اجتماع اجازه می‌دهند که خانواده‌ای به دین دیگری گرویده شوند؟ معمولاً "پس از تغییر دین برای یک شخص چه اتفاقی می‌افتد؟

• حل اختلاف در محله توسط چه کسی صورت می‌گیرد؟

• آیا رهبران دولتی مسئولین واقعی محلی هستند؟ اگر خیر چرا؟

• رابطه بین دین و سیاست در این اجتماع چیست؟

• چه رقابتهایی بین مردم در اجتماع وجود دارد؟

آیا در رابطه با منابع انگیزشی یا تصمیم‌گیری موارد دیگری هست که مایل باشید توضیح دهید؟ لطفاً آنها را در زیر شرح دهید.

## آنچه را که آموختید ثبت کنید

چند نکتهٔ مهمی که از این بخش آموختید و بنظرتان به خدمت روحانی شما کمک خواهند کرد بنویسید.

## بخش ۸

### نحمیا

در بخشهای پیشین در رابطه با نقش هماهنگ کننده خط مشی توضیحاتی داده شد. بخاطر دارید که در زیرآفتاب هیچ چیز تازه ای نیست. اساساً "نقش یک هماهنگ کننده خط مشی بر تعلیم و سرمشق گیری از کتابمقدس استوار است. نحمیا یکی از بهترین نمونه های کتابمقدسی از یک هماهنگ کننده خط مشی است. با بررسی کتاب نحمیا در خواهیم یافت که او درگیر بسیاری از همان اموری بود که برای یک هماهنگ کننده خط مشی شرح داده شد.

همانگونه که در بخشهای قبلی توضیح داده شد، تا آنجائیکه بخاطر دارید، نقش یک هماهنگ کننده خط مشی را در زیر بنویسید. سپس آنها را با یادداشتهای خود در بخش چهارم مقایسه کرده و ویژگیهایی را که فراموش کرده اید به نوشته خود اضافه کنید.

### آنچه را که آموختید ثبت کنید

کتاب نحمیا را مطالعه کنید. سپس در قسمت زیر خصوصیات زندگی نحمیا را با توجه به نقش هماهنگ کننده خط مشی بنویسید. حتماً آیات مربوطه را نیز مرقوم فرمائید.

آیات مربوطه	مشخصات زندگی نحمیا
نحمیا ۲:۳-۵ و ۱۷:۲	<b>مثال:</b> نحمیا متمرکز یک هدف بود: او فرستاده شده بود تا دیوار اورشلیم را بنا کند.

## بخش ۹

### مقدمه طرح جامع و طرح پژوهشی

یکی از کارهای عمده ای که یک هماهنگ کننده خط مشی موظف به انجام آن می باشد تهیه یک طرح جامع است. طرح جامع بر خط مشی هایی پایه گذاری شده که در شش مقوله پژوهش، دعا، شراکت، جایگاهها، بشارت و شاگردسازی، و تاسیس کلیسای جدید طبقه بندی میشوند. هر برنامه ریزی که شخص هماهنگ کننده خط مشی در رابطه با این شش مقوله انجام دهد در واقع جهت نیل به هدف کلی طرح جامع (تحقق رویای نهایی، یا بشارت کامل به گروه مردم از طریق تکثیر مجدد کلیساهای محلی) تنظیم میگردد.

در قسمت نتیجه گیری از هر بخش آموزشی مربوط به این شش مقوله خط مشی، طرح جامع یک منطقه خاصی را توسعه خواهیم داد. بعنوان مثال فرض کنید که بخشهای کار پژوهشی را به اتمام رسانیده ایم. بنابراین، اکنون جهت تحقیق به بخشهای طرح جامع خواهیم پرداخت. در هر ناحیه، لیستهایی از اهداف، منابع، فرصتهای حاصل شده از موانع، طرحهای عملیاتی، و مراحل ارزیابی تهیه خواهیم کرد.

مثال فوق نمونه ای جهت انجام این اهداف و طرحها در هر منطقه از طرحهای جامع میباشد.

### پژوهش

رویای نهایی خود را در ابتدای قسمتهای پژوهش طرح جامع بنویسید. انجام این کار در جهت تحقق رویای نهایی کمک مینماید بنابراین کلیه هدفها و طرحهای نوشته شده در زیر بخش پژوهشی باید تنظیم شوند.

### اهداف:

اهداف باید قابل اندازه گیری باشند. بعضی علاقمند به تعیین وقت برای هر کدام از اهدافشان هستند.

مثالهایی از اهداف قابل اندازه گیری در بخش پژوهش بقرار زیرند:

- ظرف سه ماه آینده نقشه کلیه روستاهای محل تکمیل شود.
- ظرف شش ماه آینده نقشه نقاط قوت روحانی محله تهیه شود.
- ظرف شش ماه آینده مطالعه ای از بینش و اعتقادات مردم بومی تهیه شود.
- ظرف شش ماه طرح و بررسی نیروی حصاد را تهیه کنید.

## منابع:

در بخشی که به کارگران حصاد اختصاص داده شده بود به لیست مبشرین مسیحی اشاره شد که قبلاً "فعالیت خود را بر روی گروه متمرکز شده مردم آغاز کرده اند. این افراد میتوانند منابع مناسبی برای ما باشند. منابع دیگر شامل چیزهای مورد نیاز است که لازم است داشته باشیم تا بتوسط آنها بتوانیم به هدف مورد نظرمان برسیم.

*بعنوان مثال بعضی از منابعی که میتوانند ما را در تحقیقاتمان کمک کنند بقرار زیرند.*

• نقشه های منطقه

• اطلاعات آماری دولتی

• فرم اطلاعاتی کارگران حصاد

• کتابخانه ها

• ایمانداران بومی

• کلیساهای محلی

• سازمانهای دیگر مسیحی

## فرصتهای حاصل شده از موانع

پس از ثبت و یادداشت نمودن هدفها و لیست منابع مشخص شده نوبت به انجام آن اهداف میرسد. به همین منظور لازمست موانعی را که در آینده با آنها برخورد خواهیم کرد و مانع رسیدن ما به اهدافمان میشوند را شناسایی کنیم. لهدا در حینیکه به بررسی موانع آتی میپردازیم خوبست که بدنبال روشهایی باشیم که بتوانند این موانع را برای ما به فرصتهای عالی تبدیل کنند. به همین دلیل اولین چیزی که باید در نظر گرفت اینست که چطور میتوان موانع بالقوه را قبل از اینکه با آنها برخورد شود از میان برداشت. اینگونه برنامه ریزی را برنامه ریزی "پیش گستر" (Proactive Planning) مینامند. تفکر پیشگیرانه مانع از آن خواهد شد که بخواهیم در آینده از خود عکس العملی نشان دهیم.

با توجه به هدفهای فوق الذکر در زیر نام چند مانع احتمالی اشاره شده است که ممکن است با آنها روبرو شویم

با توجه به هدفهای مذکور در بالا، در زیر به چند مانع اشاره شده که احتمال میروود با آنها روبرو شوید. در ضمن راه حلهایی پیشنهاد گردیده تا بتوانید آنها را به فرصتهای بهتر تبدیل کنید.



• **مانع** : مشکل تهیه کردن نقشه ای که حاوی نام روستاهای منطقه باشد.

**فرصت جدید:** ایمانداران محلی را برای شناسایی روستاها به آنجا اعزام نمائید.

• **مانع** : نفرت آموزش دیده برای جمع آوری اطلاعات مربوط به بینش مردم منطقه در اختیار

ندارید.

**فرصت جدید:** عده ای از ایمانداران بومی را جمع کرده، آنان را برای اخذ اطلاعات از مردم

آموزش دهید.

• **مانع** : ممکن است که کلیساها و سازمانهای محلی تمایل به ارائه اطلاعات بما نباشند.

**فرصت جدید:** با آنها رابطه دوستی و قابل اعتماد ایجاد کنید و بگذارید که شما را بیشتر بشناسند

تا آنها نیز تمایل دادن اطلاعات بشما را پیدا نمایند.

### **طرحهای عملیاتی:**

پس از تبدیل موانع به فرصتهای جدید در طرح جامع (Master Plan)، نوبت میرسد به تهیه لیستی از پیشرفت قدم بقدم مراحل مختلف عملیاتی که باید صورت گیرد تا به اهداف مورد نظر دست یابیم. نوشتن این طرح های عملیاتی بما کمک خواهند که با تعمق مراحل مشخصی که باید طی شود را بررسی کنیم و در نتیجه هیچ نکته ای نادیده گرفته نخواهد شد.

برای اهداف ذکر شده قبل، طرحهای عملیاتی زیر پیشنهاد میگردند:

• خریداری نقشه ها و ملزومات اداری از فروشگاه های مربوطه

• تشکیل تیمهای عملیاتی با استفاده از ایمانداران محلی

• تهیه نقشه روستاها، مراکز مذهبی و محدوده حصاد (مردمی که نیاز به خدمت و بشارت دارند)

• تعیین جزئیات اطلاعات مورد نیاز در بررسی کارگران حصاد و بینش مردم

• تهیه فرم بررسی کارگران حصاد

• گردآوری و آموزش مامورین ثبت فرمهای اطلاعاتی

• کلیه اطلاعات در یک دفتر یا کامپیوتر ثبت شوند

- ارزیابی اطلاعات جمع آوری شده

## مرحله ارزیابی:

نهایتاً" پس از تکمیل مراحل فوق باید کلیه فعالیتهای انجام شده را مورد ارزیابی قرار دهیم و ببینیم که تا چه حد به اهداف مورد نظرمان دست یافته ایم. در خدمت خدا، اغلب خادمین این مرحله ارزیابی را نادیده میگیرند. با وجود این، ارزیابی بخش مهمی از روند برنامه ریزی بشمار میآید. یک مرحله ارزیابی شده در طلب پاسخ به این سوال کار خود را ادامه میدهد: از کجا بدانیم که به هدفهایمان دست یافته ایم و در تحقق رویای نهایی گام مینهیم؟

در رابطه با مراحل ارزیابی شده جهت هدفهای پژوهشی مذکور به نمونه های زیر توجه فرمائید.

- بمنظور اطمینان حاصل نمودن از صحت اطلاعات نقشه ها را دوباره بررسی کنید. جهت بازبینی اطلاعات از یکنفر کمک بگیرید.
- پس از جمع آوری اطلاعات مربوط به بینش مردم از یک شخص محلی بخواهید که صحت و سقم آنها را برای شما معلوم کند.
- در حینیکه خدمتتان در خدا رشد میکند به جمع آوری و ارزیابی اطلاعات ادامه دهید، این مسئله بشما کمک میکند تا اطلاعات را بروز برسانید.

## آنچه را که آموختید ثبت کنید

شروع کارمان باید بر هدفها، منابع، فرصتهای حاصله از موانع، مراحل ارزیابی شده پژوهش و طرح های خودمان باشد. بخاطر داشته باشید که رویای نهایی خود را بر بالای صفحه قرار دهید. سپس قدم به قدم مراحل را طی کنید. در صورت نیاز پاسخ به هر سوالی، از معلمین یا کسانی که در گروه کوچکتان هستند کمک بگیرید.

### شرح رویای نهایی

--

### پژوهش

	<b>هدفها</b>
	<b>منابع</b>
	<b>فرصتهای حاصله از موانع</b>
	<b>طرح های عملیاتی</b>
	<b>مراحل ارزیابی شده</b>

## بخش ۱۰

### راهنمای دعای پیاده

دعای پیاده کار مشکلی نیست. در زیر یک نمونه دعای پیاده شرح داده شده. مطلب فوق متمرکز بر پنج تقاضای مختلف دعا هنگام راهپیمایی از یک منطقه مسکونی میباشد. همچنین پنج نوع منطقه مختلف را برای رفتن و دعا کردن در آنها پیشنهاد میکند. میتوان این موارد را با ده انگشتان دست بخاطر سپرد. انگشتان دست راست برای پنج تقاضای دعا و انگشتان دست چپ نمایانگر پنج مکان مختلفی که باید برای دعا کردن برویم میباشد.

دعای پیاده در واقع دعا در هنگام پیاده گذر کردن از یک روستا، شهرک یا شهر میباشد. این کار شامل دعا با احساس نمودن محیط اطرافمان از طریق بینایی، شنوایی، بویایی، لامسه و چشایی میباشد. در حین راهپیمایی باید از خدا بخواهیم که نیازهای مردم منطقه ای که در آن قدم میزنیم را برایمان روشن سازد.

در چنین شرایطی یک شخص چگونه باید دعا کند؟ پنج انگشت دست راست پنج تقاضای مختلف را که باید در هنگام پیاده روی در منطقه مورد نظرمان دعا کنیم به خاطر ما میآورند.

### آسمانهای گشاده

کاش که آسمانها را مُشَقُّ ساخته، نازل می شدی و کوهها از رویت تو متزلزل می گشت. (اشعیا ۶۴:۱)

انگشت شصت دست راستمان به ما یادآوری میکند که باید برای آسمانهای باز دعا کرد. بعنوان یک ایماندار باید از خدا بخواهیم که باران برکاتش را بر روی مردمی که ما را بخدمتشان خوانده، بریزد. کار ما لعنت کردن مردم که خدایان غیر را عبادت میکنند و یا اینکه رئیس این جهان چشمانشان را کور کرده تا نبینند، نیست. در عوض هنگامیکه از محله ها پیاده عبور میکنیم باید از خداوند بخواهیم که از آسمانها بر سر مردمی که میبینیم برکات بباراند. مسلماً هدف ما این است که آنها عیسی را بعنوان راه، راستی و حیات بشناسند. در این شناخت خدا هم برکات خود را بر ایشان مبارکند.

در هنگام دعای پیاده، باید از خدا بخواهیم که راه هایی را برایمان آشکار سازد که خدا میخواهد از آن طریقها مردم را برکت بخشد. شاید خدا میخواهد که آنها را از فقر آزاد کند. شاید خدا بخواهد که اوضاع سیاسی آنها را دگرگون سازد. قطعاً میدانیم که خدا میخواهد که مردم را از دام شیطان رهایی بخشد.

### قلبهای گشاده

«خدا می فرماید: در روزهای آخر از روح خود بر تمامی بشر فروخواهم ریخت. پسران و دخترانتان نبوت خواهند کرد، جوانانتان رؤیایها خواهند دید و پیرانتان خوابها. و نیز در آن روزها، حتی بر غلامان و کنیزانم، از روح خود فروخواهم ریخت و آنان نبوت خواهند کرد. بالا، در آسمان، عجایب، و پایین، بر زمین، آیاتی از خون و آتش و بخار به ظهور خواهم آورد. پیش از فرارسیدن روز عظیم و پرشکوه خداوند خورشید به تاریکی و ماه به خون بدل خواهد شد. آنگاه هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.» (اعمال ۲: ۱۷-۲۱)

انگشت اشاره دست راست بما یاد آور میشود که باید برای قلبهای گشاده دعا کنیم. از خدا درخواست کنیم که روح القدس خود را جاری سازد و قلب مردم را لمس کند. برای حصادی که در بین مردم است دعا کنید. دعا کنید تا کلیسا موانعی را که باعث جدایی مردم از آن امید و شفایی که در انجیل مسیح است، تشخیص داده از میان بردارند. برای جاری شدن روح القدس دعا کنید تا اینکه دلشان نرم شده آنها را برای پذیرش انجیل عیسی مسیح آماده میساید.

## خانه های آزاد

ایشان هر روز، یکدل در معبد گرد می آمدند و در خانه های خود نیز نان را پاره می کردند و با خوشی و صفای دل با هم خوراک می خوردند و خدا را حمد می گفتند. تمامی خلق ایشان را عزیز می داشتند؛ و خداوند هر روزه نجات یافتگان را به جمعشان می افزود. (اعمال ۴۶:۲-۴۷)

انگشت وسط دست راست بیانگر دعا برای خانه هاست. هنگام دعای پیاده از خانه های بسیاری عبور میکنیم که در تکرار انجام مراسم، رایحه آرامبخش و آینده نامیدشان آرام بخواب رفته اند. از خدا برای بیداری روحانشان طلب کنید. دعا کنید تا خدا شخص صالحی را برایشان آشکار کند. از خدا بخواهید که آنان را ملاقات کند. شکوفا شدن استعدادها و عطایای افراد را برای ملکوت خدا طلب کنید. دعا کنید که خانه ها مکانی برای عبادت خدای حقیقی باشند. دعا کنید تا در این مناطق مسکونی کلیساهای خانگی بنا شود.

## شاهراه های آزاد

صدای ندا کننده ای در بیابان راه خداوند را مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا راست نمایید. هر دره ای برافراشته و هر کوه و تلی پست خواهد شد؛ و کجیها راست و ناهمواریها هموار خواهد گردید. و جلال خداوند مکشوف گشته، تمامی بشر آن را با هم خواهند دید زیرا که دهان خداوند این را گفته است. (اشعیا ۴۰:۳-۵)

انگشت انگشتی یادآور دعا برای شاهراه های آزاد است. هدف نهایی ایجاد یک نهضت تاسیس کلیسا در بین مردم است. دعا کنید تا تاسیس و تکثیر کلیساها در هر منطقه مسکونی بطور موثر صورت گیرد. دعا کنید که جهت موعظه انجیل به مردم مورد نظر به خادمین فرصتهای دسترسی و راهگشاییهای مبتکرانه عطا گردد. دعا کنید که خدا شاهراهی ایجاد کند تا از آنطریق کلام خدا وارد مناطق مسکونی شود. همچنین دعا کنید که خدا بهترین و مناسبترین روشها را برای اعلام خبر خوش به مردم آشکار سازد.

## دستانی باز

هنگامی که می روید، این پیام را موعظه کنید که پادشاهی آسمان نزدیک شده است. بیماران را شفا دهید، مردگان را زنده کنید، جذامیها را پاک سازید، دیوها را بیرون کنید، برایگان یافته اید، برایگان هم بدهید. (متی ۷:۱۰-۸)

انگشت کوچک یاد آور دعا برای دستانی باز است. از خدا بخواهید که اعمال ترحم آمیز مسیحایی ای که مردم نیاز دارند ببینند را آشکار سازد. از خدا درخواست کنید که بما نشان دهد که چطور میتوانیم مردم را بدون شرط و توقع محبت کنیم. مسیح بما فرمان داده که برویم و موعظه کنیم. او بما اقتدار بخشیده تا شفا دهیم و دیوها را اخراج کنیم. از مسیح رایگان دریافت کردیم و باید به مردم اطرافمان رایگان عطا کنیم.

---

در هر منطقه مسکونی موانع و دست اندازهایی وجود دارد. این سدها معمولاً "در مکانهای دولتی، آموزشی، تجاری، مذهبی و مسکونی قرار دارند. آنها مانع پاسخ مثبت مردم به انجیل عیسی مسیح میشوند. لازم است دعا کنیم تا این سنگرها فرو بریزند و موانع شکسته شود و مردم بتوانند با فکر و قلبی باز پاسخ مثبت به پیام انجیل بدهند.

زیرا هر چند در این دنیا بسر می‌بریم، اما به روش دنیایی نمی‌جنگیم. چراکه اسلحه جنگ ما دنیایی نیست، بلکه به نیروی الهی قادر به انهدام دژهاست. هما استدلالها و هر ادعای تکبرآمیز را که در برابر شناخت خدا قد علم کند ویران می‌کنیم و هر اندیشه‌ای را به اطاعت از مسیح اسیر می‌سازیم. و در حال آماده‌باش هستیم، تا آنگاه که اطاعت خود شما کامل شود، هر ناطاعتی را به مجازات رسانیم. (۲ قرنتیان ۱۰:۳-۶)

در حین انجام دعای پیاده، از خدا بخواهید تا دژها و سنگرهای دشمن را برای شما نمایان سازد. هر گروه از مردم قلعه‌های خاص خود را دارند. برای مثال دایی یکنفر هندی که شغل رخت شویی داشت میگفت که او صخره‌ها را پرستش میکرد چون نزد صخره‌ها کار رخت شویی خود را انجام میداد. بگفته او صخره وسیله ای بود که از آن طریق امرار معاش میکرد و نیازهایش را برآورده میساخت. بنابراین هر روز صبح قبل از اینکه کارش را شروع کند صخره را عبادت میکرد. وقتی خدا قلعه‌های دشمن را برایمان آشکار میسازد ما باید از اقتدار خود استفاده کرده این قلعه‌ها را بنام مسیح ببندیم و مردم را از چنگشان رهایی دهیم.

بعلاوه، چگونه کسی می‌تواند به خانه مردی نیرومند درآید و اموالش را غارت کند، مگر این که نخست آن مرد را ببندد. سپس می‌تواند خانه او را غارت کند. (متی ۲۹:۱۲)

کلیدهای پادشاهی آسمان را به تو می‌دهم. آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد. (متی ۱۹:۱۶)

---

پنج انگشت دست چپ نمایانگر پنج مکان قابل توجه اند که میتوان برای دعا به آنجا رفت.

## مراکز دولتی

کلیدهای پادشاهی آسمان را به تو می‌دهم. آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد. (متی ۱۹:۱۶)

انگشت شصت دست راست نشان مکانهای دولتی است. بعضی دولت‌ها به مردمشان ظلم میکنند. حداقل اینکه دولت‌ها بر زندگی روزمره، برنامه‌های آینده و حتی طرز فکر مردم بسیار تأثیر گذار هستند. وقتی یک دولت خارج از معیار اصول مسیحی عمل میکند زندگی مردم تبدیل به وضع ظالمانه میشود و هر امید حقیقی و ماندنی را تیره و تار میکند.

هنگام راهپیمایی در مناطق مسکونی، باید برای مکانهایی مانند دادگاه‌ها، مدارس حقوقی، پاسگاه‌های انتظامی، منازل و دفاتر مامورین دولتی و دفاتر مسئولین سیاسی دعا کنیم. کلام خدا به مسیحیان حکم کرده که بخصوص برای اولیا و مسئولین دعا کنند.

دعا کنید که این مکانهای دولتی مردمانشان را عادلانه و منصفانه اداره کنند. از خدائیکه قوانین را بما بخشیده درخواست کنید تا قضاات، وکلا، افسران نیروهای انتظامی، رئیس جمهوران، نخست وزیران و کلیه مسئولین مملکتی را نجات بخشد. از داور عادل بخواهید تا عدالت را بر ناحیه فقیر نشین شهر حاکم نماید. از منجیمان بخواهیم تا هم حکام و هم مردم را رهایی بخشد و هم جامه پرستش را بجای روح افسردگی جایگزین سازد.

## مراکز آموزشی

طفل را در راهی که باید برود تربیت نما، و چون پیر هم شود از آن انحراف نخواهد ورزید. (امثال ۲۲:۶)

انگشت اشاره دست راست یادآور دعا برای مکانهای آموزشی است. سخنی هست که میگوید آنکه افکار و قلب کودکان و جوانان را در دست دارد، آینده یک ملت را بدست گرفته است. شخص دیگری میگوید که تأثیر کار معلمان تا بینهایت است، هیچوقت نمیتوان گفت که چه زمانی این اثر متوقف از بین میرود.

مدارس گستردگی یک فرهنگ است. بعضی اوقات مراکز آموزشی عقایدی مانند بی‌خدایی، کومونیسیم و ادیان کاذب را که مخالف کلام خدا هستند آموزش میدهند. دانشی که جدا از خدای دانای مطلق باشد باعث میشود که ادیانی مثل بیخدایی، کومونیزم، جان‌گرایی (Animism)، همتایی (Syncretism)، بودیزم، هندویزم و اسلام برای همیشه مردم را کور و در تاریکی قرار میدهند.

برای مدارس ابتدایی و متوسطه، دانشگاهها و آموزشگاهها دعا کنید. از خدا بخواهید تا قلب معلمینی که در این مراکز آموزش میدهند را نجات بخشد. برای دانش آموزانی که کیف بدست گرفته و بمدرسه میروند دعا کنید. برای دانشجویانی که در سالنهای غذا خوری جمع میشوند نیز دعا کنید. دعا کنید تا حقیقت خدا در این مراکز آموزشی آشکار شود.

## مراکز تجاری

زندگی شما بری از پولدوستی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید، زیرا خدا فرموده است: «تو را هرگز وانخواهم گذاشت، و هرگز فراموش نخواهم کرد.» (عبرانیان ۱۳:۵)

انگشت وسط دست چپ نمایانگر نیاز دعا برای مراکز تجاریست. عشق به پول ریشه همه شرارتهاست. پول اگر چه هم از راه خیانت بدست نیامده باشد، وقتی در الویت قرار گیرد انسان را سخت اسیر خود میسازد. گفته شده که اکثر بی عدالتیهای اجتماعی بر اثر ظلم ثروتمندان بر فقراست. مراکز کسب و تجارت معمولاً "دژهای قدرتمندی هستند که مانع از دید انسان در شناخت حقیقی عیسی مسیح میگردند.

هنگامیکه از بین مکانهای تجاری، مغازه ها، فروشگاه ها، هتلها، رستورانها، بانکها و صرافیها عبور میکنید از خدا در دعا بخواهید که جامعه را چنان آزاد کند که عدالت اجتماعی غالب گردد. دعا کنید که دیگر ثروتمندان فقیران را استثمار نکنند. از خداوند عالم بخواهید که هم در دل فقیران و ثروتمندان چه فروشنده چه خریدار قلبهایی تازه بیافریند. از مالک آسمان و زمین بخواهید که به آنها قدرت درک و فهم این حقیقت را ببخشد که خدا میخواهد تامين کننده، حمایت کننده، نجات دهنده و مالک زندگی آنان باشد.

## مراکز مذهبی

پس بیهوده خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما. (تثنیه ۵:۶)

انگشت حلقه دست چپ یادآور دعا برای مراکز مذهبی است. مذهب و فرهنگ عمیقاً با هم آمیخته اند. برای بسیاری روش زندگی توسط آداب و رسوم، اعیاد و جشنها، روحانیون، خدایان و الهه ها از قبل طراحی، مقرر و سفارش شده است. اعمال پوچ نامحدود نیاز انسان را به یک ناجی برطرف نمیکنند و همچنین هیچ تضمینی برای ابدیت او ندارند. پرستش خدایان جعلی مانع میشود که انسان عیسی را بعنوان تنها راه، راستی و حیات بشناسد.

دعا کنید تا چشمان مردم باز شده، درک نمایند که هیچ کس جز بوسیله عیسی مسیح نمیتواند نجات یابد. دعا کنید تا بت پرستی که در نظر خدا مکروه و منفور است نابود شده، ریشه کن گردد. دعا کنید تا مردم به عبادت تنها خدای زنده و حقیقی رو آورند. از مسیح، دوست گناهکاران بخواهید که هم مردم و هم سرزمین آنان را شفا بخشیده بعنوان نجات دهنده شخصی آنها را به آسمان ببرد. از پدر آسمانی بخواهیم که روح خود را جاری سازد تا قلب مردم را نسبت به پرستش خود هدایت نماید.

## مراکز اجتماعی

پس دیگر نه بیگانه و اجنبی، بلکه هموطن مقدّسان و عضو خانواده خدایید؛ (افسیان ۱۹:۲)

انگشت کوچک دست چپ نمایانگر مراکز اجتماعی است. برای یافتن مردم نیاز به جستجوی زیادی نیست. در هر اجتماعی مناطقی وجود دارد که مردم برای فعالیتهای فرهنگی در آنجا جمع میشوند. بازارها، چایخانه ها، پارکها، ایستگاههای اتوبوس، ایستگاههای قطار، پیاده روها، آبخوریها، آرایشگاهها، عبادتگاهها، انجمنهای محلی، سینماها و کاباره ها مراکز فعالی هستند که اغلب در آنجا خبرها و شایعات نیز پخش میگردند.



از کلمه حیات درخواست نمائید تا آنها را برهاند و در مکالمات خود راههای خدا را جستجو نمایند. دعا کنید تا مردم در سخنان و رفتارشان خدا را احترام و تکریم نمایند. از خدائیکه مسکنت ماست بخواهید تک تک این اجتماعات را متبدل سازد. بخواهید که هر کدام تبدیل به یک جامعه آزاد و شهروندانی مقدس شوند.

## راهنمایی های مفیدی برای دعای پیاده

قبل از اقدام به دعای پیاده:

فرم و نقشه پروژه های مطرح شده در بخش شش این کتاب را تکمیل کنید. داشتن آمار مردم را از ابتدای کار باعث میشود که بتوانیم تغییرات را در یک جامعه تشخیص دهیم. دعای پیاده نباید بر اساس تعداد کلیساهای جدید یا ایمانداران جدید ارزیابی شود. ارزیابی آن بر اساس اینکه آیا جامعه در قسمتهای مختلف آزاد شده یا خیر صورت میگیرد.

در هنگام دعای پیاده:

- در تیمهای دو الی چهار نفره سفر کنید.
- اولین دعاها باید حمد و پرستش باشد.
- یک پشتیبان دعایی باید راهپیمایان را مثل سپر محافظت نماید. منظور از پشتیبان دعایی گروهی از مردم است که در یک جا جمع شده برای این راهپیمایان در دعا شفاعت میکنند. آنها در کل زمانیکه راهپیمان در منطقه هستند هم از لحاظ جسمانی و هم روحانی تیم راهپیمایان را به توسط دعا حمایت میکنند.
- از خدا بخواهید تا قلعه های دشمن را بشما نشان دهد. وقتی که به این دژها میرسید بیدرنگ شخص قدرتمند (نیروهای تاریکی) را بسته، مردمی را که برای رهائیشان دعا میکنند، آزاد کنید. (متی ۲۸:۱۲-۳۰ و ۱۷:۱۶-۱۹).
- اما مواظب باشید چون دشمن میداند که شما چکار میکنید و سعی خواهد کرد تا تلاشهای شما را خنثی کند. اعضای گروه باید در هنگام پیاده روی مواظب همدیگر باشند. فراموش نکنید که این یک جنگ روحانیست.
- در دعا فریاد نزنید. در سکوت یا نجوا دعا کنید. بیخود توجه مردم را بخود یا سایر اعضای گروه جلب نکنید. وقتی در مقابل یک دفتر کار یا پرستشگاه قرار میگیرید در سکوت بایستید و دعایتان را با آرامی به خدا بگوئید.
- قلم و کاغذ با خود همراه نبرید. یادداشت برداشتن در ملاءعام ممکن است که توجه افراد را جلب کرده و موجب سوء ظن شده و آنان را به اشتباه بیاندازد. یادداشتهای خود را بخاطر بسپارید و بعداً بر روی کاغذ بیاورید.
- از خدا بخواهید که آیات یا نیازهایی را به خاطرتان بیاورد تا از طرف مردم آنجا برایشان دعا کنید.

▪ فرصتهای گفتگو با مردم را از دست ندهید. ممکن است خدا شخص صالحی را در خدمت دعای پیاده با شما روبرو کند (به لوقا ۱۰:۷-۷ مراجعه شود). همچنین آماده باشید که در فرصتهای مناسب با مردم در مورد امید پرچاللتان صحبت کنید.

پس از دعای پیاده:

تیم دعای پیاده و گروه پشتیبانی را برای عبادت با هم جمع کنید. نکات برجسته یا الهاماتی را که در هنگام دعای پیاده با آن مواجه شدید را یادداشت نمائید. نام افراد گروهی که ملاقات میکنید را یادداشت کنید تا بتوانید در صورت لزوم برای پیگیری مسائل آتی به آنها رجوع کنید. بخاطر بسپارید که هدف شما از دعای پیاده انهدام قلعه های شیطان و رهائی مردم است تا کلیسای خدا در آنجا بنا شود. باید برای گردآوری محصول در آنجائیکه دعای پیاده را انجام میدهید آماده باشید.

آیات دیگری که در دعای پیاده مفید هستند

به ایشان چنین بگویید: «خدایانی که آسمان و زمین را نساخته اند از روی زمین و از زیر آسمان تلف خواهند شد. (ارمیا ۱۰:۱۱)

آیا مقصودم این است که خوراک تقدیمی به بت چیزی است، یا اینکه بت چیزی است؟ نه، مقصود این است که قربانیهای بت پرستان تقدیم دیوها می شود نه تقدیم خدا، و من نمی خواهم شما شریک دیوها باشید. (اول قرنتیان ۱۰:۱۹-۲۰)

و سلامتی آن شهر را که شما را به آن به اسیری فرستاده ام بطلبید و برایش نزد خداوند مسألت نمایید زیرا که در سلامتی آن شما را سلامتی خواهد بود. (ارمیا ۲۹:۷)

از برکت راستان، شهر مرتفع می شود، اما از دهان شیریان منهدم می گردد. (امثال ۱۱:۱۱)

### **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

در ذیل دو یا سه نکته عمده و قابل توجه که از این درس فرا گرفته اید و بنظر شما برای خدمت کلیسایی خود مفید خواهند بود را مرقوم فرمائید.

## بخش ۱۱

### تجربه دعای پیاده

اکنون که پنج تقاضای دعا و پنج مرکز برای دعای پیاده را آموختید به محله مورد نظرمان میرویم تا دعای پیاده را عملاً تجربه کنیم.

اولین اصل را در دعای پیاده بخاطر بسپارید: هیچگاه تنهایی دعای پیاده را انجام ندهید. اینکار باید توسط دو الی چهار نفر در مدت زمان بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه انجام شود.

با خود چیزی همراه نبرید - خودکار، مداد، کاغذ یا کتابمقدس. بسادگی، از خدا بخواهید که توسط حواسی که دارید خود را مکشوف سازد.

یک گروه کوچک در بخش آموزش باقی خواهند ماند که مثل سپر شما را از پشت سر در دعا پشتیبانی کنند.

پس از بازگشت فرصت خواهید داشت که تجربیات خود را با همراهان خود یادداشت کرده، آنچه را که خدا برایتان مکشوف نموده گزارش نمایید.

### آنچه را که آموختید ثبت کنید

در صفحه بعد، تجربه خود را در رابطه با دعای پیاده بنویسید. هر چه را که امروز خدا گفته یا آشکار نموده مرقوم فرمائید. چیزهای تازه ای که خدا در حین دعا برای گشوده شدن درهای آسمان، شاهراههای آزاد و دستهای باز برایتان مشخص، شده رامطرح نمائید. آیا با قلعه های روحانی محکمی برخورد کرده اید؟ اگر جواب مثبت است بفرمائید که در هنگام دعا برای این دژها چه اتفاقی روی داد؟

## بخش ۱۲

### جنگ روحانی

زیرا هرچند در این دنیا به سر می‌بریم، اما به روش دنیایی نمی‌جنگیم. چراکه اسلحه جنگ ما دنیایی نیست، بلکه به نیروی الهی قادر به انهدام دژهاست. ما استدلالها و هر ادعای تکبرآمیز را که در برابر شناخت خدا قد علم کند ویران می‌کنیم و هر اندیشه‌ای را به اطاعت از مسیح اسیر می‌سازیم. (آیه دوم قرتیان ۱۰:۳-۵)

در این بخش، نقش جنگ روحانی در تسهیل نهضت تاسیس کلیساهای جدید در جامعه مورد نظرمان را بررسی خواهیم کرد. هدف از این جنگ روحانی تسخیر زمینهایی است که خدا در نظر دارد در آنجا کلیسا بنا کند. وقتی برای جنگ روحانی وارد یک دهکده یا حومه یک شهر میشویم باید این انتظار در ما باشد که نتیجه امر تاسیس یک کلیسای جدید در آن منطقه خواهد بود.

خدا بما این قدرت و اقتدار را بخشیده که در جائیکه مردم زندگی میکنند با شیطان مبارزه کنیم. ما با قلمروها، قدرتها، ریاستها و جهانداران این ظلمت و فوجهای روحانی شرارت در جایهای آسمانی می‌جنگیم. اینها قلعه‌هایی هستند که مانع ورود مردم به ملکوت خدا میشوند. بتوسط جنگ روحانی ما هر چیزی که در مقابل ملکوت خدا قد علم کند را فرو میریزیم. با اینکار روح القدس نیز با هدایت مردم به اطاعت از مسیح باعث برقراری اراده خدا در میان آنان میگردد.

قبل از اقدام به جنگ علیه شیطان ابتدا باید سلاح روحانی را در بر کنیم. رساله افسسیان ۶:۱۰-۱۸ سلاح مورد نیاز جنگ روحانی را برایمان مشخص کرده است.

باری، در خداوند، و به پشتوانه قدرت مقتدر او نیرومند باشید. اسلحه کامل خدا را بر تن کنید تا بتوانید در برابر حیل‌های ابلیس بایستید. زیرا ما را کشتی گرفتن با جسم و خون نیست، بلکه ما علیه قدرتها، علیه ریاستها، علیه خداوندگاران این دنیای تاریک، و علیه فوجهای ارواح شریر در جایهای آسمانی می‌جنگیم. پس اسلحه کامل خدا را بر تن کنید، تا در روز شر شما را یارای ایستادگی باشد، و بتوانید پس از انجام همه‌چیز، بایستید. پس استوار ایستاده، کمربند حقیقت را به میان ببندید و زره پارسایی را بر تن کنید، و کفش آمادگی برای اعلام انجیل صلح را به پا نمایید. افزون بر این همه، سپر ایمان را برگزید، تا بتوانید با آن، همه تیرهای آتشین آن شرور را خاموش کنید. کلاهخود نجات را بر سر نهید و شمشیر روح را که کلام خداست، به دست بگیرید. و در همه وقت، با همه نوع دعا و تمنا، در روح دعا کنید و برای همین بیدار و هوشیار باشید و پیوسته با پایداری برای همه مقدسان دعا کنید. (افسسیان ۶:۱۰-۱۸)

### کمربند ایمان

شیطان پدر دروغگویان است و دروغها در مقابل حقیقت شکست می‌خورند. دروغهای بسیاری در مورد مسیح و پیروانش منتشر شد. بهترین سلاحی که میتوانیم در مقابل دروغیان بکار بگیریم کلام راستین خداست - نه فقط کلام

مکتوب خدا بلکه کلام زنده خدا. عیسی کلام زنده و حقیقت خداست. زندگی کردن مثل مردمیکه منعکس کننده حقیقت مسیح هستند بما کمک خواهد کرد که بر دروغهای شیطان غالب گردیم. زندگی ما باید نمونه ای از راستی و وقار باشد. هیچ لغزشی در زندگیمان نباید دیده شود. اگر خود زندگی منحرفی داشته باشیم چطور میتوانیم مردم را از تاریکی به نور هدایت کنیم؟ اگر بخواهیم مردمی را که اسارت‌های سخت دارند در مسیح آزاد کنیم خود باید زندگی صادقانه ای داشته باشیم.

عیسی به او گفت: «من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ کس جز به واسطه من، نزد پدر نمی آید. (یوحنا ۱۴:۶)

و حقیقت را خواهید شناخت، و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد. (یوحنا ۸:۳۲)

## جوشن یا زره عدالت

جوشن یا زره وسیله ای است که از قلبمان محافظت میکند. در حینیکه برای جنگ روحانی آماده میشویم باید دل‌هایمان را در حضور خدا پاک نگه داریم. اگر گناه را در قلبمان جای دهیم تمام تلاش‌های ما در جنگ روحانی بیهوده خواهد بود. قبل از اینکه درگیر جنگ روحانی شویم باید از خدا بخواهیم که دل‌هایمان را تفتیش کند و ما را از گناه پاک سازد. بدینصورت قلب‌هایمان توسط زره عدالت محفوظ میماند.

زیرا از دل است که افکار پلید، قتل، زنا، بی‌عفتی، دزدی، شهادتِ دروغ و تهمت سرچشمه می‌گیرد.

اینهاست که شخص را نجس می‌سازد، نه غذا خوردن با دست‌های ناشسته! (متی ۱۵:۱۹-۲۰)

به خدا نزدیک شوید، که او نیز به شما نزدیک خواهد شد. ای گناهکاران، دست‌های خود را پاک کنید، و

ای دودلان، دل‌های خود را طاهر سازید. (یعقوب ۴:۸)

## نعلین یا آمادگی انجیل

در هنگام دعای پیاده و درگیر شدن در جنگ روحانی، روح القدس افرادی را که آماده شنیدن در مورد عیسی مسیح و یا حتی پذیرفتن او بعنوان نجات دهنده خویش هستند را پیش روی ما میگذارد. ما باید آماده بیان انجیل عیسی مسیح به مردم باشیم و آنان را بداخل ملکوت خدا هدایت نمائیم.

اغلب اوقات کسانی که در دعای پیاده شرکت میکنند آنقدر مشغول بستن قلعه‌ها هستند که رها کردن مردم از اسارت‌هایشان را فراموش میکنند. علاوه بر بستن قلعه‌ها مردم باید ابتدا از چنگال اسارت‌هایشان آزاد شوند. اگر بخواهیم که مردم از اسارت شیطان به آزادی مسیح منتقل شوند، باید همیشه آماده دفاع از امیدی که در ماست باشیم.

کلام را موعظه کنی و به‌گاه و به‌بیگاه آماده این کار باشی و با صبر بسیار و تعلیم دقیق، به اصلاح و

توبیح و تشویق بپردازی. (دوم تیموتاوس ۲:۴)

## سپر ایمان

هنگام دعای پیاده و جنگ روحانی شیطان از ترفندهای مختلفی استفاده خواهد کرد تا ما را وادار کند که از ایمانمان به عیسی مسیح دست بکشیم. حملات پیاپی بما صورت خواهد گرفت و بستوه خواهیم آمد. با مخالفت‌های بسیاری روبرو خواهیم شد و حتی مورد جفا و شکنجه قرار خواهیم گرفت. حتی زندگی و جانهای ما نیز بخاطر انجیل مسیح تهدید خواهند شد. اما علی رغم اینها، سپر ایمانی که در عیسی مسیح داریم ما را در مقابل مخالفت و جفای دشمن محافظت نموده محکم و پایدار خواهد ساخت.

باید همیشه بخاطر داشته باشیم که مردمیکه با ما مخالفت و یا جفا میکنند دشمنان ما نیستند. ما قدرت مغلوب ساختن هر چیزی که دشمن بسویمان پرتاب کند را داریم. این قدرت از عیسی مسیح می آید که در ما زندگی میکند. بخاطر سپردن این حقایق بما کمک خواهد کرد که از شدیدترین جنگ روحانی پیروزمندانه بگذریم.

ایمان، ضامن چیزهایی است که بدان امید داریم و برهان آنچه هنوز نمی‌بینیم. (عبرانیان ۱:۱۱)

پس نه بر آنچه دیدنی است، بلکه بر آنچه نادیدنی است چشم می‌دوزیم، زیرا دیدنیها گذرا، اما نادیدنیها جاودانی است. (دوم قرنتیان ۴:۱۸)

## کلاهخود نجات

کلاهخود نجات از ذهنمان محافظت خواهد کرد. در جنگ روحانی باید دائماً "بخاطر بسپاریم که بعنوان یک ایماندار در مسیح ثابت هستیم و هیچ کس نمیتواند ما را از دست خدا برآید. شیطان در افکارمان حقه های زیادی بکار خواهد گرفت و سعی خواهد کرد تا ما را متقاعد سازد که حق بشارت دادن انجیل را به مردم نداریم. ابلیس حتی سعی خواهد کرد تا بما بقبولاند که در واقع نجات نیافته ایم. کلاهخود نجات ما را در مقابل حملاتی که به افکارمان میشود محافظت میکند.

به آنچه در بالاست، بیندیشید، نه به آنچه بر زمین است. زیرا مُردید و زندگی شما اکنون با مسیح در خدا پنهان است. (کولسیان ۳:۲-۳)

دل ثابت را در سلامتی کامل نگاه خواهی داشت، زیرا که بر تو توکل دارد. (اشعیا ۲۶:۳)

## شمشیر ایمان (کلام خدا)

اکثر سلاحهایی که در جنگ روحانی داریم طوری طراحی شده اند که در نبرد روحانی، ما را در مقابل چیزهایی که از شیطان به سمتمان پرتاب میکند محافظت مینماید. اما، شمشیر روح سلاحیست که مدام در ستیز با دشمن از آن استفاده میشود. وقتی ابلیس در بیابان عیسی را آزمایش کرده، مسیح از کلام خدا با او جنگید. در حینیکه کلام خدا را مطالعه میکنیم شمشیرهایمان را تیز کرده آماده شکست دشمن در میدان جنگ میشویم.

زیرا کلام خدا زنده و مقتدر است و بُرنده‌تر از هر شمشیر دودم، و چنان نافذ که نفس و روح، و مفاصل و مغز استخوان را نیز جدا می‌کند و افکار و نیت‌های دل را محک می‌زند. (عبرانیان ۴:۱۲)

## دعای پیوسته

دعا و جنگ روحانی تفکیک ناپذیرند. ما توسط دعای مداوم است که با شیطان درگیر میشویم. دعای پیوسته یک پیشنهاد یا نصیحت ساده نیست بلکه فرمان کلام خداست. باید در دعا کردن مواظب باشیم و هرگز دست نکشیم تا اینکه خدا سخن بگوید.

آیه ای که از افسسیان گفته شد به هر دو " دعای در روح و اصرار و التماس تمام برای مقدسین " اشاره میکند. اصرار و التماس در اینجا یعنی درخواست نمودن با تواضع میباشد. برای تضرع کردن در روح باید مشارکت پیوسته ای با خدا داشت و در این صورت است که هر آنچه دعا میکنید بطور غریزی مطابق با اراده خدا خواهد بود. دعا با اصرار و التماس تمام برای مقدسین یعنی خود را عضو بدن مسیح دانستن و از آنجائیکه به همه اعضا نیازمندیم با دعا آنها را تقویت مینمائیم. همه مقدسین اشاره به همه اعضای بدن مسیح میکنند - اعم از ایمانداران از نژادهای مختلف، از هر کشور، فرقه مسیحی، با هر سطح تحصیلات و دارای هر عطای روحانی.

در رابطه با دعا و خط مشی دعا در بخش ۱۴ و ۱۵ بیشتر مطالعه خواهیم داشت.

پیوسته دعا کنید؛ (اول تسالونیکیان ۵:۱۷)

پس همیشه مراقب باشید و دعا کنید تا بتوانید از همه این چیزها که بزودی رخ خواهد داد، در امان بمانید و در

حضور پسر انسان بایستید. (لوقا ۲۱:۳۶)

برای جنگ روحانی خدا چه سلاح هایی برای شما فراهم کرده است؟

(هفت مورد را بنویسید و شرح دهید.)

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

۶.

۷.

## بستن و باز کردن

بعلاوه، چگونه کسی می‌تواند به خانهٔ مردی نیرومند درآید و اموالش را غارت کند، مگر این که نخست آن مرد را ببندد. سپس می‌تواند خانهٔ او را غارت کند. ۳۰ هر که با من نیست، برضد من است، و هر که با من جمع نکند، پراکنده می‌سازد. (متی ۱۲: ۲۹-۳۰)

من نیز می‌گویم که تویی پطرس، و بر این صخره، کلیسای خود را بنا می‌کنم و قدرت مرگ بر آن استیلا نخواهد یافت. کلیدهای پادشاهی آسمان را به تو می‌دهم. آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد. (متی ۱۶: ۱۸-۱۹)

باید بدانیم که ما بعنوان ایمانداران در مسیح اقتدار بازکردن و بستن را داریم.

به منظور تاسیس کلیساهای جدید در مناطق بکر ابتدا باید بدانیم که لازم است قدرتهای تاریکی بسته شده و دژهای شیطانی فرو ریخته شوند.

عیسی از ما خواست که قلعه‌ها را فرو بریزیم یا بعبارتی خانهٔ مرد زورآور را تاراج کنیم. اما ابتدا باید شخص زورآور را ببندیم. عیسی همچنین وعده داد که هر آنچه که بر زمین ببندیم در آسمان بسته خواهد شد.

در جنگ روحانی نه تنها لازم است که شخص زورآور را ببندیم بلکه باید مردم را نیز از چنگ او رها کنیم. بستن و باز کردن هر دو مهم هستند.

به یاد داشته باشید که هدف ما بنای کلیسای جدید در مکانهاییست که آنجا مشغول جنگیم. برای انجام این کار باید شخص زورآور را بست، قلعه‌هایی را که در آن مردم اسیر شده‌اند را فرو ریخت و آنها را رها کرد تا بتوانند مسیح را بچشند و تجربه نمایند.

بخاطر بسپارید که همهٔ اینها به این منظور است که کلیسای خدا را در هر منطقه تاسیس کنیم. قصد ما این باشد که در هر محله‌ای که درگیر جنگ روحانی می‌شویم افرادی که از چنگ آن شخص زورآور آزاد شده‌اند و آمادهٔ پذیرش حقیقت مسیح می‌باشند را جمع کنیم. عیسی مسیح در متی ۱۲: ۳۰ فرمود که اگر جمع نکنیم مثل کسانی خواهیم بود که متفرق می‌سازند.

«هنگامی که روح پلید از کسی بیرون می‌آید، به مکانهای خشک و بایر می‌رود تا جایی برای استراحت بیابد، اما نمی‌یابد. پس می‌گوید "به خانه‌ای که از آن آمدم، بازمی‌گردم." اما چون به آنجا می‌رسد و خانه را خالی و رفته و آراسته می‌یابد، می‌رود و هفت بدتر از خود را نیز می‌آورد و همگی داخل می‌شوند و در آنجا سکونت می‌گزینند. در نتیجه، سرانجام آن شخص بدتر از حالت نخست او می‌شود. عاقبت این نسل شرور نیز چنین خواهد بود.» (متی ۱۲: ۴۳-۴۵)

اجازه بدهید که مثالی بزنم. مشری در شمال هندوستان بین افراد بومی کار می‌کرد. مردم آن منطقه در بین خود هیچ بت یا معبدی نداشتند. شخص مبشر تصمیم گرفت که فیلم عیسی را در روستاهای مختلف آن منطقه نمایش دهد. تیم بشارتی موفق شد که فقط به تعداد کمی از روستاهایی را که فیلم را عیسی دیده بودند شاگردسازی کند. چند ماهی گذشت



و مبشر تصمیم گرفت که به روستاهایی که فیلم عیسی را نمایش داده بود سرکشی کند اما متأسفانه تا آن لحظه فرصت پیگیری از آنها را نداشت. هنگامیکه وارد آن روستاها شد متوجه مسئله نراحت کننده ای شد. در روستاهاییکه فرصت پیگیری و سرکشی نداشت همه صاحب بتها، بتکده و معابد شده بودند و کاملاً "وضعشان از قبل از ورودشان به آنجا بدتر شده بود.

دعای پیاده بهترین روش برای درگیر شدن در جنگ روحانی است. در حینیکه با دعا قدرتهای تاریکی را میندیم و مردم را از اسارت‌هایشان آزاد میکنیم باید تمام قصدمان این باشد که مردم را در مکانهایی جمع کنیم که در نهایت تبدیل به کلیساهای محلی خدا در آنجا میگردند.

دعای پیاده فرصت بسیار مناسبی برای درگیر شدن در جنگ روحانی است. هنگامیکه پیاده از کنار معابد، بتها و سایر دژهای آن منطقه عبور میکنیم خیلی ساده و برعلیه آنها با صدای آرام هجوم آورده آنها را نهیب داده میگوئیم "به نام عیسی مسیح تو را میندم" و برای افراد گمشده ای که به آن معابد رفته بتها را پرستش میکنند و اسیر هستند میگوئیم "من تو را بنام عیسی مسیح از اسارت‌هایت آزاد میسازم. باید با اسلحه تام خدا مجهز باشیم. هنگام گفتن این اظهارات باید ایمان داشته باشیم که ما اقتدار بستن و فرو ریختن قلعه های دشمن را داریم. هنگام ورود به مناطق، ما باید پیوسته مشغول بستن و باز کردن باشیم. آنقدر این کار را ادامه میدهیم تا کلیسا در آن محله یا منطقه تاسیس شود. حتی پس از تاسیس کلیسا آنقدر به جنگ روحانیمان ادامه میدهیم تا تمام افراد محله ایمان آورده، دژها فرو ریخته و خدای حقیقی در زندگی و خانه ها جلال یابد.

### **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

در ذیل دو یا سه نکته عمده و قابل توجه ای که از این درس فرا گرفته اید و بنظر شما برای خدمت کلیسای خود مفید خواهند بود را مرقوم فرمائید.

## بخش ۱۳

### صندوق عهد نمونه ای از یک ایماندار

در عهد عتیق صندوق عهد نمایانگر حضور خدا در میان مردم اسرائیل بود. امروزه ما بعنوان ایمانداران به عیسی مسیح نمایانگر حضور خدا در هر جا که هستیم میباشیم. کلیسا خود "بدن مسیح" در این جهان است.

در این بخش، به بخشهایی از کلام خدا در رابطه با صندوق عهد و ما که ایمانداران به عیسی مسیح هستیم نگاهی خواهیم انداخت. هدف از اینکار درک هویت ما در مسیح میباشد. درک این مسئله بما کمک خواهد نمود که بطور موثرتر در جنگ روحانی مبارزه کنیم چون آنچه در مسیح هستیم، و اقتدار و قدرتی که بعنوان ایمانداران به مسیح داریم گواه پیروزی ای است که پیش از این به ما داده شده است.

و تابوتی از چوب شطیم بسازند که طولش دو ذارع و نیم، و عرضش یک ذارع و نیم و بلندی یک ذارع و نیم باشد. و آن را به طلای خالص بپوشان. آن را از درون و بیرون بپوشان، و بر زبرش به هر طرف تاجی زرین بساز. و برایش چهار حلقه زرین بریز، و آنها را بر چهار قایمه اش بگذار، دو حلقه بر یک طرفش و دو حلقه بر طرف دیگر. و دو عصا از چوب شطیم بساز، و آنها را به طلا بپوشان. و آن عصاها را در حلقه هایی که بر طرفین تابوت باشد بگذاران، تا تابوت را به آن بردارند. و عصاها در حلقه های تابوت بماند و از آنها برداشته نشود. و آن شهادتی را که به تو می دهم، در تابوت بگذار. و تخت رحمت را از طلای خالص بساز. طولش دو ذارع و نیم، و عرضش یک ذارع و نیم. و دو کروی از طلا بساز، آنها را از چرخکاری از هر دو طرف تخت رحمت بساز. و یک کروی در این سر و کروی دیگر در آن سر بساز. کرویها از تخت رحمت بر هر دو طرفش بساز. و کرویها بالهای خود را بر زیر آن پهن کنند، و تخت رحمت را به بالهای خود بپوشانند. و رویهای ایشان بسوی یکدیگر باشد، و رویهای کرویها بطرف تخت رحمت باشد. و تخت رحمت را بر روی تابوت بگذار و شهادتی را که به تو می دهم در تابوت بنه. و آنجا با تو ملاقات خواهیم کرد و از بالای تخت رحمت از میان دو کروی که بر تابوت شهادت می باشند، با تو سخن خواهیم گفت، درباره همه اموری که بجهت بنی اسرائیل تو را امر خواهیم فرمود. (خروج ۲۵:۱۰-۲۲)

عهد نخست، قوانینی برای عبادت داشت و نیز از محرابگاهی زمینی برخوردار بود. خیمه ای برپا شده بود که در اتاق نخست آن، چراغدان، میز، و نان تقدیمی قرار داشت؛ این مکان «قدس» خوانده می شد. پشت پرده دوم نیز اتاقی بود که «قدس الاقداس» نام داشت؛ در این اتاق، آتشدان زرین بخور و صندوق عهد قرار داشت که با طلا پوشانیده شده بود. در این صندوقچه، ظرف زرین «منا»، عصای هارون که شکوفه آورده بود، و الواح سنگی عهد قرار داده شده بود. ۵ بر بالای صندوقچه، کرویها «جلال» بر جایگاه کفاره سایه گستر بودند. اکنون جای آن نیست که به شرح جزئیات بپردازیم. (عبرانیان ۹:۱-۵)

ساخت صندوق عهد و محتویات آن را در زیر شرح دهید.

شریعت (خروج ۲۰)، من (خروج ۱۶) و عصای شکوفه زده هارون (اعداد ۱۷) در تابوت عهد قرار داشتند.

هدف از شریعت چه بود و به نظر شما به چه دلیل در صندوق عهد از آن نگهداری میشد؟

داستان "من" را بطور مختصر شرح دهید و بگوئید که به چه دلیل آنرا در صندوق عهد قرار دادند؟

داستان عصای شکوفه زده هارون چه بود و به چه دلیل در صندوق عهد نگهداری میشد؟

و هارون گاو قربانی گناه را که برای خود اوست نزدیک بیاورد، و برای خود و اهل خانه خود کفاره نماید، و گاو قربانی گناه را که برای خود اوست ذبح کند. و مجمری پر از زغال آتش از روز مذبح که به حضور خداوند است و دو مشت از بخور معطر کوبیده شده برداشته، به اندرون حجاب بیاورد. و بخور را بر آتش به حضور خداوند بنهد تا ابر بخور کرسی رحمت را که بر تابوت شهادت است بپوشاند، مبادا بمیرد. و از خون گاو گرفته، بر کرسی رحمت به انگشت خود به طرف مشرق بپاشد، و قدری از خون را پیش روی کرسی رحمت هفت مرتبه بپاشد. پس بز قربانی گناه را که برای قوم است ذبح نماید، و خوشش را به اندرون حجاب بیاورد، و با خوش چنانکه با خون گاو عمل کرده بود عمل کند، و آن را بر کرسی رحمت و پیش روی کرسی رحمت بپاشد. و برای قدس کفاره نماید به سبب نجاسات بنی اسرائیل، و به سبب تقصیرهای ایشان با تمامی گناهان ایشان، و برای خیمه اجتماع که با ایشان در میان نجاست ایشان ساکن است، همچنین بکند. (لاویان ۱۶: ۱۱-۱۶)

بر کرسی رحمت در روز کفاره چه گذشت و هدف از گذراندن این قربانی چه بود؟

در بخشهای مذکور بنای صندوق عهد را مطالعه نمودیم. جنس آن از چوب و با طلا از داخل و بیرون مینا کاری شده بود. سه چیز درون صندوق قرار داشت - شریعت خدا، نان من، و عصای شکوفه زده هارون. سپس درب آن بسته شده با طلای خالص مهر و موم میشد. کروبیان در دو طرف صندوق به سمت کرسی رحمت که در وسط بود قرار داشتند. هر سال در روز کفاره کاهن اعظم قربانی ای میگذراند و خون آنرا بر روی کرسی رحمت میپاشید تا گناهان مردم اسرائیل را کفاره نماید. خدا بر کرسی رحمت خود را آشکار میکرد. جلال خدا بر کرسی رحمت درخشیده میشد.

حال بیایید که به ایمانداران عهد جدید نگاهی بیندازیم. هر کسی که در زمره ایمانداران باشد عضو کلیسا نیز خواهد شد چون کلیسا بدن ایمانداران است. بخاطر داشته باشید که هدف ما در نبرد روحانی آماده سازی زمینه ای است که در آن کلیسا (بدن ایمانداران) در محلی که نبرد روحانی صورت میگیرد تاسیس گردد.

ابتدا، "من" در صندوق عهد گذاشته میشد. در عهد جدید نیز ایمانداران عیسی مسیح "نان حیات" را که در او ساکن است دارا هستند. همانگونه که "من" در بیابان برای مردم اسرائیل تغذیه و حیات بود، نان حیات نیز برای ایمانداران تضمین حیات جاودانی آنان در عیسی مسیح است.

عیسی پاسخ داد: «آمین، آمین، به شما میگویم، موسی نبود که آن نان را از آسمان به شما داد، بلکه پدر من است که نان حقیقی را از آسمان به شما می‌دهد. زیرا نان خدا آن است که از آسمان نازل شده، به جهان حیات می‌بخشد.» (یوحنا ۶: ۳۲-۳۳)

من نان حیاتم. پدران شما، منّا را در بیابان خوردند، و با این همه مردند. اما نانی که از آسمان نازل می‌شود چنان است که هر که از آن خورد، نخواهد مرد. منم آن نان زنده که از آسمان نازل شد. هر کس از این نان بخورد، تا ابد زنده خواهد ماند. نانی که من برای حیات جهان می‌بخشم، بدن من است.» (یوحنا ۶: ۴۸-۵۱)

دوم اینکه شریعت خدا در صندوق عهد قرار داشت. این احکام بر لوحه های سنگی نوشته شده بود. در عهد جدید میبینیم که این احکام در دل ایمانداران مرقوم شده است.

شما خود توصیه‌نامه‌ مایید، نامه‌ای نگاشته بر دل‌های ما که همگان می‌توانند آن را بخوانند و بفهمند. شما نشان داده‌اید که نامه‌ مسیح هستید، ثمره خدمت ما، و نگاشته نه با مرکب، بلکه با روح خدای زنده، و نه بر لوح سنگی، بلکه بر لوح دل‌های گوشتین. (دوم قرنتیان ۳:۲-۳)

سوم اینکه عصای شکوفه زده هارون در صندوق عهد قرار می‌گرفت. عصا نشانگر این بود که خدا آن شخص را برگزیده و گناهان فرزندان اسرائیل را بخشیده است.

و شخصی را که من اختیار می‌کنم، عصای او شکوفه خواهد آورد. پس همه‌ بنی اسرائیل را که بر شما می‌کنند از خود ساکت خواهم نمود.» (اعداد ۱۷:۵)

وقتی شخصی در عهد جدید به عیسی مسیح ایمان می‌آورد به او حیات جدید در مسیح بخشیده میشود. در گذشته در گناهانمان مرده بودیم اما بتوسط پذیرش عیسی مسیح در او زنده میشویم. زندگی ما مثل عصای هارون است. عصای هارون یک چوب خشک و بی جان بود اما خدا آنرا شکوفا ساخت. قبل از اینکه نزد مسیح بیائیم مثل یک چوب خشک هستیم اما پس از قبول عیسی مسیح خدا زندگی ما را شکوفا می‌سازد.

به همین‌سان، شما نیز خود را نسبت به گناه مرده انگارید، اما در مسیح عیسی نسبت به خدا، زنده. (رومیان ۱۱:۶)

و اما شما به سبب نافرمانیها و گناهان خود مرده بودید، و زمانی در آنها گام می‌زدید، آنگاه که از روشهای این دنیا و از رئیس قدرت هوا پیروی می‌کردید، از همان روحی که هم‌اکنون در سرکشان عمل می‌کند. ما نیز جملگی زمانی در میان ایشان می‌زیستیم، و از هوای نفس خود پیروی می‌کردیم و خواسته‌ها و افکار آن را به‌جا می‌آوردیم؛ ما نیز همچون دیگران، به طبع محکوم به غضب خدا بودیم. اما خدایی که در رحمانیت دولت‌مند است، به خاطر محبت عظیم خود به ما، حتی زمانی که در نافرمانیهای خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده کرد - پس، از راه فیض نجات یافته‌اید؛ و ما را با مسیح برخیزانید و در جایهای آسمانی با مسیح عیسی نشانید، (افسیان ۲:۱-۶)

در روز کفار کاهن اعظم اسرائیل از طرف مردم جهت گذراندن قربانی به قدس الاقداس وارد میشد. او خون قربانی را بر کرسی رحمت می‌پاشید. با مشاهده خون، خدا گناهان مردم اسرائیل را می‌آمرزید. بدون پاشیده شدن خون آمرزشی وجود نداشت. ریختن شدن خون عیسی بر صلیب نیز باعث آمرزش گناهان شد. گناه باعث جدایی بین انسان و خدا می‌گردد. خون عیسی مسیح برای کسانی که به او ایمان می‌آورند این فاصله یا جدایی را از بین می‌برد. خون عیسی مسیح با بخشش گناهان رابطه ما را با خدا شفا می‌دهد. تخت رحمت یک ایماندار قلب اوست. همانطور که خون پاشیده شده قربانی علامتی جهت آمرزش گناهان قوم اسرائیل توسط خدا بود در عهد جدید نیز وقتی خدا خون عیسی مسیح را بر قلب ایمانداران به مسیح می‌بیند گناهانشان را بخشیده رابطه آنها را با خود شفا می‌بخشد.

اما اکنون در مسیح عیسی، شما که زمانی دور بودید، به واسطه خون مسیح نزدیک آورده شده‌اید. (افسس ۲:۱۳)

اما اگر در نور گام برداریم، چنانکه او در نور است، با یکدیگر رفاقت داریم و خون پسر او عیسی ما را از هر گناه پاک می‌سازد. (اول یوحنا ۱:۷)

صندوق عهد توسط طلا از داخل و بیرون مینا کاری شده بود. مهر و موم کردن آن نیز با طلای خالص انجام میشد. قلب ایمانداران به عیسی مسیح نه با طلا بلکه به توسط روح القدس مهر و موم میشود.

و شما نیز در او جای گرفتید، آنگاه که پیام حقیقت، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید؛ و در او نیز چون ایمان آوردید، با روح القدس موعود مهر شدید، که بیعانه میراث ماست برای تضمین بازخرید آنان که از آن خدایند، تا جلال او ستوده شود. (افسیان ۱:۱۳-۱۴)

و در نهایت کروبیان در هر طرف تخت رحمت رو بطرف هم قرار می‌گرفتند. این دو کروی مسئول مواظبت از صندوق عهد بودند. ایمانداران به عیسی مسیح هم فرشتگانی دارند که آنان را خدمت میکنند.

مگر آنها جملگی روحهایی خدمتگزار نیستند که برای خدمت به وارثان آینده نجات فرستاده می‌شوند؟  
(عبرانیان ۱:۱۴)

بنابراین میتوانیم شاهد رابطه صندوق عهد در عهدعتیق با ایمانداران به عیسی مسیح در عهدجدید باشیم. آنچه در مورد ایمانداران گفته شد شامل کلیسا که بدن ایمانداران است نیز میگردد. کلیسا شامل گروهی از مردم است که به آنان حیات جاودان بخشیده شده و نشان آن نان حیات است که در قلب و زندگیشان ساکن است. شریعت خدا بر قلبشان حک شده است. زمانی در گناهانشان مرده بودند اما توسط عیسی مسیح زنده گشتند. خون عیسی مسیح نه تنها گویای آمرزش گناهان است بلکه رابطه ایمانداران را با خدا ترمیم مینماید. ایمانداران به نشان ضمانت بعنوان فرزندان وارث خدا، توسط روح القدس مهر شده اند.

اکنون که شباهتهای بین صندوق عهد و ایمانداران را بررسی کردیم بیائید به درک مفهوم آن برای ایمانداران و کلیسا پردازیم.

اول سموئیل ۵:۱-۱۲ را مطالعه کنید.

و فلسطینیان تابوت خدا را گرفته، آن را از آبن عزر به اشدود آوردند. و فلسطینیان تابوت خدا را گرفته، آن را به خانه داجون درآورده، نزدیک داجون گذاشتند. و بامدادان چون اشدودیان برخاستند، اینک راجون به حضور تابوت خداوند رو به زمین افتاده بود. و داجون را برداشته، باز در جایش برپا داشتند. و در فردای آن روز چون صبح برخاستند، اینک داجون به حضور تابوت خداوند رو به زمین افتاده، و سر داجون و دو دستش بر آستانه قطع شده، و تن داجون فقط از او باقی مانده بود. از این جهت کاهنان داجون و هرکه داخل خانه داجون می‌شود، تا امروز بر آستانه داجون در اشدود پا نمی‌گذارد. و دست خداوند بر اهل اشدود سنگین شده، ایشان را تباه ساخت و ایشان راه هم اشدود و هم نواحی آن را به خراجها مبتلا ساخت. و چون مردان اشدود دیدند که چنین است گفتند: تابوت خدای اسرائیل با ما نخواهد ماند، زیرا که دست او بر ما و بر خدای ما، داجون سنگین است. پس فرستاده، جمیع سروران فلسطینیان را نزد خود جمع کرده، گفتند: با تابوت خدای اسرائیل چه کنیم؟ گفتند: با تابوت خدای اسرائیل به جت منتقل شود. پس تابوت خدای اسرائیل را به آنجا بردند. و واقع شد بعد از نقل کردن آن که دست خداوند بر آن شهر به اضطراب بسیار عظیمی دراز شده، مردمان شهر را از خرد و بزرگ مبتلا ساخته،

خُراجها بر ایشان مُنتَفَخُ شد. پس تابوت خدا به عَفْرُون بردند و به مجرد ورود تابوت خدا به عَفْرُون فریاد کرده، گفتند: «تابوت خدای اسرائیل را نزد ما آوردند تا ما را و قوم ما را بکشند. پس فرستاده، جمیع سروران فلسطینیان را جمع کرده، گفتند: تابوت خدای اسرائیل را روانه کنید تا به جای خود برگردد و ما را و قوم ما را نکشد، زیرا که در تمام شهر هنگامه مهلک بود، و دست خدا در آنجا بسیار سنگین شده بود. و آنانی که نمردند، به خُراجها مبتلا شدند. و فریاد شهر تا به آسمان بالا رفت. (اول سموئیل ۵: ۱-۱۲)

فلسطینیان تابوت عهد را گرفتند. آنرا به شهر اشدود بردند. تابوت عهد را در معبد بتی بنام داگون قرار دادند. چه اتفاقی در آنجا افتاد؟ در حضور صندوق عهد، خدای دروغین بر روی زمین افتاد. فلسطینیان روز بعد آمده و بت را بحالت اولش برگرداندند و درب معبد را دوباره بستند. چه اتفاقی رخ داد؟ برای بار دوم خدای جعلی با صورت بر زمین افتاد اما این بار سر و کف هر دو دستش شکسته شده از بدنش جدا شده بودند. خدای دروغین تکه تکه شد چون خداوند فلسطینیان را بخاطر گناهشان داوری کرده بود.

چنانچه ایمان داشتن و در نهایت کلیسای عهدجدید نمایانگر صندوق عهدعتیق باشد پس این داستان برای ما در رابطه با جنگ روحانی وعده ای بخصوص به همراه دارد. هنگامیکه در دعای پیاده از کنار معابد و بتکده های خدایان دروغین عبور میکنیم میتوانیم در برابرشان با اطمینان در ایمان بایستیم. خدایان دروغین هیچ قدرتی بر ما ندارند. بعنوان ایماندار ما نمایندگان حضور خدا هستیم. بیاد آورید که کلیسا در اینجا بدن خداوند است. خدایان دروغین نمیتوانند در برابر کلیسا بایستند و در برابر آن هیچ قدرتی ندارند. وقتی کلیسا و ایماندارانش به خدا وفادار میمانند خدا هم تمام قلعه های دشمن را فرو میریزد. عیسی مسیح به پطرس چه گفت؟

من نیز می گویم که تویی پطرس، و بر این صخره، کلیسای خود را بنا می کنم و قدرت مرگ بر آن استیلا نخواهد یافت. (متی ۱۶: ۱۸)

اگر بخواهیم در جنگ روحانی بطور موثر نبرد کنیم بعنوان ایماندار و کلیسا ما باید درک کنیم که در عیسی مسیح چه هویتی داریم. کلیسا بعنوان بدن مسیح نمایانگر حضور مسیح بر زمین است. خدایان دروغین در مقابل صندوق عهد دوام نیاوردند. امروز هم خدایان دروغین در مقابل کلیسا دوامی نخواهند داشت. بنابراین در هر روستا و محله ایی که درگیر جنگ روحانی میباشیم، ما هم میتوانیم و هم باید کلیسا تاسیس کنیم.

## **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

در ذیل دو یا سه نکته عمده و قابل توجه که از این درس فرا گرفته اید و بنظر شما برای خدمت کلیسایی خود مفید خواهند بود را مرقوم فرمائید.

## بخش ۱۴

### دعا بعنوان یک خط مشی یا فن جنگی

زمان زیادی را صرف دعای پیاده و جنگ روحانی نمودیم. اما این تنها کاربرد دعا در خدمت نیست. دعا باید برای مردمی باشد که قصد داریم کلام خدا را به آنها برسانیم. دعا برای کسانی که در بین مردم مشغولند لازم است. دعا برای کلیساهایی که قرار است برای مردم تاسیس شود نیز لازم است. باید یک روش دعای پشتیبانی فشرده ایجاد نمائیم تا از طریق آن بتوانیم دعاها را موثر با خط مشی های مختلف داشته باشیم.

در زیر توضیح دهید که دعا از چه طریقی برای مردمی که میخواهید به آنها کلام خدا را برسانید میتواند در خدمت شما بکار گرفته شود. سپس با افراد تیم خود در این دوره آموزش عقاید خود را مطرح کنید.

**مثال:** تاسیس سلولهای دعایی در حداقل ۱۰ کلیسای موجود برای مردمی که میخواهیم به آنها بشارت دهیم.

### شناخت دعا بعنوان یک خط مشی

بعنوان یک جمع بندی بیابید به برخی از اصولی که به ما میگویند چطور میتوان دعا را بعنوان یک خط مشی بکار گرفت نگاهی بیفکنیم.

### دعا بعنوان یک خط مشی با طلبیدن اراده خدا آغاز میگردد

دعا بعنوان یک خط مشی قلوب و افکار کسانی که در دعا از خدا هدایت میخواهند را باز میکند و بر آنان آشکار میسازد که چطور، برای چه چیز و چه کسی باید دعا کنند. ابتدا باید بخواهیم که خدا برایمان روشن سازد که چه میخواهد که صورت بگیرد بعد در دعا تقاضا کنیم که آن چیز انجام شود. باید اول دلهایمان با خواست و اراده خدا هماهنگ شود سپس در دعا بخواهیم که اراده اش، یعنی همه مردم فرصت شناخت پسرش عیسی مسیح را داشته باشند، انجام شود.

برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه، همراه با شکرگزاری، درخواستهای خود را به خدا ابراز کنید. بدین گونه، آرامش خدا که فراتر تمامی عقل است، دلها و ذهنهایتان را در مسیح عیسی محفوظ نگاه خواهد داشت. (فیلیپیان ۴:۶-۷)

### دعا بعنوان یک خط مشی قدرت خدا را جاری میسازد

خدا اراده خود را در پاسخ به دعاها مردمانش به انجام میرساند. او دعاها را مشخص ما را با قدرتش می آمیزد تا با بشارت کلامش تحول ایجاد نماید. بتوسط دعا ما به مشارکت با خدا میپیوندیم.

نزدیک نیمه شب، پولس و سیلاس مشغول دعا بودند و سرودخوانان خدا را ستایش می کردند و دیگر زندانیان نیز بدیشان گوش فرامی دادند که ناگاه زمین لرزه ای عظیم رخ داد، آن گونه که اساس زندان به لرزه درآمد



و درهای زندان در دم گشوده شد و زنجیرها از همه فروریخت. زندانبان بیدار شد، و چون درهای گشوده زندان را دید، شمشیر برکشید تا خود را بکشد، زیرا می‌پنداشت زندانبان گریخته‌اند. اما پولس با صدای بلند ندا درداد، گفت: «به خود آسیب مرسان که ما همه اینجاییم!» زندانبان چراغ خواست و سراسیمه به درون زندان رفت و در حالی که می‌لرزید به پای پولس و سیلاس افتاد. سپس، ایشان را بیرون آورد و پرسید: «ای سروران، چه کنم تا نجات یابم؟»

پاسخ دادند: «به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانهات نجات خواهید یافت.» آنگاه کلام خداوند را برای او و همه کسانی که در خانه‌اش بودند، بیان کردند. در همان ساعت از شب، زندانبان آنها را برداشته، زخمهایشان را شست، و بی‌درنگ او و همه اهل خانه‌اش تعمیم گرفتند. او ایشان را به خانه خود برد و سفره‌ای برایشان گسترد. او و همه اهل خانه‌اش از ایمان آوردن به خدا بسیار شاد بودند. (اعمال ۱۶: ۲۵-۳۴)

## دعا بعنوان یک خط مشی شخص دعا کننده را وارد قلمرو جنگ روحانی میکند

دعا فن جنگی است که قدرت شیطان و تاریکی اش را در هم می‌شکند. دشمن ما شیطان سعی دارد که کور کند، تضعیف و نابود نماید. شکستن دژهای او کاریست ماورای طبیعی. تنها راهی که میتوان چنین کرد از طریق نبرد روحانی یعنی دعای فوق العاده، جدی و مصرانه است.

پطرس و یوحنا پس از رهایی نزد یاران خود بازگشتند و آنچه را که سران کاهنان و مشایخ به آنها گفته بودند، بازگفتند. چون این را شنیدند، یکصدا به درگاه خدا دعا کرده، گفتند: «ای خداوند حاکم بر همه امور، ای آفریننده آسمان و زمین و دریا و آنچه در آنهاست، تو خود به واسطه روح القدس از زبان پدر ما، خادم داور، فرمودی:

«از چه سبب قومها بشورند و ملتها به عبث دسیسه کنند؟ پادشاهان جهان صف آریند و حاکمان گردهم آیند، برضد خداوند و برضد مسیح او.» برآستی که در همین شهر، هیروودیس و پتیوس پیلاتس با غیریهودیان و قوم اسرائیل برضد خادم مقدس عیسی که او را مسح کردی، همدست شدند، تا آنچه را که دست و اراده تو از پیش مقدر کرده بود، تحقق بخشند. اکنون، ای خداوند، به تهدیدهای ایشان نظر کن و خادمان خود را عنایت فرما تا کلامت را با شهادت کامل بیان کنند، و نیز دست خود را به شفا دراز کن و به نام خادم مقدس عیسی، آیات و معجزات به ظهور آور.»

پس از دعای ایشان، مکانی که در آن جمع بودند به لرزه درآمد و همه از روح القدس پر شده، کلام خدا را با شهادت بیان می‌کردند. (اعمال ۴: ۲۳-۳۱)

## دعا تنها خط مشی است که میتواند به تمام مردم و ملیتهای این دنیا دسترسی پیدا کند

در برخی جاها مردم با حضور خادمین مسیحی مخالفت میکنند اما در مقابل دعا و قدرت روح القدس نمی توانند بایستند. بعضی اوقات دعا تنها روشی است که میتوان اتخاذ نمود. علاوه بر این، دعا باید همه روشهای خدمتی که اعمال میکنیم را تقویت نماید.

وحی که حَقُّوقِ نَبیِّ آن را دید. ای خداوند تا به کی فریاد برمی آورم و نمی شنوی؟ تا به کی نزد تو از ظلم فریاد برمی آورم و نجات نمی دهی؟ چرا بی انصافی را به من نشان می دهی و بر ستم نظر می نمایی و غضب و ظلم پیش روی من می باشد؟ منازعه پدید می آید و مخاصمت سر خود را بلند می کند. از این سبب، شریعت سست شده است و عدالت هرگز صادر نمی شود. چونکه شریبان عادلان را احاطه می نمایند. بنابراین عدالت موعود شده صادر می گردد. در میان امت ها نظر کنید و ملاحظه نمایید و بشدت متحیر شوید. زیرا که در ایام شما کاری می کنم که اگر شما را هم از آن مخبر سازند، باور نخواهید کرد. (حقوق ۱:۵-۵)

## دعا کاریست است که هر ایمانداری میتوان در آن شرکت کند

هر ایمانداری نمیتواند برای امر بشارت کمک مالی شایانی بنماید. حتی هر ایمانداری هم توانایی بشارت یا تاسیس کلیسا را ندارد. اما از طریق دعا هر ایمانداری میتواند تأثیر بسزایی در مسیح در هر ملیتی داشته باشد.

بنابراین، پیش از هر چیز، سفارش می کنم که مؤمنان درخواستها، دعاها، شفاعتها و شکرگزاریها را برای همه مردم به جا آورند، از آن جمله برای حاکمان و همه صاحبمنصبان، تا بتوانیم زندگی آرام و آسوده ای را در کمال دینداری و وقار بگذرانیم. چراکه این نیکو و پسندیده نجات دهنده ما خداست که می خواهد همگان نجات یابند و به معرفت حقیقت نایل گردند. زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیح عیسی است؛ و که با دادن جان خود، بهای رهایی جمله آدمیان را پرداخت. بر این حقیقت در زمان مناسب شهادت داده شد، و من به همین منظور برگماشته شدم تا واعظ و رسول و معلم ایمان راستین برای غیریهودیان باشم - حقیقت را بیان می کنم و دروغ نمی گویم. پس آرزویم این است که مردان در همه جا، بی خشم و جدال، دستهایی مقدس را به دعا برافرازند. (اول تیموتاوس ۲:۱-۸)

## دعا بعنوان یک خط مشی خادمین را وارد میدان خدمتی مینماید

وقتی مردمان خدا دعا میکنند دعای خدا شنیده شده انجام میشود. خدا با کسانی که دعایشان بحضورش آورده میشود سخن میگوید. وقتی مردم دعا میکنند خدا خادمین را به میدان عمل اعزام میکند.

به ایشان گفت: «محصول فراوان است، اما کارگر کم. پس، از مالک محصول بخواهید تا کارگرانی برای درو محصول خود بفرستد. (لوقا ۱۰:۲)

در خاتمه، دعا حساسترین کاریست که ما در خدمت انجام میدهیم. ما باید گروه هایمان را با دعا اشباع نماییم. باید کسانی که در گروه ها خدمت میکنند را با سپر دعا احاطه کنیم. دعا حساسترین ترین کاریست که ما در خدمت انجام میدهیم. دعا نیز کار سختیست. مردم باید مشتاق دعا برای خادمینیکه در خدمت بشارت به مردم مورد نظرمان هستند باشند.

## **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

در ذیل دو یا سه نکته عمده و قابل توجه ای که از این درس فرا گرفته اید و بنظر شما برای خدمت کلیسایی خود مفید خواهند بود را مرقوم فرمائید.

## بخش ۱۵

### طرح کلی دعا

قبلاً نسبت به توسعه طرحهای کلی در رابطه با تحقیقات صحبت‌هایی داشتیم. بخاطر داشته باشید که طرح کلی بر اساس خط مشی‌هایی تهیه میشود که شامل شش مقوله فوق باشد: پژوهش، دعا، شراکتها، جایگاهها، بشارت و شاگردسازی و تاسیس کلیسای جدید. هر برنامه ریزی در رابطه با این شش مقوله انجام شود در واقع جهت نیل به هدف کلی طرح جامع (تحقق رویای نهایی، یا بشارت کامل به گروه مردم از طریق تکثیر مجدد کلیساهای محلی) تنظیم میگردد.

تا این مرحله ما کلیه بخش‌های مربوط به دعا را خاتمه داده ایم. بنابراین، در این بخش متمرکز تهیه فهرست یک سری هدفها، منابع، فرصتهای حاصل از موانع، طرحها و مراحل ارزیابی برای دعا در خدمات روحانی میشویم.

چنانچه به بازنگری تعاریف و دستورالعملها برای تهیه این فهرستها نیاز دارید لطفاً به بخش نهم تحت عنوان "مقدمه طرح جامع و طرح پژوهشی" مراجعه فرمائید.

در ذیل نمونه ای است در رابطه با چگونگی تهیه این هدفها و طرحها در محدوده دعا برای طرحهای کلی که شما در نظر گرفته اید.

---

### دعا

رویای نهایی خود را در ابتدای جزئیات دعای طرح جامع بنویسید. انجام این کار در جهت تحقق رویای نهایی کمک مینماید بنابراین کلیه هدفها و طرحهای نوشته شده در زیر بخش دعا باید تنظیم شوند.

### هدفها:

- برخی از هدفهای قابل سنجش در محدوده دعا بشرح زیر میباشد.
- ظرف ۱۲ ماه یک شبکه دعا برای گروه مردمی مورد نظرتان با حداقل ۵۰۰ نفر شفاعت کننده تشکیل دهید.
- یک تقویم سالانه دعا در مورد گروه مردمی مورد نظرتان برای توزیع بین دعا کنندگان تهیه کنید.
- در سال بعدی حداقل ۵۰ سلول دعایی برای شفاعت گروه مردم موردنظرتان ایجاد کنید.
- با تاسیس کلیساهای جدید گروههای دعایی در همان کلیساهای شفاعت هم مردمی که در بینشان هستند و هم کسانی که هنوز کلام خدا را نشنیده اند تشکیل نمائید.

▪ افراد جدید جمع کنید، آموزش دهید و تیم های دعای پیاده برای جنگ روحانی در هر محله که مردم زندگی میکنند اعزام کنید.

## منابع:

موارد زیر شامل برخی از منابع هستند که ممکن است برای تحقق هدفهای ذکر شده در بالا نیاز باشند.

- کلیساهای محلی
- مطالب آموزشی جنگ روحانی
- کلیسای محلی من
- مراکزی که بین گروه های مردمی فعالیت میکنند
- تحقیقات پژوهشی پیرامون کارگران حصاد و خود حصاد
- مسیحیان بین المللی که گروه مردمی را پذیرفته اند

## فرصتهایی که از موانع حاصل میشوند:

در رابطه با اهداف ذکر شده در بالا، اینها موانع احتمالی هستند که ممکن است با آنها برخورد کنید. همراه با این موانع ما پیشنهادهایی را مطرح کردیم که نشان میدهند چطور بتوانیم هر کدام از این موانع را به فرصتها تبدیل کنیم.

- **مانع** : افراد از نیاز روحانی گروه مردم نا آگاهند.
- **فرصت** : اطلاعات مربوط به مطالعات حصاد و طرح روحانی باید با آنها در میان گذاشته شود.
- **مانع** : به هیچ گونه کامپیوتر و چاپگری که بتوان با آن تقویم تهیه کرد دسترسی نیست.
- **فرصت** : شخصی را که کامپیوتر دارد بکار بگیرید تا بتواند در تهیه این تقویم شما را یاری نماید.
- **مانع** : افراد نیمدانند که چگونه باید جنگ روحانی کنند و دعای پیاده را انجام دهند.
- **فرصت** : مردم را در این رابطه ها آموزش دهید.

## طرحهای عملیاتی:

در زیر به تعدادی از طرحهای عملیاتی در رابطه با هدفهای مذکور در شرح بالا اشاره شده است.

- فهرستی از نام افرادی که در حال حاضر در دعا شرکت میکنند تهیه کنید.
- از این شرکت کنندگان در دعا بخواهید که به این فهرست اسامی دیگری برای اینکار اضافه نمایند.
- سلولهای موجود در کلیساهای محلی را شناسایی کنید.
- اطلاعات لازم را در رابطه با گروه مردم موردنظران را بین افراد گروه دعا توزیع کنید.
- بر اساس طرح تهیه شده حصاد و خادمین حصاد مشخص نمائید که آیا نیاز هست که گروههای جدید دعا تشکیل شوند یا خیر؟
- افراد جدید از کلیسای محلی و گروه های دعا جذب کنید و آنها را برای دعای پیاده و جنگ روحانی آموزش دهید.
- برای تعیین مناطقی که تیمهای جدید باید به آنجا اعزام شوند آمار کلیه مکانهایی که در آنجا دعای پیاده انجام شده و کارهای جدیدی که آغاز گردیده را ثبت نمائید.
- کسانی که در تاسیس کلیساهای جدید و بشارت فعالند را جهت جنگ روحانی و دعای پیاده تجهیز نمائید.
- در حینیکه کلیساهای جدید بنا میشوند گروههای دعا تشکیل دهید.

## **مراحل ارزیابی:**

- در ذیل نمونه هایی از روندهای ارزیابی برای هدفهای دعا که در بالا ذکر شده مشاهده میگردد.
- سوابق افرادی را که در گروه های دعا شرکت میکنند را بایگانی کنید تا بتوانید تشخیص دهید که چه وقت به هدفتان رسیده اید.
- با آغاز تاسیس کلیساهای جدید میتوانیم نتیجه بگیریم که دعاهایمان موثر بوده است.

## آنچه را که آموختید ثبت کنید

در صفحه بعدی، شما باید بر روی منابع، فرصتهای بدست آمده از منابع، طرحها، مراحل ارزیابی دعا و هدفهای خود شروع بکار کنید. بخاطر داشته باشید که ابتدا باید شرح رویای نهایی خود را بر بالای صفحه قرار دهید سپس بر روی هر کدام از مناطق قدم بقدم فعالیت کنید. اگر هر سوالی برایتان پیش آمد از هم گروهیتان یا مسئول آموزش کمک بخواهید.

### شرح رویای نهایی

--

### دعا

	<b>هدفها</b>
	<b>منابع</b>
	<b>فرصتهای حاصله از موانع</b>
	<b>طرح های عملیاتی</b>
	<b>مراحل ارزیابی شده</b>

## بخش ۱۶

### یوشع

یکی از اجزای کلیدی این مبحث آموزشی تهیه نقشه های کلی طراحی شده جهت تحقق رویای نهایی است، که معتقدیم خدا به ما بخشیده تا به گروه های مردمی دسترسی پیدا کنیم. خدا یک رویای نهایی در رابطه با سرزمین وعده به موسی، یوشع و مردم اسرائیل داد. خدا به آنان گفته بود که سرزمینی که در آن شیر و شهد جاریست را تصاحب خواهند کرد. مردم آنجا را بیرون خواهند راند. آنها در آن سرزمین در اطاعت خدا زندگی خواهند کرد. تسخیر سرزمین وعده که در کتاب یوشع نوشته شده برای ما پر از درسهایی است که ما را در انتخاب و پیشبرد خط مشی یاری خواهند نمود.

### آنچه را که آموختید ثبت کنید

کتاب یوشع را مطالعه کنید. در صفحه بعد اصول و ایده های اساسی را که در رابطه با خطی مشی آموختید و به نظر شما در نهضت تاسیس کلیساهای جدید مفید خواهند بود را بنویسید. حتماً آیه های مربوطه را نیز مرقوم فرمائید.

محل آیه نقل شده	اصول گرفته شده از کتاب یوشع
یوشع ۱: ۲-۵	<b>مثال:</b> ما باید ایمان داشته باشیم که این اراده خدا برای مردم اسرائیل بود که تمامی آن سرزمین را تصرف کنند.



## بخش ۱۷

### نظر کتابمقدس دربارهٔ مشارکت

مشارکت بی ایمانان را متقاعد میکند که پیام انجیل حقیقت دارد. (یوحنا ۱۳:۳۴-۳۵ و

۱۷:۲۰-۲۶)

در انجیل یوحنا عیسی مسیح دو بار به شاگردانش گفت که دنیا به شرطی پیام انجیل را میپذیرد که شاهد اتحاد و محبت بین شاگردان باشد. شاید بزرگترین مانع در کار ما عدم اتحاد باشد. آیا دنیا پیام کلام خدا را بخاطر بی ایمانی به آن رد میکند یا بخاطر اینکه شاهد جدایی و بی محبتی بین مبشرینش است؟

عیسی هیچ گاه اظهار نکرد که شما هنگامی که تعالیم صحیح را بیابید شاگردان من خواهید شد. او هیچ گاه نگفت که دنیا از موعظه های الهام بخش شما خواهد فهمید که من از طرف (خدا) پدرآسمانی آمده ام. بلکه عیسی فرمود که دنیا هنگامی که ببیند شما در محبت و اتحاد با یکدیگر رفتار میکنید به پیام من ایمان خواهد آورد. تعالیم صحیح لازمند. بشارت باید بطور موثر انجام پذیرد اما آن عمل اصلی که دنیا را نسبت به پیام انجیل متقاعد میسازد یکدلی و محبت ما نسبت به همدیگر است.

مشارکت "رفتار شایستهٔ دعوت الهی" ما را تأیید میکند. (افسیان ۴:۱-۶ و آیات ۱۷ الی

۳۲)

در آیات فوق الذکر مخاطب پولس رسول کلیساست نه بی ایمانان. پولس کلیسا را یادآور میشود که باید "به شایستگی دعوتی که به آن خوانده شده اید رفتار کنید" و "به سعی تمام بکوشید تا آن یگانگی را که از روح است، به مدد رشتهٔ صلح حفظ کنید". وقتی ما تفرقه پذیرباشیم و یا نفاق را در خود جای دهیم، آنگاه بشایستگی دعوتی که از ما بعمل آمده رفتار نمیکنیم.

مشکل اصلی کلیسای افسس و کلیسای امروزه نیز اینست که "از تن به در آوردن انسان قدیم" و "بر تن کردن انسان جدید" را نادیده گرفته است. گاهی درک ما به تیرگی فهم دنیای بی ایمان میشود! رفتار بعد از ایمانمان با قبل از ایمان چندان تفاوتی ندارد تنها ظاهر مسیحی بخود میگیرد. گفتارمان فریبنده است و با یکدیگر صادق نیستیم. رغبتی به بخشش همدیگر نداریم و اجازه میدهیم که خشم در دلهایمان بجوشد و قلیان کند. آنچه را که به ما تعلق ندارد میگیریم. دور کردن هر قسم تلخی و غیظ و خشم و فریاد و بدگویی و خباثت را از خود نادیده گرفته ایم. گفتار و رفتارمان عاری از بداندیشی نیست. ما خطاکاریم. همدیگر را اصلاح نمیکنیم. ویرانگریم نه بنا کننده. خلاصه اینکه، محکومیم که دیگر بشایستگی دعوتی که به آن خوانده شده ایم رفتار نمیکنیم. دعوت خود را فراموش کرده ایم، منظور دعوت بشارت نیست، بلکه همانند مسیح شدن است.

مشارکت، ما را متمرکز "آن هدف اصلی" یعنی پیام صلیب و موعظه انجیل مینماید. (اول

قرنتیان ۱:۱۰-۱۷)

در کلیسای قرنتیان چند دستگی بود. ظاهراً "جدایی بر سر کسانی بود که ایمانداران را تعمید داده بودند. عکس العمل پولس در این رابطه چه بود؟ اجازه دهید که آیه فوق را بزبان امروزی بیان کنیم. بعضی میگویند "که من باپتیست هستم" یا "پنطیکاستی ام" یا "انجیلی هستم" و یا اینکه "مستقلم و فقط مسیح را پیروی میکنم". آیا مسیح منقسم شده؟ آیا باپتیست ها برایمان مصلوب شدند؟ یا اینکه بنام پنطیکاستیها تعمید گرفتیم؟

منظور این بحث فروپاشی فرقه های مسیحی یا یکی سازی همه مسیحیان جهان نیست. مسئله اینجاست که ما اجازه میدهیم که اختلاف نظر در تعالیم فرعی باعث جدایی ما شوند و یا اینکه اختلاف شخصیتی مان ما را از هم جدا میکند. ما بجای جذب شخصیت مسیح شدن جذب شخصیت کریزماتیک ها یا ساحریون (Charismatic) میشویم. حد و مرزها را بر معیارهای غیر اساسی تعیین میکنیم. این مسئله باعث میشود که توجه ما از هدف اصلی یعنی پیام صلیب و موعظه انجیل مسیح برداشته شود. وقت و نیروی بسیاری را صرف حفظ هویت فرقه کلیسایی یا سازمان خدمات مسیحی مان میکنیم و گاهی از یاد میبریم که هویت اصلی مان در عیسی مسیح میباشد. به گونه ای مدعی کلیساها و ایمانداران هستیم که انگار خود صاحب آنانیم. به چه حقی برخی به خود اجازه میدهند به گونه ای رفتار کنند که انگار گروهی از ایمانداران به آنان تعلق دارد؟ گاهی طرز بیان و زبانمان ما را فریب داده، آنچه که واقعا" در دل و افکارمان میگذرد را آشکار میسازند.

البته که راستی ایمانمان یا بگفته بعضی درستی تعالیم کلیسایی بسیار ارزشمند و مهمند. اما اعتقاد من نیز بر این است که اگر عمیقاً "هویت ما را در مسیح تثبیت نمایم دیگر نیازی نخواهد بود که نگران تعالیم کتابمقدسی ام باشم. تعلیم درست خواهد بود. فروپاشی تعالیم کتابمقدس تنها زمانی صورت میگیرد که ما هویت اصلی مان را از مسیح برداریم و بر روی فرقه کلیسایی، سازمان و یا خدمات مسیحی مان بگذاریم. یکی از اصول این سازمان این است که "سازمان، خدا یا مادر شما نیست". سوال اینجاست که آیا سازمان یا کلیسایی که در آن خدمت میکنیم جای خدا را در زندگی امان گرفته است؟ آیا فراموش کرده ایم که فقط یک خدا وجود دارد و آن پدر همه ماست؟

مشارکت از فروتنی سرچشمه میگیرد (فیلیپیان ۱:۲-۱۱)

پولس رسول ایمانداران فیلیپی را یادآور میشود که یکدلی خالص، از فروتنی سرچشمه میگیرد. غرور باعث منقسم شدن بدن میگردد اما اتحاد و یکدلی بدن را بنا میکند. عدم مشارکت نشان مردم خود محور و خودخواه است. بعضی از ما فقط بفکر مصلحت خود هستیم. ابتدا در پی منفعتیم. نگران تاسیس کار و خدمات خود میباشیم و رغبتی به مشارکت و سهیم شدن نشان نمیدهیم. تمام جلال را برای خود میخواهیم. شاید هم به این آشکاری نباشد اما اگر واقعا" قلبمان را تفتیش کنیم خواهیم دریافت که اغلب فعالیتهايمان از خواسته های خودخواهانه مان سرچشمه میگیرد. آغاز و ادامه مشارکتها فقط از طریق فروتنی امکانپذیرند. لازمست از خود بپرسیم که آیا طالب گسترش ملکوت خدا یا ملکوت خود هستیم؟ با آرزوی اینکه مسیح الگوی ما باشد.

## **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

در ذیل دو یا سه نکته عمده و قابل توجه که از این درس فرا گرفته اید و بنظر شما برای خدمت کلیسایی خود مفید خواهند بود را مرقوم فرمائید.

## بخش ۱۸

### به آنها را بیاموزید که اطاعت کنند

«پس هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل کند، همچون مرد دانایی است که خانه خود را بر سنگ بنا کرد. چون باران بارید و سیلها روان شد و بادهای وزید و بر آن خانه زور آورد، خراب نشد زیرا بنیادش بر سنگ بود. اما هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند، همچون مرد نادانی است که خانه خود را بر شن بنا کرد. چون باران بارید و سیلها روان شد و بادهای وزید و بر آن خانه زور آورد، ویران شد، و ویرانی‌اش عظیم بود!» (متی ۲۴:۷-۲۷)

«نه هر که مرا "سرورم، سرورم" خطاب کند، به پادشاهی آسمان راه یابد، بلکه تنها آن که اراده پدر مرا که در آسمان است، به جا آورد. در آن روز بسیاری مرا خواهند گفت: "سرور ما، سرور ما، آیا به نام تو نبوت نکرديم؟ آیا به نام تو دیوها را بیرون نرانديم؟ آیا به نام تو معجزات بسیار انجام نداديم؟" اما به آنها آشکارا خواهیم گفت، "هرگز شما را نشناختم. از من دور شوید، ای بدکاران!" (متی ۲۳:۷-۲۱)

پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما امر کرده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر. (متی ۲۸:۱۹-۲۰)

به ما فرمان داده شده که برویم و شاگردان بسازیم، آنها را تعمید دهیم و به آنها بیاموزیم که مطیع تعالیم مسیح باشند. نشان یک شاگرد واقعی آن است که بداند چطور مطیع باشد، از استاد خود پیروی نموده، همانند او عمل کند. امروزه کلیسا در رابطه با تعلیم حقایق کلام خدا و تفهیم مسائل الهیاتی به ایمانداران سهم بسزایی داشته است، اما در رابطه با مساعدت آنان در اطاعت از کلام خدا بسیار ضعیف عمل نموده است. اغلب تلاشهای شاگردسازی ما متمرکز بر تعلیم حقایق کلام و مسائل الهیاتیست، به این امید که درک این مطالب در نهایت از آنان شاگردان مطیع میسازد. اکثر دوره‌های شاگردسازی آنگونه طراحی نشده‌اند که مردم بتوانند کلام خدا را باز کرده و از روح القدس بخواهند که آنان را در فهم آن یاری و هدایت نماید تا در زندگی روزانه خود بکار گیرند. عجب نیست که اکثر مردمی که کلیساها را اشغال میکنند مانند کسانی که نجات ندارند زندگی میکنند! ظاهر روحانی دارند اما زندگی ایشان قدرت حقیقی انجیل مسیح را انکار میکند. برای اینکه یک شاگرد بتواند حقیقتاً در این جهان نور و نمک باشد باید روزانه از تعالیم کلام خدا اطاعت کند.

علاوه بر این سالانه میلیونها دلار صرف تدوین و توسعه دوره‌ها و روشهای پیشرفته شاگردسازی میشود. بنظر میرسد که بدون این دوره‌ها کلیسا کارایی ندارد. در صورتیکه خود عیسی مسیح دوره شاگردسازی پیچیده‌ای نداشت. او بسادگی از مردان و زنان خواست که او را پیروی کنند. آنها با او سفر کردند، خوردند و زندگی کردند. در بین راه عیسی به آنان از کلام خدا (که در آن زمان عهدعتیق یهودیان بود) تعلیم میداد. عیسی در حین سفرش برایشان از زندگی روزمره شان مثلها و داستانهای کوتاه تعریف میکرد. در طی راه قالب زندگی که یک شاگرد باید داشته باشد را مشخص مینمود. منظور یک زندگی با دعا، بخشش، محبت، ترحم، صبر، پرشور و مطیع اراده پدر میباشد.

اگر فقط میتوانستیم سادگی شاگردسازی را درک کنیم در کلیساهای ما امروزه چه تغییرات محسوسی دیده میشود. بنظر میرسد که مانع اصلی عدم تمایل ما به گذاشتن وقت و نیروی لازم به تعلیم در زندگی با مردم است. اما این همان

چیزیست که خود عیسی مسیح انجام داد و به ما نیز فرمان داد که همانطور عمل کنیم. فرمان بزرگ مسیح بزبان خیلی ساده اینگونه میشود: در حینیکه که میروید یا در بین راه شاگردان بسازید، در راه تعمیدشان دهید و در راه آنان را بیاموزید که از تعالیمی که من بشما دادم اطاعت کنند.

درسی که در زیر تحت عنوان "آنها را بیاموزید که اطاعت کنند" میباشد دو هدف را دنبال میکند. اول اینکه با در دست داشتن کلام خدا و بودن روح القدس در زندگی مان، همه چیزهای مورد نیاز برای شاگردسازی را با خود داریم. دوم اینکه ما را به فرمان عیسی مبنی بر اطاعت ایمانداران از کلام خدا میرساند. با آموزش به اطاعت از کلام از آنها شاگردان حقیقی میسازیم.

### سرفصل بخش "آنها را بیاموزید که اطاعت کنند"

- یکی از بخشهای کتابمقدس را در نظر بگیرید.
- از گروه بخواهید تا آن بخش را قرائت کند. اگر لازم میبیند چند بار آنرا قرائت کنید. اگر اعضای گروه سواد چندانی ندارند بهتر است که خودتان با صدای بلند و شمرده، چند بار قرائت کنید تا افراد گروه مطالب آن بخش را کاملا درک کنند.
- زمانی را در دعا با گروه صرف کنید. از روح القدس بخواهید تا معلم شما باشد و برای درک حقیقت، حکمت و حضور خدا در آن بخش بشما کمک کند (یوحنا ۱۴:۲۶ و یعقوب ۱:۵).
- از افراد گروه سوالات زیر را بپرسید و فرصت دهید که همه جواب دهند.

### این بخش بما چه میگوید؟

- این سوال کمک میکند که هر شخص بزبان خود مضمون قرائت شده را بازگو کند.
- جوابها باید گویای مفهوم تحت الفظی متن باشند نه مفهوم تفسیری.

### مفهوم این بخش چیست؟

- اجازه دهید که روح القدس تفسیر بخش را به شرکت کنندگان بدهد.
- خیلی مهم است که رهبر گروه گفتگوهای جلسه را در دست خود نگیرد. هر شرکت کننده باید فرصت داشته باشد بگوید که روح القدس در رابطه با بخش قرائت شده به او و گروه چه آشکار کرده است. شرکت کنندگان باید بنوبت سخن بگویند تا اینکه همه فرصت بیان را داشته باشند.

- در این مرحله از گفتگو رهبر گروه باید از شرکت کنندگان بپرسد که آیا قسمت مشابه دیگری را در کلام خدا می‌شناسند. این مسئله به تفسیر بخش مورد بحث کمک خواهد کرد.

### چه باید بکنیم؟

- هدف اینست که به گروه کمک کنیم تا فکر کنند که چطور میتوانند حقیقت یا حقایق را که از کلام خدا یافته اند را در زندگی روزمره شان بکار گیرند.
- این هفت سوال زیر را از شرکت کنندگان بپرسید. هر بار یک سوال را در مورد بخش قرائت شده مطرح نمائید.

۱. آیا طلبیست که باید برایش شکر کنیم؟

۲. آیا مطلبی هست که باید برایش دعا کنیم؟

۳. آیا وعده ایست که باید از خدا طلب کنیم؟

۴. آیا فرمانیست که باید از آن اطاعت کنیم؟

۵. آیا گناهی هست که باید از آن دوری کنیم؟

۶. آیا الگویی هست که باید از آن پیروی کنیم؟

۷. آیا مطلبی هست که باید آنرا فرا گیریم؟

- امکان ندارد که به همه سوالات جواب مثبت داد. در واقع اکثر بخشهای کتابمقدس شامل فقط یک یا دو تا از سوالات بالا میباشند. چنانچه به یک سوال جواب منفی داده شد، به سوال بعدی پردازید.
- هر بار که جواب سوالی مثبت باشد، بعد از گروه این دو سوال اضافی را بپرسید.

- چه چیزی هست؟ شکرگزاری، دعا، وعده، غیره.

- در اطاعت از این کلام چه کار خاصی در این هفته انجام خواهید داد؟

- سرپرست گروه مسئول ایجاد فرصت برای تک تک افراد در پاسخ به اینکه در اطاعت از کلام در هفته آتی چه خواهد کرد، میباشد. هر کس ممکن است جواب متفاوتی، بسته به هدایت روح القدس، بدهد. جواب هر شخص باید بعنوان تعهدی که او در حضور جمع با خدا میبند تلقی شود.

▪ پس از اینکه هر شخص از گروه به یکی از جوابهای مثبت تعهد قطعی خود را اعلام کرد به سوال بعدی پردازید. اگر جواب به سوال بعدی "خیر" بود به سوال بعدی پردازید. چنانچه سوال "بله" باشد با دو سوال مطروحه بالا از آنها بپرسید که چطور در زندگی شان آنرا بکار خواهند گرفت؟

در هفته بعدی حقایقی که از کلام خدا یافتید را با دیگران مطرح کنید.

### **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

در ذیل دو یا سه نکته عمده و قابل توجهی که از مطالعه کتابمقدس فرا گرفته اید و بنظر شما برای خدمت کلیسایی خود مفید خواهند بود را مرقوم فرمائید.

در قسمتهای زیر دو یا سه نکته مهمی را که هر روز صبح از مطالعه کتابمقدس آموخته اید را بنویسید. روح القدس بشما چه گفت؟ از افراد دیگر گروه چه آموختید؟

روز اول مطالعه کتابمقدس:

روز دوم مطالعه کتابمقدس:

روز سوم مطالعه کتابمقدس:

## بخش ۱۹

### دنیای مسیحیان بشارتی

اکثر خادمین مسیحی، بخصوص آنهایی که در کشورهای خارج بین فرهنگهای مختلف خدمت میکنند، یک حس وفاداری خاصی نسبت به سازمان، کلیسا، فرقه، مراکزی که آنها را بخدمت اعزام کرده احساس میکنند. اینگونه وفاداری است که باید برقرار باشد. علاوه بر این خادمین مسیحی باید در نظر داشته باشند که بدن مسیح (کلیسای خداوند) عظیمتر از سازمان یا آژانس بشارتی که آنان را اعزام نموده میباشد.

زیرا بدن هرچند یکی است، از اعضای بسیار تشکیل شده؛ و همه اعضای بدن، اگرچه بسیارند، اما یک بدن را تشکیل می‌دهند. در مورد مسیح نیز چنین است. ۱۳ زیرا همه ما، چه یهود و چه یونانی، چه غلام و چه آزاد، در یک روح تعمید یافتیم تا یک بدن را تشکیل دهیم؛ و همه ما از یک روح نوشانیده شدیم. ۱۴ زیرا بدن نه از یک عضو، بلکه از اعضای بسیار تشکیل شده است... بدین قرار، شما بدن مسیح هستید و هر یک عضوی از آنید. (اول قرتیان ۱۲:۱۲-۱۴ و ۲۷)

هماهنگ کنندگان خط مشی و مؤسسین کلیساها باید با کلیه منابع کاری مورد نیاز مجهز شوند تا بتوانند با پیام انجیل به گروه‌های مردم مورد نظرشان خدمت موثر انجام دهند. همه منابع خدماتی مورد نیاز را نمیتوان یکجا در یک آژانس، سازمان یا فرقه کلیسایی یافت. با وجود این هنوز خادمینی هستند که خدمت خود را به یک آژانس وابسته میکنند و بر این باورند که بتنهایی از عهده کل کار بر می‌آیند. هنگامیکه خبرنگارهایشان را مطالعه میکنید، بنظر میرسد که آژانس خدمتیشان تنها آژانسی است که بین آن گروه مردمی خدمت میکنند. بدینطور، هیچکس امکان اینرا نمیدهد که ممکن است مبرین مسیحی دیگری هم بین همان گروه مردمی در حال خدمت باشند.

خواه هماهنگ کننده خط مشی یا مؤسس کلیسای جدید باشیم، باید از آژانسها، فرقه‌ها یا کلیساها سبقت جست. باید میل به همکاری با سایر سازمانهای بشارتی بزرگ داشت و با آنها شراکت و رابطه ایجاد کرد. فراموش نکنید که سازمانهای بشارتی بزرگ دید، رویا، دعوت و عطایای متفاوتی دارند که برای بدن مسیح (کلیسا) بسیار لازمند تا بتوان پیام انجیل را به گروه‌های مردم مورد نظرمان برسانیم.

اگر پا گوید، «چون دست نیستم، به بدن تعلق ندارم»، این سبب نمی‌شود که عضوی از بدن نباشد. و اگر گوش گوید، «چون چشم نیستم، به بدن تعلق ندارم»، این سبب نمی‌شود که عضوی از بدن نباشد. اگر تمام بدن چشم بود، شنیدن چگونه میسر می‌شد؟ و اگر تمام بدن گوش بود، بوییدن چگونه امکان داشت؟ اما حقیقت این است که خدا اعضا را آن‌گونه که خود می‌خواست، یک به یک در بدن قرار داد. اگر همه یک عضو بودند، بدن کجا وجود می‌داشت؟ اما اعضا بسیارند، در حالی که بدن یکی است. چشم نمی‌تواند به دست بگوید، «نیازی به تو ندارم!» و سر نیز نمی‌تواند به پاها گوید، «نیازمند شما نیستم!» برعکس، آن اعضای بدن که ضعیفتر می‌نمایند، بسیار ضرورترند. و آن اعضای بدن را که پست‌تر می‌انگاریم، با حرمت خاص می‌پوشانیم، و با اعضای که زیبا نیستند با احترام خاص رفتار می‌کنیم؛ حال آنکه اعضای زیبایی ما به چنین احترامی نیاز ندارند. اما خدا بدن را چنان مرتب ساخته که حرمت بیشتر نصیب اعضای شود که فاقد آند، تا جدایی در بدن نباشد، بلکه اعضای آن به یک اندازه در فکر یکدیگر باشند. (اول قرتیان ۱۲:۱۵-۲۵)



خدا امروزه به کلیسا عطایای مختلفی بخشیده تا بدینوسیله پیامش را به گوش مردم برساند. ما خدمات سمعی - بصری مانند برنامه های رادیویی، برنامه های ویدئویی و تولید کنندگان فیلم، توزیع کنندگان کاستهای موسیقی، خدمات انتشاراتی داریم. خدا به کلیسا کسانی را بخشیده که دعوت خدمت در خط مقدم و بنای کلیساهای بکر را دارند. برخی دیگر هم دعوت خدمت در خدمات اجتماعی از جمله توسعه مناطق مسکونی، سواد آموزی، امور بهداشتی و تعلیم و تربیتی را دارند. گروه دیگری را هم خدا در بدن مسیح قرار داده تا به خدمات رشد و توسعه کلیسایی از قبیل شاگردسازی و تربیت رهبران بپردازند. خدا به برخی نیز در بدن مسیح خدمت شفاعت بخشیده است. این افراد بطور فشرده برای گروه های مردم در دعا خواهند بود و قطعاً "بجنگ روحانی از طریق دعاهای پیاده در روستاها و شهرها مشغولند. علاوه بر اینها عده ای را هم خدا قرار داده تا با عطای بخشش و سخاوتمندی خدمات روحانی را حمایت مالی میکنند و باعث پیشبرد کار در این قسمت میگردند.

کلیه این منابع بشارت مسیحی بزرگ برای خدمت موثر پیام انجیل به گروه های مردم مورد نیازند. ممکن است یک آژانس یا فرقه خاص مسیحی بخواهد بتنهایی اقدام بکار نماید اما در نهایت به نیاز مبرم یا فقدان یک یا چند خدمت حیاتی اشاره شده در بالا خواهد رسید. اگر بدن مسیح به یک فرقه خاص مسیحی محدود میشد آن کدام میتواند باشد؟

در حال حاضر سازمانها، آژانسها، فرقه ها و کلیساهای بشارتی بزرگی در حال فعالیت در سطح جهانی میباشند. آنها کدامند؟ چه فعالیتهایی دارند؟ بما چه کمکی برای رساندن بشارت به گروه مردم مورد نظرمان میتوانند بکنند؟ چه ابزارهای تسهیلاتی برای خدمت ما در جهت تاسیس کلیساهای جدید در بین گروه مردم مورد نظرمان میتوانند باشند؟ این بخشی از سولاتی است که ما باید به آنها پاسخگو باشیم.

اولین قدم اینست که فکرهايمان را روی هم بگذاریم و امکاناتمان را شناسائی کنیم. ابتدا سازمانها یا مراکز بزرگ بشارتی مسیحی را که قابلیت خدمت به گروه مورد نظرمان را دارا هستند شناسایی میکنیم. با اینکار لیستی از گروه های فعال بشارتی در دست خواهید داشت که ممکن است بخواهید در آینده با آنان در خدمت بشارت مشارکت نمائید. در بخش کارگران حصاد (بخش ۶ این کتاب) لیست برخی از مراکز بشارتی که در بین گروه مردم مورد نظرتان فعال هستند را تهیه نمودید. در این بخش شما لیست سازمانها یا مراکز بشارتی را تهیه خواهید کرد که در بین گروه مردم مورد نظرتان فعال نیستند اما بنظر شما قابلیت خدمت در بین آنان را دارند. لیست قبلی که در بخش ششم (کارگران حصاد) تهیه نمودید با فهرست جدیدی که در این بخش تهیه خواهید کرد تصویر واضح تری از منابع بزرگی که خدا در بدن مسیح قرار داده بشما میدهند.

بیاد داشته باشید که منابع خدمتی در حصاد هستند!

ممکن است طبقه بندی های مختلفی را شامل باشند:

- نوارهای صوتی و تصویری
- تاسیس کلیسای جدید
- نمایش و موسیقی

- توسعه منابع مالی
- شفاعت و دعای پیاده
- آموزش مدیریت و رهبری
- تحقیق و پژوهش در مورد گروه های مردمی
- بشارت شخصی
- رادیو و تلویزیون

هدف از تمرینی که در زیر آمده این است که از خدمات بشارتی که خدا در جهان قرار داده تصویری بدست آوریم. بزودی در خواهید یافت که در بدن مسیح بسیاری هستند که قادرند بشما کمک کنند تا به هدف اصلی یعنی ایجاد نهضت تاسیس کلیساهای جدید در بین گروه مردم مورد نظران نائل آئید.

لیست مراکز بزرگ بشارتی مسیحی که در این بخش تهیه میکنید همراه با لیست روشهای انتقال انجیل به مردم که در بخش ۲۸ تهیه خواهید کرد برای تهیه طرح جامع شما بسیار مفید و مهم خواهند بود.

در هر فضای خالی برای هر دسته فهرستی از مراکز بزرگ بشارتی مسیحی که به نوع خدمتی که مشخص شده مشغولند تهیه کنید. همچنین قید کنید که با چه روشی میتوانند کمک کنند. شاید با جزئیات یا نحوه خدمتی برخی از این اشخاص، کلیساهای سازمانهای بشارتی آشنایی نداشته باشید، در اینصورت مشکلی نیست.

هر شخص تحت آموزش باید حداقل در لیست خود نام ۵۰ نفر، کلیسا یا سازمان بشارتی را بنویسد. نام افراد را نادیده نگیرید چون آنها به همان اندازه نام سازمانها مهم هستند. برای شروع، بعنوان مثال، یک یا دو نام در هر دسته برای کمک بشما نوشته شده.

### نوارهای صوتی و تصویری

▪ Gospel Recordng – Bible stories with tapes and pictures

▪ Campus Crusade for Christ (CCC) – JESUS film

### تاسیس کلیسای جدید

▪ Indian Evangelical Mission (IEM) – long-term church planters and missionaries

### موسیقی و نمایش

▪ Youth With A Mission (YWAM) – drama teams, music teams

## منابع توسعه مالی

Christian Aid – support for indigenous church-planting and training efforts ▪

## شفاعت و دعای پیاده

Friends Missionary Prayer Band (FMPB) – prayer cells, intercessors ▪

## آموزش مدیریت و رهبری و توسعه

Theological Education by Extension (TEE) – Bible education by extension  
classes

## محصولات ادبیاتی و پخش

Every Home Crusade (EHC) – door-to-door distribution ▪

## تحقیق و پژوهش گروه مردمی

India Missions Association (IMA) – books on people-group research,  
population figures

## بشارت شخصی

Youth With A Mission (YWAM) – short-term teams, long-term teams ▪

## رادیو و تلویزیون (تولید یا توزیع)

Far East Broadcasting Association (FEBA) – broadcasts, follow-up ▪

## **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

دو یا چند نکته مهمی که از این بخش آموختید و بنظرتان به خدمت روحانی شما کمک خواهند کرد بنویسید.

## بخش ۲۰

### شراکت

آیاتی را در مورد همکاری ایمانداران در اتحاد باهم مطالعه کردیم. بعنوان یک مسیحی همه ما خواهیم پذیرفت که این تعلیم کلام خداست. اما بدلیل تکبر سازمانی، نفس شخصی، مسائل مالی یا حتی مشکلات انفرادی شراکت با دیگران بسختی شکل میگیرد. اگر هم شکل بگیرد ادامه کار مشکل خواهد بود. گرچه کلام خدا بما می آموزد که یکدل و متحد باشید اما میدانیم که عمل کردن به آن کار آسانی نیست. همه ما تجربیات سخت و شیرینی از شراکت داشته ایم.

در این بخش شراکتهای مختلفی که در گذشته و یا حال انجام داده اید را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. از شما نیز سوال خواهد شد که شراکتهای موفقیت آمیزی را که تا کنون تجربه کرده اید بنویسید. همچنین از شما خواسته خواهد شد که دلیل موفقیتتان را با دیگران مطرح کنید، به نکات موثر آن اشاره نمائید. از شما سوال خواهد شد که به شراکتهای ناموفق خود فکر کنید و دلیل آنرا مطرح نمائید.

در مورد شراکتهای موفق که داشتید لحظه ای فکر کنید. بنظر شما دلیل موفقیتتان چه بوده؟ لطفاً مشخصات این شراکتها را در زیر بنویسید.

در مورد شراکتهای ناموفقی که داشتید لحظه ای فکر کنید. بنظر شما دلیل ناموفقیتتان چه بوده؟ لطفاً بنویسید که چگونه میتوانستید از علت‌هایی که باعث شکستتان شد پیشگیری کنید.

## **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

دو یا چند نکته مهمی که از این بخش آموختید و بنظرتان به خدمت روحانی شما کمک خواهند کرد بنویسید.

## بخش ۲۱

### طرح جامع برای شراکتها

طرح جامع را پیرامون پژوهش و دعا آغاز نمودیم. بخاطر داشته باشید که طرح جامع بر خط مشی ها و روشهایی پایه گذاری میشود که شامل شش مقوله پژوهش، دعا، شراکتها، جایگاهها، بشارت و شاگردسازی و تاسیس کلیسای جدید میباشند. هر برنامه ریزی در رابطه با این شش مقوله انجام شود در واقع جهت نیل به هدف کلی طرح جامع (تحقق رویای نهایی، یا بشارت کامل به گروه مردم از طریق تکثیر مجدد کلیساهای محلی) تنظیم میگردد.

تا این قسمت کلیه بخشهای مربوط به شراکت را تکمیل کرده ایم. لهذا در این بخش به تهیه فهرستی از هدفها، منابع، فرصتهای بدست آمده از موانع، طرحها و مراحل ارزیابی شراکتها در خدمات روحانی خواهیم پرداخت.

چنانچه نیاز به مرور و مطالعه تعاریف و دستورالعملها احساس میکنید لطفاً به بخش ۹ تحت عنوان "مقدمه طرح جامع و طرح پژوهشی" رجوع فرمائید.

شرح ذیل نمونه ای است از چگونگی تهیه این هدفها و طرحها در چارچوب شراکت برای طرح جامع شما.

---

### شراکتها

هدف یا رویای نهایی خود را در ابتدای بخش شراکتهای مربوط به طرح جامع خود بنویسید.

#### هدفها:

نمونه هایی از هدفهای قابل اندازه گیری در رابطه با شراکتها شامل موارد زیرند:

- یک بانک اطلاعاتی یا دفتر یادداشت از خدمات و سازمانهای بشارت مسیحی که بین گروه مردم مورد نظرتان خدمت میکنند تهیه کنید.
- با حداقل ۱۰ کلیسا یا سازمان جدیدی که مایل به فعالیت در زمینه تاسیس کلیسای جدید بین گروه مردم مورد نظرتان میباشند شروع به همکاری نمائید.
- ظرف دو سال آینده یک خط مشی شراکتی با چند سازمان خدمات مسیحی برای کمک به رساندن پیام انجیل به مردم تهیه کنید.

#### منابع:

نمونه هایی از منابعی که ممکن است جهت تکمیل اهداف فوق الذکر مورد نیاز شما باشند بقرار زیرند:

- نتیجه تحقیقاتی که بر روی کارگران یا خادمین حصاد انجام داده اید
- فهرست نام مراکز خدماتی یا سازمانهای بشارت مسیحی
- آژانس تسهیلاتی که در توسعه امور شراکتی فعالیت میکند (Interdev)
- فهرست کلیساهای محلی
- بانک اطلاعاتی یا کتابچه یادداشت

### فرصتهای بدست آمده از موانع:

در رابطه با اهداف بالا، چند مانع احتمالی را مطرح کرده، نحوه تبدیل آنها به فرصتهای خدمتی را ذیلاً" پیشنهاد میکنیم.

- **مانع :** اکثر گروه ها ترجیح میدهند که تنها کار کنند و بین گروه ها عدم اعتماد زیادی وجود دارد.
- **فرصت:** تا آنجاییکه میتوانید از گروه های مختلف ملاقاتهای شخصی بعمل آورید و سعی کنید که با آنان ایجاد رابطه کرده اعتماد آنان را جلب کنید.
- **مانع :** عدم تجربه کافی در شراکت.
- **فرصت:** در مورد اینکه چگونه شراکتهای موفقیت آمیزی داشته باشید آموزش بیشتری ببینید.

### طرحهای عملیاتی:

- در اینجا به برخی از طرحهای عملیاتی که ممکن است در رابطه با اهداف بالا لازم شوند اشاره میکنیم.
- اطلاعات مربوط به نتیجه تحقیقاتی که بر روی کارگران یا خادمین حصاد انجام داده اید را با فهرست نام مراکز خدماتی یا سازمانهای بشارت مسیحی ادغام کنید و از آن یک فهرست جامع از منابع مورد نیاز تهیه نمائید.
- برای ملاقات هفتگی حداقل دو یا سه گروه برنامه ریزی کنید.
- با آژانس تسهیلاتی Interv جهت آموزش خود و همکارانتان تماس بگیرید.
- پس از ملاقات و ایجاد ارتباط با گروه های مختلف، آنها را که بنظر برای همکاری و شراکت در خط مشی مناسب میباشند، انتخاب کنید.
- با گروه ها یا کلیساهایی که تمایل به همکاری و شراکت در خط مشی را دارند، جلسات شراکتی آغاز کنید.



## مراحل ارزیابی:

بعنوان مثال چند روند ارزیابی در رابطه با اهداف ذکر شده در بالا را ذیلاً اشاره میکنیم.

- هنگامیکه سازمانها و کلیساها جهت تاسیس کلیساهای جدید با هم آغاز به فعالیت میکنند از اینجا خواهیم دریافت که شراکت اعمال شده، روند کار در جریان است.
- پیشرفت روند کار کلیساها و گروههایی که خدمت را بین گروه های مردمی شروع کرده اند را پیگیری کنید و دقت کنید که امور در جهت تاسیس کلیسا صورت گیرد.

## آنچه را که آموختید ثبت کنید

در ادامه این بخش شما باید بر روی اهداف، منابع، فرصتهای حاصله از موانع، طرحها و مراحل ارزیابی شراکتهای خود شروع بکار کنید. فراموش نکنید که شرح هدف یا رویای نهایی خود را بر بالای صفحه بنویسید، سپس قدم به قدم هر مرحله را تکمیل نمائید. در صورت نیاز حتماً از همکاران یا معلمان کمک بخواهید و یا سوالات خود را مطرح کنید.

### شرح رویای نهایی

--

### شراکتها

هدفها	
منابع	
فرصتهای حاصله از موانع	
طرح های عملیاتی	
مراحل ارزیابی شده	

## بخش ۲۲

### مقدمه ای بر جایگاهها

(قبل از اینکه آموزش را در مورد جایگاهها آغاز کنیم، معلم باید از سه نفر از افراد بخواهد که نمایش زیر را انجام

دهند)

### نمایش بشارت در روستا

بازیگران مورد نیاز: دو نفر روستایی و یک مبشر

دو نفر روستایی در حال گفتگو روبروی خانه ای میباشند. گفتگو در مورد نیاز آنان به چند حلقه چاه آب است. محل تهیه آب در نزدیکی روستای آنان موجود نیست. زنان دهکده برای تهیه آب تصفیه مورد نیازشان روزانه دو کیلومتر (۱/۵ مایل) مسیر را پیاده طی میکنند. هنگامیکه روستاییان مشغول گفتگو بودند مبشری وارد ده میشود.

### گفتگو

روستایی #۱: اغلب همسرم برای خانواده روزانه دو بار برای آب گرفتن این مسیر را طی میکند. روستای ما حدود دو یا سه حلقه چاه آب نیاز دارد - یکی در اینطرف روستا دیگری در وسط و سومی در آنطرف روستا.

روستایی #۲: درسته، زندگی خیلی راحت تر میشه اگه چند حلقه چاه لوله کشی شده داشتیم. نمیفهمم که چرا کدخدا کمکی نمیکنه؟

### مبشر وارد میشود

مبشر: سلام، حالتون چطوره؟ من رامش هستم و اینجا اومدم که در مورد عیسی مسیح با شما صحبت کنم. من یه مبشرم.

روستایی #۱: تو باید یکی از اون مسیحی ها باشی. من در مورد شما قبلاً چیزهایی شنیدم.

روستایی #۲: ما نمیخوایم در مورد عیسی چیزی بدونیم اما ببینم میتونی بما کمک کنی تا توی روستامون چند تا چاه بکنیم تا آب سالم داشته باشیم؟

مبشر: من اینجا اومدم که درباره آب زنده باهاتون صحبت کنم، نه کندن چاه. من یه مبشرم کارم موعظه انجیله. بفرمایید بگیریید این جزوه در مورد عیسی هست. او آب زنده است.

روستایی #۱: من نمیتونم بخونم.

روستایی #۲: من سواد دارم اما علاقه ای به جزوه شما ندارم. چیزی که میخوام بدونم اینه که شما میتونی  
بما کمک کنی تا مشکل آب روستامونو حل کنیم؟

مبشر: این جزوه درباره عیسی شرح داده. اگه شما به او ایمان بیارید نجات پیدا میکنید و وارد بهشت  
میشید.

روستایی #۱: مثل اینکه خوب گوش نمیکنید؟ شما دیگه چه مبشری هستید که نمیتونید مشکل آب ما رو حل  
کنید؟

روستایی #۲: آقا از اینجا برو. ما به کتابها و موعظه های شما علاقه ای نداریم.

مبشر: شما باید از گناهانتون توبه کنید. میبینم که در گناه زندگی میکنید. عیسی گناهانتون را میشوهره و  
همه ناراستیهای شما را با خدا تسویه میکنه.

روستایی #۱: ما به آب احتیاج داریم که رختها و بدنمونو بشوریم. ما علاقه ای به شستن گناهانمون نداریم.  
به هر حال من که اصلاً "نمیفهمم که داری در مورد چی حرف میزنی.

روستایی #۲: آره، تو چی میگی؟ حرفهایی میزنی که تا حالا نشنیدیم.

## صحنه آخر

روستائیان کم کم از دست مبشر عصبانی میشوند و با صدای بلند از او میخواهند که دست از سرشون  
برداره و آنها رو تنها بگذاره. در نهایت او رو هل میدن و آنجا رو ترک میکنند.

## پایان

به سوالات زیر در مورد نمایش پاسخ دهید.

در نمایش چه اتفاقی افتاد؟

بنظر شما آن دو نفر روستایی چه احساسی داشتند وقتی که شخص مبشر داشت با آنها صحبت میکرد؟

فکر میکند که چرا گفتگوی آن سه نفر آنطور خاتمه یافت؟

به نظر شما اگر دفعه بعد مبشر دیگری به آن روستا برود چه اتفاقی خواهد افتاد؟

مشکل فوق چگونه میتواندست پیشگیری شود؟

## بخش ۲۳

### بسط موضوع جایگاه

در این بخش به مفهوم جایگاه ها و اینکه چگونه باعث پیشرفت خدمت شما میشوند خواهیم پرداخت.

#### مفهوم "جایگاه ها" چیست؟

جایگاهها مکانهای امنی هستند که ما بر آنها می ایستیم و در محیطهایی که یا با پیام انجیل و یا با مبشرین مخالفند فعالیت میکنیم. در بسیاری از جاهای دنیا اگر کسی خود را بعنوان مبشر مسیحی معرفی کند از تماس با مردم و رساندن پیام انجیل به آنان منع میشود.

واژه "جایگاه" در اینجا یعنی نماینده، سازمان، موسسه خیریه، خدمت یا شرکت بازرگانی که خادمین و مبشرین با انگیزه های قانونی و قابل قبول را برای مناطق مورد نظر تامین میکند. جایگاهها به خادمین و مبشرین مسیحی هویت قابل قبول و قانونی میبخشد تا بتوانند در مقابل مامورین دولتی و غیره بدون هیچ مشکلی حاضر شوند. جایگاه میتواند یک موسسه مسیحی یا غیر مسیحی باشد که راه را برای خادمین مسیحی فراهم میکند تا بتوانند برای بشارت دادن و تاسیس کلیسا با مردم ارتباط برقرار کنند.

دو نوع جایگاه وجود دارد، یکی **جایگاههای دسترسی خلاق** و دیگری **جایگاههای پشتیبانی است**. تا اینجا فقط در مورد جایگاههای دسترسی خلاق گفته شد. مثالی که میتوان در مورد جایگاه دسترسی خلاق زد، خدمات بشر دوستانه که خدمات بهداشتی و آموزشی به مردم فقیر در شهرها و روستاها ارائه میدهد باشد.

جایگاههای پشتیبانی راه هایی ایجاد میکند که خادمین مسیحی در حین خدمتشان درآمدی برای تامین مالی خانواده هایشان نیز ایجاد میکند. بعنوان مثال تجارتهای کوچک مثل کار در آژانس یا پرورش مرغ و خروس میباشد. یک مثال دیگر هم اداره یک خوابگاه کوچک دانشجویی است. هر دو کار برای خانواده های خادمین درآمدزا هستند و البته باید آنها را هم در ارتباط با مردم قرار دهند.

جایگاهها طوری طراحی شده اند که خادمین فرصت دادن شهادت زندگی، بشارت و تاسیس کلیساهای جدید را به خادمین بدهد.

#### مسئله جایگاه ها از دیدگاه کتابمقدس

یک ایماندار هرگز نباید نسبت به صداقت و امانت خود سازشکارانه رفتار کند. جایگاهها باید همیشه با نیت صحیح ارتباط درست با گروه مردم را فراهم سازند. هیچگونه عمل دروغی نباید در جایگاههای ایمانداران صورت گیرد. اگر جایگاهها در درستکاری شکست خورده فقط ظاهر نمایان را بخود بگیرند آنگاه برای ایمانداران محلی این توهم پیش میآید که اجتناب کردن از جفا و در معرض دید قرار گرفتن به هر بهایی قابل قبول میباشد.

جایگاه‌های درست، خادم مسیحی را حمایت کرده، او را در بنای کلیسای جدید در جامعه یاری میبخشد. البته این عالیست. چنین حمایتی باعث میشود که خادم مسیحی ارتباط طولانیتری را با گروه مردم مورد نظرش داشته باشد. با داشتن جایگاه مناسب خادم مسیحی در مقابل مخالفهایی که بر ضد ملکوت خداست میتواند با سکوت اختیار کردن یا جواب صریح ندادن به سوالات آنان خود را محافظت نماید. این بدان معناست که اگر روراست بودن و رک گویی به ملکوت خدا صدمه میزند بهتر است با حالت غیر مستقیم یا طفره رفتن مسئله را توجیه کرد. جایگاه‌های مناسب و درست به خادم مسیحی این فرصت را میدهد که اینچنین با صداقت پاسخگو باشد.

جایگاه پولس رسول یعنی خیمه دوزی، به او امکان ارتباط با مردمی که آرزوی رساندن پیام انجیل را به آنان داشت بخشید. او گاهی خود را در بین مخالفین بشارت انجیل میدید. خیمه دوزی باعث شد که پولس در مقایسه با حالت عکس آن بتواند زمان بیشتری را در آن جامعه بماند، او را رها کرد تا با مردم ارتباط برقرار نماید و نیز برایش محافظت مادی فراهم ساخت تا اینکه بر دیگران متکی نباشد.

پس از این، پولس آتن را ترک گفت و به فرنیس رفت. در آنجا با مردی یهودی، آکیلا نام، از مردمان پونتوس آشنا شد که با همسرش پریسکیلا بتازگی از ایتالیا آمده بود، زیرا گلودیوس قیصر دستور داده بود که یهودیان همگی روم را ترک کنند. پولس به‌دیدار آنها رفت، و از آنجا که او نیز مانند ایشان پیشه خیمه‌دوزی داشت، نزدشان ماند و به‌کار مشغول شد. او هر شب‌ات در کنیسه با یهودیان و یونانیان مباحثه می‌کرد و می‌کوشید آنان را مجاب سازد. (اعمال ۱۸: ۱-۴)

پولس تنها شخصیت کتابمقدسی نیست که با ضدیتها روبرو میشود. مخالفتها را باید همیشه انتظار کشید. کلام خدا میفرماید بخاطر ایمانیکه به عیسی مسیح داریم برای ما زحمت خواهد بود (متی ۲۴: ۹-۱۴). بسیاری از شخصیت‌های کلام خدا از جمله ابراهیم، یوسف، موسی و دانیال اغلب اوقات خود را در برابر مخالفتها میدیدند. مطالعه عکس العمل این افراد در مورد ضدیت‌هایی که با آنان میشده بسیار کار ارزشمندی میباشد.

البته با هیچ کدام از شخصیت‌های کلام خدا بیش از عیسی مسیح مخالفت نشد. عیسی مسیح به شاگردانش فرمود که "هان، من شما را مانند گوسفندان در میان گرگان میفرستم، پس مثل مارها هوشیار و چون کبوتران ساده دل باشید" (متی ۱۰: ۱۶). در ترجمه انگلیسی New International Version این آیه به جای کلمات هوشیار و ساده دل از کلمات زیرک و بی گناه استفاده شده است. عیسی مسیح خود آنچه را که تعلیم میداد به عمل می‌آورد. او در مقابل کسانی که میخواست خدا را به آنان بشناساند با دقت رفتار میکرد و تمام هدفش این بود که آنان را بکمک روح القدس با خدا مصالحه دهد. او خود انتخاب میکرد که هویتش را به چه کسانی آشکار کند. گاهی هم پیش می‌آمد که هویت خود را مخفی نگه میداشت (یوحنا ۷: ۲-۱۱). عیسی در پاسخ به سوال روسای کهنه در مورد خود جواب مشخصی به آنان نداد و تنها کاری که کرد سوال آنان را با سوالی دیگری پاسخ گفت (متی ۲۱: ۲۳-۲۷). هنگامیکه پیلطس، یک مرجع دولتی، از مسیح پرسید که آیا او پادشاه یهود است، عیسی مسیح بسیار حکیمانه با یک پاسخ ساده به او جواب داد (متی ۲۷: ۱۱-۱۴ و مرقس ۱۵: ۲-۵ و لوقا ۲۳: ۳-۵ و یوحنا ۱۷: ۳۳-۳۸).

جایگاهها خادمین مسیحی را در دسترسی به مکانها و مردمیکه در شرایط سخت و مخالف با مسیح بسر میبرند یاری میبخشد. جایگاهها برای خادمین ابزار خدمتی هستند که توسط آنها، همانطور که مسیح فرمان داد، با زیرکی اما بدون گناه خدمات خود را انجام میدهند.

## بعضی نکات ضروری برای جایگاه‌های دسترسی خلاق:

- باید نیاز شرعی مردم را تامین نمایند.
- باید در تبادل ارتباطات با بسیاری از مردم باشند.
- باید فرصتهایی برای بشارت و دادن شهادت زندگی خود به مردم ایجاد نمایند.
- باید طوری برنامه ریزی کنند که در نهایت خودکفا شوند.

## برخی نکات ضروری برای جایگاههای پشتیبانی:

- جایگاه نباید آنقدر وقت خادم خدا را بگیرد که به او فرصت خدمت کردن ندهد.
- جایگاه باید برای خادم خدا فرصت دسترسی به مردمیکه نیاز به ملاقاتشان دارد ایجاد نماید.
- جایگاه باید درخور مهارتها و تواناییهای خادم خدا باشد.
- هزینه تاسیس و نگهداری جایگاه نباید گران تمام شود. برای مثال تاسیس یک مدرسه، استخدام تعدادی معلم بسیار هزینه در بر خواهد داشت.

## قدمهای پیشنهادی در انتخاب یک جایگاه:

- از برگ پژوهشی کارگران (خادمین) حصاد اطلاعات لازم را درباره مکان مورد نظرتان جمع آوری نمائید.
- قبل از شروع از مردم سوال کنید که آیا بنظرشان این کار (جایگاه) فایده ای برای آنان خواهد داشت؟
- طول مدتی که به جایگاه در منطقه نیاز دارید را مشخص نمایید چون این مسئله به انتخاب نوع جایگاهی که تاسیس خواهید کرد تأثیر خواهد گذاشت.
- تحقیق کنید که آیا کسانی که در این جایگاه کار خواهند کرد مهارتهای لازم را دارا هستند یا خیر. اگر جواب منفی باشد باید از آنان بخواهید که آموزشهای لازم را برای کسب آن مهارتها بگذرانند.
- مطمئن شوید که حتماً "جایگاه فرصت ارتباط رو در رو خادمین با مردم را ایجاد خواهد کرد.
- مطمئن شوید که جایگاه وقت زیادی را از خادمین نگیرد و مانع خدمت اصلی آنان در امور روحانی به آنان نشود.



## آنچه را که آموختید ثبت کنید

در این قسمت شما به گروه های مختلف تقسیم خواهید شد. هر گروه یک "جایگاه" را در نظر خواهد گرفت. این جایگاه میتواند جایگاه دسترسی خلاق، جایگاه پشتیبانی و یا هر دو باشد. در تهیه این جایگاه به سوالات زیر پاسخ دهید:

چه جایگاهی را انتخاب کرده اید؟

جایگاه شما از نوع دسترسی خلاق یا پشتیبانی و یا هر دو میباشد؟

برای تاسیس این جایگاه چه منابعی را نیاز دارید؟ منظور نیروی انسانی، سازمانها، وسائل و غیره میباشد.

هزینه تاسیس این جایگاه چقدر است و چگونه تامین میشود؟

برای تاسیس این جایگاه آیا به مجوزهای دولتی هم نیاز دارید؟ اگر مطمئن نیستید بگویید که برای جواب این سوال با چه کسی باید تماس بگیرید.

زمان فعالیت این جایگاه بین مردم چقدر خواهد بود؟

چه تعداد افرادی میتوانند در این جایگاه مشغول بکار گردند؟

مهارتها و تخصصهای مورد نیاز شما در این جایگاه چه میباشند؟

این جایگاه چه کمکی برای دسترسی و ارتباط با مردم مورد نظرتان بشما خواهد کرد؟

این جایگاه چطور به شما امکان بشارت و تاسیس کلیسا در جامعه را خواهد داد؟

روزانه چند ساعت کار لازم است که در جایگاه انجام دهید؟

اگر جایگاه شما از نوع پشتیبانی است، درآمد ماهیانه آن را چقدر برآورد میکنید؟

آیا مردم قادر به رقابت با جایگاه شما در ساخت نمونه آن هستند؟

## بخش ۲۴

### طرح جامع جایگاهها

قبلاً در تهیه طرح جامع پژوهشی، دعا و شراکتها فعالیتهایی را آغاز کردیم. بخاطر داشته باشید که طرح جامع بر خط مشی ها و روشهایی پایه گذاری میشود که شامل شش مقوله پژوهش، دعا، شراکتها، جایگاهها، بشارت و شاگردسازی و تاسیس کلیسای جدید باشند. هر برنامه ریزی در رابطه با این شش مقوله انجام شود در واقع جهت نیل به هدف کلی طرح جامع (تحقق رویای نهایی، یا بشارت کامل به گروه مردم از طریق تکتیر مجدد کلیساهای محلی) تنظیم میگردد.

تا این قسمت کلیه بخشهای مربوط به شراکت را تکمیل کرده ایم. لهذا در این بخش به تهیه فهرستی از هدفها، منابع، فرصتهای بدست آمده از موانع، طرحها و مراحل ارزیابی شراکتها در خدمات روحانی خواهیم پرداخت.

چنانچه نیاز به مرور و مطالعه تعاریف و دستورالعملها احساس میکنید لطفاً به بخش ۹ تحت عنوان "مقدمه طرح جامع و طرح پژوهشی" رجوع فرمائید.

شرح ذیل نمونه ای است از چگونگی تهیه این هدفها و طرحها در چارچوب جایگاهها برای طرح جامع شما.

---

## جایگاهها

هدف یا رویای نهایی خود را در ابتدای بخش جایگاهها مربوط به طرح جامع خود بنویسید.

### هدفها:

نمونه هایی از هدفهای قابل اندازه گیری در رابطه با جایگاهها شامل موارد زیرند:

- برای خادمینی که در امر تاسیس کلیسای جدید خدمت میکنند ایجاد شغل نمائید تا قادر به تامین زندگی خود از طریق شغلشان باشند.
- معلمین زبان انگلیسی استخدام کنید تا بین مردم مورد نظرتان کار کنند.
- یک آژانس توریستی تاسیس کنید تا هم با مردم در ارتباط باشد و هم ایجاد درآمد کند.
- با گروههای محلی همکاری کنید تا در توسعه آن منطقه سهیم بوده امکان ارتباط بیشتر با مردم را برای خادمین ایجاد نمائید.

## منابع:

نمونه هایی از منابعی که ممکن است جهت تکمیل اهداف فوق الذکر مورد نیاز شما باشند بقرار زیرند:

- نام همکارانیکه صاحب آژانسهای توریستی میباشند
- فهرست نام مراکز خدماتی یا سازمانهای بشارت مسیحی
- آژانسهای تامین نیروی انسانی بین المللی برای استخدام معلمین انگلیسی
- فهرست کلیساهای محلی
- نتیجه برگ پژوهشی مربوط به حصاد (نیازهای مردم منطقه را نشان میدهد)
- ادارات دولتی محلی

## فرصتهای بدست آمده از موانع:

در رابطه با اهداف بالا، چند مانع احتمالی را مطرح کرده، نحوه تبدیل آنها به فرصتهای خدمتی را ذیلاً پیشنهاد میکنیم.

- **مانع:** اطلاعات زیادی در مورد تجارت ندارم.

**فرصت:** از دوستانی که در امر تجارت فعالند آموزش ببینید یا در دوره های کوتاه برای مدیریت یا کار در شرکتهای کوچک بازرگانی یا تجاری ثبت نام کنید.

- **مانع:** تهیه سرمایه لازم برای شروع کار برایم مشکل است.

**فرصت:** در رابطه با تامین بودجه برای پروژهها آموزش لازم ببینید و طرح توجیهی مناسبی را جهت اخذ وامهای تجاری از بانکها یا شرکتهای سرمایه گذاری تهیه کنید.

## طرحهای عملیاتی:

در اینجا به برخی از طرحهای عملیاتی که ممکن است لازم شوند در رابطه با اهداف بالا اشاره میکنیم.

- با دوستان یا آشنایانی که آژانس توریستی دارند ملاقات کنید و از آنها بیاموزید که چطور آژانس خود را اداره میکنند.
- از مراکز دولتی اطلاعاتی مقررات لازم را در مورد شرکت های کوچک تجاری کسب کنید.
- یک طرح توجیهی برای آژانس توریستی و تامین نیروی انسانی تهیه کنید.

- از افرادی که قادر به آموزش خادمین برای کار در آژانس توریسی هستند کمک بگیرید.
- با دوستانیکه در خارج دارید تماس گرفته نحوه تهیه آموزگاران انگلیسی را سوال نمائید.
- با مدارس محلی و سایر سازمانهای آموزشی محلی تماس گرفته نحوه استخدام معلمین زبان را از آنها سوال کنید.
- از برگ تحقیقاتی حصاد کمک گرفته نیازهای مردم محلی را شناسایی کنید.
- با سازمانهای بشردوستانه و کلیساهای محلی در رابطه با برنامه های طرح توسعه منطقه جهت رفع نیازهای مردم تماس بگیرید.
- یک طرح تاسیس کلیسای جدید برای کلیه شغلها یا برنامه های دسترسی به مردم تهیه کنید.

## **مراحل ارزیابی:**

- بعنوان مثال چند روند ارزیابی در رابطه با اهداف ذکر شده در بالا را ذیلا" اشاره میکنیم.
- وقتی آژانس توریستی شروع بکار کند و ایجاد درآمد نماید آنوقت هست که هدف مربوط به این قسمت انجام شده.
  - وقتی خادمین به شغلهای خود مشغول شده با مردم ایجاد ارتباط نموده و فرصت بشارت را به آنها را داشته باشند، آنگاه به هدفشان در این رابطه رسیده اند.
  - وقتی کلیساهای جدید از طریق برنامه های دسترسی با مردم تاسیس شوند آنگاه در خواهیم یافت که جایگاهها کار خود را بطور موثر انجام داده اند.

## آنچه را که آموختید ثبت کنید

در ادامه این بخش شما باید بر روی اهداف، منابع، فرصتهای حاصله از موانع، طرحها و مراحل ارزیابی شراکتهای خود شروع بکار کنید. فراموش نکنید که شرح هدف یا رویای نهایی خود را بر بالای صفحه بنویسید سپس قدم به قدم هر مرحله را تکمیل نمائید. در صورت نیاز حتماً از همکاران یا معلمان کمک بخواهید و یا سوالات خود را مطرح کنید.

### شرح رویای نهایی

--

### جایگاهها

هدفها	
منابع	
فرصتهای حاصله از موانع	
طرح های عملیاتی	
مراحل ارزیابی شده	

## بخش ۲۵

### اناجیل

قبل از اینکه به مسئله بشارت و شاگردسازی بپردازیم لازم است که به زندگی عیسی مسیح آنگونه که در اناجیل نوشته شده نگاهی بیاندازیم. چرا؟ زندگی مسیح برای خدمات بشارتی و شاگردسازی ما الگو است. امروزه در کلیساها تقریباً برای هر کاری برنامه ای تدوین شده موجود است. البته لازم است که محور این برنامه ها عیسی مسیح باشد. در واقع عیسی مسیح خود برنامه ای برای کارهایش نداشت اما برای امر بشارت و شاگردسازی طرح و الگوی بسیار موثری داشت.

### آنچه را که آموختید ثبت کنید

یکی از اناجیل را مطالعه کنید (مثلاً انجیل متی، مرقس، لوقا یا یوحنا). در حین خواندن انجیل روشی که مسیح در بشارت و شاگردسازی بکار میبرد را در زیر بنویسید. سپس بگوئید که بنظر شما طرح مسیح در یافتن پیروانش و از آنها شاگردان وفادار ساختن چه بود.

آدرس آیه کتابمقدس	روش مسیح در بشارت و شاگردسازی

طرح مسیح در یافتن شاگردان و از آنان شاگرد وفادار ساختن چه بود؟

## بخش ۲۶

### برداشت صحیح

#### خدا را با تمامی فکر خود محبت نمودن

یکی از آنها که فقیه بود، با این قصد که عیسی را به دام اندازد، از او پرسید: «ای استاد، بزرگترین حکم شریعت کدام است؟» عیسی پاسخ داد: «خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود دوست مدار.» (متی ۲۲:۳۵-۳۷)

سخت ترین سوالی که هر ایماندار عضو بدن مسیح میتواند از خود بپرسد اینست که "آیا من خدای خود را با تمامی فکرم محبت میکنم؟ این سوال در مورد کسانی که میخواهند انجیل را به مردمی که هنوز چیزی از آن نمیدانند بشارت دهند نیز صادق است.

ما خوب میدانیم که محبت نمودن خدا با تمامی دل چه مفهومی دارد. میتوانیم در رابطه با آنچه که خدا توسط عیسی مسیح برای ما انجام داده با دیگران صحبت کنیم. تمام تحولاتی که خدا در زندگیما انجام داده را میدانیم و در پاسخ به عطای فیض و محبت او، با تمام دل او را محبت مینمائیم.

افرادیکه در مکانها و شرایط سخت خدا را خدمت میکنند نیز میدانند که خدا را با تمامی جان خود محبت کردن چه مفهومی دارد. خیلی ها با بشارت دادن به دیگران زندگی خود را به خطر می اندازند. بسیاری هستند که با خدماتشان فداکاریهای زیادی از خود نشان داده اند. این خادمین خوب میدانند که چگونه میتوان خدا را با تمامی جان خود محبت نمود.

اما این فرمان شامل سه قسمت است. از کسانی که مسیح را پیروی میکنند انتظار میرود که او را با تمامی قلب، جان و فکر خود محبت نمایند. حال آنکه آیا حقیقتاً خدا را با تمام فکر خود محبت مینمائیم؟ اگر محبت نمودن خدا بتامی فکر خود بخش سوم از بزرگترین فرمان خداست پس باید کاملاً مفهوم آنرا دانست.

برخی میگویند که محبت خدا بتامی فکر یعنی شاگرد خوب کتابمقدس بودن. صحیح است اما باید عمل کنندگان آن نیز باشیم. بنابراین، محبت نمودن خدا بتامی فکر خود یعنی بخدمت گرفتن تمامی آنچه میدانیم، با تمام هوشمان و تفکراتمان بطور مکرر. فداکاری و احساسات، تنها ویژگیهای خدمتی ما نباید باشند بلکه باید بخواهیم تا موثر بودن خدماتمان را مورد ارزیابی قرار دهیم. انتقادی فکر کردن کار ساده ای نیست. درست مثل کارهای دستی که یک عمل فیزیکیست، این کار هم با فکر سر و کار دارد و یک عمل فکریست.

محبت نمودن خدا با تمام فکر به این معناست که سوالات اندیشمندانه ای را از خود بپرسیم. سوالاتی از این قبیل:

- آیا خدمت روحانی که من در آن هستم بر روی مردم مورد نظر متمرکز است؟
- از آنجائیکه خدا نمیخواهد که کسی هلاک گردد باید این سوال را از خود پرسید که آیا ساختار خدمت روحانی که در آن هستیم بگونه ای است که همه مردم آن منطقه فرصت پاسخ به پیام انجیل عیسی مسیح را داشته باشند؟

▪ اگر آنچه را که اکنون انجام می‌دهم ادامه دهیم آیا آنقدر کلیسای جدید بنا خواهد شد که بتواند نیاز روحانی همه مردم مورد نظرمان را تامین کند؟

اینها چند سوال نمونه بودند که باید از خود بپرسیم تا اینکه مطمئن شویم که خدا را بتامای فکر خود محبت مینمائیم.

عیسی مسیح به دعا و ارزیابی کارهایش وقت میداد. از آنجائیکه عیسی در کفرناحوم بسیاری را شفا داد و دیوهای بسیاری را اخراج نمود مردم از او خواستند که نزدشان بماند و معجزات بیشتری از خود نشان دهد. اما پس از دعا و ارزیابی، عیسی پاسخ داد که باید به شهرهای بعدی برود.

بامدادان که هوا هنوز تاریک بود، عیسی برخاست و خانه را ترک کرده، به خلوتگاهی رفت و در آنجا به دعا مشغول شد. شمعون و همراهانش به جستجوی او پرداختند. چون او را یافتند، به وی گفتند: «همه در جستجوی تو هستند!» عیسی ایشان را گفت: «بیاید به آبادیهای مجاور برویم تا در آنجا نیز موعظه کنم، زیرا برای همین آمده‌ام.» پس روانه شده، در سراسر جلیل در کنیسه‌های ایشان موعظه می‌کرد و دیوها را بیرون می‌راند. (مرقس ۱: ۳۵-۳۹)

عیسی قادر به تشخیص کارهای خوب (یک خدمت طولانی مدت شفا در کفرناحوم) و کارهایی که در الویت قرار داشتند (موعظه در چندین دهکده دیگر) بود. این بما نشان میدهد که عیسی چگونه از فکرش برای اطاعت از پدر استفاده مینمود.

به همین شکل هر وقت از خدا میخواهیم که زندگی و کارهایمان را ارزیابی کند در واقع خود را با فروتنی در تحت هدایت دقیق روح خدا قرار میدهیم. با اینکار میتوانیم مطمئن باشیم که خدا را بتامای فکر خود محبت نمودیم.

اگر پیروان مسیح بیاموزند که چطور مسیح را بتامای فکر خود محبت کنند آنگاه بزودی پیام انجیل بگوش همه جهانیان خواهد رسید. وقتی خدا را بتامای دلمان محبت میکنیم خدماتمان با انگیزه های خالص و بی عیب انجام میشوند. و هنگامیکه خدا را با تمامی جانمان محبت میکنیم خدمتمان مملو از فداکاری بوده و سرانجامش بسیار موثر میباشد. علاوه براین، وقتی خدا را با تمامی فکر خود محبت میکنیم در واقع دعاها و برنامه ریزیهایمان انعکاسی از افکار متعهدمان خواهد بود و کارهایمان با الویتهای الهی انجام خواهد شد و در نهایت تأثیر کارهایمان با کارهای عیسی مسیح و رسولانش منطبق خواهد بود.

### تعریف برداشت صحیح

«من شما را همانند گوسفندان به میان گرگان می‌فرستم. پس همچون مار هوشیار باشید و مانند کبوتر ساده. (متی ۱۰: ۱۶)»

### برداشت صحیح موقعی انجام میشود که ما:

▪ بوضوح مشخص میکنیم که خدمت ما باید متمرکز بر چه کسانی باشد.



- کلام خدا را بوسعت زیاد منتشر میکنیم.
  - از روش تصفیه کردن برای یافتن کسانی که آماده خدمت هستند استفاده میکنیم.
  - تلاش و محبت خود را متمرکز بر شاگردان وفادار میکنیم.
  - باقی کار بشارت را به رهبران جدید کلیسا واگذار مینمائیم.
- این اصول در زندگی و خدمت عیسی بوضوح دیده میشود.

### مشخص کنید که خدمت شما باید روی کدام گروه مردمی متمرکز باشد.

در پاسخ گفت: «من تنها برای گوسفندان گمگشته بنی اسرائیل فرستاده شده‌ام.» (متی ۱۵:۲۴)

خدمت عیسی بر یک چیز "متمرکز" بود. هنگامیکه پا بروی این کره خاکی نهاد خدمتش بر روی کدام گروه مردمی متمرکز بود؟ عیسی خود گفت که فقط برای گوسفندان گمشده اسرائیل فرستاده شده است. او دور دنیا نگشت تا انجیلش را به تمام مردم دنیا موعظه کند. برای یک شخص غیر ممکن بود که بتواند بتنهایی تمام دنیا را بملکوت خدا موعظه کند. در عوض او متمرکز بر یک گروه مردمی یعنی یهودیان شد. او این ماموریت را با درک کامل یافته بود و شاگردانش را نیز چنان فرمان داد.

عیسی این دوازده تن را فرستاد و به آنان فرمود: «نزد غیریهودیان مروید و به هیچ‌یک از شهرهای سامریان داخل مشوید، بلکه نزد گوسفندان گمشده قوم اسرائیل بروید.» (متی ۱۰:۵-۶)

شما در خدمت خود نیاز به تمرکز دارید. باید بوضوح گروه مردمی که خدا میخواهد برآن متمرکز شوید را مشخص نمائید. شما نمیتوانید بتنهایی تمام دنیا را خدمت کنید. شما حتی قادر نخواهید بود که تمام مردم کشورتان را خدمت کنید. شما باید حتماً بر یک گروه مردمی متمرکز شوید خواه یک گروه خاصی از مردم باشند یا اینکه یک شهر، ناحیه، دهکده یا استان باشد. تعیین کنید که این گروه مردمی کیستند. مردمی که خدا شما را به خدمت آنها اعزام کرده چه کسانی هستند؟ بعضی خادمین برای اینکه بتوانند توجه حمایت کنندگان مالی خود را جلب کنند در شرح خدمتی خود مینویسند که خدا آنها را برای خدمت به افراد دست نیافته دعوت کرده است چون میدانند که "افراد دست نیافته" در امر بشارت توجه زیادی را بخود جلب میکند. اما حقیقت اینست که این گونه خادمین متمرکز هیچ گروه خاصی از مردم نیستند و با هر بادی که بوزد به اینطرف و آنطرف روانه خواهند شد.

باید گروه مردمی و محل سکونت آنهائیکه بینشان خدمت میکنید را مشخص نمائید. یک نقطه متمرکز را انتخاب کرده تصمیم بگیرید به آنان تا زمانی متعهد بمانید که نهضت تاسیس کلیسای جدید آنقدر رشد کند تا همه آن گروه مردمی فرصت پاسخ به پیام انجیل را بیابند.

## کلام خدا را بمیزان زیاد پخش نمائید.

چون عیسی از قایق پیاده شد، جمعیتی بیشمار دید و دلش بر حال آنان به رحم آمد، زیرا همچون گوسفندانی بی‌شبان بودند. پس به تعلیم آنان پرداخت و چیزهای بسیار به ایشان آموخت. (مرقس ۶:۳۴)

عیسی آن دوازده تن را گرد هم خواند و به ایشان قدرت واقتدار برای بیرون راندن همه ارواح پلید و شفای بیماریها بخشید. آنگاه آنان را فرستاد تا پادشاهی خدا را موعظه کنند و بیماران را شفا دهند... پس ایشان به راه افتاده، از دهی به ده دیگر می‌رفتند و هر جا می‌رسیدند بشارت می‌دادند و بیماران را شفا می‌بخشیدند. (لوقا ۹:۱-۲ و ۶)

همان روز، عیسی از خانه بیرون آمد و کنار دریا بنشست. اما چنان جمعیت انبوهی او را احاطه کردند که سوار قایقی شد و بر آن بنشست، در حالی که مردم در ساحل ایستاده بودند. سپس بسیار چیزها با مثلها برایشان بیان کرد. گفت: «روزی برزگری برای بذرافشانی بیرون رفت. (متی ۱۳:۱-۳)

به یاد داشته باشید که هر که اندک بکارد، اندک هم خواهد دروید، و هر که فراوان بکارد، فراوان هم برخواهد داشت. (دوم قرنتیان ۹:۶)

عیسی دلش برای مردم میسوخت، از نظر او انبوه مردم فقط جمعی از چهره‌ها نبود بلکه هر شخص یک جان گرانبها بود که خدا خلق کرده. عیسی با تمام وجود اشتیاق داشت کلام خدا را بمردم طوری بیان کند که بتوانند آن را بفهمند و از آن اطاعت نمایند. خواسته او برای مریضان، شفا بود. گروه کثیر مردمی که او به آنان خدمت کرد در واقع نماینده تمام بشریت بود. مردمی که مورد آزار قرار گرفته بودند، مردم بیچاره‌ای که انتظار شنیدن حقیقت کلام خدا را داشتند. هدف عیسی مسیح تنها تعلیم به گروه قلیلی از شاگردان نبود. او کلام خدا را بوفور منتشر کرد.

بنابراین، خواه هماهنگ کننده خط مشی یا تاسیس کننده کلیساهای جدید، همه ما باید نسبت به جمعیت مردم حس دلسوزی و ترحم داشته باشیم. باید برنامه‌هایتان را طوری منسجم کنید که بتوانید بشارت خبر خوش را تمامی آن گروه برسানید. فراموش نکنید که خدا نمیخواهد که آنها هلاک شوند. همه حق شنیدن پیام انجیل را دارند. علاوه بر این کلام خدا میگوید به همان نسبت که شخص بکارد به همان نسبت هم درو خواهد کرد (دوم قرنتیان ۹:۶). اگر کلام خدا را بوفور بکاریم آنگاه میتوان انتظار حصاد فراوان داشته باشیم.

برای یافتن کسانی که آماده پیروی مسیح هستند روش تصفیه کردن را اعمال کنید.

سپس بسیار چیزها با مثلها برایشان بیان کرد. گفت: «روزی برزگری برای بذرافشانی بیرون رفت... آنگاه شاگردان نزد او آمده، پرسیدند: «چرا با این مردم با مثلها سخن می‌گویی؟» او پاسخ داد: «درک اسرار پادشاهی آسمان به شما عطا شده، اما به آنان عطا نشده است. زیرا به آن که دارد، بیشتر داده خواهد شد تا بفراوانی داشته باشد، و از آن که ندارد، همان که دارد نیز گرفته خواهد شد. از این‌رو با ایشان به مثلها سخن می‌گویم، زیرا: «می‌نگرند، اما نمی‌بینند؛ گوش می‌کنند، اما نمی‌شنوند و نمی‌فهمند. نبوت اشعیا در مورد آنها تحقق می‌یابد که می‌گوید: «به گوش خود خواهید شنید، اما هرگز نخواهید فهمید؛ به چشم خود خواهید دید، اما هرگز درک نخواهید کرد. زیرا دل این قوم سخت شده، گوش‌هایشان سنگین گشته، و چشمان خود را بسته‌اند، تا مبادا با چشمانشان ببینند، و با گوش‌هایشان بشنوند و در دلهای خود بفهمند و بازگشت کنند و من شفایشان

بخشم." اما خوشابه‌حال چشمان شما که می‌بینند و گوشه‌های شما که می‌شنوند. آمین، به شما می‌گویم که بسیاری از انبیا و پارسایان مشتاق بودند آنچه را شما می‌بینید، ببینند و ندیدند، و آنچه را شما می‌شنوید، بشنوند و نشنیدند. (متی ۱۳:۳ و ۱۰-۱۷)

دل عیسی برای مردم میسوخت و برای جمعیت کثیری موعظه می‌کرد. او کلام خدا را مثل دانه ای بفرآوانی میکاشت. در همان حین او میدانست که افراد زیادی با انگیزه‌های اشتباه دنبال او هستند. بعضی فقط بخاطر معجزاتش و برخی دیگر هم بدلائل خودخواهانه دنبالش بودند. متی با بترتیب قرار دادن شرح وقایع نشان میدهد که چطور عیسی مسیح جمعیت مردم را تصفیه میکند تا آنهایی را که جدا" می‌خواهند او را پیروی کنند آشکار سازد. او میدانست که همه پیامش را نمی‌پذیرند. همه شاگردش نخواهند بود. یکی از روشهای تصفیه مسیح استفاده از مثلها بود. عیسی با تعلیم به مثلها قادر بود که قدری از نور و حقیقت را برایشان آشکار سازد بدون آنکه چیزهای عمیقتر دیگری را از خدا نمایان کند. سپس آنهایی که در انتهای روز باقی میماندند - آنهاییکه بیش از یک علاقه سطحی در دل داشتند - معانی مثلها را می‌آموختند. آنها کسانی بودند که مزه ملکوت خدا را میچشیدند. برعکس جمعیت، این گروه مفهوم معجزات عیسی را درک میکردند. آنها چیزهایی را دیدند و شنیدند که پیامبران و بزرگان گذشته آرزوی دیدن و شنیدن آنها را داشتند.

مرقس با تکرار این داستان میگوید "هنگامیکه عیسی تنها بود، آن دوازده تن و کسانی که گردش بودند، دربارهٔ مثلها از او پرسیدند" (مرقس ۴:۱۰). این گروه از شاگردان بیش از دوازده نفر بودند. عیسی در طول خدمت خود در حال درو کردن گروهی از مردم وفادار بود - بمردان و زنانی که میتوانست پدر آسمان خود را صمیمانه تر آشکار سازد. هنگامیکه عیسی از مردگان قیام کرد پیروان او به بیش از ۵۰۰ نفر رسیده بود (اول قرن‌تین ۱۵:۶).

در پیروی از تعالیمش، در این بخش خداوند در نظر داشت که حقیقت و برکت بیشتری به کسانی که تعالیمش را پذیرفته بودند ببخشد، تا بیشتر داشته باشند. از سوی دیگر عده ای از همان جمعیت اهل یهودیه و جلیل که تعالیم او را شنیده بودند، نان و ماهی معجزه آسای او را خورده بودند و حتی سعی داشتند که او را پادشاه سازند (یوحنا ۶:۱۴-۱۵) در قیام او حضور نداشتند. بدلیل بی تفاوتیشان همان شناخت سطحی که از او داشتند هم از آنان گرفته شد.

عیسی همچنین از سخنان سخت استفاده میکرد تا کسانی را که حقیقتاً" می‌خواهند او را پیروی کنند بیابد.

عیسی به ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما می‌گویم، که تا بدن پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید... بسیاری از شاگردان او با شنیدن این سخنان گفتند: «این تعلیم سخت است، چه کسی می‌تواند آن را بپذیرد؟» عیسی، آگاه از اینکه شاگردانش در این باره همه‌می‌کنند، بدیشان گفت: «آیا این سبب لغزش شما می‌شود؟ پس اگر پسر انسان را ببینید که به جای نخست خود صعود می‌کند، چه خواهید کرد؟ روح است که زنده می‌کند؛ جسم را فایده‌ای نیست. سخنانی که من به شما گفتم، روح و حیات است. اما برخی از شما هستند که ایمان نمی‌آورند.» زیرا عیسی از آغاز می‌دانست چه کسانی ایمان نمی‌آورند و کیست آن که او را تسلیم دشمن خواهد کرد. (یوحنا ۶:۵۳ و ۶۰-۶۴)

عیسی مسیح از همان ابتدا میدانست که چه کسی به او ایمان می‌آورد و چه کسی به او خیانت میکند. "سپس افزود: از همین رو به شما گفتم که هیچ کس نمی‌تواند نزد من آید، مگر آنکه از جانب پدر به او عطا شده باشد". (یوحنا ۶:۵۶). از آن پس خیلی از شاگردانش او را ترک کردند و دیگر او را پیروی نکردند.

پس عیسی به آن دوازده تن گفت: «آیا شما نیز می‌خواهید بروید؟» شمعون پطرس پاسخ داد: «سرور ما، نزد که برویم؟ سخنان حیات جاویدان نزد توست. (یوحنا ۶:۶۷-۶۸)

همانطور که در این قسمت از انجیل یوحنا میبینیم، عیسی یکی از سخت‌ترین سخنان خود را بزبان می‌آورد چون میدانست که بسیاری از کسانی که در پی او روانه شده‌اند با انگیزه‌های غلط از او پیروی میکنند. پس از شنیدن کلماتی از قبیل "خوردن بدن" و "نوشیدن خون عیسی" بسیاری از افرادی که در پی عیسی روانه شده بودند به او پشت کردند و دیگر او را همراهی نکردند. اما برخی دیگر در مورد او حقیقت را میدانستند برای همین هم بود که پطرس گفت "خداندا، نزد که برویم؟ زیرا کلمات حیات جاودانی نزد توست".

درست مثل عیسی مسیح، ما هم نیاز داریم که از روش تصفیه کردن استفاده کنیم تا بتوانیم شاگردانی که در پیروی مسیح جدی هستند را بشناسیم. ما باید در کاشت فراوان پیام انجیل وفادار باشیم. در حینیکه این کار را انجام میدهیم باید در یافتن کسانی که روح القدس آنان را بطور مخصوصی دعوت نموده حساس باشیم. باید بتوانیم آنها را حقیقتاً و بطور جدی در پیروی عیسی مسیح هستند را از دیگران تشخیص دهیم.

### وقت و محبت خود را متمرکز شاگردان امین کنید

عیسی به کوهی برآمد و آنانی را که خواست به حضور خویش فراخواند و آنها به نزدش آمدند. او دوازده تن را تعیین کرد و آنان را رسول خواند، تا همراه وی باشند و آنها را برای موعظه بفرستد، و از این اقتدار برخوردار باشند که دیوها را بیرون برانند. (مرقس ۳:۱۳-۱۵)

پس از شروع خدمت تعلیم و شفای همگانی عیسی بدقت دوازده نفر مرد را انتخاب میکند تا توجه و محبت خود را بر آنها متمرکز سازد. سپس زمان زیادی (سه سال!) را با آنها سپری میکند تا کلام خدا را عمیقاً به آنها بیاموزد و به آنان نشان دهد که چگونه باید زندگی کنند. در انتهای این دوره شاگردسازی، عیسی با خیال راحت میتواند آنها را ترک کند و مطمئن باشد که آنچه به او سپرده شده بود به انجام رسیده است. عیسی به پدر آسمانی اش چنین گفت:

من کاری را که به من سپردی تا بکنم، به کمال رساندم، و این‌گونه تو را بر روی زمین جلال دادم. پس اکنون ای پدر، تو نیز مرا در حضور خویش جلال ده، به همان جلالی که پیش از آغاز جهان نزد تو داشتم. «من نام تو را بر آنان که از جهانیان به من بخشیدی، آشکار ساختم. از آن تو بودند و تو ایشان را به من بخشیدی، و کلامت را نگاه داشتند. اکنون دریافته‌اند که هرآنچه به من بخشیده‌ای، برآستی از جانب توست. زیرا آن کلام را که به من سپردی، بدیشان سپردم، و ایشان آن را پذیرفتند و به یقین دانستند که از نزد تو آمده‌ام، و ایمان آوردند که تو مرا فرستاده‌ای. (یوحنا ۱۷:۴-۸)

در یوحنا ۴:۱۷ عیسی در دعا میگوید که آنچه را که خدای پدر به او سپرده به اتمام رسانیده. عیسی هنوز مصلوب نشده بود و هنوز از مردگان قیام نکرده بود. اما در اینجا او اظهار میدارد که کاری که به او سپرده شده را به اتمام رسانیده است. عجیب است! کاری که عیسی از پدر یافته و او به اتمام رسانیده چه بود؟ جواب این را میتوان در آیات بعدی بیابیم. به عیسی افراد وفاداری سپرده شده بود. کار عیسی این بود که زندگی اش را وقف آنان کند تا اینکه وقتی دنیا را ترک میکند آنها بتوانند پیامش را ادامه دهند. عیسی از آنها خواسته بود که با او بمانند. آنها با او ماندند و عیسی نیز وفادارانه زندگی اش را وقف آنان نمود.

اگر میخواهیم که امتها به مسیح ایمان بیاورند ما نیز باید به این مهم توجه داشته باشیم. نباید کار تبشیر وسیع انجیل را متوقف کنیم. حتی پس از برخورد با ایمانداران راستینی که بر اثر روش تصفیه آنها را کشف نمودیم نباید قانع باشیم. باید وقت و محبت خود را متمرکز ایمانداران جدید بنمائیم تا اینکه از لحاظ روحانی بالغ شوند. باید با کلام خدا آنها را اشباع کنیم. باید به آنها بیاموزیم که چگونه دعا کنند و چطور در مورد ایمانشان با دیگران صحبت کنند. باید یاد بگیرند که در شرایط سخت زندگی چطور به خدا توکل کنند و اینکه مردم را چگونه مثل مسیح دوست داشته باشند و محبت نمایند. ما باید شخصا" در هر رابطه ای که خدا میخواهد آنها را رشد دهد برای آنان الگو باشیم.

اگر هر کدام از ما قابلیت جمع کردن عده ای افراد وفادار را بدور خود داشته باشیم و زندگی خود را وقف آنها کنیم و به آنان بیاموزیم که چطور بارور و کثیر شوند آنگاه ملکوت خدا بطور شگفت انگیزی توسعه خواهد یافت. میراثی که در خدمتمان بجا میگذاریم، کارهایی که انجام داده ایم نیستند، بلکه کارهایی هستند که شاگردان ما انجام میدهند! شاید در طول زندگیمان موفق به تاسیس چند کلیسا شویم. اما اگر گروه کوچکی از شاگردان وفادار عیسی مسیح تشکیل دهیم و آنها را کاملاً" تجهیز کنیم، در آینده موفق خواهند شد که فراتر از تصور ما کلیسا تاسیس کنند. نتیجه این خواهد بود که افراد بیشتری به ملکوت خدا خواهند پیوست. آیا حقیقتاً" این هدف ما نیست؟

### مابقی کار بشارت را به رهبران جدید کلیسا واگذار کنید

آنگاه عیسی نزدیک آمد و به ایشان فرمود: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است. ۱۹ پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید (متی ۲۸: ۱۸-۲۰)

«این چیزها را زمانی به شما گفتم که هنوز با شما هستم. ۲۶ اما آن مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من میفرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هر آنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد. ۲۷ برای شما آرامش بهجا میگذارم؛ آرامش خود را به شما می‌دهم. آنچه من به شما می‌دهم، نه چنان است که جهان به شما می‌دهد. دل شما مضطرب و هراسان نباشد. (یوحنا ۱۴: ۲۵-۲۷)

عیسی پس از انتخاب شاگردان آنها را به بلوغ روحانی رساند. اما کارش را در آن مرحله متوقف نکرد. بلکه به آنها ماموریت بخشید تا کار بشارت را بعد از رفتنش ادامه دهند. میبایست که پیام انجیل را به تمام امتهای روی زمین برسانند. از آنجائیکه میدانست به تنهایی قادر به اینکار نیستند به آنها وعده داد که روح القدس را خواهد فرستاد. با داشتن چنین مددکاری شاگردان دیگر نمیترسیدند بخصوص اینکه عیسی هر روزه تا انقضای عالم در کنارشان بود.

ما باید مردم را با پیام انجیل بشارت دهیم و سپس به آنان کمک کنیم که در ایمانشان کامل شوند اما نباید کار را در اینجا متوقف کنیم. باید آنها را آموزش دهیم که خود ادامه کار را در دست بگیرند و به باقی مردم پیام انجیل را موعظه کنند. یکی از مشکلترین تصمیماتی که باید در خدمتان بگیریم این است که چه وقت آنها را واگذار کنیم. کار ما این است که مردان و زنانی تربیت کنیم که بتوانند بشارت دهند، شاگرد بسازند و کلیسا تاسیس کنند.

یکی از وسوسه های خدمتی این است که در سمت و جایگاه خود برای همیشه باقی بمانیم. وظیفه ما این نیست که گروه بزرگی را گرد خود جمع کنیم و خود، محور توجه و تشویق آنان باشیم. بلکه کار ما اینست که زندگی مان را وقف

زنان و مردان وفادار کنیم، آنها را شاگردان موثر بسازیم، رهبرانی برای ملکوت خدا تولید کنیم و در نهایت آنها را برای ادامه خدمت به ملکوت خدا رها کنیم!

روزی یکی از دوستانم در رابطه با سربازان متفق در جنگ جهانی اول برایم داستانی تعریف کرد. طبق گفته دوستم آلمانیها در جنگ جهانی اول از سیم خاردار برای خط دفاعی استفاده میکردند. آنها سیم خاردار را بر روی زمین بشکل حلقوی میکشیدند تا دشمن نتواند از آن عبور کند. هنگامیکه سربازان متفقین در حمله به سیم خاردار برمیخوردند آنجا گیر میکردند و در زیر آتش گلوله دشمن از بین رفته جسدشان نقش بر زمین میشد. در یکی از حمله ها بسیاری از سربازان خط شکن پس از برخورد با سیمهای خاردار به اینصورت از بین رفتند. اما در نهایت سربازان متفقین دریافتند که تنها راه عبور از این سیمهای خاردار این است که پس از برخورد با آن هنگام تیر خوردن بجای اینکه خود را بر زمین بیاندازند بهتر است تا خود را روی سیمهای خاردار رها کنند تا برای نفرات بعدی راه باز شود و بدینطور سربازان بعدی از روی جسد سربازان قبلی براحتی از روی سیمهای خاردار عبور کرده موفق شدند تا خط دشمن را شکسته سرنوشت جنگ را عوض کنند.

نقش ما هم در خدمت بدینصورت است. چنانچه لازم باشد باید جان خود را برای کسانی که از عقب ما میآیند فدا کنیم. شاگردانی که ما تربیت میکنیم کسانی خواهند بود که کار توسعه ملکوت خدا را در ماهها و سالهای آتی پیش خواهند برد.

ما وظیفه داریم تا آنها را بطور موثر طوری آماده کنیم تا قادر به ادامه کار باشند. هرآنچه از خدای پدر آموخته ایم به شاگردانمان انتقال میدهیم. با آنها وقت بگذرانید. با آنان دعا کنید. تعلیمشان دهید. شخصیتشان را آنطور که خدا میخواهد با نمونه بودن شکل دهید. در راه آنان از هیچ گونه فداکاری ای دریغ نکنید. اینکار باعث میگردد تا از آنها برای ملکوت خدا افراد مفیدی بسازید. حتی اگر لازم باشد زندگی خود را در راه آنها بدهید تا آنان در جنگ روحانی سرافراز گردند!

## آنچه را که آموختید ثبت کنید

اگر خدمت خود را بروش کنونی ادامه دهید آیا امکان این را می‌دهید که ظرف دو سال آینده کلیه مردمیکه مورد نظرتان هستند پیام انجیل را شنیده فرصت پاسخگویی به آن را داشته باشند؟ پنج سال آینده چطور؟

آیا تبشیر انجیل بین مردم مورد نظرتان بفرآوانی انجام میشود یا خیر؟ اگر بله چگونه صورت میگیرد و اگر جواب خیر است بنظر شما در این رابطه چه چیز است که باید تغییر کند؟

برای شناسایی ایماندارانی که آمادگی شاگرد راستین مسیح شدن را دارند از چه روشی استفاده میکنید؟ توضیح دهید که روشهای دیگری که میتوان برای اینکار انجام داد چیست؟

آیا در خدمت شما تا بحال با گروه وفاداری برای شاگردسازی وقت صرف کرده اید؟ تعداد آنها چند نفر بوده؟ نام آنان را بنویسید. به آنها چه تعلیم میدهید؟ چگونه آنها را آماده میکنید؟ چه چیزهای دیگری هست که باید به آنها بیاموزید؟

آیا در نظر دارید که ادامه خدمت را به مردمیکه بین شان کلیسا تاسیس نمودید و رهبران ایجاد کردید واگذار کنید؟ اگر جواب مثبت است بفرمائید که طرح شما چیست و چگونه این کار را انجام خواهید داد؟ آیا بنظر شما این کار موثر خواهد بود؟ اگر جوابتان منفی است بنظر شما چه اقداماتی برای شروع اینکار لازم است انجام شود؟

## بخش ۲۷

### شاگردسازی از طریق تعریف داستان

کتابمقدس اصولاً " کتابیست با مجموعه ای از داستانها. میبینیم که چطور خدا با تعداد کثیری از داستانهای موجود در کتاب پیدایش تا مکاشفه طرح "رهایی بخش" خود را آشکار میسازد. در کلیسای اولیه کتاب عهدجدید وجود نداشت. انجیل از شهری به شهردیگر و از شخصی به شخص دیگر و در نهایت از کلیسایی به کلیسای دیگر از طریق داستان سرایی نقل شد. البته آنهایی که با عیسی زندگی کردند و او را شخصا" میشناختند منابع معتبر این داستانها میباشند.

بسیاری از تمدنهای دنیا فرهنگ داستانسرایی دارند. این مسئله بیشتر در آسیا صادق است. کلیسا متأسفانه این فرهنگ را از دست داده. اکثر روشهای شاگردسازی و مطالعه کتابمقدس امروزه بر اساس روشهای منطقی غربی تدوین شده است. با این هدف که ایمانداران از تعالیم اساسی کتابمقدس بهرمنند شوند آنها را جست و خیز کنان آیه به آیه سراسر کتابمقدس به اینطرف و آنطرف میکشانیم و انتظار داریم که یک تصویر کلی از آن بدست آورند. درنهایت نتیجه میگیریم که اینکار ایمانداران جدید را بیشتر گیج میکند. با تعریف کردن داستان و ربط دادن آن به زندگی آنان، بهتر میتوان تعالیم کتابمقدس را به آنها بیاموزیم و حتی بخاطر آنها بسپاریم.

داستانها بهترین روش در بشارت هستند. آنها نیز ابزار عالی برای شاگردسازی میباشند. در سراسر دنیا هزاران کلیسا بدست زنان و مردانی تاسیس شده که حقیقت کلام خدا را با تعریف کردن داستانهای کتابمقدس موعظه کردند.

در این بخش ما یک برنامه آموزشی شاگردسازی بر اساس داستان سرایی تهیه خواهیم کرد. پس از تهیه برنامه آموزشی، روش گفتن داستان برای شاگردسازی را بشما نشان خواهیم داد. برای سه روز آخری که کار عملی داریم به سه گروه تقسیم خواهیم شد. هر صبح یک نفر از هر گروه داستانی را فرا خواهند گرفت و آنرا به دو نفر دیگر از اعضای گروهشان آموزش خواهند داد.

پس بیایید تعالیم ابتدایی درباره مسیح را پشت سر نهاده، به سوی کمال پیش برویم، و دیگر بار بنیاد توبه از اعمال منتهی به مرگ، و ایمان به خدا، ۲ و آموزش تعمیدها، و نهادن دستها، و رستخیز مردگان و مجازات ابدی ننهیم. (عبرانیان ۱:۶-۲)

لیست شش آموزه مقدماتی که در عبرانیان ۱:۶-۲ آمده بنویسید.

—  
—  
—  
—



فهرست شش آموزه دیگر را که مایلید به نوایمانان آموزش دهید بنویسید.

اکنون شما فهرست ۱۲ آموزه در دست دارید که میتوانید از آنها برای تهیه برنامه آموزش بروش داستانی استفاده کنید.

اکنون به تهیه برنامه آموزشی تان پردازید.

ابتدا آموزه ای را که در نظر دارید تعلیم دهید انتخاب کنید. سپس برای آموزه خود دو داستان از عهدجدید و دو داستان از عهدعتیق انتخاب کنید. سپس برای هر داستان یک آیه حفطی در رابطه با آموزه مورد نظر انتخاب کنید. در ادامه این بخش تعداد ۱۵۰ داستان کتابمقدس برایتان فهرست کردیم که میتوانید از آن بعنوان یک مرجع استفاده کنید.

دلیل اینکه از شما خواسته شد که هم از عهدعتیق و هم عهدجدید داستان انتخاب کنید این است که میخواهیم شاگردان درک کنند که آموزه ها در سراسر کتابمقدس یافت میشوند. در واقع هدف اینست که شاگردان درک کنند که داستان نجات و رهایی خدا را در تمام کتب کتابمقدس از پیدایش گرفته تا کتاب مکاشفه میتوان یافت.

آیه حفطی را میتوان از همان بخشی که داستان از آن گرفته شده انتخاب کرد. خیلی مهم است که آیه حفطی به آموزه ما مربوط باشد. در مثال اولی که در زیر آورده شده آیه حفطی برای داستان داود و بتشبع از مزموور ۵۱ گرفته شده. داود این مزموور را پس از توبه خود از گناهِش با بتشبع نوشت. آیه حفطی داستان پسر گمشده از خود متن داستان گرفته شده.

عنوان آموزه	داستان عهدعتیق	داستان عهدجدید	آیه حفظی
توبه	داود و بشبع در ۲ سموئیل ۱۱	*****	مزمور ۵۱: ۱۷
"	موعظه یونس در نینوا یونس باب ۳	*****	اول یوحنا ۱: ۹
داستان های دیگر انتخابی: سامسون (داوران ۱۶) شائول (اول سموئیل ۱۵) انکار پطرس (متی ۲۶)	*****	پسر گمشده در لوقا ۱۵: ۱۱-۳۲	لوقا ۱۱: ۳۲
	*****	داستان زکای باجگیر لوقا ۱۹: ۱-۹	لوقا ۱۳: ۳

در جدولهای زیر داستان و آیات حفظی را برای ۱۲ آموزه پر کنید. فراموش نکنید که آدرس آیات مربوط به داستانها را نیز قید کنید.

تکلیف : آموزه ۱

عنوان آموزه	داستان عهدعتیق	داستان عهدجدید	آیه حفظی
		*****	
		*****	
	*****		
	*****		

تکلیف : آموزه ۲

عنوان آموزه	داستان عهدعتیق	داستان عهدجدید	آیه حفظی
	*****  *****	*****  *****	

تکلیف : آموزه ۳

عنوان آموزه	داستان عهدعتیق	داستان عهدجدید	آیه حفظی
	*****  *****	*****  *****	

تکلیف : آموزه ۴

عنوان آموزه	داستان عهدعتیق	داستان عهدجدید	آیه حفظی
	*****  *****	*****  *****	

تکلیف : آموزه ۵

عنوان آموزه	داستان عهدعتیق	داستان عهدجدید	آیه حفظی
	*****  *****	*****  *****	

تکلیف : آموزه ۶

عنوان آموزه	داستان عهدعتیق	داستان عهدجدید	آیه حفظی
	*****  *****	*****  *****	

تکلیف : آموزه ۷

عنوان آموزه	داستان عهدعتیق	داستان عهدجدید	آیه حفظی
	*****  *****	*****  *****	

تکلیف : آموزه ۸

عنوان آموزه	داستان عهدعتیق	داستان عهدجدید	آیه حفظی
	*****  *****	*****  *****	

تکلیف : آموزه ۹

عنوان آموزه	داستان عهدعتیق	داستان عهدجدید	آیه حفظی
	*****  *****	*****  *****	

تکلیف : آموزه ۱۰

عنوان آموزه	داستان عهدعتیق	داستان عهدجدید	آیه حفظی
	*****  *****	*****  *****	

تکلیف : آموزه ۱۱

عنوان آموزه	داستان عهدعتیق	داستان عهدجدید	آیه حفظی
	*****  *****	*****  *****	

تکلیف : آموزه ۱۲

عنوان آموزه	داستان عهدعتیق	داستان عهدجدید	آیه حفظی
	*****  *****	*****  *****	

## فهرست ۱۵۰ داستان معروف کتابمقدس

عهدعتیق

در ابتدا

پیدایش ۱:۱ الی ۳:۲

پیدایش ۲:۱۵ الی ۳:۲۴

پیدایش ۴:۱-۱۶

پیدایش ۶:۹ الی ۱۷:۹

آفرینش

آدم و حوا

هابیل و قائن

طوفان نوح

## داستانهای پدران ایمان

پیدایش ۹-۱:۱۲ و ۸-۱:۱۷	عهد خدا با ابراهیم
پیدایش ۱۵-۱:۱۸	داستان سه فرشته مهمان
پیدایش ۲۹-۱۵:۱۹	سدوم و عموره
پیدایش ۲۱-۸:۲۱	هاجر و بیرون کردن اسماعیل
پیدایش ۱۹-۱:۲۲	آزمایش ابراهیم
پیدایش ۲۴	اسحاق و ربکا
پیدایش ۳۴-۱۹:۲۵	یعقوب و عیسو
پیدایش ۴۰-۱:۲۷	یعقوب برکت عیسو را میگیرد
پیدایش ۲۲-۱۰:۲۸	روایای یعقوب در بیت ایل
پیدایش ۳۰-۱۴:۲۹	ازدواج یعقوب با لیه و راحیل
پیدایش ۳۷	یوسف و برادرانش
پیدایش ۴۰	داستان ساقی و خباز فرعون
پیدایش ۴۱	خواب فرعون
پیدایش ۴۲ الی ۴۵	برادران یوسف به مصر میروند پیدایش ۴۲ الی ۴۵

## رهای از مصر

خروج ۱۰:۲ الی ۸:۱	تولد موسی
خروج ۱۵-۱:۳	موسی و بوتۀ مشتعل
خروج ۱۰:۱۱ الی ۶:۷-۱۱	داستان ۱۰ بالای آسمانی
خروج ۱۲	فصح
خروج ۳۱:۱۴ الی ۱۷:۱۳	عبور از دریا

## در بیابان

خروج ۲۷-۲۲:۱۵ و ۷-۱:۱۷	آب در بیابان
خروج ۱۶	نان "من" و گوشت بلدرچین
خروج ۲۱:۲۰ الی ۱:۱۹	موسی بر کوه سینا
خروج ۳۲	گاو طلایی
خروج ۴۰	خیمه اجتماع

اعداد ۱:۱۳ الی ۱۲:۱۴	تصرف کنعان
اعداد ۱:۲۲-۳۸	الاغ بلعام
تثنیه ۱:۳۱-۸	یوشع جانشین موسی
تثنیه ۳۴	فوت موسی

## در سرزمین وعده

یوشع ۳	عبود از اردن
یوشع ۱۳:۱۳ الی ۲۷:۶	سقوط اریحا
داوران ۴ الی ۵	دبوره
داوران ۶	جدعون خدا را امتحان میکند
داوران ۷	جدعون مدیان را شکست میدهد
داوران ۱۶	سامسون و دلیله
روت ۱ الی ۴	روت و نعومی
اول سموئیل ۳	خدا سموئیل را دعوت میکند
اول سموئیل ۸	اسرائیل درخواست پادشاه میکند

## پادشاهان اسرائیل

اول سموئیل ۹ الی ۱۰	سموئیل شائول را مسح میکند
اول سموئیل ۱۰:۱۶-۱۳	سموئیل داود را مسح میکند
اول سموئیل ۱۴:۱۶-۲۳	داود در خدمت شائول
اول سموئیل ۱۷	داود و جلیات
اول سموئیل ۱۹	شائول در تلاش کشتن داود
اول سموئیل ۲۴ و ۲۶	داود زندگی شائول را به او میبخشد
اول سموئیل ۴:۲۸-۲۵	شائول و صاحب اجنه در عین دور
دوم سموئیل ۱:۵-۱۲	داود پادشاه اسرائیل میشود
دوم سموئیل ۱۱	داود و بتشبع
دوم سموئیل ۱:۱۲-۱۵	ناتان داود را توبیخ میکند
دوم سموئیل ۱۸	مرگ ابشالوم
اول پادشاهان ۱:۱-۴۰	داود سلیمان را پادشاه میکند
اول پادشاهان ۳:۱۶-۲۸	یک سلطنت حکیمانه
اول پادشاهان ۶	سلیمان معبد را بنا میکند
اول پادشاهان ۱:۱۰-۱۳	ملاقات ملکه صبا با سلیمان



**ایلیا و ایلع**

اول پادشاهان ۱:۱۷-۶	کلاغها به ایلیا غذا میدهند
اول پادشاهان ۷:۱۷-۲۴	بیوه زنی در صرفه
اول پادشاهان ۱۶:۱۸-۴۶	ایلیا بر کوه کرمل
اول پادشاهان ۱۹	خدا بر ایلیا ظاهر میشود
اول پادشاهان ۲۱	تاکستان نابوت
اول پادشاهان ۲۲:۲۹-۴۰	مرگ آحاب راموت جلعاد
دوم پادشاهان ۲:۱-۱۲	صعود ایلیا به آسمان
دوم پادشاهان ۲:۱۳-۲۵	معجزات ایلع
دوم پادشاهان ۵	شفای نعمان از جزام

**سالهای سخت**

دوم پادشاهان ۹	مسح ییهو برای پادشاهی اسرائیل
دوم پادشاهان ۱۱	یک پادشاه هفت ساله
دوم پادشاهان ۱:۲۲ الی ۳:۲۳	بازیابی تورات
اشعیا ۱:۶-۸	ماموریت اشعیا
اشعیا ۵۳	نبوت اشعیا
ارمیا ۳۶	یهویاقیم طومار ارمیا را میسوزاند
ارمیا ۱:۳۸-۱۳	ارمیا در سیاهچال
یونس ۱ الی ۴	یونس و ماهی بزرگ

**جلای بابلیها و بعد**

حزقیال ۱:۳۷-۱۴	وادی استخوانهای خشک
دانیال ۲	خواب نبوکدنصر
دانیال ۳	مجسمه طلایی و تون آتش
دانیال ۵	نوشتۀ الهی بر روی دیوار
دانیال ۶	دانیال در چاه شیران
عزرا ۳:۷-۱۳	بازسازی معبد
نحمیا ۱:۲-۱۸	نحمیا به اورشلیم بازمیگردد

استر اسرائیلیان را نجات میدهد  
آزمایشها و برکات ایوب

استر ۲:۵-۱۸ و ۱۲:۳ الی ۸:۵ و ۱۰:۷-۱۰  
ایوب ۱ و ۲ و ۴۲

## عهد جدید

### زندگانی مسیح

لوقا ۱:۲۶-۳۸	پیشگویی تولد مسیح
لوقا ۱:۲-۷	تولد مسیح
لوقا ۲:۸-۲۰	شبانان و فرشتگان
متی ۱:۲-۱۲	ملاقات مجوسیان
لوقا ۲:۲۲-۴۰	تقدیم عیسی در هیکل
متی ۲:۱۳-۲۳	فرار به مصر
لوقا ۲:۴۱-۵۲	عیسی کودک در هیکل
متی ۱:۳-۱۲ و مرقس ۱:۱-۸ و لوقا ۱:۳-۱۸	یحیی راه گشایی میکند
متی ۱۳:۳-۱۷ و مرقس ۹:۱-۱۱ و لوقا ۳:۲۱-۲۲ و یوحنا ۱:۲۹-۳۴	تعمید عیسی
متی ۱:۴-۱۱ و مرقس ۱۲ الی ۱۳ و لوقا ۴:۱-۱۳	آزمایش عیسی
متی ۱۸:۴-۲۲ و مرقس ۴:۱۶-۲۰ و لوقا ۱:۵-۱۱ و یوحنا ۱:۳۵-۵۱	دعوت عیسی از شاگردان
یوحنا ۱:۲-۱۱	عیسی آب را به شراب تبدیل میکند
لوقا ۴:۱۴-۳۰	مردم ناصره عیسی را رد میکنند
مرقس ۱:۱-۳۴ و لوقا ۴:۳۱-۴۱	عیسی بسیاری را شفا میدهد
مرقس ۱:۲-۱۲ و لوقا ۵:۱۷-۲۶	عیسی مفلوجی را شفا میبخشد
یوحنا ۱:۳-۲۱	عیسی نيقوديموس را تعلیم میدهد
یوحنا ۴:۴-۴۲	گفتگوی عیسی با زن سامری
متی ۵:۸-۱۳ و لوقا ۷:۱۱	ایمان افسر رومی
متی ۸:۲۳-۲۷ و مرقس ۴:۳۵-۴۱ و لوقا ۸:۲۲-۲۵	عیسی طوفان را آرام میکند
متی ۹:۱۰-۱۳ و مرقس ۲:۱۵-۱۷ و لوقا ۵:۲۹-۳۲	خوردن با گناهکاران و باجگیران
متی ۹:۱۸-۲۶ و مرقس ۵:۲۱-۴۳ و لوقا ۸:۴۰-۵۶	یک زن مریض و یک دختر مرده
متی ۱۴:۱-۱۲ و مرقس ۶:۱۴-۲۹	سر بریده یحیی تعمید دهنده
متی ۱۴:۱۳-۲۱ و مرقس ۶:۳۰-۴۴ و لوقا ۹:۱۰-۱۷ و یوحنا ۶:۱-۱۵	عیسی پنج هزار نفر را غذا میدهد
متی ۱۴:۲۲-۳۶ و مرقس ۶:۴۵-۵۶ و یوحنا ۶:۱۶-۲۴	عیسی بر روی آب راه میرود
متی ۱۳:۱۶-۲۰ و مرقس ۸:۲۷-۳۰ و لوقا ۹:۱۸-۲۷	پطرس مسیح را اعتراف میکند
متی ۱:۱۷-۱۳ و مرقس ۲:۹-۱۳ و لوقا ۹:۲۸-۳۶	تبدیل هیت
متی ۱۴:۱۷-۲۱ و مرقس ۹:۱۴-۲۹ و لوقا ۹:۳۷-۴۳	شفای پسر مصروع

متی ۱:۱۸-۶ و مرقس ۹:۳۳-۳۷ و لوقا ۹:۴۶-۴۸	چه کسی بزرگتر است؟
یوحنا ۱:۹-۳۴	عیسی کور مادر زاد را شفا میدهد
لوقا ۱۰:۲۵-۳۷	مثل سامری نیکو
لوقا ۱۰:۳۸-۴۲	در خانه مریم و مرتا
یوحنا ۱:۱۱-۴۶	عیسی ایلعازر را زنده میکند
متی ۱۳:۱۵-۱۷ و مرقس ۱۰:۱۳-۱۶ و لوقا ۱۵:۱۸-۱۷	عیسی و بچه ها
متی ۱۶:۳۰-۳۱ و مرقس ۱۰:۱۷-۳۱ و لوقا ۱۸:۲۹-۲۹	مرد جوان ثروتمند
لوقا ۱:۱۹-۱۰	زکای باجگیر
متی ۲۶:۱۳-۱۳ و مرقس ۱۴:۳-۹ و لوقا ۷:۳۶-۵۰ و یوحنا ۱۲:۱-۸	تدهین عیسی در بیت عنیا
متی ۱۱:۲۱-۱۱ و مرقس ۱۱:۱-۱۱ و لوقا ۱۹:۲۸-۴۴	ورود پیروزمندانه
متی ۱۲:۱۳-۱۳ و مرقس ۱۱:۱۵-۱۹ و لوقا ۱۹:۴۵-۴۶	عیسی در هیکل
مرقس ۱۲:۴۱-۴۴ و لوقا ۲۱:۴-۴	هدیه بیوه زن
متی ۲۲:۳۴-۴۰ و مرقس ۱۲:۲۸-۳۴	بزرگترین حکم
متی ۱۷:۲۶-۳۰ و مرقس ۱۲:۱۴-۲۶ و لوقا ۷:۲۲-۳۴ و یوحنا ۱:۱۳-۳۰	شام آخر
متی ۲۶:۳۶-۵۶ و مرقس ۱۴:۳۲-۵۲ و لوقا ۲۲:۳۹-۵۴ و یوحنا ۱:۱۸-۱۲	جتسیمانی
متی ۱:۲۷-۲۶ و مرقس ۱۴:۵۳-۶۵ و لوقا ۲۲:۶۵ الی ۲۳:۲۵ و یوحنا ۱۸:۱۳ و ۱۹ الی ۲۴ و ۲۸ و ۱۹:۶	عیسی در آزمایش
متی ۲۶:۶۹-۷۵ و مرقس ۱۴:۶۶-۷۲ و لوقا ۲۲:۵۴-۶۲ و یوحنا ۱۸:۱۵-۱۸ و ۲۵-۲۶	پطرس عیسی را انکار میکند
متی ۳۱:۲۷-۵۶ و مرقس ۲۰:۱۵-۴۱ و لوقا ۲۳:۲۶-۴۹ و یوحنا ۱۷:۱۹-۳۷	صلیب شدن مسیح
متی ۲۷:۵۷-۶۶ و مرقس ۱۵:۴۲-۴۷ و لوقا ۲۳:۵۰-۵۶ و یوحنا ۱۹:۳۸-۴۲	تدفین عیسی
متی ۱:۲۸-۱۵ و مرقس ۱:۱۶-۸ و لوقا ۱:۲۴-۱۲ و یوحنا ۱:۲۰-۱۸	قیام مسیح
لوقا ۱۳:۲۴-۳۵	در راه عموآس
متی ۱۶:۲۰-۲۰ و لوقا ۲۴:۳۶-۵۳ و یوحنا ۲۰:۱۹-۲۹	ظاهر شدن عیسی به شاگردان
یوحنا ۱:۲۱-۲۵	عیسی پطرس را دوباره تثبیت میکند
اعمال ۱-۴:۱۱	صعود مسیح به آسمان

## کلیسای اولیه

اولین روزهای کلیسای مسیح  
 پطرس گدای لنگ مادرزاد را شفا میدهد  
 اعمال ۱:۱۲ الی ۲:۴۷  
 اعمال ۱:۳-۱۰

اعمال ۴۲-۱۷:۵	جفای رسولان
اعمال ۸:۶ الی ۱:۷ و ۵۴-۶۰	سنگسار شدن استیفسان
اعمال ۱۹-۱:۹	ایمان شائول
اعمال ۱۷-۱:۱۲	فرار معجزه آسای پطرس از زندان
اعمال ۲۶-۱۹:۱۱	کلیسای انطاکیه
اعمال ۱۴ و ۱۳	اولین سفر بشارتی
اعمال ۴۰-۱۶:۱۶	پولس و سیلاس در زندان
اعمال ۳۴-۱۶:۱۷	موعظه پولس در آتن
اعمال ۱:۲۰ الی ۱:۱۹	غوغا در افسس
اعمال ۳۰:۲۲ الی ۲۷:۲۱	غوغا در اورشلیم
اعمال ۱۰:۲۸ الی ۱:۲۷	شکسته شدن کشتی
اعمال ۳۱-۱۱:۲۸	پولس در روم موعظه میکند
مکاشفه ۱:۲۱ الی ۶:۲۲	اورشلیم جدید

## داستان سرایی

اکنون شاهد یک نمایش از داستان سرایی کتابمقدس خواهیم بود. در حین تماشای این نمایش نکات زیر را بخاطر بسپارید.

اول اینکه داستان کتابمقس را تعریف کنید. آنرا از روی کتابمقدس نخوانید. قبل از اینکه بخواهید آنرا تعلیم دهید باید خوب آنرا بدانید. خوب بر جزئیات داستان مسلط باشید. قبل از آنکه آنرا تعریف کنید چند بار تمرین کنید.

دوم، پس از آنکه آنرا تعریف کردید از شاگردان سوالاتی درمورد آن داستان بپرسید. این سوالات کمک خواهند کرد که شخصیتها و ترتیب وقایع در داستان را بخاطر بسپارند.

سوم، پس از اینکه سوالات را مطرح کردید از افراد گروه بخواهید که تک تک داستان را برای همه بازگو کنند. اشکالی ندارد که به هم کمک کنند ولی باید بیاموزند که خود داستان را برای بقیه گروه تعریف کنند.

چهارم، بعد از اینکه افراد از بازگو کردن داستان فارغ شدند بخش دوم سوالات را از گروه بپرسید. این سوالات باید متمرکز بر تعلیمی باشد که میخواهید از طریق داستان به آنها بیاموزید. این سوالات باید طوری طراحی شوند که به شاگردان بیاموزد که چطور از بطن داستان حقایق تعلیمی را استخراج کنند.

پنجم، پس از اینکه مطمئن شدید که همه قادر به تعریف داستان و درک حقیقت نهفته شده در آن هستند روی آیهٔ حفظی کار کنید.

ششم، برای اینکه افراد گروه بتوانند راحت تر آیه را حفظ کنند آنرا جمله به جمله قرائت کنید. از آنها بخواهید هر قسمت را جداگانه تکرار کنند تا اینکه کل آیه را از حفظ شوند. آیه حفظی حقیقت یا آموزه های تدریس شده را پشتیبانی میکند.

در آخر بشاگردان بگوئید که محل داستان در کجای کتابمقدس قرار دارد. اگر بتوانند بخوانند بعداً " میتوانند به آن رجوع کنند. اگر قادر به خواندن نیستند بهتر است که روی نوار آنرا برایشان ضبط کنید تا پس از رفتن شما بتوانند چندین بار به آن گوش دهند. هر بار که کلاس تشکیل میدهید روی داستان قبلی مروری داشته باشید. حتی گاهی هم چند بار روی داستانهای گذشته مروری داشته باشید تا مطمئن شوید که شاگردان داستانها و حقایق نهفته در آن را خوب فرا گرفته اند.

در هر جلسه فقط روی یک داستان کار کنید. در اینصورت هر ماه چهار داستان و چهار آیه حفظی همراه با تعالیم مربوط به آنرا خواهند آموخت. اگر بیش از این فشار بیاورید آنوقت باعث پریشانی و اشتباه افراد خواهید شد.

## آنچه را که آموختید ثبت کنید

در قسمت زیر مشاهدات خود را در مورد نحوه ارائه داستان در نمایش بنویسید. این بشما کمک خواهد کرد تا خود را برای داستان سرایی آماده کنید.

آنچه که هر روز صبح در گروه های سه نفره یاد میگیرید را در سه قسمت زیر بنویسید. نکات برجسته هر داستان چه بودند؟ حقیقت یا آموزه اصلی نهفته در داستان چه بود؟

مروری بر داستان سرایی گروهی در روز اول:

مروری بر داستان سرایی گروهی در روز دوم:

مروری بر داستان سرایی گروهی در روز سوم:

## بخش ۲۸

### یکصد گزینه خدمتی

به یاد داشته باشید که هر که اندک بکارد، اندک هم خواهد دروید، و هر که فراوان بکارد، فراوان هم برخوردار است. (دوم قرنتیان ۹:۶)

باید مطمئن شد که به همه افراد گروه مورد نظرم فرصت شنیدن و پاسخ دادن به پیام انجیل داده میشود. وظیفه دیگر ما اینست که پیام انجیل را بفرور بین گروه مردم مورد نظرم منتشر کنیم. کلام خدا میگوید که اگر بفرور بکاریم به فراوانی هم درو خواهیم کرد.

هدف این بخش تحت عنوان "یکصد گزینه خدمتی" اینست که تا آنجائیکه امکان دارد روشهای مختلفی را برای انتقال پیام انجیل به دیگران کشف کنیم. روشهایی مثل کار بر روی جزوه، کتاب، نوار، فیلم ویدئویی، و مردم! ما باید بتوانیم این فکر را در اعضای گروه ایجاد کنیم که روشهای خلاق خودشان را بوجود آورند و روی آنها کار کنند. این روشها را فعالیتهای مقدماتی بشارتی (pre-evangelism activities) یا فعالیتهای بشارت مستقیم (direct-evangelism activities) نامیده اند.

### آنچه را که آموختید ثبت کنید

در گروههای کوچک سه نفره کار کنید تا بتوانید هم خود نظرتان را براحتی مطرح کنید هم اینکه فرصت جمع آوری نظریات همدیگر را داشته باشید. هدف شما اینست تا آنجائیکه میتوانید روشهای مختلف انتقال یا کاشت پیام انجیل در بین گروه مردم مورد نظرتان را بنویسید. شاید بخواهید که ابتدا نگاهی به فهرست مراکز خدماتی بشارتی مسیحی که قبلاً تهیه کرده اید بیندازید و بعد ایده هایی را که از خدمات سازمانها، کلیساها و یا حتی خادمان بنظرتان میرسد را بر روی کاغذ بیاورید. همیشه در نظر داشته باشید که شش محدوده ای که در طرح جامع مطرح شد را پوشش دهید. چند مثال زیر ممکن است برای شروع کار بشما کمک کنند.

### یکصد گزینه خدمتی:

- سمینارهایی پیرامون دعای پیاده و جنگ روحانی در کلیساهای محلی تشکیل دهید.
- از سازمان OM (Operation Mobilization) دعوت کنید تا جزوات بشارتی خود را در محله های مسکونی پخش کند.
- یک مرکز خیاطی برای خانمهای سالمند تاسیس کنید.
- اطلاعات مربوط به شبکه رادیویی FEBA را در کل منطقه مسکونی پخش کنید.
- با شبکه رادیویی FEBA همکاری کنید و پیگیری کسانی که با مرکز رادیو تماس میگیرند را به عهده بگیرید.
- به منازل رفته برای افراد مریض دعا کنید.
- برای زنان کلاسهای سواد آموزی تشکیل دهید.

- به کلیساهای محلی آموزش دهید تا کلیساهای جدید در مناطق جدید تاسیس کنند.
- با سازمان Campus Crusade for Christ برای پخش و نمایش فیلم عیسی همکاری و مشارکت کنید.
- با سازمان بین المللی Gideons تماس گرفته بپرسید که آیا مایلند در جاهای دور افتاده انجیل توزیع کنند؟







## بخش ۲۹

### طرح جامع برای بشارت و شاگردسازی

ما طرح جامع را برای قسمت تحقیقات، دعا، شراکت، جایگاهها تهیه کرده ایم. بخاطر داشته باشید که طرح جامع بر اساس خط مشی هایی تهیه میگردند که شامل شش مقوله پژوهش، دعا، شراکت، جایگاهها، بشارت و شاگردسازی، و تاسیس کلیساهای جدید باشند. هر برنامه ریزی در رابطه با این شش مقوله انجام شود در واقع جهت نیل به هدف کلی طرح جامع (تحقق رویای نهایی، یا بشارت کامل به گروه مردم از طریق تکثیر مجدد کلیساهای محلی) تنظیم میگردد.

تا اینجا بخش بشارت و شاگردسازی را تکمیل نموده ایم. بنابراین در این بخش فهرستی از هدفها، منابع، فرصتهای بدست آمده از موانع، طرحها، و مراحل ارزیابی بشارت و شاگردسازی در خدماتمان را تهیه خواهیم کرد.

چنانچه نیاز به مرور و مطالعه تعاریف و دستورالعملها احساس میکنید لطفاً به بخش ۹ تحت عنوان "مقدمه طرح جامع و طرح پژوهشی" رجوع فرمائید.

شرح ذیل نمونه ای از چگونگی تهیه این هدفها و طرحها در چارچوب بشارت و شاگردسازی برای طرح جامع شما میباشد.

### بشارت و شاگردسازی

شرح رویای نهایی خود را در ابتدای جزئیات بشارت و شاگردسازی طرح کلی خود بنویسید. هر برنامه ریزی در رابطه با این شش مقوله انجام شود در واقع جهت نیل به هدف کلی طرح جامع (تحقق رویای نهایی، یا بشارت کامل به گروه مردم از طریق تکثیر مجدد کلیساهای محلی) تنظیم میگردد.

#### هدفها:

برخی از هدفهای قابل سنجش در محدوده بشارت و شاگردسازی بشرح زیر میباشد.

- فیلم عیسی را در هر روستا و محله مسکونی نمایش دهید.
- نوارهای بشارتی تهیه کرده و در همه محله های مسکونی پخش کنید.
- گروه هایی در هر روستا تشکیل دهید که در وقت معینی جمع شده به برنامه رادیویی مسیحی گوش دهند.
- ادبیات مسیحی به همه خانه ها پخش کنید.
- کلیه ایمانداران و حتی نوایمانان را به تعالیم ساده شاگردسازی مجهز کنید و آنها را بیاموزید که در این مسیر بارآور شده مثل زنجیر با هم پیش بروند.

## منابع:

برخی از منابعی که ممکن است برای تحقق هدفهای ذکر شده در بالا نیاز باشند شامل موارد زیر هستند.

▪ Campus Crusade for Christ نام سازمانیست که فیلم عیسی را توزیع میکند.

▪ Every Home for Christ

▪ Gospel Recordings Association

▪ World Cassette outreach

▪ کلیساهای محلی موجود

▪ مرکز رادیویی FEBA

▪ مرکز نشر کتابمقدس Bible societies

### فرصتهایی که از موانع حاصل میشوند:

در رابطه با اهداف مذکور در بالا اینها موانع احتمالی هستند که ممکن است با آنها برخورد کنید همراه با این موانع ما پیشنهادهایی را مطرح کردیم که نشان میدهند چطور بتوانیم هر کدام از این موانع را به فرصتها تبدیل کنیم.

▪ مانع : بعضی از گروه ها دوست ندارند که اطلاعات خود را با دیگران در میان بگذارند.

فرصت : باید ایجاد رابطه نمود و اینکه بدانیم کدام سازمان مسیحی مشغول چه خدماتی و در چه جایی است.

▪ مانع : شاگردسازی کاریست که بطور سنتی توسط شبانان و خادمین انجام میشده.

فرصت : چند ایماندار را با تعلیم دروس شاگردسازی مجهز کنید و آنها را تشویق کنید که به تعلیم و تجهیز دیگران پردازند.

### طرحهای عملیاتی:

در رابطه با هدفهای ذکر شده در بالا، ذیلاً" به تعدادی از طرحهای عملیاتی احتمالی اشاره شده.

▪ از طرح حصاد استفاده کنید تا محل مناطق مسکونی مختلف را شناسایی کنید.

- با سازمان Campus Crusade for Christ تماس بگیرید و آنها را تشویق کنید که برای نمایش فیلم عیسی با شما مشارکت کنند.
- با تک تک کارکنان Every Home for Christ در مورد پخش ادبیات مسیحی صحبت کنید.
- یک فعالیت مشارکتی با سازمان رادیویی FEBA آغاز کنید.
- خادمین را آموزش دهید تا گروههای شنونده رادیویی تشکیل دهند.
- ایمانداران را تعلیم دهید که بتوانند با روش داستانسرایی بشارت و شاگردسازی کنند.
- کلاسهای شاگردسازی خود را آغاز کرده به آنها آموزش دهید که خود شاگردسازی کنند.

### مراحل ارزیابی:

- نمونه هایی از روندهای ارزیابی برای هدفهای بشارت و شاگردسازی که در بالا اشاره شده بشرح زیرند.
- لیست کلیه محله هائیکه در آنجا فیلم عیسی نمایش داده شده بعلاوه اطلاعات مربوط به گروههای شنونده برنامه های رادیویی را گردآوری نمائید. اینکار باعث میشود که هیچ محله ای از قلم نیفتد و برای شنیدن پیام انجیل فراموش نشود.
- زنجیره های شاگردسازی را پیگیری کنید تا از پیشرفت کارشان مطلع شوید.

## آنچه را که آموختید ثبت کنید

در ادامه، شما باید بر روی منابع، فرصتهای بدست آمده از منابع، طرحها، مراحل ارزیابی دعا و هدفهای خود شروع بکار کنید. بخاطر داشته باشید که ابتدا باید شرح رویای نهایی خود را بر بالای صفحه قرار دهید سپس بر روی هر کدام از مناطق قدم بقدم فعالیت کنید. اگر سوالی برایتان پیش آمد از هم گروهیتان یا مسئول آموزش کمک بخواهید.

### شرح رویای نهایی

--

### بشارت و شاگردسازی

	<b>هدفها</b>
	<b>منابع</b>
	<b>فرصتهای حاصله از موانع</b>
	<b>طرح های عملیاتی</b>
	<b>مراحل ارزیابی شده</b>

## بخش ۳۰

### اعمال رسولان

تا کنون در این دوره در مورد یوشع، نحμία و یکی از اناجیل مطالعاتی داشتیم. دیدیم که چطور قوم اسرائیل تحت هدایت خدا از روشها و خط مشی های مختلف استفاده کردند و سرزمین وعده را تصاحب نمودند. نحμία را بعنوان یکی از بهترین الگوهای هماهنگ کننده خط مشی یافتیم. از یکی از اناجیل روشهای مختلف بشارتی و شاگردسازی عیسی را در زمان خدمتش بر این کره خاکی بررسی نمودیم. دیدیم که چطور عیسی شاگردان خود را یافت و آنها را که در ایمانشان جدی بودند چگونه شاگردسازی مینمود. از طریق این مطالعات آموختیم که به یک خط مشی جامع برای خدماتمان نیاز داریم.

در این بخش کتاب اعمال رسولان را بررسی خواهیم کرد و خواهیم دید که چطور کلیسای اولیه تحت جفا قرار گرفت، عکس العمل ایمانداران آنزمان چه بود و اینکه جفا در رشد کلیسا چه نقشی داشت. همچنین خواهیم دید که کتاب اعمال رسولان در رابطه با تاسیس کلیساهای جدید از چه اصولی پیروی میکرد. پس از بررسی این نکات به مطالعه یک کلیسای نمونه "کلیسای انطاکیه" خواهیم پرداخت.

### آنچه را که آموختید ثبت کنید

در ذیل کلیه آیاتی را که در اعمال رسولان به جفا اشاره شده بنویسید. هر مورد جفا را شرح دهید و بگوئید که عکس العمل ایمانداران در مقابل آنها چه بوده و در نهایت چه نتیجه ای برای کلیسا به همراه داشته؟

آدرس آیه کتابمقدس	عکس العمل ایمانداران نسبت به جفا چه بود و در نهایت چه نتیجه ای برای کلیسا به همراه داشت؟

## آنچه را که آموختید ثبت کنید

درزیر اصولی را که در رابطه با تاسیس کلیساهای جدید از کتاب اعمال رسولان بدست آوردید بنویسید.



## مطالعه ای پیرامون کلیسای انطاکیه

اما چون روح القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان، شاهدان من خواهید بود.» (اعمال ۸:۱)

مطالعه آنچه بر کلیسای اورشلیم گذشت از کتاب اعمال رسولان، بما کمک خواهد کرد موانعی را که ممکن است امروزه سد راه نهضت کلیساهای جدید شوند را تشخیص دهیم.

قبل از پنطیکاست عیسی به شاگردانش گفت پس از دریافت روح القدس انجیل را به کل اورشلیم، یهودیه، سامره و انتهای جهان موعظه کنند. پس از دریافت روح القدس در روز پنطیکاست، ایمانداران در اورشلیم اصول ایمان مسیحی فوق را آموختند: توبه، مطالعه کتابمقدس، مشارکت، شکستن نان و دعا (اعمال ۳۸:۲ و ۴۲). اعضای کلیسای اورشلیم در معبد یهود و خانه های همدیگر جمع میشدند و خدا با افزودن آنها بطور روزانه آنها را برکت میداد (۲:۴۶-۴۷). اما کلیسای اورشلیم طبق فرمانیکه مسیح به آنها داده بود (اعمال ۸:۱) فعالیتهای خارج از برنامه نداشت.

چرا کلیسای اورشلیم پیام انجیل را به مناطق دیگر نمیرساند؟

اولاً اینکه ایمانداران اورشلیم نسبت به غیر یهودیان یک حس نژادپرستی داشتند. در اعمال بابهای ۱۰ و ۱۱ میبینیم که پطرس خوانده میشود تا به غیر یهودیان بشارت دهد. با اینکه پطرس به غیر یهودیان موعظه میکرد، اما بنظر میرسد که او چندان تمایلی به تعمید آب دادن آنان را نداشت. اما خدا میخواست که غیریهودیان هم تعمید بگیرند به همین دلیل آنها را تعمید روح بخشید که پس از آن پطرس دریافت که باید آنها را با آب نیز تعمید دهد. (اعمال ۴۴:۱۰-۴۸ و ۱۱:۱۵-۱۸).

ثانیاً اینکه یک روح شریعت گرایی نیز در کلیسای اورشلیم در حال رشد بود. برخی رهبران چنین تعلیم میدادند که غیریهودیان برای نجات یافتن میبایست ابتدا ختنه شده کلیه شریعت موسی را اطاعت کنند (اعمال ۱۵:۱-۲۱).

ثالثاً، ایمانداران اورشلیم بطور طبیعی بر کلیسا متمرکز بودند. علاوه بر این اورشلیم مرکز یهودیان دنیا و منشا و زادگاه پیام انجیل بود. ایمانداران اولیه بدلیل آشنا بودن با شهر اورشلیم در آنجا احساس آسایش کرده با خوشی در آنجا زندگی خود را سپری میکردند. خدا در بین آنها کار میکرد و به همین دلیل دوست داشتند که آنجا بمانند و از برکات خدا بهره مند شوند.

این مسائل موانعی بودند که مانع انجام فرمان مسیح در اعمال ۸:۱ میشدند. بنابراین، خدا اجازه داد تا جفا وارد کلیسای اورشلیم شود. در نتیجه مسیحیان اورشلیم متفرق شدند و به نواحی یهودیه و سامره رفتند (اعمال ۸:۱).

بعضی از این افرادیکه متفرق شدند در شهر انطاکیه کلیسا تاسیس کردند (اعمال ۱۹:۱۱-۲۶). کلیسای انطاکیه خیلی سریع تبدیل به یک کلیسای نمونه شد. آنجا بود که برای اولین بار ایمانداران مسیحی نامیده شدند. از اینجا میتوانیم درس قوت، سلامت و تکثیر کلیساهای بیاموزیم.

## کلیسای انطاکیه بر اساس کلام خدا بنا شد

کلیسای انطاکیه را شاگردان گمنامی بنا کردند که بر اثر جفا از کاشانه خود متفرق شده بودند. این کلیسا بر مبنای توبه و ایمان بخدا تشکیل شده بود.

اما ایماندارانی که در اثر اذیت و آزار آغاز شده با ماجرای استیفا ن پراکنده شده بودند، تا نواحی فینیقیه و قپرس و انطاکیه سفر کردند. آنان کلام را فقط به یهودیان اعلام می‌کردند و بس. اما در میان ایشان تنی چند از اهالی قپرس و قیروان بودند که چون به انطاکیه رسیدند، با یونانیان نیز سخن گفتند و عیسیای خداوند را به آنان بشارت دادند. دست خداوند نیز با ایشان بود و گروهی بسیار ایمان آورده، به خداوند گرویدند. (اعمال ۱۹:۱۱-۲۱)

کلیسای انطاکیه یک رهبر ارشد داشت: برناباس

هر کلسیا نیاز به یک رهبر ارشد قابل اطمینان دارد! کلیسای اورشلیم از وقایعی که در کلیسای انطاکیه اتفاق افتاده بود باخبر شد و به همین دلیل برنابا را آنجا اعزام کرد.

برنابا دارای ویژگیهای زیر بود:

- عضو کلیسای اورشلیم بود (اعمال ۱۱:۲۲)
- یک کاهن لاوی تحصیلکرده در خدمت معبد بود (اعمال ۴:۳۶-۳۷)
- بخشنده بود (اعمال ۴:۳۶-۳۷)
- مردی با شخصیت و خصوصیات خوب بود (۲۶:۹-۲۸ و ۱۱:۲۴)
- شخصی که نتیجه خدمتش ایمان آوردن بسیاری به خداوند بود (اعمال ۱۱:۲۴)

چون این خبر به کلیسای اورشلیم رسید، برنابا را به انطاکیه فرستادند. وقتی او به آنجا رسید و فیض خدا را دید، شادمان شد و همه را ترغیب کرد تا با تمام دل به خداوند وفادار باشند، زیرا مردی بود نیک و پر از روح القدس و ایمان. بدین سان گروهی بسیار به خداوند پیوستند. (اعمال ۱۱:۲۲-۲۴)

## کلیسای انطاکیه دارای یک گروه رهبران خادم بود

گروه خادمین کلیسای انطاکیه مردانی بودند که هم تعلیم میدادند و هم نبوت میکردند. خدمت یک شخص به تنهایی برای کلیسا کفایت نمیکند. کلیسا نیاز به انواع خدمات روحانی که در بدن مسیح قرار داده دارد. افسسیان ۴:۹-۱۶ به پنج خدمت کلیسایی اشاره میکند که شامل رسولان، انبیا، مبشرین، شبانان و معلمین است. بتوسط اینها ایمانداران جهت کار خدمت مجهز میشوند تا بدن مسیح در محبت بنا کرده شود.

در کلیسایی که در انطاکیه بود، انبیا و معلمانی چند بودند: برنابا، شمعون معروف به نیچر، لوکیوس قیروانی، متاحم که برادرخوانده هیرودیس حاکم بود و سولس. هنگامی که ایشان در عبادت خداوند و روزه به سر

می‌بردند، روح‌القدس گفت: «برنابا و سولس را برای من جدا سازید، به جهت کاری که ایشان را بدان فراخوانده‌ام.»  
(اعمال ۱۳:۱-۲)

## در کلیسای انطاکیه تعلیم و آموزش شاگرد سازی انجام میشد

هر کلیسای محلی خود مسئول است که شاگردسازی کند. این مسئولیت نباید به دیگران سپرده شود.

پس از آن، برنابا به تارسوس رفت تا سولس را بیابد. و چون یافت، وی را به انطاکیه آورد. ایشان در آنجا سالی تمام با کلیسا گرد می‌آمدند و گروهی بسیار را تعلیم می‌دادند. در انطاکیه بود که شاگردان را نخستین بار «مسیحی» خواندند. (اعمال ۱۱:۲۵-۲۶)

## در کلیسای انطاکیه جلسات عبادتی برقرار بود و خدا مورد پرستش قرار میگرفت

کلیسای انطاکیه میدانست که باید خدا را عبادت کند. این خدمت کهانت است که بما سپرده شده. همه ایمانداران باید جمع شده زمانی را به شکرگزاری، تمجید، مشارکت، مطالعه کتابمقدس و عبادت خدا بگذرانند.

هنگامی که ایشان در عبادت خداوند و روزه به سر می‌بردند، روح‌القدس گفت: «برنابا و سولس را برای من جدا سازید، به جهت کاری که ایشان را بدان فراخوانده‌ام.» (اعمال ۱۳:۲)

## اعضای کلیسای انطاکیه روزه و دعا داشتند

روزه و دعا جسم را مطیع ساخته عطش روحانی و تشنگی برای خدا را افزایش میدهد. دعا همراه با روزه کلیسا را از روحانی نسبت به روح القدس هوشیار و حساس میسازد و همچنین رابطه با مسیح را نزدیکتر میکند.

آنگاه، پس از روزه و دعا، دست بر آن دو نهاد، ایشان را روانه سفر کردند. (اعمال ۱۳:۳)

## کلیسای انطاکیه از روح القدس می‌شنید و اطاعت میکرد

تمام کلیساهای محلی باید به صدای روح القدس گوش کنند.

آن که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.» (مکاشفه ۳:۲۲)

هنگامی که ایشان در عبادت خداوند و روزه به سر می‌بردند، روح‌القدس گفت: «برنابا و سولس را برای من جدا سازید، به جهت کاری که ایشان را بدان فراخوانده‌ام.» آنگاه، پس از روزه و دعا، دست بر آن دو نهاد، ایشان را روانه سفر کردند. (اعمال ۱۳:۲-۳)

در آن روزها چند نبی از اورشلیم به انطاکیه آمدند. یکی از آنها که آگابوس نام داشت، برخاست و با الهام روح پیشگویی کرد که قحطی سختی در سرتاسر دنیای روم خواهد آمد. این قحطی در زمان حکومت کلودیوس رخ داد. پس شاگردان بر آن شدند که هر یک در حد توان، کمکی برای برادران ساکن یهودیه بفرستد. پس چنین کردند و هدیه‌ای به دست برنابا و سولس نزد مشایخ فرستادند. (اعمال ۱۱:۲۷-۳۰)

## در کلیسای انطاکیه مراسم دستگزاری انجام میشد

مراسم دستگزاری یکی از تعلیم اساسی کلیساست که در عبرانیان ۱۶-۲ به آن اشاره شده است. مراسم دستگزاری به منظور تعیین شخص انتخاب شده توسط خدا، تأیید اراده خدا و افاضه روح القدس انجام میگردد. برنابا و شائول از طرف روح القدس و بتوسط کلیسای انطاکیه اعزام شدند. عمل نهادن دستها با هدایت خدا به منظور برکت دادن، شفا دادن و مسح کردن افراد بخدمت روحانی انجام میگردد. اول تیموتاوس ۵:۲۲ بما میگوید که خدمت نهادن دستها باید جدی گرفته شود و نباید از روی عجله و شتاب صورت گیرد. قلب و دست ایماندار قبل از شروع به این خدمت باید تقدیس شود.

آنگاه، پس از روزه و دعا، دست بر آن دو نهاده، ایشان را روانه سفر کردند. (اعمال ۱۳:۳)

## کلیسای انطاکیه در اجرای فرمان بزرگ مسیح در رابطه با بشارت و مامورتهای بشارتی فعال بود

در نتیجه خدمت برنابا و پولس کلیساهای بسیاری بنا شد. این کلیساها شامل کلیسای قبرس، پرگا (Perga)، پیسیدیا (Pisidia)، آیونیوم (Iconium)، لیسترا (Lystra) و دربه (Derbe) میباشند. پولس و برنابا بعنوان موسسین کلیسا نسبت به کلیسای محلی خود در انطاکیه جوابگو بودند. پس از بازگشت به انطاکیه، کلیه اعمالی را که خدا در رابطه با تاسیس کلیساها انجام داده بود به کلیسا انطاکیه گزارش دادند.

چون بدانجا رسیدند، کلیسا را گرد آورده، بازگفتند که خدا به واسطه آنها چه کرده و چگونه در ایمان را بر غیریهودیان گشوده است. آنگاه مدت زمانی در آنجا با شاگردان ماندند. (اعمال ۱۴:۲۷-۲۸)

کلیساهای بسیاری بر اثر خدمت یکی از همکاران پولس و برنابا بنام سیلاس تاسیس شدند. این کلیساها شامل کلیسای فیلیپی، تسالونیک، بیریه، آتن، قرنتس و افسس میباشند. تاسیس کنندگان پس از بنای این کلیساها به کلیسای انطاکیه گزارش میدادند.

در قیصریه از کشتی فرود آمده، به اورشلیم رفت و پس از دیدار با کلیسا، راهی انطاکیه شد. ۲۳ چندی در آنجا ماند و باز عازم سفر شده، در سرتاسر دیار غلاطیه و فریجیه جابه‌جا می‌گشت و همه شاگردان را استوار می‌کرد. (اعمال ۲۲:۱۸-۲۳)

کلیسای انطاکیه خود را به فرمان بزرگ مسیح در رابطه با بشارت کاملاً سپرده بود. هر کلیسا باید در تاسیس کلیساهای دیگر چون کلیسای انطاکیه عمل کند. جهت سهولت بخشیدن به جنبش کلیساهای جدید، خادمین باید کلیساهایی بنا کنند که مشخصات کلیسای انطاکیه را داشته باشد.

- بر اساس کلام خدا بنا شوند
- دارای یک رهبر ارشد باشند
- دارای یک گروه خادمین باشند
- تعلیم و تربیت شاگردسازی نمایند

- خدا را پرستش کنند
- دعا و روزه داشته باشند
- به صدای روح القدس گوش داده او را اطاعت کنند
- نهادن دستها را انجام دهند
- ماموریت و فرمان بزرگ مسیح را بجا آورند

## بخش ۳۱

### طرح توسعه تاسیس کلیسا

DNA کد ژنتیکی والدین است که به نسل بعدی منتقل میشود. فرزندان مشخصه های والدیشان را از طریق ژنهایی که به آنها منتقل میشوند به ارث میگیرند. این کدهای ژنتیکی از نسلی به نسل دیگر انتقال میابد.

درست مثل انتقال این کدهای ژنتیکی، تاسیس کنندگان کلیساهای جدید هم مشخصاتی را به کلیساهای جدیدی که تاسیس میکنند منتقل مینمایند. این کدها از کلیسایی به کلیسای دیگر انتقال می یابد. هر کلیسا شروع به تاسیس کلیسای دیگر میکند و این کار ادامه یافته از نسلی از ایمانداران به نسل دیگر منتقل میشود. به همین دلیل است که تاسیس کنندگان کلیساها باید دقت داشته باشند که اولین کلیسا را چگونه پایه گذاری میکنند چون تأثیر آن به نسل بعدی و کلیساهای آینده تا سالها باقی خواهد ماند..

- در تاسیس کلیسا ما یک طرح ژنتیکی را مثل یک الگو منتقل میکنیم.
- اگر کلیسای محلی موفق به تاسیس کلیسایی دیگر به نسل بعدی شود آنگاه تاسیس کننده به کلیسای جدید یک طرح ژنتیکی سالم منتقل کرده است.
- هدف ما باید تولید و تشکیل کلیساها در دراز مدت باشد. به همین منظور تاسیس کننده کلیسا باید مطمئن شود که پس از ترک کلیسای جدید، آن کلیسا توان تولید کلیساهای دیگر را در دراز مدت خواهد داشت. آیا کلیسا قادر خواهد بود که مستقلاً بدون تکیه و کمک بر منابع خارجی به کار خود ادامه دهد؟
- وقتی صحبت از توان تشکیل کلیساهای جدید بمیان می آید باید الگویی از اعضای کلیسا را در نظر بگیریم. باید آنها را بشناسیم و در نظر داشته باشیم که آیا قادر به تشکیل الگویی که تاسیس کننده پیش روی آنها گذاشته میباشند یا خیر.
- در نظر داشته باشید که الگویی که منظور ماست به سؤالاتی از قبیل "چه کسی؟"، "چه چیزی؟"، "چه طور؟"، "کی؟"، "کجا؟" و "چرا" در خدمت پاسخ میدهد. باید الگوی درستی تهیه کنیم!
- الگو مثل یک شابلون میماند. اگر بخواهیم کلیسای سالم، پرثمر، بخشنده، مطیع، فروتن، خدمتگذار و مسئولیت پذیری تاسیس کنیم باید آنرا الگوبرداری نمائیم.

## الگوی "چه کسی"، خدمت روحانی را انجام میدهد؟

### رهبر چه کسی است؟

موسس کلیسا باید الگویی از یک رهبر توانا در اختیار کلیسای جدید بگذارد. اگر موسس تاکید کند که فقط اشخاص تحصیلکرده الهیات و تنها کشیشان تمام وقت حقوق بگیر قادر به رهبری آن کلیسا هستند آنگاه مانع تولید مثل آن خواهند شد و زمان زیادی طول خواهد کشید تا کلیسا به مرحله تولید مثل برسد.

اما اگر موسس کلیسا اجازه بدهد که مردم عادی محلی مسئولیت رهبری را خود بعهده بگیرند، فرصت تولید مثل کلیسا را افزایش خواهد داد.

در کتاب اعمال رسولان میبینیم که رسولان با مشکلی مواجه میشوند و به کمک بیشتری نیاز پیدا کردند. برای همین هم به مردم گفتند "پس ای برادران، از میان خود هفت تن نیکنام را که پر از روح و حکمت باشند برگزینید تا آنان را بر این کار بگماریم و ما خود را وقف دعا و خدمت کلام خواهیم کرد."

پولس برای کلیساهای مشایخ تعیین کرد و به تیموتاوس و تیطس گفت تا چنین کنند. این مشایخ از کلیسای محلی انتخاب شدند و افراد تحصیلکرده ای که از بیرون به کلیسا تحمیل شده باشند نبودند.

موسس کلیسا باید مواظب باشد که چیزی را که در کتابمقدس نیامده به کلیسا تحمیل نکند.

به نظر شما چه کسانی میتوانند در کلیسا رهبر باشند؟

چطور میتوانید از این برای کلیساهای جدید نمونه بگیرید؟

## الگوی "چه کسی" کلیساهای را تاسیس میکند

بعضی بر این باورند که فقط افراد باصلاحیت و ایماندارانی که تحصیلات بالا دارند میتوانند کلیسا تاسیس کنند. این درست مانند کلیساهایی است که برای انتخاب رهبرانشان شرایطی قائل میشوند که در کلام خدا بین موسسان کلیسا وجود نداشت.

در عهد جدید پولس رسول با همراهانش برای تاسیس کلیسا سفر میکرد. همراهانش از زمینه های مختلف بودند. نوایمانان باید بدانند که باید در خدمت تشکیل کلیسای جدید فعال باشند. آنها از خود تاسیس کنندگان کلیسا در حین کار الگو برداری میکنند. تاسیس کنندگان دوره دیده باید با همراهانی سفر کنند که دوش به دوش آنان خدمت میکنند. این همراهان باید از سطوح مختلف تحصیلی باشند. موسس کلیسا میخواهد بعنوان یک الگو بگوید که هر کس با هر سطح تحصیلاتی میتواند کلیسا تاسیس کند.

چه کسی میتواند کلیسا تاسیس کند؟

چگونه میتوانید اینرا الگوی دیگران قرار دهید؟

## چه کسی بشارت خواهد داد؟

ماموریت بزرگ فقط به مبلغین، موسس کلیساها و مبشرین داده نشد. این ماموریت به تمام کسانی که مسیح را پیروی میکنند واگذار گردید. کلیه کسانی که شاگردان مسیح هستند باید در مورد ایمان خود با مردم صحبت کنند. در اکثر مواقع ما نوایمان را از شرکت در فعالیتهای بشارتی منع میکنیم. آنها غیرت و هیجان بسیاری برای بشارت دادن دارند اما عکس العمل بعضی از ما به آنها اینست که به آنها بگوئیم "شخص جوان بنشین".

در عهدجدید عیسی مسیح از مردم میخواست که بسادگی کاری را که خدا برایشان انجام داده تعریف کنند. ما هم باید نوایمانان را تشویق کنیم که در مورد ایمانشان با دیگران صحبت کنند و ما هم باید الگویی برای آنان باشیم عملاً" به آنها ثابت کنیم که امر بشارت کاریست طبیعی و جزئی از فعالیتهای روزانه پیروان مسیح است.

در کتاب اعمال رسولان همه ایمانداران در موعظه کلام خدا فعال بودند. " و اما آنان که پراکنده شده بودند، هر جا که پا می‌نهادند، به کلام بشارت می‌دادند. (اعمال ۸:۴)

چه کسی میتواند بشارت دهد؟

چگونه این امر را برای کلیساهای جدید الگو قرار میدهید؟



## چه کسی تعلیم خواهد داد؟

آیا آموزش ما این است که بگوئیم فقط استادان دانشگاه‌های الهیات و معلمین علم الهی صلاحیت تعلیم و الگو شدن برای دیگران را دارند؟ آیا الگوی شما این است که تنها هدف آموزش اخذ یک مدرک لیسانس است؟ الگویی که مسیح به ما بخشید بسیار ساده است. او ابتدا مردم را انتخاب کرد که با او باشند و بعد زندگی خود را وقف آنان نمود. هر ایمانداری در مسیح قابلیت انتقال آنچه که آموخته به دیگران را دارد. ما باید نوایمان را تشویق کنیم که از کارهایی که خدا برایشان انجام داده با مردم صحبت کنند و تجربیاتمان را در اختیارشان قرار دهیم تا آنها نیز دیگران را آموزش و تجهیز نمایند. این الگوی ساده، شاگردان پرثمری برای مسیح تولید میکند.

پولس به تیموتائوس گفت، " و آنچه را که در حضور گواهان بسیار از من شنیدی، به مردمان امینی بسیار که از عهده آموزش دیگران نیز برآیند. " (۲ تیموتائوس ۲:۲). پس از تشکیل کلیسا اول باید دنبال افراد وفادار باشیم. سپس آنهایی را جستجو کنیم که تعلیم پذیرند و بعد به تعلیم آنان پردازیم.

بزرگترین عامل صلاحیت در امر رهبری در عهدجدید شخصیت اخلاقی و بلوغ روحانی افراد بود این مسئله حتی از اخذ مدارک دانشگاهی بیشتر ارزش داشت. امروزه متأسفانه ما تأکید زیادی بر اخذ مدارک دانشگاهی داریم.

اگر بر زندگی مسیح نگاهی بیاندازیم میبینیم که مسیح کسانی را دور خودش جمع کرده بود که میتوانست

زندگی اش را صرف آنان کند. او وقتش را صرف آنها نمود و با آنها سفر کرد. او از هر فرصتی برای تعلیم آنان استفاده نمود. عیسی شاگردانش را نزد مردم فرستاد و آنها برای پرس و جو نزد استادشان باز می‌گشتند. عیسی آموزش خود را در حین کار انجام میداد و چنانچه ما طالب نهضت تاسیس کلیساهای جدید باشیم باید همینطور عمل کنیم. ما باید هنر مفقود شده شاگرد سازی را دوباره کشف کنیم. باید هنرگمشده خادم سازی و تعلیم به دیگران را احیا کنیم.

آموزش رهبران به عهده چه کس است؟

شما چگونه میتوانید اینرا برای کلیساهای جدید سرمشق قرار دهید؟

## هدایت و کنترل امور بعهده چه کسی خواهد بود؟

بنظر شما اگر کلیسای جدیدی توسط من تاسیس شود اشکالی دارد اگر آنرا متعلق به سازمانیکه برایش کار میکنم بدانم؟ و اینکه آیا اگر من آنرا تاسیس کرده باشم درست است که هدایت و کنترل آن به عهده خود من باشد؟ این دو، سوالیست که معمولاً هم از خودمان و هم از دیگران میپرسیم. درست است که خدا از ما استفاده نموده تا کلیسایی تاسیس شود اما اشتباه است که بخواهیم آنرا از بیرون هدایت و کنترل کنیم. مؤسس کلیسا حکم پدر روحانی و معلم ایمانداران جدید را دارد اما کنترل و هدایت کننده آن نیست.

مؤسس کلیسای جدید باید در تربیت و ایجاد رهبران فوراً اقدام نماید و هدایت و نظارت کلیسا را به آنان واگذار کند. از لحظه ای که هدایت و رهبری کلیسا بدست افراد خارجی (کسانیکه مقیم نیستند) بیافتد رشد و توسعه آن متوقف میگردد.

اگر مؤسس کلیسا کلیه امور اعمم از بشارت، شاگردسازی، تربیت خادمین، نظارت و امور کلیسایی را بتنهایی انجام دهد الگوی خوبی برای دیگران بجا نخواهد گذاشت. الگوی مناسب الگوییست که از خدمت هر عضو بهره جسته وهمه را در امر خدمات کلیسایی سهیم سازد.

کنترل و هدایت کلیساهای جدید به عهده چه کسی خواهد بود؟

شما چگونه میتوانید در این امر سرمشق دیگران باشید؟

## الگوی "کار" متمرکز خدماتیست که میبایست در کلیسا انجام شود

### هدایت مردم در ایمان

هدف اصلی کلیه فعالیتها اینست که مردم به پیروی عیسی مسیح هدایت شوند. مؤسس کلیسای جدید باید در هدایت مردم به ایمان مسیحی سرمشق باشد. مؤسس کلیسا باید نوایمانان را در بشارت به دیگران تجهیز و تشویق نماید. امر بشارت باید در خون و وجود تک تک اعضای کلیسا باشد. در غیر اینصورت کلیسا از رشد و توسعه خود متوقف خواهد شد.

چه کسی میتواند مردم گمشده را به سوی عیسی دعوت نماید؟

شما چگونه میتوانید در این امر برای دیگران سرمشق باشید؟

## **دیگران را برای رهبری آماده کنید**

عیسی مسیح با انتخاب و تعلیم دوازده نفر، آنها را برای انجام ادامه کار پس از بازگشتش به نزد پدر آماده نمود. پولس رسول هم با همراهان سفر میکرد و دائم مشغول آماده سازی رهبران برای کلیساهای تازه تاسیس بود. مؤسس کلیسا نیز باید در آماده سازی رهبران سرمشق خوبی برای ایمانداران باشد. او باید در تعلیم و بکارگیری رهبران محلی بصورت آزاد عمل نماید. آنگاه هنگامیکه آن کلیسا رشد کرده و از دل خود کلیسای دیگری تاسیس کند افراد محلی را برای رهبری آن آماده خواهد نمود.

چه کس میتواند رهبران را برای خدمت آماده کند؟

شما در این رابطه چگونه میتوانید نمونه باشید؟

## **کلیساهای جدید تاسیس نمائید**

مسئولیت تاسیس کلیساهای جدید بعهده خود کلیساست. بعضی به غلط بر این باورند که این کار فقط بعهده مبشرین و مؤسسین کلیساهاست. هنگامیکه شخصی برای بشارت وارد یک منطقه، محله و یا دهکده ای میشود باید انگیزه تاسیس کلیسا را در برنامه خود داشته باشد. هرگز بدون هدف تشکیل کلیسا، برای بشارت وارد منطقه ای نشوید. اگر ما که رهبران هستیم این انگیزه را در خود نداشته باشیم ایمانداران کلیسا هم برای تشکیل گروه های جدید دید نخواهند داشت و اهمیت آنرا درک نخواهند کرد.

اگر مؤسس کلیسا بجای تشکیل گروه های جدید آنها را در یکجا و یک ساختمان جمع کند سرمشق غلطی برای دیگران خواهد بود. وظیفه مؤسس کلیسا رفتن به یک منطقه و با بشارت و موعظه انجیل، تشکیل کلیسا در آنجاست. با این

روش مردم خواهند آموخت که با رفتن و بشارت دادن در یک منطقه باید تشکیل کلیسا و جمع کردن ایمانداران جدید را در برنامه خود بگنجانند.

چه کس میتواند کلیسای جدید تاسیس کند؟

شما اینکار را چگونه سرمشق دیگران خواهید کرد؟

## تشویق کلیساهای دیگر

در عهد جدید میبینیم که کلیساهای مشوق همدیگر بودند. پولس رسول از کلیساهای دیگر اعانه جمع میکرد که به نیازمندان کلیسای اورشلیم کمک برساند. علاوه بر آن، کلیسای تسالونیکي نیز در این رابطه نمونه خوبی میباشد.

شما از ما و از خداوند سرمشق گرفتید و در رنج بسیار، کلام را با آن شادی که روح القدس میبخشد، استقبال کردید. ۷ بدینگونه شما برای همه ایمانداران مقدونیه و آخائیه سرمشقی بر جای گذاشتید، (اول تسالونیکي ۱: ۶-۸)

شما در رابطه با تشویق یکدیگر چه الگویی برای دیگران دارید؟

## پذیرش مسئولیت دیگران

در کلیسا باید برای ایمانداران جدید در جوابگویی نسبت به هم الگو باشیم. پولس رسول در کلیساهای تازه تاسیس این مسئله را تعلیم میداد و خود نیز سرمشق خوبی بود. بعنوان مثال، او متن فوق را به کلیساهای غلاطیه، تسالونیکیان و قرنتیان نوشت:

ای برادران، اگر کسی به گناهی گرفتار شود، شما که روحانی هستید او را با ملایمت به راه راست بازگردانید. در عین حال، بهوش باش که خود نیز در وسوسه نیفتی. بارهای سنگین یکدیگر را حمل کنید که اینگونه شریعت مسیح را بهجا خواهید آورد. (غلاطیان ۶: ۱-۲)

حال ای برادران، تقاضا می کنیم آنان را که در میان شما زحمت می کشند و از جانب خداوند رهبران شما بوده، پندتان می دهند، گرمی بدارید، و با محبت، کمال احترام را به سبب کاری که انجام می دهند، برایشان

قائل باشید. و با یکدیگر در صلح و صفا زندگی کنید. ای برادران، از شما استدعا می‌کنیم که کاهلان را هشدار دهید؛ کم‌جرتان را تشویق کنید؛ ضعیفان را حمایت نمایید؛ و با همه بردبار باشید. زنه‌ار، کسی بدی را با بدی پاسخ نگوید، بلکه همواره در پی نیکی کردن به یکدیگر و به همهٔ مردم باشید. (اول تسالونیکیان ۱۲:۵-۱۵)

«همه‌چیز جایز است» - اما همه‌چیز مفید نیست. «همه‌چیز رواست» - اما همه‌چیز سازنده نیست. هیچ‌کس در پی نفع خود نباشد، بلکه نفع دیگران را بجوید. (اول قرنتیان ۱۰:۲۳-۲۴)

مسئولیت‌پذیری و جوابگو بودن بشکل متقابل در کلیسا مسئله بسیار مهمی است. از زمانیکه به بدن عیسی مسیح ملحق می‌شویم دیگر بخود تعلق نداریم بلکه غلام مسیح می‌گردیم. بنابراین همانگونه که دیگر اعضا نسبت به ما مسئول هستند ما هم نسبت به آنها مسئولیت داریم. پولس رسول در این رابطه می‌فرماید که "همدیگر را در خداترسی اطاعت نمائید" (افسیان ۵:۲۱).

شما چگونه مسئلهٔ جوابگویی را نسبت به ایمانداران جدید و خادمین کلیسا سرمشق قرار می‌دهید؟

## الگوی "چگونه" مربوط به چگونگی انجام خدمات در کلیسا میباشد

### خدمات را بصورت گروهی انجام دهید

خدمت باید بصورت گروهی انجام شود. عیسی مسیح شاگردانش را بصورت تیمی و گروهی فرستاد.

پس از آن، خداوند هفتاد تن دیگر را نیز تعیین فرمود و آنها را دو به دو پیشاپیش خود به هر شهر و دیاری فرستاد که قصد رفتن بدانجا داشت. (لوقا ۱۰:۱)

شائول و برنابا از طرف کلیسای انطاکیه بصورت تیمی ارسال شدند (اعمال ۱۳:۲-۳). وقتی پولس و سیلاس با هم سفر می‌کردند تیموتاوس به آنها ملحق شد (اعمال ۱۶:۱-۵). خدمت گروهی را میتوان در سراسر عهدجدید مشاهده کرد. خدمت نباید بصورت انفرادی انجام شود. شخصی که میخواهد کلیسای جدیدی تاسیس کند باید حتماً افرادی بصورت همراه با خود ببرد. او باید سرمشقی برای دیگران باشد و نشان دهد که خدمت کلیسایی یک امر گروهیست.

شما برای کلیسای تازه تاسیس چگونه خدمت را بصورت گروهی سرمشق قرار می‌دهد؟

## روشهای مختلف رهبری را بکار گیرید

در عهدجدید الگوی خدمت در کلیسا بدست رهبران انجام میشود.

و اوست که بخشید برخی را بهعنوان رسول، برخی را بهعنوان نبی، برخی را بهعنوان مبشر، و برخی را بهعنوان شبان و معلم، ۱۲ تا مقدّسان را برای کار خدمت آماده سازند، برای بنای بدن مسیح، (افسیان ۴: ۱۱-۱۲)

۶ما برحسب فیضی که به ما بخشیده شده است، دارای عطایای گوناگونیم. اگر کسی عطای نبوت دارد، آن را متناسب با ایمانش به کار گیرد. ۷اگر کسی عطای خدمت دارد، خدمت کند. اگر کسی عطای تعلیم دارد، تعلیم دهد. ۸اگر کسی دارای عطای تشویق است، تشویق کند. اگر عطای کسی کمک به نیازمندان است، با سخاوت چنین کند. اگر کسی عطای رهبری دارد، این کار را با جدیت انجام دهد. و اگر کسی عطای رحم و شفقت به دیگران است، شادمانه به این کار مشغول باشد. (رومیان ۶: ۸)

بنیانگزار کلیسا باید در نظر داشته باشد که هنگام رای گیری رهبران، اعضای کلیسا فقط یک نفر را برای اینکار انتخاب نکنند. در بعضی از کلیساها روش کار بدین صورت است که یک نفر شبان را انتخاب کرده و تمامی مسئولیتها را به او واگذار میکنند. این عمل مخالف تعلیم کلام خداست. پولس رسول تیموتائوس و تیطس را برای انتخاب "مشایخ" در کلیساها برگزید و به آنان تعلیم داد که کلیساها نباید تحت کنترل و رهبری یک نفر قرار گیرند.

شما برای کلیساهای تازه تاسیس چگونه الگوی رهبری را تحت کنترل رهبران قرار میدهید؟

## تفویض مسئولیت بجای حاکمیت و کنترل

یک رهبر در کلیسای مسیح شخصیت است که ابتدا بداند چگونه خدمت کند. عیسی مسیح برای ما نمونه ای از رهبری بجای گذاشت که بعوض کنترل کردن به افراد اختیار و اقتدارتفویض میکرد.

نیز جدالی میانشان درگرفت، در این باره که کدام یک از ایشان بزرگتر است. ۲۵عیسی به آنها گفت: «پادشاهان این دنیا بر مردم سروری می کنند؛ و حاکمان آنان (ولی نعمت) خوانده می شوند. ۲۶اما شما چنین مباشید. بزرگترین در میان شما باید همچون کوچکترین باشد و حاکم باید همچون خادم بود. (لوقا ۲۲: ۲۴-۲۶)

امروزه در کلیساها چقدر شاهد روش رهبری متفاوت تری هستیم. اغلب رهبران جدید، مثل سیاست مداران، دوست دارند که بعنوان ولی نعمت شناخته شوند! مؤسس کلیسا باید تفویض اختیار را الگوی کلیسای جدیدش قرار دهد. وقتی قرار باشد که مسئولیتی به شخصی داده شود در قبال آن اختیار انجام امور هم باید به او تفویض گردد. مؤسس کلیسا باید خدمتگزاری را سرمشق قرار دهد.

شما برای کلیساهای جدید چگونه تفویض اختیارات را بجای کنترل کردن الگو قرار می‌دهید؟

## مشارکت در تعلیم و نحوه پرستش

مثل زمان عهدجدید اجازه شرکت در جلسات را به همه بدهید، البته نه فقط برای شرکت در جلسات عبادتی بلکه برای شرکت در کلیه جلسات. پولس رسول در این رابطه به کلیساهای قرن‌تیان و افسسیان چنین مینویسد:

پس چه گوئیم، ای برادران؟ هنگامی که گردهم می‌آید، هر کس سرودی، تعلیمی، مکاشفهای، زبانی و یا ترجمه‌ای دارد. اینها همه باید برای بنای کلیسا به کار رود. (اول قرن‌تیان ۱۴:۲۶)

مست شراب مشوید، که شما را به هرزگی می‌کشاند؛ بلکه از روح پر شوید. با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است با یکدیگر گفتگو کنید و از صمیم دل برای خداوند بسرایید و ترنم نمایید. (افسسیان ۱۸:۵-۲۰)

وقتی که موسس کلیسا ایمانداران را جمع میکند باید به کلیه اعضا اجازه استفاده از تعالیم را بدهد. در جلسات معمولی کار به اینصورت انجام میشود که موسس کلیسا، کشیش یا رهبر، کتابمقدس را باز کرده و قسمتی را که قبلاً تعیین شده برای دیگران تفسیر و تعبیر میکند. اما در جلسات مشارکتی همه کتابمقدسهایشان را باز کرده و بخشی را که قبلاً تعیین شده با هم بررسی میکنند و هر کس برداشت خود را بکمک روح القدس با دیگران مطرح مینماید. موسس کلیسا، کشیش یا رهبر کلیسا باید در نظر داشته باشد که همان روح القدسی که در اوست در اعضا هم کار میکند. رهبر کلیسا نباید مکاشفات خدا را از کتابمقدس به انحصار خود درآورد.

این مسئله شامل جلسات عبادتی نیز میشود. ایمانداران باید بیاموزند که مزمور، سرود، شهادت و غیره را با هم به مشارکت بگذارند. هدف باید این باشد که تا آنجائیکه امکان دارد همه را در فعالیتهای کلیسای شرکت دهند. وقتی را که با هم میگذرانند باید متمرکز همه باشد نه فقط رهبر کلیسا.

شما جلسات تعلیمی و پرستشی مشارکتی را برای نوایمانان چگونه الگوسازی میکنید؟

## تربیت افراد در حلقه های شاکردسازی

شاگردسازی نوایمانان توسط یک رهبرروحانی، موسس کلیسای یا هر ایماندار دیگر بدین صورت است که گروهی را دور خود جمع کرده آنها را تعلیم میدهد. نوایمانان در واقع دعوت میشوند که برای گرفتن تعلیم به دیگر اعضا ملحق شوند و همراه با آنان تعلیم گیرند. اما اینکار برای موسس کلیسا قدری ایجاد مشکل میکند.

ممکن است نوایمانان موقعی به جلسات تعلیمی ملحق شوند که چند ماه از شروع کلاس گذشته باشد. بنابراین معلم دو راه دارد یا اینکه دروس را از اول شروع کند و یا اینکه به ادامه درس بپردازد که در اینصورت نوایمانان ممکن است دچار سرگردانی گردد.

جهت پیشگیری از چنین مشکلی رهبر روحانی باید به شاگردانش بیاموزد که آنچه را که فرا میگیرند به نوایمانان منتقل کنند و مسئولیت آموزش درسهای عقب افتاده به نوایمانان را بعهده آنها واگذار کند.

اصل ۲۲۲ هم برای نوایمان و هم برای شاگردان اعمال میشود. " و آنچه را که در حضور گواهان بسیار از من شنیدی، به مردمان امینی بسپار که از عهده آموزش دیگران نیز برآیند. " (دوم تیموتاوس ۲:۲).

این چگونه امکانپذیر است؟ پاسخ بسیار ساده است.

اگر رهبر روحانی با دو شاگرد پس از صرف چند ماه شاگردسازی به چهار نفر شاگرد جدید برخورد کند میتواند هر کدام از شاگردان قدیمی را مسئول دونفر جدید کند تا آنچه را که آموختند به شاگردان جدید آموزش دهند. البته معلم در اینکار آنان را نظارت و راهنمایی خواهد کرد. اما مسئولیت اصلی بعهده خود شاگردان قدیمی است. با ملحق شدن شاگردان جدیدتر مسئولیت تعلیم آنها بعهده شاگردان تازه تعلیم یافته خواهد بود. با این روش زنجیره ای ایمانداران در حینیکه خود تعلیم میگیرند آنچه را که آموختند به دیگران آموزش میدهند.

چنانچه رهبر روحانی بجای کنترل کردن افراد، خود را وقف تفویض مسئولیت نماید آنگاه مشکلی با خادمسازی و سرمشق دیگران شدن نخواهد داشت. و همچنین اگر هدفش شاگردسازی، خادمسازی و در نهایت تاسیس کلیساهای دیگر باشد آنگاه این حقیقت را که "هر شاگرد خود یک معلم است" را حمایت کرده تعلیم خواهد داد.

شما شاگردسازی زنجیره ای را چگونه اعمال خواهید کرد؟

برای موثرتر بودن نتیجه روش شاگردسازی زنجیره ای چه تدبیری خواهید داشت؟



## الگوی "چه وقت" مربوط به زمان انجام خدمات است

### مثلاً "در نظر بگیرید که ایمانداران "چه وقت" باید تعمید آب بگیرند؟

موسس کلیسا در رابطه با تعمید به دو مشکل بر خواهد خورد. اول اینکه بعضی خیلی زود تعمید میدهند. مردم دعوت میشوند تا مسیح را بعنوان نجات دهنده شخصی اشان بپذیرند و قبل از اینکه مفهوم درست آن را درک کنند بلافاصله تشویق به گرفتن تعمید آب میشوند. در صورتیکه تعلیم عیسی مسیح این است که مفهوم پیروی او را درک کنیم.

کیست از شما که قصد بنای برجی داشته باشد و نخست نشیند تا هزینه آن برآورد کند و ببیند آیا توان تکمیل آن دارد یا نه؟ زیرا اگر پی آن بگذارد اما از تکمیل بنا درماند، هر که ببند، استهزا کرده، گوید: «این شخص ساختن بنایی را آغاز کرد، اما از تکمیل آن درمانده است!» (لوقا ۱۴:۲۸-۳۰)

عجله در تعمید آب افراد، بمنظور بالا بردن تعداد اعضا باعث میشود که کلیسا مردم را بدون درک مفهوم تعمید و پیروی مسیح، مجبور به آن کار نماید.

مشکل دوم این است که مردم بیش از اندازه برای گرفتن تعمید آب انتظار بکشند. در بعضی از کلیساها رسم بر اینست که ایمانداران را از دوره‌های سخت شاگردسازی بگذرانند تا آنها را برای گرفتن تعمید آب آماده نمایند. این اشتباه باعث میگردد که نوایمانان آن غیرت و اشتیاق خود را از دست بدهند.

بنظر شما آیا تعمید آب در کلیسای شما باعث رشد یا مانع رشد روحانی افراد میگردد؟

شما در کلیساهای جدید زمان تعمید افراد را چگونه تعیین میکنید؟

## تغییر سریع رهبری

اشغال سمت رهبری بمدت زیاد توسط موسس کلیسا میتواند یکی از بزرگترین اشتباهات او باشد. مشایخ کلیسای اولیه جهت بعهدہ گرفتن رهبری کلیسا خیلی سریع منسوب میشدند.

اغلب شنیده شده که میسیونرها و موسسین کلیسا میگویند "من رهبری را به مردم واگذار خواهم کرد اما مطمئن نیستم که از عهدۀ مسئولیتش برآیند." من نیز این روش را هنگامیکه در بین فرهنگهای دیگر خدمت میکردم در تاسیس کلیسا پی گرفتم. اما طولی نکشید که خداوند رفتار پدرانہ و حلیمانہ را برایم آشکار نمود. مکاشفہ خدا هنگام مطالعہ باب اول رسالہ فیلیپیان برایم آشکار شد. پولس رسول به کلیسای فیلیپیان چنین مینویسد:

هرگاه شما را به یاد می‌آورم، خدای خود را شکر می‌گویم و همواره در همه دعاها برای همگی شما شادمانه دعا می‌کنم، زیرا از روز نخست تا به امروز، در کار انجیل شریک بوده‌اید. یقین دارم آن که کاری نیکو در شما آغاز کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید. (فیلیپیان ۱: ۳-۶)

عدم اعتماد بنفس در ایمانداران نسبت به حقیقت باعث می‌گردد که اعتمادشان نسبت به خدا صلب؟؟؟ شود. خدا کار نیکویش را در آنها آغاز نمود و هنگامیکه او را تحت کنترل روح القدس مطابقت میکنند عملش را در آنها تکمیل خواهد کرد.

موسس کلیسا باید ایمانداران تازه را تجهیز و تشویق کرده به آنها اختیار عمل بدهد. او نباید بخواهد آنها که کنترل کند مگر اینکه تشخیص دهد که مردم قادر به اداره امور نیستند. واقعیت این است که موسسین کلیسا هرگز باور نخواهند کرد که نوایمانان بتوانند رهبری انجام دهند چون معتقدند که خودشان بهتر از عهده کارها بر می‌آیند.

بمنظور کمک به توسعه سریع کلیسا موسس کلیسا باید سریعاً نسبت به واگذاری رهبری کلیسا به افراد محلی اقدام نماید. تعلیق در این امر مردم را وابسته کرده، اشتیاق و انگیزه خدمت را در ایمانداران جدید از بین میبرد.

شما واگذاری رهبری کلیسا را برای کلیساهای جدید چگونه الگوسازی میکنید؟

## ایمانداران جدید را سریعاً وارد خدمت کنید

از همان ابتدا موسس کلیسا باید بخدمت گرفتن ایمانداران تازه را سرمشق دیگران قرار دهد. وقتی که او برای خدمت به محله‌های مختلف می‌رود باید ایمانداران تازه را نیز با خود به‌همراه ببرد تا تشویق شوند. او باید آنها را در دادن شهادت زندگیشان بديگران تشویق نماید. او همانند مسیح باید در تشویق دیگران در تعریف کاریهایی که خداوند برایشان انجام داده کوشا باشد (لوقا ۸: ۳۹).

معمولاً بعضی از کلیساهای ایمانداران جدید را از انجام خدمات کلیسای منع میکنند و پیش نیاز آن دوره‌هایی را قرار میدهند. این مسئله اشتیاق آنها را نسبت به خدمت از بین میبرد. موسس کلیسا باید آنها را برای انجام کارهای مختلف اعم از دعا برای بیماران یا آنانی که نیاز به آزادی دارند با خود به‌همراه ببرد. او باید آنها را در کمک بديگران تشویق نماید. بکارگیری آنان در خدمت باعث تشویق و تقویت و توسعه سریع کلیسا می‌گردد.

شما برای رشد و توسعه سریع کلیسا نوایمانان را چگونه وارد خدمت میکنید؟

## با ایمانداران جدید کلیسای جدید تاسیس کنید

بعضی از تاسیس کنندگان کلیسا معتقدند که پس از تشکیل یک کلیسا باید بر روی رشد و ازدیاد تعداد ایماندارانش کار کرد. چرا باید اینطور باشد؟ چون بعضی معتقدند که قبل از اینکه کلیسایی تشکیل شود باید یک شبان حقوق بگیر را بطور تمام وقت برای این کار استخدام کنند. به این منظور مجبور خواهد شد که افراد زیادی را جمع کند تا از عهده پرداخت حقوق کشیش برآیند.

اگر موسس کلیسا بر رهبری کلیسای خانگی تاکید نماید آنوقت مسئله نوایمانان حل خواهد بود. وسوسه تشکیل یک کلیسای پرجمعیت برای پرداخت حقوق شبان نیز برطرف خواهد شد چون دیگر نیازی به آن نخواهد بود.

علاوه بر این با ایجاد کلیساهای خانگی موسس کلیسا سرمشق خوبی در چگونگی توسعه کلیسا در منطقه بوجود خواهد آورد.

شما تشکیل کلیساهای جدید را برای یک کلیسای محلی چگونه سرمشق قرار می‌دهید؟

## در طول هفته چندین کلاس شاگردسازی و بشارت تشکیل دهید

در کلیسای اولیه ایمانداران تقریباً "هر روز جمع میشدند. درست پس از روز پنطیکاست ایمانداران یهودی هر روزه در هیکل به یکدل پیوسته می بودند و در خانه ها نان را پاره می کردند و خوراک را به خوشی و ساده دلی میخوردند (اعمال ۴۶:۲).

امپراطور کنستانتین چند قرن بعد عبادت روز یکشنبه را بنیاد نهاد. این سنت نسل به نسل ادامه پیدا کرد و تا امروز برقرار است البته بعضی آنرا اشتباه میدانند که فقط یک روز در هفته را روز عبادت در نظر بگیرند. امروزه بعضی کلیساهای هفته ای یکبار برای عبادت آن هم بمدت چند ساعت جمع میشوند و بعد انتظار دارند که کلیسا در ایمان ترقی کند. در واقع اگر چنین روشی در پیش بگیریم نباید انتظار رشد و توسعه را داشته باشیم.

ایمانداران جدید باید تشویق شوند که در طول هفته بطور مرتب جمع شوند. البته نیازی برای تشکیل جلسات کلیسایی برای همه اعضا در طول هفته نخواهد بود اما ایمانداران با تشکیل جلسات شاگردسازی زنجیره ای، مشارکتهای خانگی و مطالعات کتابمقدس در بین هفته جمع خواهند شد. موسس کلیسا باید جمع شدن ایمانداران را چند بار در هفته برای ایمانداران سرمشق قرار دهد این مسئله باعث رشد و توسعه سریع کلیسا خواهد شد.

افراد کلیسای شما در بین هفته چند بار جمع میشوند؟

شما برای نمونه چند بار در هفته گردهمایی را در نظر دارید؟

## الگوی "کجا" مربوط به محل انجام خدمات است

### بعنوان مثال گردهمایی در منازل و مکانهای تجاری

امروزه برخی از کلیساها به یک طرز تفکر "کاخ" دست یافته اند. زیباترین بناهای کلیسایی را بنا میکنند و انتظار دارند که کلیه فعالیتهای مهم در آن محدوده کاخ مقدس انجام شود. در نتیجه این امر هدف از خدمت بجای اینکه "بروید و بگویید" باشد به "بیابید و ببینید" تبدیل میشود. امپراطور کنستانتین ساختن کلیساهای کاخ نما را ابداع نمود. امروزه در بسیاری از کشورها ایمانداران تصور میکنند که لزوم داشتن یک ساختمان کلیسایی یک مسئله فرهنگی است. در صورتیکه آنچه آنها نمیدانند این حقیقت است که ساخت کلیساهای کاخ نما حاصل امپراطوری روم بوده و ربطی به فرهنگ آن کشورها ندارد.

کلیسای اولیه (در کلیسای اولیه ایمانداران همه یهودی بودند و زمینه یهودی داشتند) ایمانداران هیچ وقت به هم نمیگفتند که "چون به عبادت در کنایس و معابد عادت داریم پس حال که مسیحی شدیم باید مکانی را برای عبادت مسیح بنا کنیم". خیر چنین نبود. آنها در معابد و کنیسه ها و بعد در منازل عبادت مسیحی خود را انجام میدادند. پس از در گرفتن جفاهای سخت از طرف دولت یهود مسیحیان متفرق شدند اما باز نسبت به ساختن بناهای کلیسایی اقدام نکردند و به جمع شدن در خانه ها و بعضی اوقات هم در دخمه ها و قبرستانهایی که زیر شهرها بنا شده بود ادامه دادند. کلیسای امروز چقدر از آن طرز تفکر فاصله گرفته است!

بنظر شما پرستش خانگی ایمانداران، جلسات مطالعه کتابمقدس در منازل و دعا و تشویق همدیگر در خانه ها کار خوبیست؟ البته که هست. بنظر شما جمع شدن و مطالعه کلام خدا و دعا در مغازه ها چطور؟ البته عمل خوبیست و این گردهمایی ها را هم میتوانیم کلیسا بنامیم. چرا که نه؟

موسس کلیسا باید برای ایمانداران جدید سرمشقی قرار دهد که بدانند خدمت کلیسایی در هر مکانی و هر زمانی میتواند انجام شود. عیسی مسیح فرمود که هرگاه دو یا سه نفر بنام او جمع شوند او در بین آنها حاضر خواهد بود و در جای دیگری نیز به زن سامری چنین گفت:

لیکن ساعتی می آید بلکه الآن است که در آن پرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است. خدا روح است و هر که او را پرستش کند می باید به روح و راستی بپرستد. (انجیل یوحنا ۴:۲۳-۲۴)

ساختمان یک کلیسا مقدستر از منزل ایماندارانی که مسیح در آن عبادت میشود نیست. ایمانداران هر جایی که خدا را بروح و راستی عبادت میکنند آنجا مقدس است!

شما چگونه میتوانید این طرز تفکر که "لازم نیست مکان بخصوصی را بنا کنیم تا بتوانیم آنرا کلیسا بنامیم" سرمشق قرار میدهد؟

## **پیش بسوی محله ها، مکانهای دست نیافته، و در نهایت انتقضای عالم**

عیسی مسیح قبل از اینکه به آسمان صعود کند به شاگردانش چنین گفت:

اما چون روح القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان، شاهدان من خواهید بود.» (آیه اعمال ۸:۱)

ایمانداران جدید باید بدانند که نسبت به خدمت خانواده هایشان، دوستانشان و حتی همسایگانشان مسئولند. همچنین باید بدانند که حتی نسبت به مردم مناطق دیگر که هیچ چیزی از مسیح نشنیده اند هم مسئولند. آنها باید بدانند که هر کجا که میروند و هر کاری که انجام میدهند نمایندگان فیض و محبت مسیح میباشند. ایمانداران جدید باید درک کنند که خادمین انجیل مسیح تا اقصای جهانند.

این ایمانداران تازه ممکن است افراد فقیری باشند و توانایی سفر به مکانهای دور افتاده را نداشته باشند، اما باید بیاموزند که چطور برای افرادی که خارج از دسترسشان هست اعم از دور یا نزدیک دعا کنند. موسس کلیسا باید آنها را بیاموزد که نسبت به مردم گمشده با درد و اشتیاق احساس مسئولیت بکنند. چنانچه موسس کلیسا موفق به انتقال این مسئولیت نشود فرصتهای عالی برای مشارکت در انجام کار نجاتبخش خدا در آن منطقه، ایالت، کشور و انتقضای عالم را از دست خواهد داد.

شما خدمت به مناطق غیر قابل دسترس را چگونه سرمشق قرار میدهید؟

چگونه میتوانید برای کلیساهای جدید سرمشقی از خدمت به اقصای جهان باشید؟

## الگوی "چرا" مربوط به انگیزه انجام خدمات است

### ماهیت انجیل

ماهیت انجیل طوریت که ایمانداران را وادار میکند که به افراد اطرافشان خدمت کنند. عیسی مسیح هم ذاتاً شخصی بود که به افراد دور و اطرافش خدمت میکرد. او به هر جایی که میرفت نیاز جسمی، احساسی و روحانی مردم اطرافش را برآورد میکرد. این طبیعت در ذات هر ایماندار نهفته است. موسس کلیسا باید برای نوایمانان خدمت به اطرافیان را یک الگو قرار دهد.

### اراده خدا

اراده خدا اینست که هیچ کس هلاک نشود (دوم پطرس ۳:۹). اراده خدا اینست که همه فرصت توبه را داشته باشند. موسس کلیسا باید برای نوایمانان این نمونه را قرار دهد که یکی از انگیزه های اصلی در خدمت انجیل و محبت مسیح به اطرافیان بودن در اراده خدا میباشد.

### اطاعت

انگیزه دیگر برای خدمت کردن اطاعت مسیح است. نتیجه اطاعت پطرس رسیدن پیام انجیل به غیریهودیان بود. پطرس در دفاعیه خود به برادران کلیسای اورشلیم چنین گفت:

اگر خدا همان عطا را به آنها بخشید که پس از ایمان آوردن به عیسی مسیح خداوند به ما عطا فرموده بود، پس من که باشم که بخوام مانع کار خدا شوم؟» (اعمال ۱۱:۱۷)

در آن زمان غیریهودیان نجس به حساب میآمدند، اما پطرس فهمیده بود که مسئله اطاعت از مسیح، بالاتر از هر مشکل فرهنگیست. موسس کلیسا باید ایمانداران جدید را تعلیم دهد که در همه شرایط و زمانها باید نسبت به مسیح مطیع باشند. بنابراین خدمت همه ایمانداران از اشتیاقشان به اطاعت خداوند آغاز میگردد.

## رایگان یافته ایم رایگان هم باید بدهیم

اگر خدا ما را آنقدر دوست دارد که فیض و رحمت خود را بما بخشیده است، ما هم موظفیم که این بخشش خدا را با اطرافیانمان قسمت کنیم. چطور بعضی ایمانداران که بخشش نجات الهی را چشیده اند تمایلی نسبت به در میان گذاشتن

آن با دیگران را ندارند؟ این مسئله درست مخالف طبیعت ایمانداران است که بخواهند آنچه را که یافته اند از دیگران دریغ نمایند. منظور هم مشارکت روحانیست و هم مشارکت در اموالیست که خدا به آنها بخشیده است. خدا بخششهای نیکو را مجانی بماند بخشیده، ما هم باید آنچه را که یافتیم برایگان در اختیار دیگران بگذاریم. موسس کلیسا باید از همان ابتدا یک روش زندگی مملو از بخشش را سرمشق دیگران قرار دهد.

## محبت: ذات الهی و همچنین باید ذات ما باشد

ای عزیزان، یکدیگر را محبت کنیم، زیرا محبت از خداست و هر که محبت می‌کند، از خدا زاده شده است و خدا را می‌شناسد. آن که محبت نمی‌کند، خدا را نشناخته است، زیرا خدا محبت است. محبت خدا اینچنین در میان ما آشکار شد که خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاد تا به واسطه او حیات بیابیم. محبت همین است، نه آنکه ما خدا را محبت کردیم، بلکه او ما را محبت کرد و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما باشد. ای عزیزان، اگر خدا ما را اینچنین محبت کرد، ما نیز باید یکدیگر را محبت کنیم. (اول یوحنا ۴:۷-۱۱)

آیا انگیزه ای بزرگتر از این وجود دارد؟ محبت عصاره طبیعت الهی است و باید اساس طبیعت ما نیز باشد. موسس کلیسا باید زندگی براساس محبت سرمشق نوایمانان قرار دهد. ایمانداران جدید باید درک کنند که ذات الهی از محبت سرچشمه میگیرد و همین نیز باید سرچشمه طبیعت ما باشد.

شما در زندگی خود چه کار میتوانید بکنید که برای ایمانداران جدید انگیزه مناسبی برای خدمت مسیح باشد؟

بخاطر داشته باشید که برای ایجاد نهضت های تاسیس کلیسا نیاز به گسترش سریع کلیساها میباشد. در این فصل نقش الگوسازی را در گسترش سریع کلیساها بررسی کردیم. حال پس از ایجاد یک الگوی مناسب و سالم در کلیسا قدم بعدی چیست؟

در زیر مراحل ساده ای را میبینید که به رشد و توسعه سریع کمک میکنند. این روند توسط یک هماهنگ کننده خط مشی دیگری که در منطقه ۱۰/۴۰ فعالیت میکند ترسیم شده که آنرا "الگو، کمک، نظارت و ترک" نامیده اند.

- اول، در حینیکه کار را انجام میدهد نمونه یا الگو سازی کنید.
- دوم، در هنگامیکه آنها کار را انجام میدهند به آنان کمک کنید.
- سوم، شما ناظر بر انجام کارشان هستید و میخواهید مطمئن شوید که کلیساها رشد و گسترش میابند و به نسل بعد

منتقل میشوند.

■ چهارم، شما محل را ترک میکنید - اما کاملاً "کناره گیری نمیکنید.

### اجازه بدهید که روند کار را بررسی کنیم.

فرض کنید که شما به یک منطقه برای تاسیس کلیسا میروید. هدف شما این است که کلیسا توسط افرادی که قبلاً تعیین کردید رشد کرده گسترش یابد. شما اولین کلیسای خانگی را بنا میکنید. اکنون مرحله دوم هستید. شما در حینیکه آنها خدمت میکنند بهشان کمک میکنید. شما نقش اول را ایفا نمیکنید بلکه در پشت صحنه آنان را یاری مینمائید. این اولین باریست که کلیسا برای تاسیس کلیسای دیگر اقدام میکند. اعضای کلیسا شاهد چگونگی تاسیس کلیسای خودشان توسط شما بوده اند اما آنچه دیدند را خود تجربه نکرده اند. هدف شما اینست که کار توسط آنها انجام شود، اما میدانید که ممکن است به کمکتان نیاز داشته باشند. بنابراین در هنگامیکه خدمت میکنند شما نیز همکاری میکنید.

اکنون دو کلیسا تاسیس شده - کلیسایی که شما تاسیس کردید و کلیسایی که کلیسای شما تاسیس کرده است. الآن میخواهید که مرحله سوم را شروع کنید. اکنون شما نظاره گر فعالیتهای آنها هستید و میخواهید مطمئن شوید که کارشان در تاسیس کلیسای دیگر بطور سالم انجام میشود. کلیسای اولی که شما تاسیس کردید الان کلیسای دیگری تاسیس نموده. شما ناظر خدمات آنان هستید و در مقابل تقاضایشان به آنها توصیه و پیشنهاداتی ارائه خواهید داد اما کنترل را بدست نخواهید گرفت. شما فقط از راه دور عملیات را رهبری میکنید.

کلیسای دومی که کلیسا شما تاسیس نموده اکنون باید کلیسای دیگری را تولید کند. اعضای آن کار را انجام میدهند و اگر نیاز به کمک داشته باشند کلیسای اول به آن کمک خواهد کرد و به این ترتیب کلیسای سوم بطور اصولی و موثر بنا میشود. شما از فاصله دور شاهد روند عملیات خواهید بود و چنانچه به کمک نیاز داشته باشند آنها را راهنمایی خواهید کرد. مواظب باشید که در کارشان دخالت نکنید و یا اینکه خود بطور مستقیم مسئولیتی را بعهده نگیرید.

هنگامیکه کلیسای اولیه کلیسای دیگری تولید میکند و از دل کلیسای دوم، کلیسای سومی بوجود میآید شما میتوانید به منطقه دیگری رفته خدمت را در منطقه دیگری آغاز نمائید. میتوانید آنجا را ترک کنید. حضور شما از آنجا برداشته خواهد شد، اما هرگز آنها را تنها مگزارید و رها نکنید. درست مثل کاری که پولس رسول انجام داد. شما هر چند وقت یکبار برای تعلیم و تشویق آنها را ملاقات کنید. احتمال بروز مشکلات و اختلاف نظرها در کلیساهای تازه تاسیس وجود دارد. شما به حمایت خود از آنها ادامه دهید اما فراموش نکنید که دیگر رهبریت آنها را بعهده شما نیست و کنترل کلیسا در دست افراد محلی میباشد. نقش شما خدمت و تشویق آنها برای ادامه توسعه کلیساهای برای تولید سریع کلیساهای جدید است.

روش "الگو، کمک، نظارت و ترک" را بخاطر بسپارید!



## **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

ذیلا" دو یا سه نکته ای که در این بخش آموختید و بنظر شما برای خدمت روحانیان بسیار مفید است را بنویسید.

## بخش ۳۲

### ویژگیهای نهضت تاسیس کلیسا

نهضت تاسیس کلیسا روند سریعیست تحت کنترل روح القدس که در یک جامعه مشخص، کلیساهای محلی به دفعات تاسیس شده و در آن هر شخص فرصت شنیدن و پاسخ گفتن به پیام انجیل عیسی مسیح را خواهد یافت.

این دوره آموزشی بر اساس تعریف فوق طراحی شده است. بخاطر داشته باشید که هدف این است که در آن مناطق به هر شخص باید فرصت شنیدن و پاسخ گفتن به پیام انجیل عیسی مسیح داده شود. بهترین و موثرترین روش این است که کلیساهای محلی، مناسب با فرهنگ هر منطقه، با توانایی تولید کلیساهای دیگر تاسیس شوند.

در سال ۱۹۹۸ من فرصت مطالعه نهضت تاسیس کلیساها را پیدا نمودم. ابتدا کشور کمبوجیه و بعد کشورهای چین، هندوستان، آفریقای شمالی و جنوبی را مورد بررسی قرار دادم. براساس این مطالعات و تجربیات حاصله از آنها تعریف، ویژگیها، موانع و دستورالعملهایی برای نهضت تاسیس کلیساها تدوین نمودیم.

آنچه در این بخش مطالعه میکنید خلاصه ای از ویژگیهای نهضت تاسیس کلیساها میباشد. هیجده ویژگی که در این فهرست مطالعه میکنید در درسهای گذشته بتفصیل توضیح داده شده است. هدف این بخش فقط مرور اجمالی بر این موضوعات میباشد.

در حین مطالعه خدمات خود را بر اساس این ۱۸ ویژگی ارزیابی کنید.

### متعارف ترین ویژگیهای نهضت های تاسیس کلیساهای جدید

۱. دعا یک مسئله زیربنایی و با اهمیت است (اعمال ۱:۱۴، ۲:۴۲، ۳:۲۳-۳۱، ۶:۶-۷، ۱۰:۱-۴۸، ۱۲:۵، ۱۳:۳، ۱۴:۲۳، ۱۶:۱۱-۱۵، ۱۶:۲۵-۳۴، ۲۰:۳۶، ۲۱:۵)

دعا بعنوان اولین ویژگی متعارف نهضت های تاسیس کلیساهای جدید تعیین شده است. امانتی که به ما سپرده شده، مسئولیت تجهیز هزاران شفاعت کننده ای است که "در شکاف بایستند" (حزقیال ۲۲:۳۰). این شفاعت کنندگان، درست مثل ابراهیم که از طرف مردم سدوم بخدا التماس نمود (پیدایش ۱۸:۱۶-۳۳)، از طرف ملتی که به خبر خوش انجیل نیاز دارند بخدا دعا میکنند. آنها، مثل نحما (نحمیا ۲:۱۰)، در دعا نیازهای مردم را تامین میکنند. ما میتوانیم شفاعت کنندگان را با روشهای مختلف مجهز کنیم. این روشها میتوانند شامل ایجاد گروه های دعا در کلیسای محلی، تشکیل یک شبکه دعا در بین کارکنان، نوشتن و ارسال تقاضای دعا به افراد و کلیساها، تهیه و توزیع کارتها و برشورهای دعا، تهیه و توزیع تقویمهای دعا، و تعیین و اعلام روزهای بخصوصی برای گروه های مردم باشد.

یک روش مهم دیگر "دعای پیاده" و "جنگ روحانی" است. نیروهای تاریکی برای جلوگیری از تبشیر کلام هر کاری خواهند کرد. هماهنگ کننده خط مشی، موسسین کلیسا، مبشرین، خادمین و ایمانداران جدید باید در حین خدمتشان، از لحاظ روحانی خود را تجهیز نمایند. خدا سلاحهای لازم را برای پیروزی بر نیروهای تاریکی به کلیسایش بخشیده است. هر چند باید مطمئن شویم که ایمانداران طرز استفاده از این سلاح ها را میدانند.

عیسی در مورد بستن شخص قدرتمند در کلامش اشاره کرده است، او قدرت بستن و گشودن را به پطرس و ایمانداران کلیسایش داد (متی ۱۲:۲۹-۳۰ و ۱۶:۱۹).

دعای پیاده یکی از روشهایی است که از طریق آن ایمانداران میتوانند بطور موثر درگیر جنگ روحانی شوند. هدف ایمانداران از دعای پیاده جستجوی دیو و ارواح در لابلای درختان و خانه ها نیست. بلکه آنها به شیطان و نیروهایش اعلام میکنند که در نام عیسی مسیح بسته شده اند. مسیحیان اختیار و اقتدار بستن نیروهای شریر را دارند. آنها نیز اقتدار گشودن و رهایی مردم را دارند تا هنگامیکه کلام خدا کاشته میشود در قلب مردم ریشه بدواند.

در کمبوجیه موسسین کلیسا نسبت به جنگ روحانی آموزش دیده بودند. آنها آموخته بودند که قبل از ورود و تبشیر انجیل در شهرها و دهکدهها با دعای پیاده آنجا را آماده کنند. به آنها گفته شده بود که در مراکز دولتی، مراکز آموزشی، تجاری، مذهبی و مسکونی دعا کنند. فقط پس از انجام دعای پیاده بود که میتوانستند موعظه انجیل را آغاز کنند.

در یکی از استانهای هند مبشرین و موسسین کلیسا دعای پیاده و جنگ روحانی را قبل از موعظه پیام انجیل انجام دادند. با ورود آنان به دهکده ها از خدا میخواستند که دژها و سنگرهای دشمن را برایشان مشخص کند. آنها بنام عیسی مسیح آن دژها و سنگرهای تاریکی را بستند و مردم را آزاد نمودند. فقط آنوقت است که زمین آنجا برای کاشتن بذر کلام خدا حاصلخیز و بارور میباشد. با چنین تلاش دعایی است که مبشرین و موسسین کلیساها شاهد کاهش بتها در روستاها میباشند. آنها شاهد تخریب معبدی که در آن زنا میشد بودند. همچنین تاسیس ۴۰۰۰ کلیسای خانگی را در همان استان نظاره کردند! با دعای مردان و زنان خدا، آیات و معجزات صورت میگردد. آیات و معجزات بطور جداگانه بعنوان یکی از ویژگیها در این بخش توضیح داده خواهد شد.

دعا در خدمت شما چگونه بکار گرفته میشود؟

بنظر شما چه فعالتهای دیگر دعایی باید انجام شود؟

## ۲. بذر کلام خدا بوفور کاشته شود (دوم قرنتیان ۹:۶)

سخنان پولس رسول هم اکنون در گوشها صدا میکند چون آنچه بیان کرد مربوط به نهضت کلیساهای جدید میباشد. در کمبوجیه و جاهای دیگر، نهضت های تاسیس کلیسا پس از تبشیر فراوان پیام انجیل صورت میگرفت. در کمبوجیه پیام انجیل بفرآوانی بشارت داده شد. این کار توسط پخش فیلم "عیسی"، برنامه های رادیویی، توزیع کتب، کمکهای اجتماعی و بسیاری از ایمانداران بومی و خارجی انجام شد. تجربه نشان میدهد که وقتی کلام خدا با روشهای مختلف از طریق رسانه های گروهی، بفرآوانی بدست مردم میرسد نتیجه موثرتری میدهد.

هر نهضت تاسیس کلیسا روش خاص خود را دارد اما کلید اصلی روشها نیستند بلکه خود پیام خداست. در شهر اوریسای هندوستان پخش برنامه های رادیویی و داستان سرایی دو روشی بود که به وسعت زیادی کلام خدا را به مردم هندوستان رساند. مردان و زنان آموزش دیده شنوندگان رادیو را با داستانهای کتابمقدس آشنا میکردند. در نتیجه آن ظرف پنج سال بیش از ۵۰۰ کلیسا افتتاح گردید.

یکی از تکالیف شما در این دوره این بود که لیست ۱۰۰ خدمت را که میتوان در بین گروه مردم مورد نظر خود صورت گیرد بنویسید. تکلیف فوق بخاطر این بود که چشمانتان را به هزاران خدمتی که میتوانید از طریق آنها انجیل را به مردم برسانید باز کند. اعتقاد ما بر این است که کاشت فراوان نیز نتیجه برداشت انبوه میدهد. اغلب پیش میآید که خود را اسیر یک یا دو روش خاص خدمتی محدود میکنیم. با اینکار فرصت تبشیر کلام خدا را بمیزان وسیع از دست میدهیم. اگر کم بکاریم اندک هم برداشت خواهیم نمود. هماهنگ کننده خط مشی و گروه تاسیس کلیسا باید خود را وقف تبشیر کلام خدا با روشهای مختلف بین مردم نماید. با تبشیر کلام خدا میتوانیم به وعده خدا تکیه کنیم که میفرماید " کلام من که از دهانم صادر گردد نزد من بی ثمر نخواهد برگشت " (اشعیا ۵۵:۱۰-۱۱).

فهرست روشهایی که میتوانید از طریق آنها کلام خدا را به مردم مورد نظرتان برسانید بنویسید.

با چه روشهای دیگری فکر میکنید بتوانید کلام خدا بفرآوانی نزد مردم مورد نظرتان بشارت دهید؟

### ۳. تاسیس کلیسا خدمت‌یست هدفمند (اعمال ۴۲:۲-۴۷ و ۱۳-۲۰)

بسادگی بیان کردن کلام خدا کافی نیست. برای اینکه نهضت تاسیس کلیسا ریشه بدواند ایمانداران باید مشارکتهای هدفمند در هر جائیکه امکان دارد ایجاد کنند. در کمبوجیه، از همان ابتدا هدف بنای کلیساهای محلی بود. بدون این هدف امکان تاسیس کلیسای جدید بعید بنظر میرسید. هر کجا که پیام خدا موعظه میشود قدم بعدی ما باید پیگیری و گردآوری ایمانداران باشد. نوایمانان باید برای دعا، مشارکت، پرستش، مطالعه کتابمقدس و بشارت جمع شوند. ایمانداران باید مثل یک قبیله یا قوم متحد با هم زندگی کنند. هدف ما هم باید جمع کردن افرادی باشد که به انجیل یا پیام خدا جواب مثبت داده اند و خود را به قوم خدا که کلیسا باشد متعلق میدانند.

در ایالت اوریسای هندوستان گروههای شنونده هدفشان تاسیس کلیساها بود. در دو ایالت دیگر در شمال هندوستان واعظین کلام با هدف تاسیس کلیسا موعظه میکردند که در نتیجه آن هزاران کلیسای خانگی تشکیل شد. به مبشرین و موسیسن کلیسا که اعزام میشدند گفته شده بود که بمحض ورود به روستاها افراد "اهل صلح" را طلب کنید (لوقا ۱۰:۶). هنگامیکه خدا آن شخص "اهل صلح" را مشخص نمود آنگاه مبشر جهت تشکیل کلیسای خانگی آنجا مدتی اقامت میکرد.

داستانی مبشری را که در شمال هندوستان فیلم عیسی را در روستاهای مختلف نمایش داد و فقط تعدادی محدودی را پیگیری نمود بیاد دارید؟ تعداد بتها و معابد در روستاهایی که پیگیری نشده بودند افزایش یافت. هنگامیکه برای تبشیر وسیع کلام خدا اقدام میکنیم باید هدفمان نیز تشکیل کلیسا در آنجا باشد. ما کلام خدا را بشارت دادیم، میلیونها نسخه نوشتاری توزیع کردیم و روشهای بشارتی مختلفی را اعمال نمودیم. سپس اعلام کردیم که افراد بسیاری را بشارت دادیم. اما اگر حقیقتاً "هدفمان ریشه دواندن کلیسای عیسی مسیح باشد باید در هر کجایی که کلام خدا را بشارت میدهیم هدفمان تاسیس کلیسا در آنجا باشد.

آیا در بین گروه اجتماعی شما سازمانها، افراد شخصی یا کلیساهایی هستند که هدفشان تاسیس کلیسا باشد؟

اگر خیر، شما چکار میتوانید بکنید که تاسیس کلیسا جز اهدافشان قرار گیرد؟

#### ۴. اعضای محلی خدمت رهبری را عهده دار میشوند (اعمال ۱۴:۲۱-۲۳، ۲۰:۱۷ و تیطس ۱:۵)

از عهدجدید در میابیم که رشد سریع کلیسا هنگامی میسر است که رهبری کلیسا بدست افراد محلی انجام شود. ما باید رهبران از میان اعضای کلیسای محلی تربیت نماییم. هنگامیکه رهبران از خارج وارد کلیسای محلی میکنیم آنگاه مانع تشکیل کلیساهای دیگر، از دل آن میشویم. این روش پولس رسول نبود و همچنین روش ما نیز نباید باشد.

در همان شروع کار در کمبوجیه ایمانداران بومی کلیساهای بپتیست خود را تاسیس نمودند. تا کنون هیچ خارجی در امر رهبری هیچ کدام از آن کلیساهای دخالت نداشته است. رهبران محلی که از میان خود ایمانداران کلیسا انتخاب شده بودند، تربیت میافتند. این روش برای تاسیس کلیساهای اخیرا اعمال میشود و در این کتاب درسی نیز تحت عنوان نهضت تاسیس کلیسا ارائه شده است.

یکی از مسائلی که اکثر خادمین خارجی اظهار میکردند این بود که جهت رهبری کلیسا نمیتوانند به رهبران محلی اعتماد کنند. نتیجه اینکه در تربیت خادمین ناموفق بودند و این باعث میشد که موسس کلیسا بیش از اندازه در آنجا اقامت کند.

اگر خود را وقف بنای کلیساهای توسط خدا کرده ایم پس باید اجازه بدهیم که رهبری کلیسا بدست ایمانداران بومی انجام شود.

آیا رهبران کلیساهای جدید توسط ایمانداران محلی انتخاب میشوند؟

اگر نه، بنظر شما باید چگونه انجام شود؟

#### ۵. رهبران کلیسا از افراد بومی انتخاب میشوند (رومیان ۱۶:۳-۱۶، اول قرنتیان ۱۶:۱۵-۱۸،

کولسیان ۴:۱۵، دوم تیموتاوس ۴:۱۹-۲۱، تیطس ۳:۱۲-۱۳)

کلیساهای بپتیست کمبوجیه تعداد معدودی رهبر و خادم تمام وقت داشتند. اغلب اوقات وقتی کلیساهای موجود، کلیسای جدید تشکیل میدادند رهبران عادی نقش موثری را ایفا میکردند. موسسین کلیساهای ایمانداران محلی را با خود برای تشکیل کلیساهای جدید به دهکده های اطراف میبردند. با اینکار "حضور فعال در خدمت" سرمشق هر نوایمان محلی قرار میگرفت. از اول قرنتیان باب ۱۲ میفهمیم که بدن مسیح از اعضای بسیار تشکیل شده و هر عضو نیاز به تشویق و آزادی عمل برای فعالیت و بکارگیری عطایای خود دارد.

خدا حقیقت خود را در زندگی ام از طریق یک زن کمبوجیه ای بیسواد که در مزرعه برنج مشغول بود و سبد هم میبافت تأیید کرد. او هنگامیکه به یکی از گروههای کلیسای درس سبببافی میداد به مسیح ایمان آورد. هنگامیکه به خانه اش که در استان دیگری بود مراجعه کرد خدا ترتیب ملاقات او را با یک مرد جوان ایماندار داد که با هم در خانه اش کلیسایی را تاسیس کردند. چند ماه بعد کلیساهای دیگر در آن منطقه شروع به رشد و توسعه نمودند. هنگامیکه سرگذشت خود را تعریف میکرد من احساس حقارت میکردم. خدا سخنی را که پولس رسول به کلیسای قرنتیان گفته بود بخاطرم آورد.

ای برادران، وضع خود را، آن هنگام که خدا شما را فراخواند، در نظر آورید. بیشتر شما با معیارهای بشری، حکیم محسوب نمی‌شدید؛ و بیشتر شما از قدرتمندان یا نجیب‌زادگان نبودید. اما خدا آنچه را که دنیا جهالت می‌پندارد، برگزید تا حکیمان را خجل سازد؛ و آنچه را که دنیا ضعیف می‌شمارد، انتخاب کرد تا قدرتمندان را شرم‌زده سازد؛ خدا آنچه را که این دنیا پست و حقیر می‌انگارد، بلکه نیستیها را برگزید، تا هستیها را باطل سازد، تا هیچ بشری در حضور او فخر نکند. (اول قرنتیان ۱: ۲۶-۲۹)

من آنجا با یک مدرک لیسانس و دو مدرک فوق لیسانس نشسته بودم. با سالها تجربه رهبری و خدمت بین فرهنگیهای مختلف، نشسته و به سخنان یک زن بی سواد که فقط میدانست چطور برنج بکارت و سبد بیافت گوش میدادم. او میگفت که خدا چگونه از او برای تاسیس کلیسا استفاده کرد. حس حقارت بمن دست داد. خدا بخاطرم آورد که باید ریشه هایم را بیاد آورم. من شخص بزرگی نبودم. من حتی در یک خانواده اشرافی بدنیا نیامده بودم. حتی نسبت به خیلی افراد، شخص باهوشی هم نبودم. من که بودم که بخوادم خودم را برتر از این زن بدانم؟ وظیفه من فقط تعلیم، تربیت افراد برای تاسیس کلیسا بود. این خداست که انتخاب میکند چه کس را بکار بگیرد. اگر من او را با گفتن اینکه برای شروع کار تاسیس کلیسا صلاحیت ندارد او را مایوس میکردم آنوقت محکوم به گناه علیه او و خدا میشدم.

اگر بخواهیم که همه مردم بشارت را بشنوند، اگر مشتاقیم که کلیساها در همه مناطق توسعه یابد، ما باید اجازه بدهیم که مردم عادی مشغول خدمت و رهبری کلیسای محلی خود شوند. خادم و روحانیون تمام وقت طرح پیشنهادی امپراطور کنستانتین بود نه خدا. نظر خدا با آنچه که اغلب در کلیساهای ما انجام میشود بسیار متفاوت است.

اما شما ملتی برگزیده و کاهنانی هستید که پادشاهند؛ شما امتی مقدس و قومی متعلق به خدایید، تا فضایل او را اعلام کنید که شما را از تاریکی به نور حیرت‌انگیز خود فراخوانده است. پیش از این قومی نبودید، اما اکنون قوم خدایید؛ زمانی از رحمت محروم بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید. (اول پطرس ۲: ۹-۱۰)

در کلیسای گروه مردم مورد نظر شما افرادی که مشغول خدمت و رهبری هستند چه کسانی میباشند؟

شرایط رهبر شدن چیست؟

## ۶. گروه ها و کلیساهای خانگی الگوهای اولیه حاکم در منطقه میباشند. (اعمال ۲: ۴۲-۴۷، ۴۲: ۵، ۳: ۸، ۲۴: ۱۰-۲۷، ۱۲: ۱۲، ۴۰: ۱۶، ۲۰: ۲۰، ۳۰: ۲۸-۳۱، رومیان ۱۶: ۳-۵، اول قرنتیان ۱۹: ۱۶، کولسیان ۱۵: ۴، فیلیپیان ۲)

اگر چه در بعضی شرایط ممکن است از ساختمان کلیسا استفاده کرد اما اساساً نهضت های تاسیس کلیساهای بر مبنای نفوذ گروه های خانگی است. در کمبوجیه تعداد کمی از کلیساهای دارای ساختمان کلیسایی بودند و این مسئله در کشورهای دیگر جهان نیز صادق است. در آفریقا با گردهمایی در زیر درختان آغاز شد و در شمال هندوستان جائیکه ۱۰۰۰۰ کلیسا تاسیس شد اکثراً کلیساهای خانگی بودند.

در هندوستان ۶۰۰۰۰۰ دهکده وجود دارد. بعضی معتقدند که هندوستان به ده میلیون کلیسا نیاز دارد. حال اگر ما اینطور تعلیم دهیم که کلیسا قبل از اینکه تشکیل شود نیاز به یک ساختمان جدا دارد فکر میکند چند سال طول بکشد تا این ده میلیون کلیسا تاسیس گردند؟ البته هم غیرممکن است و هم غیر ضروری!

بعضی معتقدند که نوایمانان احتیاج دارند که در ساختمان کلیسا جمع شوند و اینکه کلیسا را جانشین معبد و کنیسه که بعنوان عبادتگاه شناخته شده بودند قرار دهند. با مطالعه کتاب اعمال رسولان در میابیم که علی رغم اینکه یهودیان دارای کنیسه و عبادتگاه بودند اما مسیحیان برای پیروی مسیح نیازی به تهیه ساختمان نمیدیدند. مسئله اصلی جایگزینی ساختمان نیست بلکه در سراسر عهد جدید کلیساهای خانگی روش کار بود. اگر خدا برای تاسیس کلیسا اجباری در بنای ساختمان قرار نداده پس ما هم باید اینطور باشیم.

توسعه سریع در تاسیس کلیساهای زمانی امکانپذیر خواهد بود که ملزوماتی چون ساختمان کلیسا بعنوان هویت بخشیدن به آن، از راه برداشته شوند. هر جائیکه ایمانداران جمع شوند آنجا کلیسای خداست. در نتیجه هیچ تفاوتی ندارد که ایمانداران در خانه ها، مغازه ها، ساختمان مدارس و یا ساختمان کلیسا جمع شوند.

مشکل اصلی ساختمان کلیسا نیست. در نقاط مختلف جهان به تجربه ثابت شده که رشد سریع تشکیل کلیساهای جدید از طریق ایجاد کلیساهای یا جلسات خانگی بسیار راحتتر میباشد. در کمبوجیه همه کلیساهای خانگی نبودند. تقریباً در هر کشوری میتوان ساختمان کلیساهای را یافت. اما رشد سریع کلیسا در چین، هندوستان و مکانهای دیگر مدیون شبکه کلیساهای خانگی میباشند.

خلاصه اینکه کتاب قدس نمیگوید که هر کلیسا باید دارای یک ساختمان باشد. ما باید کلیسا را اجتماع ایمانداران بدانیم ولو اینکه در خانه ها، زیر درختان، در یک ساختمان اجاره ای یا ساختمان کلیسا عبادت کنند.

در گروه مردم مورد نظر شما کلیسا چه مفهومی دارد؟

آیا بجای کلیسا، گروه خانگی وجود دارد؟



اگر جواب منفی است، برای اینکه بتوان روش کار را بروش گروه یا کلیساهای خانگی سوق دهیم چه پیشنهادی دارید؟

## ۷. کلیسا موسس کلیساهای دیگر است (اول تسالونیکیان ۱: ۶-۸)

کوتاهترین تعریفی که میتوان برای نهضت تاسیس کلیساها قائل شد اینست که بگوئیم "کلیسا تشکیل کلیسای جدید بدهد". در کمبوجیه این پدیده همزمان با رشد کلیساهای باپتیست آغاز شد. در کشورهایی مثل چین رشد سریع نهضت تشکیل کلیساهای خانگی عامل تاسیس کلیساهای جدید شد.

درس مربوط به DNA در بخش ۳۱ یک طرح ژنتیکی را برای تاسیس کلیساها الگو قرار میدهد و بما میگوید که چگونه یک کلیسا قادر به تاسیس کلیسای دیگر خواهد بود.

نهضت تاسیس کلیسا در کمبوجیه زمانیکه من آنجا بودم انجام نشد، بلکه در غیاب من صورت گرفت. در سال ۱۹۹۵ من برای حدود شش ماه به آمریکا برگشتم. هنگامیکه کمبوجیه را ترک کردم ۴۲ کلیسای باپتیست در آنجا برپا بودند. در غیاب شش ماهه من این رقم به ۷۶ کلیسا رسید. امروز رشد این کلیساها به ۲۵۰ کلیسای باپتیست توسعه یافته است.

در یک منطقه از کشور چین چندین هزار کلیسای خانگی تصمیم گرفتند که به اطاعت از فرمان بزرگی که عیسی مسیح در رابطه با بشارت انجیل و شاگردسازی به همه مردم، پردازند. توسعه کار به اندازه ای بود که کلیساهای خانگی، دید و هدفشان را به شهرها و دهات اطرافشان برای تاسیس کلیساهای جدید منتقل کردند.

در یکی از مناطق کشور هندوستان شخصی افرادی را برای چگونگی تشکیل کلیسای جدید تعلیم داد. پس از چند سال آنها موفق به تاسیس ۱۷۵ کلیسای خانگی شدند. در نتیجه درک مفهوم تاسیس کلیسا توسط کلیسای دیگر باعث شد که آن شخص آنها را به دیگران تعلیم دهد. پس از گذشت شش ماه کلیساهای موجود شروع به تاسیس کلیساهای جدید نمودند و تعدادشان به سه برابر رسید.

آیا کلیساهای موجود در بین مردم مورد نظر شما کلیساهای جدید تاسیس میکنند؟

اگر بله، این کار چگونه انجام میشود؟

اگر خیر، چطور میتوان این کار را انجام داد؟

## ۸. کلام خدا مرجع محترم و معتبر است (اعمال ۲: ۱۴-۴۷، ۴: ۲۳-۲۵، ۷: ۱-۵۳، ۸: ۲۶-۳۵، ۱۳: ۱۳-۴۳، ۱۷: ۱۰-۱۲)

ویژگی دیگری که در نهضت های تاسیس کلیساهای جدید وجود دارد، مرکزیت کلام خدا در زندگی ایمانداران و کلیسا میباشد. گاهی در بعضی کشورها مسئله اعتبار کتابمقدس (منظور اینکه آیا کلام خدا عاری از اشتباه است) مورد بحث و جدل قرار میگیرد. در نهضت های تاسیس کلیسا ایمانداران جدید نگران اختلاف عقیده های تعلیمی نیستند چون آنچه که تعلیم داده میشود را میپذیرند و همه را حقایق فرض میکنند.

روش تعلیم کلام خدا با روش معمولی که در اکثر کلیساهای سنتی انجام میشود کمی متفاوت است. روش "مشارکتی" یکی از روشهای معمول مطالعه کتابمقدس است. در این روش گروهی از ایمانداران گرد هم جمع شده بخش یا داستانی را از کلام خدا مطالعه میکنند و هر کس برداشت خود را از حقایقی که دریافت میکند با دیگران در میان میگذارد و به اینصورت همه در این مطالعه فعال میباشند. در این بخش از آموزش ما فقط روش ساده "مشارکتی" را آموختیم که به آنرا "بیاموز که مطیع باشن" نامیدیم.

یکی از ابزارهای بسیار عالی در آموزش، گفتن داستان است، بخصوص برای افراد بیسواد یا کسانی که سواد کمی دارند. در یک الگوی گروهی، آن گروه کلام خدا را با هم مطالعه میکنند و باهم در میان میگذارند که چطور آنچه را که خوانند با افراد دیگر در طی هفته در میان خواهند گذاشت. در این بخش آموزشی نیز آموختیم که چگونه از داستانسرایی برای شاگردسازی و تعلیم کلام خدا استفاده کنیم.

بدون در نظر گرفتن روشهای تعلیم آنچه که در حلقه اول اهمیت دارد این است که معلمین خود به مصونیت و اعتبار کلام خدا معتقد باشند.

تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تادیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است، (دوم تیموتاوس ۳: ۱۶)

بخاطر داشته باشید که تاکید باید بر آموزش کلام خدا و اطاعت از آن باشد نه آموزش درباره کلام خدا.

خادمین کلیسا با چه روشی مردم را آموزش میدهند که کلام خدا معتبرترین مرجع میباشد؟

## ۹. تولید مثل کلیساها روند سریعی میباشد (اعمال ۴۱:۲ و ۴۷، ۴:۴، ۴:۸، ۴۹:۱۳)

کتاب اعمال رسولا بوضوح نشان میدهد که همانقدر که کیفیت برای خدا اهمیت دارد کمیت هم مهم است. خدا انتظار دارد که کلیسایش در تعداد هم رشد کند. ما هم باید همینطور باشیم. با فعالیت روح القدس کلیساهای جدید هم خیلی سریع در شرف تاسیس میباشند. رشد و توسعه سریع که توسط روح القدس انجام میگیرد یکی از ویژگیهای نهضت های تاسیس کلیسا میباشد. ما نیز باید به آنچه که پولس در اینجا به کلیسای تسالونیکیان میگوید معتقد باشیم. " در خاتمه، ای برادران، برای ما دعا کنید تا کلام خداوند به سرعت پیش رود و عزت یابد، همانگونه که در میان شما چنین شد. " ( دوم تسالونیکیان ۱:۳).

پانزده سال پیش در محلی در هندوستان شمالی حدود ۵۰۰۰ کلیسای خانگی تشکیل شد. رشد آن بسیار سریع بود. نهضت تاسیس کلیسا توسط دعا تشکیل و محافظت شد. اغلب مردم عادی با قوت روح القدس و با رفتن به جاهائیکه هیچ کس نرفته بود و بین افرادی که جدا " به مسیح نیاز داشتند کلیساها تاسیس نمودند.

در جامعه شما هر چند وقت یکبار کلیسای تشکیل میشود؟

آیا بنظر شما امکان افزایش سرعت پیشرفت کار در تشکیل کلیساها وجود دارد؟ اگر بله، چگونه میتوان آنرا انجمن داد؟

## ۱۰. آیات و معجزات مشهود هستند (اعمال ۴۳:۲، ۱۲:۵، ۱۱:۱۹-۱۲)

آیات و معجزات در سراسر آفریقای جنوبی و آسیا و جاهای دیگر مشهودند. این آیات و معجزات پیام انجیل را ثابت میکنند. عیسی مسیح به مخالفانش گفت " کارهایی که من به نام پدر خود می‌کنم، بر من شهادت می‌دهند" (یوحنا ۱۰:۲۵). آیات و معجزات همچنین نشان میدهند که در حین رشد کلیسا روح القدس در حرکت است.

موسسین کلیسا شهادت میدهند که در یکی از ایالتهای هندوستان شمالی در هنگام تیشیر پیام انجیل معجزات جاری شده، بیماران شفا میافتند و دیوها اخراج میشدند. این موسسین کلیسا در چند سال اخیر حدود ۴۰۰۰ کلیسای خانگی تاسیس نمودند. آنها شهادت دادند که تقریباً " در هر شهر و روستایی که انجیل را موحظه کردند شاهد شفای بیماران و اخراج دیوها بودند. آنها میگویند این وقایع باعث شد که پیام موعظه شده اثبات شود. در برخی مواقع معجزات باعث ایمان آوردن کل افراد روستا به عیسی مسیح میشد.

ما باید نسبت به دو عمل افراط گرانه در رابطه با آیات و معجزات مواظب باشیم.

اول اینکه بعضی معتقدند که آیات و معجزات، "مسیحیت واقعی" را حمایت میکند. این بدان معنی است که در هر جائیکه حضور و کار روح القدس وجود دارد "باید" آیات و معجزات بظهور برسد. این طرز تفکر بسیار خطرناک است چون باعث میشود که موسس کلیسا به یک "جادوگر مسیحی" تبدیل شود. جادوگری قویتر از جادوگران روستاها!

دوم اینکه بسیاری از مبشران و مسیحیان در جهت عکس به تفریط عمل میکنند. آنها معتقدند که آیات و معجزات برای تبشیر کلام خدا دیگر انجام نمیشوند و این علائم مال زمان رسولان بوده است.

هر دو حالت افراط یا تفریط از هدف اصلی بدورند. باید مواظب بود که آیات و معجزات نه مورد فراموشی و نه سو استفاده قرار گیرند. آیات و معجزات در خدمت نیازمندان و اثبات پیام انجیل عیسی مسیح میباشد.

آیا آیات و معجزات در گروه مردمی که بین شان خدمت میکنید دیده میشود؟

اگر چنین است، چند نمونه از برجسته ترین آنها را که شاهد بوده اید را نام ببرید؟

## ۱۱. پرستش اساساً "بصورت قلبی و درونی در افراد میباشد (اعمال ۱:۲-۱۳)

بشارت، آموزش، تاسیس کلیسا و پرستش به زبان محلی اهالی خومر (Khmr) انجام میشد. کتابمقدس به زبان محلی آنان ترجمه شد و تمام اهالی کمبوجیه از سرودنامه های محلی استفاده میکردند.

در اکثر عملیات تاسیس کلیسا که تا بحال مورد مطالعه قرار گرفته شده امکان پرستش بزبان محلی عاملی بسیار موثر بوده است. هر شخص باید فرصت شنیدن پیام انجیل عیسی مسیح را بزبان مادری اش داشته باشد. یکی از زیباییهای واقعه روز پنطیکاست که در کتاب اعمال رسولان باب دوم ذکر شده این بود که افراد حاضر انجیل را بزبان خودشان شنیدند. روح القدس به شاگردان نازل شد و به آنها قدرت بخشید تا بزبانهای دیگر سخن گویند و هر کس پیام را بزبان خودش میشنید و بسیاری در آن روز به مسیح ایمان آوردند.

چون روز پنطیکاست فرارسید، همه یکدل در یک جا جمع بودند که ناگاه صدایی همچون صدای وزش تندبادی از آسمان آمد و خانه ای را که در آن نشسته بودند، به تمامی پر کرد. آنگاه، زبانه هایی دیدند همچون زبانه های آتش که تقسیم شد و بر هر یک از ایشان قرار گرفت. سپس همه از روح القدس پُر گشتند و آن گونه که «روح» بدیشان قدرت تکلم می بخشید، به زبانهای دیگر سخن گفتن آغاز کردند. در آن روزها، یهودیان خداترس، از همه ممالک زیر آسمان، در اورشلیم به سر می بردند. چون این صدا برخاست، جماعتی گردآمده، غرق شگفتی شدند، زیرا هر یک از ایشان می شنید که آنان به زبان خودش سخن می گویند... پارتها و مادها و ایلامیان، مردمان بین النهرین و یهودیه و کاپادوکیه و پونتوس و آسیا و فریجیه و پامفیلیه و مصر و نواحی لیبی متصل به قیروان و نیز زائران رومی (چه یهودی و چه یهودی شده)؛ و همچنین مردمان کُرت و عربستان - همه می شنویم که اینان به زبان ما مدح اعمال عظیم خدا را می گویند. ... پس پیام او را پذیرفتند و تعمید گرفتند. در همان روز حدود سه هزار تن بدیشان پیوستند. (اعمال ۱:۲-۶ و ۹-۱۱ و ۴۱)

افراد منطقه شما با چه زبانی پرستش میکنند؟ آیا این همان زبان مادری آنان است؟

بنظر شما اگر پرستش بزبان غیر محلی انجام شود چه موانعی را برای مردم ایجام میکند؟ این موانع چگونه برآشته میشوند؟

## **۱۲. ایمانداران جدید از طریق جفا بهایی میپردازند (اعمال ۵:۱۷-۴۱، ۶:۱۲-۱۵، ۸:۱-۴، ۱۲:۱-۱۹، ۱۶:۱۶-۲۴)**

جفا به قدمت کتاب اعمال رسولان است. از همان آغاز کلیسای اولیه، ایمانداران به عیسی مسیح بخاطر ایمانشان مورد جفا و آزار و اذیت قرار میگرفتند. اما در عین حال جفا باعث رشد سریع کلیسا نیز شد. این امر در مورد کلیسای رسولان صادق بود و امروز نیز همانطور عمل میکند!

در سالهای اخیر در آسیا جفای مسیحیان بسیار شدت یافته است. کلیساها در آتش سوخته میشوند و انتخاب پیروی مسیح در اغلب نقاط جهان مورد مخالفت و دشمنی قرار میگیرد.

تمام مسیحیان باید در مقابل جفا و تعدی مردم بخاطر ایمانشان ایستادگی کنند. خادمین مسیحی نیز باید خود را در مقابل جفا آماده نمایند. پیروان مسیح در پیشبرد پیام انجیل مورد جفای مخالفان و دشمنان قرار خواهند گرفت.

این جفاها معمولاً "نتیجه مستقیم فعالیتهای خادمین وقف شده مسیح است که تمام سعی اشان ایجاد نهضت تاسیس کلیسا در تبشیر پیام انجیل عیسی مسیح میباشد. آنچه دشمنان انجیل قصد دارند بکنند خدا به خیریت کلیسایش می انجامد و آن در جهت پیشبرد نهضت تاسیس کلیسا خواهد بود.

در گروه مردمی که شما خدمت میکنید با چه جفاهایی روبرو شده اید؟

## **۱۳. رهبران کلیسا در حین کار آموزشی میبینند (اعمال ۱۶:۴، ۱۸:۱۱، ۱۹:۱۰)**

جهت پیروی از الگوی کلیسای عهدجدید رهبری کلیسا باید بدست ایمانداران محلی انجام شود.

رهبران توانا باید با روشهای فرهنگی سازگار با آن محله مورد تعلیم و تربیت قرار گیرند. در بسیاری از گروه های دست نیافته اغلب خادمین بیسواد یا کم سواد هستند. آنها حتی درآمد بسیار کمی دارند. انتظار اینکه خانه هایشان را برای تحصیل انجیل در محلی دورست ترک کنند کاریست نامناسب. آنها استطاعت مالی برای سفر و دوره دیدن در جای دور دست را ندارند.

بنابراین اگر بخواهیم هدایت آن کلیساها را بدست رهبران تحصیلکرده بسپاریم باید رهبران را از خارج اعزام کنیم، چون افراد بومی واجد شرایط تحصیلی نمیباشند. علاوه بر این آموزشگاه های سنتی کتابمقدس قادر به تعلیم و تربیت کوتاه مدت خادمین برای کلیساهای تازه تاسیس در نهضت تاسیس کلیساها نمیباشند.

اعزام ایمانداران جهت تحصیل الهیات مانعی در امر تاسیس کلیساها خواهد بود. حضورایمانداران جهت بشارت خانواده ها، دوستان، همسایه ها بسیار ضروریست. تعلیم خادمین در محل، باعث رشد و توسعه سریع کلیساها خواهد بود.

در کمبوجیه، برنامه خادمسازی محلی که در شش مرکز آموزشی در سراسر کشور مستقر است، آموزش خادمین را در محل امکانپذیر ساخته است. تحصیل الهیات بصورت الحاقی (Theological Education by Extension / TEE) یک روش دیگر موفق در امر خادمسازی برای کلیساهای باپتیست بین گروه های مردمی است.

کلیسا در منطقه آسیای جنوبی در سالهای اخیر رشد بسزائی داشته. رهبران در محل آموزش دیده اند. برنامه های آموزشی کوتاه مدت در محل یا نزدیک به مکان زندگی و کار رهبران انجام شد. این دوره ها معمولاً " دوره های فشرده یک الی سه هفته ای میباشند.

توسعه سریع تاسیس کلیسا و بکارگیری رهبران محلی بجای تعالیم آموزشگاهی بروش سنتی، همگی نیاز به آموزش محلی دارند. گاهی با رشد و بلوغ کلیساها سمینارها و دانشگاه های الهیاتی نیز تاسیس میگردند اما اینگونه آموزشهای حرفه ای در روند توسعه سریع نهضت های تاسیس کلیسا معمول نمیباشند.

رهبران کلیسایی که در خدمت گروه مردم مورد نظر شما هستند چگونه آموزش میبینند؟

شما آموزش در محل را چگونه میتوانید شروع یا بسط دهید؟

#### **۱۴. شبانان در آمدشان را از شغل دیگر کسب میکنند (اعمال ۱:۱۸-۳)**

در نهضت های تاسیس کلیساها بکارگیری شبانان شاغل (در حرفه های دیگر) یا پاره وقت بسیار معمول تر از شبانان حقوق بگیر میباشد.

مشکلی نخواهد بود اگر کلیسایی رشد کرده ، تصمیم بگیرد که شبانش را بطور تمام وقت استخدام نماید. یک کلیسا باید در امر استخدام خادم یا کشیش بسیار احتیاط کند.

استخدام خادمین تمام وقت معمولاً " جلوی رشد سریع کلیسا را گرفته است. بعضی فکر میکنند که هر کلیسای ثبت شده باید دارای یک شبان تمام وقت باشد. بسیاری از کلیساهای جدید قادر به پرداخت شبان تمام وقت نمیباشند و به

همین جهت از طرف کلیساهای دیگر اعانه و کمک دریافت میکنند و این مسئله باعث ایجاد وابستگی آنها میشود. قطع وابستگی و تبدیل به یک کلیسای مستقل شدن نیز کار مشکلی خواهد بود.

علاوه بر اینها، استخدام کشیش تمام وقت ممکن است باعث ایجاد یک فاصله مجازی بین اعضا و سیستم رهبری نماید و مانعی در خدمت مردم عادی در کلیسا ایجاد کند. این الگو در سراسر دنیا مکرراً دیده میشود.

اکثر شبانان و خادمین کلیسای باپتیست در کمبوجیه از افراد شاغل یا خادمین پاره وقت هستند. اکثر کلیساهای بدلیل مشکل مالی قادر به استخدام خادمین تمام وقت بصورتیکه در کلیساهای غربی معمول است نمیشوند. تازه اکثر خادمین کلیساهای کمبوجیه کشاورز یا مزرعه دارند که برای حمایت از خانواده هایشان نیاز به ادامه شغلشان دارند. همینطور در چین، هندوستان و کشورهای دیگر در سراسر آسیا و جاهائیکه کلیسا بسرعت رشد نموده اکثراً از خادمین و کشیشان پاره وقت و شاغل استفاده نموده اند.

آیا اکثر خادمین کلیسای شما از نوع تمام وقتند یا شاغل و پاره وقت هستند؟

استفاده از خادمین پاره وقت چه تأثیری در رشد و توسعه کلیسای شما خواهد داشت؟

## ۱۵. رهبران انعکاسی از مردم عادی میباشند (اعمال ۱:۶-۷، رومیان ۱۶:۳-۱۵)

در نهضت های تاسیس کلیسا معمولاً رهبران از بین افراد عادی انتخاب میشوند نه اعضای استثنائی و خاص. این مسئله نیز در کلیسای عهدجدید صادق است (اول قرنتیان ۱:۲۶) و امروز هم عملی میباشد.

کسانیکه در نهضت های تاسیس کلیسا وارد خدمت رهبری میشوند معمولاً افراد عادی اما استثنائی هستند که زندگی خود را در اطاعت از کلام خدا وقف خدمت مردم نموده اند و بخاطر انجیل عیسی مسیح زندگی اشان را داوطلبانه به خطر انداخته اند. اما به هر حال آنها از عوام هستند و مثل مردم عادی زندگی میکنند.

در کلیسای شما چه افرادی میتوانند رهبر باشند؟

آیا رهبران از بین مردم عادی هستند؟

آیا برای شما امکان دارد که از بین مردم عادی برای کلیسایتان رهبران انتخاب کنید؟

## **۱۶. تعداد خادمین مسیحی مقیم بطور قابل ملاحظه ای بیش از خادمین غیر بومی میباشد (اعمال ۱۳-۲۰)**

اگر هدفتان رشد و زایش سریع یک کلیسای محلی است باید اجازه دهید که خادمین خارجی جای خود را به خادمین محلی بدهند. در واقع اگر خادمین خارجی بخاطر برتری صلاحیتشان نسبت به افراد محلی، مدت زیادی را در کلیسا بمانند مانع رشد آن کلیسا خواهند شد.

در سالهای اخیر در سراسر آسیای جنوبی کلیساها با خادمین محلی رشد بسیار سریعی در تولید کلیساهای دیگر داشتند. خادمین خارجی در نهضت های تاسیس کلیسا رهبران کلیسا نیستند. آنها بیشتر نقش کاتالیزور (اثر مجاورت جسمی در یک فعل و انفعالات برای تسریع انجام کارشیمیایی) در تعلیم و خادمسازی رهبران آنجا را دارند.

چند درصد از خادمین خارجی در کلیسا شما فعالند؟ (توجه داشته باشید که منظور از خادمین خارجی کلیه خادمین غیربومی یا غیر محلی است).

شما برای افزایش خادمین محلی در کلیسایتان چه پیشنهادی دارید؟

## **۱۷. خادمین مسیحی از جهات مختلف در فشار و مشکلات قرار میگیرند (دوم قرنتیان ۵:۱-۶، ۱۱:۲۳-۲۸، فیلیپیان ۱:۲۹-۳۰، اول پطرس ۱:۶-۷، ۳:۱۴-۱۶)**

جفا و تعدی تنها مواردی نیستند که مسیحیان را تحت فشار و آزار قرار میدهند. دشمن، تیرهای آتشین بسیاری به سمت برگزیدگان خدا میاندازد تا جلوی پیشرفت ملکوت خدا در تاریکی را بگیرد. آنچه قدر مسلم است اینست که اغلب با رشد کلیسای خدا ایمانداران دچار زحمت خواهند شد.

پولس رسول به کلیسای قرنتیان درباره این زحمات چنین مینویسد:

پنج بار از یهودیان، سی و نه ضربه شلاق خوردم. سه بار چوبم زدند، یک بار سنگسار شدم، سه بار کشتی سفرم غرق شد، یک شبانهروز را در دریا سپری کردم، همواره در سفر بودهام و خطر از هر سو تهدیدم کرده است: خطر گذر از رودخانهها، خطر راهزنان؛ خطر از سوی قوم خود، خطر از سوی اجنبیان؛ خطر در شهر، خطر در بیابان، خطر در دریا؛ خطر از سوی برادران دروغین. سخت کار کرده و محنت کشیدهام، بارها بیخوابی بر خود هموار



کرده‌ام؛ گرسنگی و تشنگی را تحمل کرده‌ام، بارها بی‌غذا مانده‌ام و سرما و عریانی به خود دیده‌ام. (دوم قرنتیان ۱۱: ۲۴-۲۷)

بسیاری از خادمین کلیساهائیکه در نهضت های تاسیس کلیسا فعالند در مورد زحمات مطالعاتی داشته اند. آنها بهای گزافی چه از لحاظ روحانی، احساسی، حتی جسمانی از قبیل مریضی، تهمت، ضررهای شخصی، سوگواری و مشکلات دیگر را پرداخته اند. زحمات با شروع نهضت تاسیس کلیسا آغاز میشود و با رشد و توسعه آن ادامه پیدا میکند.

خادمین مسیحی که در بین شما خدمت کردند چه زحماتی را پشت سر گذاشتند؟

آیا شما بین زحمت و رشد کلیسا رابطه ای میبینید؟ اگر بله، لطفاً آنرا توضیح دهید.

## ۱۸. اصل ۲۲۲ مورد اجرا و پیگیری قرار میگیرد (دوم تیموتاوس ۲:۲)

مهمترین اصل کتابمقدس که از دوم تیموتاوس ۲:۲ گرفته شده از همان ابتدای کار به کلیسا کمبوجیه تعلیم داده شد. به آنها گفته شد که هر وقت برای خدمت به جایی اعزام میشوند حتماً باید کسی را همراه داشته باشند. با این کار آموزش و خادمسازی بطور خودکار یا هدفمند، در محل انجام خواهد شد.

در زمان عهدجدید پولس رسول در خدمت به کلیساهای مختلف با همراهان سفر میکرد. او با این کار خدمتش را به افراد دیگری از جمله تیموتاوس و تیتس و غیره توسعه داد.

کلیسای پیشرفته امروز، این روش خادمسازی را فراموش کرده است. ما برای آماده سازی خادمین جهت خدمت بیش از حد به روش آموزشگاهی وابسته شده ایم. ما در تربیت آنها سرمایه گذاری لازم در وقت و نیرو جهت تجهیز خادمین را نادیده گرفته ایم. لازم است که روشهای عیسی و پولس رسول بازنگری شده آنها را اعمال کنیم. بنابه گفته S. D. Ponraj موسس شبکه بشارتی بیهار "هیچ کس بدون جانشینان کامیاب موفق نمیشود". ما هم با تعلیم و تربیت موثر این جانشینان موفق را بوجود میآوریم.

اصل دوم تیموتاوس ۲:۲ در خدمت روحانی شما چگونه اعمال میشود؟

برای موثرتر شدن این اصل چه پیشنهادی دارید؟

## **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

در ذیل دو یا سه نکته عمده و قابل توجه که از این بخش فرا گرفته اید و بنظر شما برای خدمت کلیسایی خود مفید خواهند بود را بنویسید.

## بخش ۳۳

### موانع در نهضت های تاسیس کلیساهای جدید

نهضت های تاسیس کلیسا بدون شک حاصل کار روح القدس در بین گروه مردم مورد نظرمان است. از طرف دیگر بعضی خادمین مسیحی خواسته یا ناخواسته میتوانند کار روح القدس را اظفا نمایند. فهرست زیر لیست برخی موانعی است که میتوانند بر سر راه نهضت های تاسیس کلیسا قرار گیرند. اغلب این موانع کار دست انسانند. نتیجه آن بیشتر اوقات اظفا کردن کار روح القدس است که در اثر آن کلیسای خدا را بین گروه های مردم یا تولید ویا متوقف میگردد.

### تحمیل شرایط اضافی به ایمانداران جهت برسمیت شناختن یک کلیسا

در خیلی از مواقع موسسین کلیساها تعریف دیگری فراتر از آنچه کلام خدا میگوید در رابطه با کلیسا قائلند. اغلب آنها معتقدند که کلیسا جائیست که حداقل دارای یک شبان تمام وقت و حقوق بگیر و یک ساختمان برای عبادت باشد. برخی دیگر هم عوامل دیگری از قبیل داشتن تعداد حداقل خانواده های عضو یا خواندن سرودهای ویژه را شرط دانستن یک کلیسای رسمی میدانند. اینطور شرایط مبنای کتابمقدسی ندارند.

باید مواظب باشیم که در نهضت تاسیس کلیسا موانعی را سد رشد و توسعه کلیساها ایجاد نکنیم. تشویق کردن کلیسا برای اختصاص دادن یک مکان عبادتی یا استخدام یک شبان تمام وقت هیچ اشکالی ندارد. اما مشکل آنجائیست که اینها تبدیل به شرایطی برای برسمیت شناختن کلیسا شوند. ما باید در تعریف کلیسا بعنوان بدن مسیح بازنگری کنیم. کلیسا مکانی نیست که به آنجا میرویم، کلیسا هویت ماست و هر کجا که جمع میشویم آنجا کلیساست.

ما باید در مقابل جانشینی تعریف فرقه ای کلیسا بجای تعریف کتابمقدسی آن ایستادگی کنیم. باید مواظب باشیم که در کلیسای جدید تعالیم فرقه ای و فرهنگی را جانشین حقایق کلام خدا نکنیم. از لحظه ای که ایمانداران برای دعا، پرستش، مشارکت، مطالعه کتابمقدس، بشارت جمع میشوند باید آنها را بعنوان کلیسا مسیح در آن محل بشناسیم.

بنا به روش من و موسسین دیگر کلیساها در تعلیم رهبران جهت خدمت در کمبوجیه بزبان محلی سعی نمودیم تعاریف و شرایط را برای کلیسا در حد امکان ساده و خلاصه نگه داریم. هیچ وقت نبوده که بخواهم تعاریف باپتیستی خود را که به آن الهیات سنتی باپتیستی میگوئیم، به کلیسای جدید تحمیل کنم. کلیه تعالیم و آموزشها فقط بر اساس کتابمقدس است. به ایمانداران آموزش داده شد که در کلام خدا تحقیق کنند و برای دریافت حکمت و بصیرت لازم برای رشد روحانی و زندگی در مسیح به روح القدس تکیه کنند.

برای اینکه گروه ایمانداران را از بین گروه مردم مورد نظرمان بعنوان کلیسا بشناسید چه شرایطی در نظر دارید؟

ساده ترین تعریفی که مردم مورد نظرتان را بعنوان کلیسا مشخص میکند را بیان کنید.

## **آیا مسیحی شدن باعث از بین رفتن هویت فرهنگی و اجتماعی افراد می‌گردد؟**

در شمال شرقی هندوستان فرصت آشنایی با یک خانواده مسیحی از نسل چهارم داشتم. اصل و نسب آنها همه به آن منطقه تعلق داشت و سالها بود که آنجا زندگی میکردند. اما وقتی از آنها سوال کردم که آیا بومی هستید و اصلاً" به این منطقه تعلق دارید گفتند نه ما دیگر مسیحی شدیم. سوال کردم که منظورشان چیست. گفتند ما دیگر مثل مسیحیان لباس میپوشیم، غذای مسیحیان رو میخوریم و مثل آنها رفتار میکنیم. ما دیگر به آن منطقه تعلق نداریم. البته از شنیدن این صحبت بسیار متاثر و متأسف شدم!

در خیلی از مواقع وقتی ایمانداران جدید به مسیح ایمان میآورند ابتدا هویت فرهنگی و اصالت خود را فراموش میکنند بعد مسیح را پیروی میکنند. در خیلی از مناطق آسیای جنوبی این مسئله باعث شده که مسیحیان تبدیل به یک طبقه یا قوم خاصی از جامعه را شده است. در بعضی از مواقع وقتی از نو ایمانان درخواست میکنیم که برای خود اسامی مسیحی انتخاب کنند، با این کار (شاید ناخواسته) هویت فرهنگی آنان را از بین میبریم. در بعضی شرایط دیگر مشاهده شده که از نو ایمانان خواسته شده که حتی طرز لباس پوشیدنشان را نیز تغییر بدهند یا غذاهایی بخورند که هیچ وقت از لحاظ سنتی لب به آن غذاها نمیزدند. همین مسائل هستند که غالباً" خانواده ها و دوستان و آشنایان را با مسیحیت به مخالفت میکشانند.

وقتی بی ایمانان شاهد این گونه رفتارها در بین نوایمانان هستند به مخالفت با پیام انجیل بر میآیند البته مخالفت آنها با خود پیام نیست بلکه رنجشی است که حاملین پیام برایشان بوجود آورده اند. انتشار کلام خدا در بین مردم زمانی متوقف میشود که آنها احساس کنند برای مسیحی شدن باید هویت فرهنگی خود را کنار بگذارند.

بنظر شما آیا امکان دارد که کلیسایی را تاسیس کنیم که تمام اعضای آن گیاهخوار باشند؟ آیا یک شخص "سیک" برای مسیحی شدن باید موهایش را کوتاه کند؟ آیا افراد بومی باید در عبادتهای خود از سرودهای ترجمه شده با سبک غربی استفاده کنند یا میتوان عبادت را با موسیقی محلی آنان تطبیق داد؟

آیا افراد گروه شما برای مسیحی شدن باید هویت فرهنگ خود را کنار بگذارند؟

اگر جواب مثبت است بنظر شما چه چیزهاییست که باید کنار بگذارند؟

اگر جواب مثبت است بنظر شما این مسئله چه موانعی را در تبشیر کلام بین آن گروه بوجود می‌آورد؟

چطور می‌توانید مسئله تغییر فرهنگ را در زندگی ایمانداران اصلاح کنید؟

## **کلیسای جدید نباید الگو و روش زندگی مردم را تغییر دهد**

در اکثر جاها کلیسای موجود شکل و سبک غربی را بخود گرفته است. آغاز نهضت تاسیس کلیساهای جدید ممکن است از طرف کلیساهای موجود مورد مخالفت قرار گیرد چون مغایر با سبک و روش آنها عمل میکند.

فعالیت‌های میسیونری در کمبوجیه تاریخی است. کلیسای سنتی آنجا بخاطر اینکه نتوانسته روشهای خود را منطبق و هماهنگ با فرهنگ آنجا تنظیم نماید تا کنون موفق نشده که بطور وسیع رشد کند. به همین دلیل آن روشهای قدیمی و مخرب در تاسیس کلیسا جدید جایی ندارند و نمیتوانند مشکلی در سر راه آنان ایجاد کنند. یکی از مشکلاتیکه آن کلیساهای دارند این است که میخواهند مفهوم کلیسا را بتعریف خود بر مردم تحمیل کنند. علاوه بر آن خیلی از این کلیساهای در آن کشور بعنوان مسیحیان اسمی شناخته شده اند. اکثر افراد بی ایمان این کلیساهای را الگوی مسیحیت میدانند و این مانعی در تبشیر پیام راستین انجیل در بین آنهاست.

در خاتمه یکی از بزرگترین موانع در رشد سریع زایش کلیساهای جدید مسائل فرقه ای است که کلیسای مسیح را تکه تکه نموده است. حضور فرقه ها خود مشکلی ندارد بلکه مسئله آنجایی آغاز میگردد که آنها به رقابت با یکدیگر میپردازند. رفتار تفرقه آمیز اغلب باعث میشود که مردم پیام انجیل را رد کنند.

کلیسای سنتی موجود در گروه مردمی شما چه موانعی را برای تبشیر پیام انجیل ایجاد نموده است؟

شما برای برداشته شدن این موانع چه راه‌هایی پیشنهاد میکنید؟

## **سعی در محدود ساختن نهضت تاسیس کلیسا در یک فرقه کلیسایی مانع رشد آن میشود**

در سالهای گذشته سازمانهای بشارتی به توافقاتی رسیدند که طی آنها محدودیهایی را برای فعالیتهای خود تعیین کردند تا از رقابت و دوباره کاری جلوگیری شود. اگرچه اینکار با قصد خوبی صورت گرفت اما اغلب مانع رشد سریع زایش کلیسا

میشود. واقعیت دنیای امروز اینست که همه امکانات لازم برای خدمت بشارت به گروه های مردمی در یک فرقه کلیسایی موجود نیست. این گناه غرور است اگر کلیسا یا فرقه ای بخواهد ادعا نماید که فقط آنها قادر به انجام امر بشارت بطور کامل میباشند.

جدایی و تفرقه معمولاً باعث کاهش رشد کلیسا میشود. در آفریقای جنوبی، گروه های مردمی در شهرها به بیش از ۵۰۰۰۰ نفر و یا حتی ۱۰۰۰۰۰ نفر میرسند. بدلیل وسعت کار سازمانهای بشارتی مجبورند که با هم در یک روح همکاری کنند تا بتوانند با تشکیل کلیساهای متعدد کلام خدا را به تمام گروه های مردمی برسانند. در کمبوجیه فرقه ها و سازمانهای مختلف مسیحی با همکاری هم در سراسر کشور کلیساها بنا نمودند. در چینیکه سازمانهای بشارتی مسئولیت امور تاسیس کلیساها را بعهده داشتند خادمین مسیحی هم در امر بشارت، رهبری و تعلیم در صف جلو فعالیت میکردند. رفتار و نحوه خدمات در مشارکت با هم بگونه ای بود که با همکاری سازمانهای مختلف موفق به تاسیس کلیساها به تعداد مناسب در سراسر کشور جهت تبشیر انجیل عیسی مسیح به کل جمعیت آن کشور نمودیم. با چه روشی میتوانید بین خادمین از سازمانهای خدماتی مختلف برای رشد سریع تولید کلیساها همکاری ایجاد کنید؟

## **تولید کلیساهایی که قادر به تکثیر کلیسای محلی نیستند. رشد کار را متوقف میکند**

اشتباه بزرگی خواهد بود اگر موسسین کلیساها روشهای بشارتی اتخاذ کنند که ایمانداران محلی قادر به انجام آنها نباشند. این کار ممکن است مانعی در راه نهضت تاسیس کلیسا ایجاد کند و یا حتی آنها متوقف سازد. تقریباً هر چیزی را میتوان دوباره تولید کرد اما تاسیس کلیسا توسط یک کلیسا محلی کار آسانی نیست. مثلاً بکارگیری تکنولوژی بالا درجائیکه کاربرد ندارد و مردم نمیتوانند از آن بهره گیری کنند باعث جلوگیری از رشد و توسعه کلیسا میشود. یا اینکه ساخت بناهاییکه مردم محلی از لحاظ اجرایی توانایی آنها ندارند نیز همینطور میباشد. با روشهای ساده موعظه بهتر میتوان کلیسا را در رشد سریع آن یاری نمود. هدفمان باید این باشد که فعالیتها را تا آنجائیکه امکان دارد سهلتر انجام دهیم. بمنظور توسعه و زایش سریع کلیساها باید مطمئن باشیم الگوهاییکه از بشارت، شاگردسازی، خادمسازی و تاسیس کلیسا برای ایمانداران بجا گذاشتیم برای آنان قابل اجرا میباشد.

در کمبوجیه سعی شد از روشهایی استفاده شود که برای موسسین کلیسای محلی به آسانی قابل اجرا باشد. سمینارهای آموزشی با تدارکات و آموزشهای بسیار ساده انجام شد. برای مثال موسسین کلیسا از گچ و تخته سیاه بجای ویدئو و کامپوتر استفاده کردند.

آیا کلیسایی را که تاسیس میکنید میتواند براحتی کلیسای دیگری را تولید کند؟

اگر جواب منفی است، بنظر شما موانع کار چیستند؟

این موانع را چگونه میتوانید برطرف نمایید؟

## **کمکهای مالی میتواند ایجاد وابستگی نماید**

پول بخودی خود چیز شیطانی نیست. اما همانطور که کلام خدا بوضوح هشدار میدهد ریشه همه بدیهاست. اغلب خادمین بگونه ای از پول استفاده میکنند که ایجاد وابستگی میکند. البته برخی مواقع برای بشارت به گروه های مردمی در مورد محبت مسیح تامین مالی لازم است. همچنین کارهای دیگری مثل پخش برنامه های رادیویی، ترجمه و توسعه فیلم "عیسی" نیاز به پول دارند. همه این مثالهایی که به آنها اشاره شد استفاده درست از پول میباشد.

پول موقعی مانع کار میشود که بخواهد فعالیتی را از لحاظ مالی در یک دوره پشتیبانی کند در صورتیکه با اینکار ادامه آن فعالیت وابسته به کمک مالی از منابع خارجی میشود. هنگامیکه کمکهای خارجی قطع گردند آنگاه آن فعالیتها هم از بین خواهند رفت. کمکهای مالی باید بگونه ای توزیع کردند که نهضت تاسیس کلیسا در کل پشتیبانی شود.

کار موسس کلیسا باید به گونه ای باشد که کلیسای جدید پس از زمان کوتاهی استقلال مالی خود را کسب نماید. از زمانیکه وابستگی مالی در کلیسا ایجاد شود رشد کلیسا دچار مشکل خواهد بود، چون آنچه که برای نوایمانان الگوی کار قرار میگیرد این طرز تفکر است که بدون حمایتهای مالی هنگفت تاسیس کلیسا غیر ممکن میباشد. باید مرتباً از خداوند بخواهیم که بما بیاموزد چگونه ناظران امین بر منابع مالی که بما سپرده شده باشیم.

پول در چه شرایطی مانع تاسیس سریع کلیسا در بین گروه مردم مورد نظرمان میباشد؟

این موانع را چگونه میتوان از میان برداشت؟

## **درخواست مدارک دانشگاهی که امکان تهیه آن برای خادمین غیر ممکن است**

همانگونه که قبلاً هم اشاره شد بعضی از موسسین کلیسا تعریف دیگری از "کلیسا" متفاوت از آنچه در کتابمقدس گفته شده را قائلند. به همینطور باید مواظب بود که بعضی از شرایط بر خادمین که ورای آنچه کلام خدا مقرر کرده بر آنان تحمیل نشود.

برخی از فرقه های مسیحی برای تعیین خادمینشان شرایط مافوق آنچه کلام خدا میگوید در نظر میگیرند. باید عیسی مسیح و انتخاب شاگردانش در این امر الگو قرار گیرد. همچنین لازم است نگاهی به نصیحتهای پولس به تیموتاوس و تیتوس

بیاندازیم. کلام خدا به شخصیت اخلاقی و اراده شخص به پیروی مسیح بیشتر از هر چیزی اهمیت میدهد. علاوه بر این عیسی مسیح به شاگردانش آموخت که رهبر مسیحی خادم مردم است. باید خود را ارزیابی کنیم که آیا شرایطی که برای خدمت در نظر گرفته ایم فراتر از کلام خداست یا خیر. باید مواظب باشیم که شرایطی بیشتر از آنچه کتابمقدس برای رهبران در نظر دارد را بر آنها تحمیل نکنیم. هر چه بیشتر شرایط تحمیل کنیم موانع بیشتری هم صد راه توسعه تولید کلیساهای جدید ایجاد خواهیم نمود. چه شرایطی را برای کسی که بخواهد رهبر کلیسای تاسیس شده باشد در نظر گرفته شده؟

کدام از این شرایط بیش از آنچه در کتابمقدس گفته شده میباشند؟

بنظر شما شرایط یک رهبر کلیسایی چیست؟



## **آنچه را که آموختید ثبت کنید**

در ذیل دو یا سه نکته عمده و قابل توجه که از این بخش فرا گرفته اید و بنظر شما برای خدمت کلیسایی خود مفید خواهند بود را بنویسید.

## بخش ۳۴

### طرح جامع برای تاسیس کلیسا

ما طرح جامع خود را در تمام فعالیتهای غیر از تاسیس کلیسا انجام داده ایم. بخاطر داشته باشید که طرح جامع بر اساس شش استراتژی فوق تنظیم میگردد: پژوهش، دعا، شراکتها، جایگاهها، بشارت و شاگردسازی و تاسیس کلیسای جدید. هر برنامه ریزی در رابطه با این شش مقوله انجام شود در واقع جهت نیل به هدف کلی طرح جامع (تحقق رویای نهایی، یا بشارت کامل به گروه مردم از طریق تکثیر مجدد کلیساهای محلی) تنظیم میگردد.

تا اینجا بخشهای مربوط به تاسیس کلیسا را به پایان رسانده ایم. بنابراین در طی این بخش متمرکز تشکیل لیستی از اهداف، منابع، فرصتهای حاصله از موانع، طرحها و روند قابل ارزیابی در خدماتمان خواهیم شد.

اگر نیاز به مطالعه مفاهیم دارید میتوانید بخش نهم این کتاب که در مورد طرح جامع جهت پژوهش میباشد را مطالعه نمائید.

مطالب زیر مثالی از طرز تهیه این هدفها و طرحها در رابطه با تاسیس کلیسا جهت طرح جامع شما میباشد.

---

## تاسیس کلیسا

رویای نهایی خود را در ابتدای اجزا تاسیس کلیسا که مربوط به طرح جامع شماست بنویسید.

### اهداف:

مثالهایی از اهداف قابل اندازه گیری در رابطه با تاسیس کلیسا:

- ده کلیسا در مناطق سوق الجیشی که مردم در دو سال آینده خواهند زیست ایجاد نمائید.
- کلیساهای خانگی فوق را جهت تولید کلیساهای دیگر تجهیز نموده آنها را تا نسل سوم یاری دهید.
- برنامه های تعلیمی خادمسازی در حین کار برای سال اول تهیه کنید.
- کلیساهای خانگی را جهت ایجاد یک شبکه برای مشارکت و تشویق ایجاد کنید.

## منابع:

مثالهایی از منابع مورد نیاز در تامین اهداف ذکر شده بالا شامل موارد زیر است:

- الفبای موسسین کلیسا
- لیست کلیساهای موجود در منطقه
- گروه شاگردسازی خودم
- تحصیلات علم الهی با زیرمجموعه سازمانها
- گروه های مسیحی که متمرکز تاسیس کلیسا میباشند

## فرصتهای بدست آمده از موانع:

در رابطه با اهداف بالا موانع زیر قابل تبدیل به فرصتهای خدمتی میباشند:

- **موانع:** مخالفتهایی در رابطه با کلیسای خانگی وجود دارد.
- **فرصت خدمت:** ایمانداران یا سازمانهایی را که کلیسای خانگی را حمایت میکنند را پیدا کنید سپس اعضا را از اهمیت آن تعلیم دهید.
- **موانع:** کلیساها نسبت تاسیس کلیساهای جدید بی اطلاع میباشند.

**فرصت خدمت:** با صبر کلیسای خانگی اتان را آموزش دهید تا کلیسای دیگری را تاسیس کند.

## طرحهای اجرایی:

مثالهای زیر طرحهای اجرایی اهداف بالا میباشند:

- از نقشه حصاد مراکز سوق الجیشی را تعیین کنید سپس ده کلیسا خود را مشخص نمائید.
- موسسین کلیساها و مبشرین را تعلیم داده تجهیز نمائید تا بتوانند در کلیساهای خانگی خود تعلیم دهند – یک گروه آموزشی زنجیری ایجاد نمائید.
- یک سیستم پیگیری و بازبینی در رابطه با تاسیس کلیسا تهیه کنید.

- از گروه بخواهید که در محل تعلیم دهند و سوال نمائید که آیا از امکاناتشان میتوانیم استفاده کنیم یا خیر. اگر قبول نکردند آنگاه خود روند تعلیم در محل خودمان را آغاز میکنیم.
- کلیه رهبران و موسسین کلیسا را جهت قصه گویی آموزش دهید. همچنین آنها را بروش "آنها را بیاموز تا مطیع باشند" تعلیم دهید.
- سرودهای محلی برای کلیسای آن منطقه تدوین کنید.
- رهبران و موسسین کلیسا را جمع کرده کلیسا را با فرهنگ محلی مطابقت نمائید.
- کلیساها را در ایجاد شبکه جهت مشارکت و تشویق یاری نمائید. هر سه ماه یک برنامه مشارکتی در محلی که کلیساهای خانگی میتوانند جمع شوند ایجاد نمائید.

## **روندهای قابل ارزیابی:**

- ذیلاً " شاهد مثالهایی از روندهای قابل ارزیابی میباشید.
- تعداد رهبران تعلیم یافته برای تاسیس کلیسا در مناطق را یادداشت نمائید تا منطقه ای از قلم جا نماند.
- روند تولید و توسعه کلیساها را بطور مکتوب دنبال نمائید تا مطمئن شوید که در هر روستا یک کلیسا موجود است.

## آنچه را که آموختید ثبت کنید

در صفحه بعدی شما باید قادر بکار بر روی اهداف، منابع، فرصتهای حاصله از موانع، طرحها و روندهای قابل ارزیابی خود برای تاسیس کلیسا باشید. بخاطر بسپارید که در شروع کار رویای نهایی را در بالای صفحه بنویسید. سپس قدم به قدم بر روی هر منطقه کار کنید. چنانچه سوالی داشتید از افراد دیگر گروه یا معلمین گروه سوالتان را بپرسید.

### شرح رویای نهایی

--

### تاسیس کلیسای جدید

	<b>اهدافها</b>
	<b>منابع</b>
	<b>فرصتهای حاصله از موانع</b>
	<b>طرح های عملیاتی</b>
	<b>مراحل ارزیابی شده</b>

## بخش ۳۵

### تصمیمی که به نهضت های تاسیس کلیساهای جدید منتج خواهد شد

امروز روز تصمیم گیریست. روزها را با هم سپری کردیم. بسیار آموختیم و از روح القدس و نیز از همدیگر تشویق شدیم. آیا آنچه را که آموختید در خدمتتان بکار خواهید گرفت؟

بخاطر بسپارید که این دوره آموزشی فقط برای صید جانها بیشتر و موثرتر میباشد. اکنون خط مشی های جامعی را تهیه کردیم که مانند نقشه راه در خدمات روحانی امان عمل میکنند. علاوه بر این، اصول کتابمقدس و ابزارهای متفاوتی که در این کتاب مطرح شده بما در ایجاد نهضت های تاسیس کلیسا کمک خواهند کرد.

آنچه را که بنظر خیلی ساده میرسد انجام ندهید.

پس از مرگ مسیح، شاگردان به آن کار راحتی که قبلاً داشتند یعنی ماهیگیری برگشتند. برگشتند به خدمت خود و عوض نکردن شرایط درست مثل همان راحتی و آسوده طلبی میماند.

هدف تشویق به ایجاد نهضت های تاسیس کلیساهای جدید میباشد. تعریف نهضت تاسیس کلیسا را دوباره مطالعه کنید و کاملاً خود را به آن وقف نمائید تا بخاطر مردم و جلال خدا نهضت های تاسیس کلیساها را ایجاد کنید.

جنبش تاسیس کلیسای خانگی، روندیست تحت کنترل روح القدس، در تکثیر سریع و چندگانه کلیساهای محلی، بین گروه های خاص مردم، بگونه ای که هر شخص بطور انفرادی فرصت خواهد یافت، تا خبر خوش عیسی مسیح را بشنود و به آن پاسخ گوید.

عنوان این دوره آموزشی اعمال ۲۹ میباشد که اشاره به فصلیست که کلیسا امروز در آن قرار دارد. اعمال روح القدس در خدمت ما در حصاد هر روز دیده میشود. شما قسمت اساسی این بخش را تشکیل میدهید. خدا از شما دعوت کرده و نیز تجهیز نموده تا پیام انجیلش را به اقصای جهان ببرید. حال بروید و با هدف اینکه کلیساهایی که کلیسا تولید میکنند تاسیس کنید.

ویلیام کری (۱۸۳۴ - ۱۷۶۱) یک میسیونر باپتیست که نزد مردم هندوستان رفت و پدر میسیون مدرن لقب داده شده میگوید "از خدا انتظار چیزهای عظیم را داشته باشید و هدفتان انجام کارهای بزرگ برای او باشد." با قوت خدا پیش بروید و این روشهای موثر صید جانها را بکار بگیرید. با انتظار برکت خدا به پیش بروید.

با آرزوی اینکه خدا تورهایتان را از فرط صید فراوان جانها، بمرز پاره گی برساند. به امید اینکه خدا خوشی حاصل از مشاهده پرستش گروه مردم مورد نظرتان را بشما عطا فرماید.